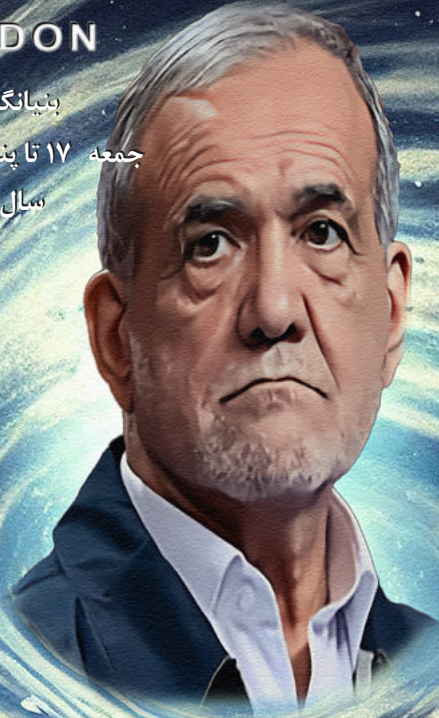


# کیمهان ۵۰۳

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده  
جمعه ۱۷ تا پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۳ خورشیدی  
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۶۹



# جابجایی برای نجات!





خرید سالنامه مهسا



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند  
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت  
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

خرید کتاب سقوط بهشت



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند  
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت  
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- [https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

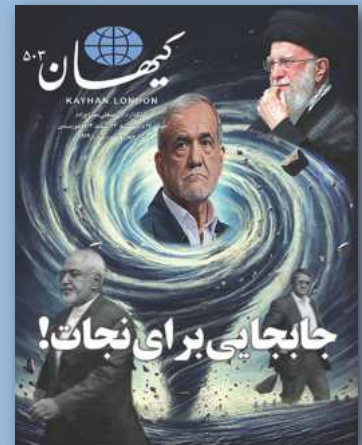
\*\*\*\*\*

10 New Square-Lincoln's Inn  
London WC2A 3QG  
Tel: 0044 (0)20 3633 3684  
e-mail:  
info@kayhan.london  
ads@kayhan.london  
editorial@kayhan.london  
www.kayhan.london  
www.kayhanlife.com

\*\*\*\*\*

سال چهل و یکم  
کیهان شماره ۱۹۶۹ (۵۰۳)

جمعه ۱۷ تا پنجشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۳  
۷ تا ۱۳ مارس ۲۰۲۵



آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد

نشانی سایت:

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

روابط عمومی:

[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)

آگهی و تبلیغات:

[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

سردبیری:

[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY  
[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوره»: جاه عنکیوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. عالمان می‌توانند این کتاب را مستقلاً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@bconnect.com](mailto:satrap@bconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)  
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD  
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA  
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN  
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE  
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY



نامه‌ها و عاشقانه‌ها

حکایتی شیرین از عشق و دلدادگی

نوشته: داریوش پیرنیا

به کوشش منصوره پیرنیا

لطفا جهت تهیه کتاب "نامه‌ها و عاشقانه‌ها" با انتشارات مهر ایران

شماره تلفن: ۳۰۱۲۲۹۶۷۷۸ و ۲۴۰۶۰۲۷۲۷۳ در شرق آمریکا تماس حاصل نمایید.

Web: [www.pirnia.com](http://www.pirnia.com)

Email: [pirnia@pirnia.com](mailto:pirnia@pirnia.com)

# کیهان

## \* فهرست مطالب \*

۴ ..... سرمقاله - فمینیسم مذکر! / / الاله بقراط

۴-۵ ..... تیر هفته - جابجایی برای نجات! / /

۶ ..... شاهزاده رضا پهلوی در نشست «آفرانت»: دولت‌های خارجی باید از حرکت ... / /

۶-۷ ..... سخنرانی ترامپ در کنگره آمریکا؛ از وایبای خرید نفت و گاز روسیه پیش از دفاع ... / /

۷ ..... شاهزاده رضا پهلوی درباره کنار گذاشتن اعضای «دولت فاسد پز شکیان»: نه ساختار مناسب و نه ... / /

۸ ..... دیدار پرنش رؤسای جمهوری آمریکا و کر این در کاخ سفید ... / /

۹ ..... ترامپ: زینیسکی برگشت که توافق را امضاء کند ولی من الان نمی‌توانم ... / /

۱۰-۱۱ ..... گزارش ویژه: روایت دانشجویان از ترس و ناامنی و حراست‌های مزاحم ... / /

۱۱ ..... تونل ... / /

۱۲-۱۳ ..... اصلاحات ارزی: خدمت با خیانت (بخش پایانی) / / منوچهر خلخالی

۱۴ ..... پوتین خودخواه‌ها هم فشار ترامپ علیه خامنه‌ای ... / /

۱۵-۱۷ ..... چپ و راست با حق و باطل؟ / /

۱۷-۱۹ ..... شتاب گرفتن روند فروپاشی اقتصادی ایران ... / /

۲۰-۲۱ ..... مجاهدین خلق، اسب تروای جمهوری اسلامی ... / /

۲۲ ..... میانجیگری روسیه؛ سرایی برای تحلیلگران طرفدار جمهوری اسلامی ... / /

۲۲-۲۳ ..... بازداشت یک اسراییلی به اتهام فروش اطلاعات هسته‌ای به حکومت ایران ... / /

۲۳ ..... سفیر اسرائیل در آمریکا: تلاش‌های دیپلماتیک برای مهار جمهوری اسلامی شکست ... / /

۲۴ ..... او جالان از «پ ک ک» خواست سلاح‌ها را زمین بگذارد ... / /

۲۵ ..... بیانیه اتحادیه اروپا و آمریکا در نشست شورای حکام: آژانس نمی‌تواند ماهیت صلح آمیز ... / /

۲۶ ..... به دستور ترامپ ارسال کمک‌های نظامی به او کر این متوقف شد ... / /

۲۷ ..... اختصاصی رونیز؛ سفر چند متخصص موشکی روسیه به ایران ... / /

۲۸ ..... «هنر بنه توشی» برای خامنه‌ای به اسم ولا پتمداری ... / /

۲۹ ..... «اسکای نیوز»: هر قدر تباط با حکومت ایران در بریتانیا بایده حضور خود را ثبت کند و گر نه ... / /

۳۰ ..... بلومبرگ: موافقت پوتین با درخواست ترامپ برای میانجیگری در مذاکره با ... / /

۳۰-۳۱ ..... واکنش‌ها به پیشنهاد روسیه برای میانجیگری بین تهران و واشنگتن ... / /

۳۱ ..... انتقاد افاضل گروسی از عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ... / /

۳۲ ..... س.بی.اس: به دستور ترامپ دامنه اف‌ادی که «می‌تواند هدف حمله فرار گیرند» بیشتر شد ... / /

۳۲ ..... کفرانس «پیامدها و کارنامه ۴۵ سال انقلاب اسلامی در ایران» در دانشگاه سوربن برگزار شد ... / /

۳۳ ..... کرملین: مسئله ایران بخشی از مذاکرات روسیه و آمریکا در باره او کر این است ... / /

۳۳ ..... مخالفت وزیر دفاع دولت پز شکیان از پیوستن به FATF ... / /

۳۴-۳۵ ..... عزل عبدالناصر همتی: جایگزین او نیز در حل مشکلات ساختاری اقتصاد فاسد جمهوری ... / /

۳۵ ..... استعفای ظریف پس از عزل همتی: وضعیت حکومت وخیم‌تر می‌شود؟ / /

۳۶-۳۷ ..... آمریکا یکا بید از فرقه توروستی «مجاهدین خلق ایران» فاصله بگیرد ... / /

۳۷ ..... مانور بمب افکن‌های «52-B» آمریکا در بیکادر خاور میانه ... / /

۳۸-۳۹ ..... تعطیلی روزهای پنجشنبه در تقویم ایران تصویب شد ... / /

۳۹ ..... اجرای حکم ۷۴ ضربه شلاق مهدی براحی ... / /

۴۰-۴۱ ..... تداوم پرداخت حقوق نجومی به «خودی» هادر دولت مسعود پز شکیان ... / /

۴۱-۴۲ ..... صدور حکم «اعدام» برای متهم ردیف اول پرونده «رضایت خودرو» ... / /

۴۲ ..... ماستمالی باطلا! / /

۴۳ ..... صدور احکام ۴۴ متهم پرونده جای دیش: متهم ردیف اول به ۸۲ سال زندان محکوم شد ... / /

۴۴ ..... امیلی عاطف کارگردان فرانسوی - ایرانی فیلم زندگی شهبانو فرح پهلوی را ... / /

۴۵ ..... سدهای ایران یکی پس از دیگری خالی می‌شوند ... / /

۴۶-۴۷ ..... تلاش برای هنر اپرا و تئاتر در اوایل قرن بیستم در تبریز ... / /

۴۷ ..... بازداشت «مامور خاطی» در پی قتل یک کودک پنج‌ساله در ایرانشهر ... / /

۴۸-۴۹ ..... رشد اقتصادی ایران بر اساس آمار رسمی در پاییز امسال به ۱/۶ درصد رسید ... / /

۴۹ ..... نظر سنجی جدید «ارقی»: ایرانیان چه می‌خواهند؟ ... / /

۴۹ ..... در یای شیطان ... / /

۵۰-۵۱ ..... اعتراض فعالان محیط زیست به صدور مجوز ۵۰۰ هزار لیتر مازوت برای ... / /

۵۱-۵۲ ..... بسیاری از بیماران مبتلا به سرطان به علت گرانی دارو، درمان را متوقف می‌کنند ... / /

۵۲-۵۳ ..... کارزار کارگران در ایران برای افزایش ۷۰ درصدی حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۴ ... / /

۵۴ ..... میلیون‌ها نفر در ایران با فقر شدید غذایی روبه‌رو هستند ... / /

۵۵ ..... سرعت داروی بیماران مبتلا به سرطان در بیمارستان‌های ایران ... / /

۵۶ ..... نتایج نظرسنجی پروژه قنوس ایران درباره «درک اولویت‌های اجتماعی ایرانیان» ... / /

۵۷ ..... کمپان شدن روغن در فروشگاه‌های ایران: اثرات خروج «صافولا» نمایان شد ... / /

۵۸ ..... افزایش سرعت قیمت مواد خوراکی در آغاز ماه رمضان ... / /

۵۹ ..... هنر بنه میلیونی سفره افطار: دولت وعده اقدام سازمان تعزیرات را می‌دهد! ... / /

۶۰ ..... سران قوا برای پرداخت بدهی دولت به تأمین اجتماعی دست به کار شدند ... / /

۶۱ ..... همدار یک اقتصاددان درباره دستمزدهای ناچیز همزمان با اعتراضات معیشتی ... / /

۶۲-۶۳ ..... کیفیت آموزش قربانی بحران کمبود انرژی ... / /

۶۳ ..... مسعود وظیفه زندانی سابق سیاسی: در دادگاهی که خود شعبه‌ای از دستگاه جنایت و ... / /

۶۴-۶۵ ..... گرینه‌های احتمالی مسعود پز شکیان برای وزارت اقتصاد ... / /

۶۵ ..... بازداشت یک بلاگر خارجی در تهران به اتهام «توهین به زنان» و یک شهر وند آلمانی ... / /

۶۶ ..... رقابت سخت جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی در لبنان ... / /

۶۷ ..... ارتباط مستقیم فقر و فلاکت و تورم با افزایش خشونت و بزهکاری ... / /

۶۸-۶۹ ..... خبرهای کوتاه ... / /

۷۰ ..... پشت جلد - عکس هفته / درختی به یاد جابجاختگان آزادی میهن

بازنشر  
بازنشر





## تغییر آرایش سرنوشت ساز



امسال هشتم مارس روز جهانی زن به دلیل چرخش زمین و زمان یک روز بعد از ۱۷ اسفند است؛ روزی که درست ۴۶ سال پیش، زنان آگاه ایران به پشتوانه بیش از هفتاد سال آزادی‌هایی که طی انقلاب مشروطه و سپس در دوران پهلوی به دست آورده بودند، نخستین اعتراضات چند هزار نفری را در تهران برای آزادی و حقوق خود برگزار کردند.

زنان در آن تظاهرات فریاد می‌زدند که «آزادی» موضوعی انسانی و «جهانی» است و «شرقی» و «غربی» ندارد و اگر بخشی از آنها نیز در انقلاب ۵۷ شرکت کرده‌اند، قطعاً با این هدف نبوده که به عقب برگردند! اما تاریخ با بازیگری عوامل متعدد داخلی و خارجی و بین‌المللی، مسیر دیگری را برای ایران تدارک دیده بود که هم حقوق انسانی ایرانیان اعم از زن و مرد زیر پا گذاشته شود و هم جمهوری اسلامی در حالی که نوکری «شرق» را می‌کند، چشم به تصمیمات «غرب» داشته باشد! در نهایت هم قربانی معامله «شرق» و «غرب» شود بدون آن زنان و مردانی که زمانی برای «انقلاب» کردند تا پس از آن نیز سال‌ها به امید «اصلاح» و «تحول» در داخل و خارج به صف ایستاده و به آن رأی بدهند!

در این میان، برابری حقوقی زن و مرد و یا آنچه «فمینیسم» خوانده می‌شود، در ایران پس از ۵۷ مسیری کج و معوج را طی کرده است. نخست از آنجا که جمهوری اسلامی در ایران فضایی را به وجود آورده بود که انگار هیچ چیز دیگری جز این «جمهوری» و این «اسلام» و این «جانحین» وجود ندارد، عده‌ای سرگرم «فمینیسم اسلامی» و «اسلام فمینیستی» و از این دست مفاهیم خود درآوردی شدند که جمهوری اسلامی البته آن را هم تحمل نکرد. اما روند رشد و خودآگاهی هم زنان و هم مردان با گسترش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی بطور فزاینده گسترش یافت و اکنون به معمولاً گشایش فضاهای بسته نشان داده، باز هم عده‌ای از آنسوی بام افتادند که البته ویژه ایرانیان نیست و در همه جوامع می‌توان شاهد «فمینیسم مذکر» بود! فمینیسمی که مفهوم آن دیگر برابری حقوقی زن و مرد که هدف‌اش رشد و همزیستی امن شهروندان برابرققوق است، نیست؛ بلکه خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه، به نام مبارزه برای «حقوق زنان» به جداسازی جنسیتی و فضای دشمنی دامن می‌زند. امتناع بخشی از جامعه و حتا بخشی از زنان در برابر مفهوم «فمینیسم»، امتناعی که مورد سوء استفاده امثال جمهوری اسلامی نیز قرار می‌گیرد، به دلیل ایجاد چنین فضایی از سوی «فمینیست»‌هایی‌ست که متوجه نیستند این نوع به اصطلاح «مبارزه»‌شان اتفاقاً زائیده فرهنگ مذکر است!

چنین «مبارزه»‌ای زن و مرد را نه در نقش‌های کلیشه‌ای و سنتی ناشی از فرهنگ مذکر، بلکه در جای طبیعی و اجتماعی خود قرار نمی‌دهد؛ به عنوان دو جنس که اگرچه از نظر بیولوژیک و طبیعی با هم متفاوت و «نا برابر» هستند اما از نظر حقوقی و اجتماعی می‌بایست به عنوان انسان‌های برابر در نظر گرفته شوند. اما مبارزه‌ای که زنان با تقلید از مردان بخواهند منکر زنانگی خود شوند و مردان با تقلید از زنان به انکار مردانگی خود بپردازند تا مورد پسند این نوع فمینیسم قرار بگیرند، اتفاقاً بر بستر همان فرهنگ مذکری شکل گرفته که روی این انکارها سرمایه‌گذاری کرده تا به حیات ادامه دهد چرا که اصل قضیه را که برابری حقوقی و شهروندیست به حاشیه می‌راند. زنان نه «جنس دوم» و نه «نیمه دیگر» بلکه «جنس دیگر» و شهروندانی هستند که باید از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند. آنهم در حالی که هم زن و هم مرد به نسبت‌های مختلف حاملان زنانگی (آنیما) و مردانگی (آنیموس) یعنی ضمیر و روحیات انسانی هستند.



● **تغییرات کنونی در ساختار قدرت می‌تواند برای حکومت سرنوشت‌ساز باشد چرا که از یکسو دولت ترامپ مواضع سرسخت خود را حفظ کرده و از سوی دیگر دولت نتانیاهو همچنان جمهوری اسلامی را بزرگترین تهدید علیه موجودیت کشورش و منطقه ارزیابی می‌کند.**

تشدید مشکلات می‌شود.

در جلسه استیضاح، مسعود پزشکیان به عنوان رئیس دولت به دفاع از وزیر اقتصاد خود پرداخت اما او که به «سوتی» دادن معروف است، در میانه سخنانش به اختلاف میان تیم دولت و علی‌خانم‌های اشاره کرد و درباره مذاکره با آمریکا گفت: «بنده معتقد بودم باید گفتگو کرد ولی مقام معظم رهبری گفتند با آمریکا گفتگو نمی‌کنیم، بنده هم اعلام کردم با آمریکا گفتگو نمی‌کنیم، تموم شد و رفت!»

مسعود پزشکیان در حالی به بسته شدن مسیر مذاکره توسط علی‌خانم‌های اشاره کرد که از بن‌بست‌های اقتصادی نیز خبر داد. او با اشاره به پول‌های بلوکه‌شده ایران در کشورهای عراق و قطر و ترکیه گفت با دستور اخیر ترامپ برای فشار بیشتر به جمهوری اسلامی، نفت و گاز ایران روی دریاها مانده و فروش نمی‌رود.

«ناترازی» هم که به تکیه کلام پزشکیان در شش ماه گذشته تبدیل شده بار دیگر از سوی او مورد تأکید قرار گرفت. عبدالناصر همتی هم در دفاع از خود، بدون اشاره به اینکه به اختلافات در سطوح عالی حکومت یا نظر مخالفان میانه‌ای به مذاکره اشاره کند، از وجود مسائلی پشت پرده خبر داد. او گفت «خواهش می‌کنم از من نخواهید که مطالبی را بگویم تا امنیت کشور به خطر بیندازد؛ بنابراین پیش از پیش از مردم عذرخواهی می‌کنم و قاطعانه می‌گویم که قطعاً پیروز خواهیم شد.»

**شوک دوم و همزمان!**

ساعاتی پس از عزل همتی، شوک دوم به دولت مسعود پزشکیان وارد شد و محمدجواد ظریف «معاون

در هفته‌ای که گذشت، دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان دو مهره مهم خود را از دست داد. وزیر اقتصاد از سوی مجلس شورای اسلامی عزل شد و محمدجواد ظریف معمار دولت چهاردهم که در شغل نوظهور «معاون راهبردی رئیس جمهور» فعال بود نیز «برکنار» شد. دولت پزشکیان در حالی باید ضربه وارد شده به دولت را با از دست دادن عبدالناصر همتی و محمدجواد ظریف ترمیم کند که که راه دشواری با بحران‌های پی در پی اقتصادی و نظر علی‌خانم‌های مبنی بر عدم هرگونه مذاکره با آمریکا در پیش دارد.

روز یکشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۳ اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی پس از برگزاری نشست استیضاح عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت پزشکیان، رأی اعتماد خود را از وی پس گرفتند و یکی از مهمترین وزرای کابینه را عزل کردند.

استیضاح عبدالناصر همتی از پاییز امسال از سوی برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی به علت افزایش قیمت ارز و گرانی در دستور کار قرار گرفت. مقاومت محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی سبب شد استیضاح برای مدتی عقب بیافتد اما در نهایت وزن سنگین نمایندگان منتقد دولت و همچنین عملکرد نامطلوب و غیرقابل دفاع تیم اقتصادی پزشکیان، به استیضاح همتی منجر شد.

نمایندگان موافق این استیضاح معتقد بودند که سیاست‌های اقتصادی عبدالناصر همتی باعث تشدید بحران بازارها به ویژه بازار ارز، افزایش تورم و مشکلات معیشتی شده و دولت نیازمند تغییر در تیم اقتصادی خود است.

مخالفان اما معتقد بودند مشکلات اقتصادی کشور به علت تحریم‌هاست و برکناری همتی اثری در حل بحران‌های اقتصادی ندارد بلکه با اثر منفی روانی بر بازارها سبب

ظریف را می‌توان حمایت آنها از مذاکره با آمریکا و تصویب لوائح FATF دانست.  
عبدالناصر همتی نخستین فردی در جمهوری اسلامی بود

ماده ۲ این لایحه می‌گوید انتصاب اشخاصی که خود، فرزندان یا همسر ایشان تابعیت مضاعف دارند، در مشاغل حساس و پست‌های زیرمجموعه این گروه ممنوع است.

➔ «راهبردی» و مشاور وی و رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک برکنار شد. خبر برکناری محمدجواد ظریف با عنوان «استعفا» در آخرین ساعات شامگاه یکشنبه از سوی



که خبر «گرفتن موافقت» از خامنه‌ای برای بررسی دوباره لوائح FATF را در صفحه‌اش در شبکه «ایکس» منتشر کرده و همواره بر لزوم پیوستن به FATF و رفع تحریم‌ها تأکید داشته است.

موضع محمدجواد ظریف و شبکه ارتباطی او در داخل و خارج کشور نیز نه در شش ماه گذشته، بلکه از نخستین دولت حسن روحانی روشن بوده است. محمدجواد ظریف که از نمایندگان انتخابات تیرماه ۱۴۰۳ بود و از او به عنوان معمار دولت چهاردهم و مسئول جاسازی مهره‌های حکومتی در هیئت دولت یاد می‌شود، در دولت پزشک‌ها جایگاه اثرگذارتری نسبت به جایگاهش در دولت روحانی داشت.

به نظر می‌رسد پزشک‌ها و اصلاح‌طلبان حامی او که پس از مرگ مشکوک ابراهیم رئیسی در حادثه سقوط هلی‌کوپتر ابزاری برای گرم کردن تنور انتخابات زودهنگام بودند، حالا در کمتر از یک سال با آرایش جدیدی که در نظام پیش برده می‌شود، کارکرد خود را از دست داده‌اند.

با توجه به شبکه‌های تو در تو ساختار جمهوری اسلامی، مشخص است که دستی بالادست مسعود پزشک‌ها و اصلاح‌طلبان سکان هدایت نظام را در اختیار دارد.

آنچه طی روزهای گذشته در دولت چهاردهم رخ داد، همچنین نشان می‌دهد که تلاش‌های مسعود پزشک‌ها برای همسو کردن علی خامنه‌ای با پروژه «وفاق» شکست خورده و حالا پروژه «نفاق» دامن دولت خودش را گرفته است!

در نهایت، به نظر می‌رسد تغییرات کنونی در ساختار قدرت می‌تواند برای حکومت سرنوشت‌ساز باشد چرا که از یکسو دولت ترامپ مواضع سرسخت خود را حفظ کرده و از سوی دیگر دولت نتانیاهو همچنان جمهوری اسلامی را بزرگترین تهدید علیه موجودیت کشورش و منطقه ارزیابی می‌کند.

ماده ۴ این لایحه نیز، معاونان و مشاوران رئیس‌جمهور و قائم مقام آنها را در زمره مشاغل حساس دسته‌بندی می‌کند. اما تنها محمد جواد ظریف نیست که مشمول این قانون می‌شود. فرزندان محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشک‌ها، سعید اوحدی معاون رئیس‌جمهور و رئیس «بنیاد شهید»، محمدجعفر قائم‌پناه معاون اجرایی و شهرام دبیری معاون پارلمانی رئیس دولت نیز تابعیت دوگانه دارند. به نظر می‌رسد برخی مقامات دولت نیز از تابعیت دوگانه تعداد دیگری از مقامات حکومت احساس خطر کرده‌اند. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت یک روز پس از برکناری ظریف با تأکید بر اینکه «قانون انتصاب افراد در مشاغل حساس به گونه‌ای نوشته شده که دست افراد برای انتصاب را حتی در مشاغل دانشگاهی به شدت می‌بندد» گفت: «این قانون اگر بخواهد اجرایی شود، بسیاری از افراد در همه قوا، باید از کار خود کناره بگیرند.»

با اینهمه در جمهوری اسلامی بارها قوانین سفت و سخت نیز به اسم «مصلحت» نادیده گرفته شده و اینبار هم اگر علی خامنه‌ای و دیگر مقامات موثر در رأس نظام می‌خواستند، می‌توانستند از تابعیت فرزندان ظریف چشم‌پوشی کنند نه اینکه این موضوع را در کنار موضوعات احتمالی دیگر به ابزار فشاری قوی علیه او تبدیل نمایند.

#### شکست پروژه «وفاق» و واگذاری سکان نظام

تابعیت فرزندان در حالی «صورت مسئله» برکناری محمدجواد ظریف بوده که در اصل آرایش در ساختار دولت با اراده بالادستی‌ها در جمهوری اسلامی در حال تغییر است و آدرس آن را مسعود پزشک‌ها در جلسه استیضاح همتی با اشاره به اختلاف نظر دولت و رهبر برای مذاکره با آمریکا ارائه داد.

مهمترین وجه اشتراک عبدالناصر همتی و محمدجواد

خبرگزاری «فارس» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شد.

محمدجواد ظریف نیز بامداد روز دوشنبه ۱۳ اسفندماه در حساب خود در شبکه «ایکس» نوشت که روز گذشته به «دعوت» غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه به دیدار او رفته و اژه‌ای «با اشاره به شرایط کشور توصیه کردند که برای پیشگیری از فشار بیشتر بر دولت» ظریف به دانشگاه برگردد و او هم «بی‌درنگ» قبول کرده است. محمدجواد ظریف تأکید کرد که «امیدوارم با کنار گذاشتن بنده، بهانه‌ها برای سنگ‌اندازی در برابر خواست مردم و موفقیت دولت برداشته شود.»

اگرچه محمدجواد ظریف پیشتر نیز یکبار در دولت حسن روحانی و در حالی که وزیر امور خارجه بود قهر کرد و چند ساعتی در اینستاگرام استعفا داد و یکبار دیگر در آستانه آغاز رسمی فعالیت دولت پزشک‌ها و در اواسط امرداد ۱۴۰۳ با ادعای اینکه او بهانه فشار به دولت شده استعفا کرد، اما اینبار وی برکنار شده است؛ آنهم نوعی برکناری که اگرچه به گفته احمد زیدآبادی روزنامه‌نگار حامی حکومت «محترمانه و نصیحت‌آمیز» بوده اما در عمل باید ابزار فشار غلامحسین محسنی اژه‌ای چه بوده که توانسته ظریف را مجبور کند «بی‌درنگ» برکناری را بپذیرد!

آنچه مشخص است تابعیت دوگانه فرزندان محمدجواد ظریف یکی از ابزارهای فشار بر او به شمار می‌رفت. این موضوع به حدی جدی بود که دولت پزشک‌ها به تازگی از مجلس شورای اسلامی خواسته بود لایحه «اصلاح قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس» را که در دولت رئیسی تصویب و برای بررسی به مجلس شورای اسلامی ارسال شده بود، به دولت بازگرداندند تا مبادا تصویب آن در مجلس زیر پای برخی اعضای کابینه و در صدر همه، محمدجواد ظریف را خالی کند.



## سخنرانی ترامپ در کنگره آمریکا؛ اروپا برای خرید نفت و گاز روسیه بیش از دفاع از اوکراین، پول خرج کرد

● رئیس جمهور آمریکا سه شنبه ۴ مارس (۱۴ اسفندماه) در جلسه مشترک با اعضای کنگره درباره اقتصاد و تعرفه‌های تجاری، صلح در خاورمیانه و «پیمان ابراهیم» و همچنین توافق با اوکراین صحبت کرد. او گفت: «خدا مرا نجات داد تا عظمت را دوباره به آمریکا برگردانم».

● دونالد ترامپ تأکید کرد، «گرینلند به هر شیوه‌ای به حاکمیت آمریکا درخواهد آمد» و تأکید کرد: «به دلیل امنیت ملی، ما به گرینلند نیاز داریم».

● ترامپ تأکید کرد: «وقت آن است که به جنگ اوکراین پایان دهیم و برای توقف جنگ باید با دو طرف آن صحبت کرد».

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا سه شنبه ۴ مارس (۱۴ اسفندماه) در جلسه مشترک با اعضای کنگره درباره اقتصاد و تعرفه‌های تجاری، خاورمیانه و «پیمان ابراهیم» و همچنین توافق با اوکراین صحبت کرد. او گفت: «خدا مرا نجات داد تا عظمت را دوباره به آمریکا برگردانم».

به گزارش سی‌ان‌بی‌سی، ترامپ تأکید کرد، «تعرفه‌ها ممکن است اختلال کوچکی به همراه داشته باشد اما برای ثروتمند کردن آمریکا و بازگرداندن عظمت آن است. این اتفاق در حال رخ دادن است و خیلی زود نیز تحقق خواهد یافت».

با وضع تعرفه‌های ۲۵ درصدی بر تجارت با کانادا و مکزیک ارزش بازار سهام در آمریکا کاهش یافت اما ترامپ تأکید کرد: «این وضعیت موقت است، ما با آن مشکلی نداریم و مسئله چندان بزرگ نخواهد بود».

تعرفه‌های جدید بر کانادا و مکزیک قبلاً برای یک ماه به حالت تعلیق درآمده بود و بسیاری از منتقدان امیدوار بودند که پیش از موعد اجرایی شدن، این تعرفه‌ها یا کاهش یابند و یا حذف شوند؛ اما ترامپ این هفته تصمیم گرفت تصمیم خود را بطور کامل به اجرا بگذارد.

او تأکید کرد، «مکزیک و کانادا باید خیلی بیشتر از آنچه تا کنون انجام داده‌اند، عمل کنند و باید جلوی ورود فنتانیل و مواد مخدر به آمریکا را بگیرند».

ترامپ همچنین گفت این برنامه‌ها باعث «رونق صنعت اتومبیل‌سازی» خواهد شد و تریلیون‌ها دلار سود برای آمریکا به همراه خواهد داشت. وی افزود: «برای مهار تورم، تلاش می‌کنیم قیمت انرژی را از جمله با باز کردن دوباره نیروگاه‌ها پایین بیاوریم. بر روی خط لوله گاز آلاسکا با سرمایه‌گذاری ژاپن و کره جنوبی کار خواهیم کرد».

او در این سخنرانی که بسیاری منتظر آن بودند گفت به عنوان رئیس جمهور هر روز تلاش می‌کند که به تورم پایان دهد.

ترامپ بر این موضوع نیز تأکید کرد که «گرینلند به هر شیوه‌ای به حاکمیت آمریکا در خواهد آمد» و افزود: «به دلیل امنیت ملی، ما به گرینلند نیاز داریم».

## شاهزاده رضا پهلوی در نشست «آپفرانت»: دولت‌های خارجی باید از حرکت آزادیخواهانه مردم ایران حمایت کنند



شاهزاده رضا پهلوی در نشست «آپفرانت» / فوریه ۲۰۲۵

سرنگونی جمهوری اسلامی است، نه به خاطر اینکه برخی دولت‌های خارجی می‌گویند، بلکه به این دلیل که خواسته مردم ایران هم همین است».

شاهزاده رضا پهلوی در بخش دیگری از صحبت‌هایش در این نشست افزود: «پیام من به جهان این است که چرا در این راه با ما همراه نمی‌شوید؟ ما به دنبال جلب ترحم یا حمایت کلامی شما نیستیم. ما به دنبال این هستیم که شما همراه با سیاست فشار حداکثری بر رژیم، سیاست حمایت حداکثری از مردم ایران را هم دنبال کنید».



### شاهزاده رضا پهلوی و شاهدخت نور در نشست «آپفرانت»

بر اساس تصاویری که شاهدخت نور پهلوی در اینستاگرام خود منتشر کرده، وی نیز در نشست آپفرانت به همراه شاهزاده رضا پهلوی حضور داشت.

● شاهزاده رضا پهلوی شامگاه پنجشنبه ۲۷ فوریه ۲۰۲۵ (نهم اسفندماه) در نشست «آپفرانت» (Upfront) در لس‌آنجلس کالیفرنیا شرکت کرد. محور صحبت‌های او چشم‌انداز ایران پس از جمهوری اسلامی، فرصت‌های اقتصادی و برنامه‌های بازسازی کشور بود.

● رضا پهلوی در سخنان خود با اشاره به ضرورت برچیده شدن جمهوری اسلامی گفت: «ملت ایران نیاز به دلسوزی کشورهای خارجی ندارد بلکه باید از حرکت آزادیخواهانه آنها حمایت حداکثری شود».

● «پیام من به جهان این است که چرا در این راه با ما همراه نمی‌شوید؟ ما به دنبال جلب ترحم یا حمایت کلامی شما نیستیم. ما به دنبال این هستیم که شما همراه با سیاست فشار حداکثری بر رژیم، سیاست حمایت حداکثری از مردم ایران را هم دنبال کنید».

شاهزاده رضا پهلوی شامگاه پنجشنبه ۲۷ فوریه ۲۰۲۵ (نهم اسفندماه) در نشست «آپفرانت» (Upfront) در لس‌آنجلس کالیفرنیا شرکت کرد. محور صحبت‌های او چشم‌انداز ایران پس از جمهوری اسلامی، فرصت‌های اقتصادی و برنامه‌های بازسازی کشور بود.

نشست سالانه «آپفرانت» کانونی برای گردهمایی سرمایه‌گذاران برجسته، کارآفرینان و مدیران تأثیرگذار است. --- رضا پهلوی در سخنان خود با اشاره به ضرورت برچیده شدن جمهوری اسلامی گفت: «ملت ایران نیاز به دلسوزی کشورهای خارجی ندارد بلکه باید از حرکت آزادیخواهانه آنها حمایت حداکثری شود».

او تشریح کرد، «ریشه مشکلاتی همچون تهدید هسته‌ای علیه اسرائیل، تروریسم، افراط‌گرایی و بی‌ثباتی که تهدید علیه جهان محسوب می‌شود، همه به رژیم مستقر در تهران مربوط است و تنها راه برای بازگشت صلح و ثبات به منطقه

اوکراین آماده توافق است

چهل و پنجمین و چهل و هفتمین رئیس جمهوری آمریکا که تقریباً یک ماه و نیم از فعالیت رسمی دوباره‌ی او در کاخ سفید می‌گذرد، در بخش دیگری از سخنان خود گفت: «امروز نامه‌ای مهم از زلینسکی دریافت کردم که در آن اعلام کرد اوکراین آماده است برای صلح پایدار به میز مذاکره بازگردد. همزمان، مذاکراتی جدی با روسیه داشتیم و آنها نیز آماده صلح هستند.»



سخنرانی ترامپ در کنگره، مارس ۲۰۲۵

او تأکید کرد: «وقت آن است که به جنگ اوکراین پایان دهیم و برای توقف جنگ باید با دو طرف آن صحبت کرد.» او بار دیگر به انتقاد از سیاست‌های اروپا در قبال اوکراین پرداخت و گفت: «اروپا برای خرید نفت و گاز روسیه بیش از دفاع از اوکراین، خرج کرد.» بر اساس اعلام اندیشکده فنلاندی «مرکز تحقیقات انرژی و هوای پاک» (CREA)، اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۴ مجموعاً ۲۴ میلیارد یورو برای واردات گاز و سوخت‌های فسیلی از روسیه هزینه کرده است.

#### صلح در خاورمیانه

دونالد ترامپ همچنین گفت: «در دوره نخست ریاست جمهوری‌ام، یکی از مهم‌ترین توافقاتی صلح نسل‌های اخیر، پیمان ابراهیم را عملی کردیم، و اکنون قصد داریم بر همان اساس، آینده‌ای صلح‌آمیزتر و شکوفاتر برای کل منطقه بسازیم.» رئیس جمهور آمریکا در ادامه افزود: «من به اینجا برگشته‌ام تا بگویم که رویای آمریکایی برگشته است. رویای آمریکایی غیرقابل توقف است و کشور ما در آستانه بازگشتی قرار دارد که در تاریخ ندیده‌ایم و هرگز نخواهیم دید.»

حرف‌های ترامپ با تشویق جمهوریخواهان حامی او در کنگره همراه بود اما دموکرات‌ها سکوت کردند. او خطاب به حاضران گفت: «دموکرات‌هایی که مقابل من نشسته‌اند، نه دست خواهند زد، نه از جا بلند می‌شوند و نه برای این دستاوردهای شگفت‌انگیز ابراز خوشحالی خواهند کرد. چرا فقط برای یک شب هم که شده در جشن این پیروزی‌های باورنکردنی آمریکا به ما نمی‌پیوندید؟!»

سخنرانی دونالد ترامپ در کنگره آمریکا با اعتراض برخی نمایندگان دموکرات مختل و ال‌گرین عضو دموکرات مجلس نمایندگان از صحن کنگره اخراج شد.

## شاهزاده رضا پهلوی درباره کنار گذاشتن اعضای «دولت فاسد پزشکیان»: نه ساختار مناسب و نه نیروهای کارآمد برای توسعه و رفاه ایران



شاهزاده رضا پهلوی در هفدهمین «اجلاس ژنو برای حقوق بشر و دموکراسی» / ۳۰ بهمن ۱۸/۱۴۰۳ فوریه ۲۰۲۵

ماه پس از چیده‌شدن از سوی خامنه‌ای، یکی بعد از دیگری کنار گذاشته می‌شوند. نمایندگان برگزیده خامنه‌ای در مجلس شورای اسلامی، وزیر اقتصادی را که خود از نزدیکان بیت است استیضاح می‌کنند، و معاون رییس دولت به خواست رئیس قوه قضائیه برکنار می‌شود. اینها همه از نشانه‌های بحران عدم مقبولیت و شکاف روزافزون در رژیم است که راه حلی برای مشکلات ملت ایران ندارد.

این بازی‌ها اما واقعیت تلخ زندگی روزانه مردم را که تورم شدید، فقر و بیکاری، خاموشی و سرما، و کاهش ارزش پول ملی است، تغییر نمی‌دهد؛ برای اعتراضات و اعتصابات حق طلبانه کارگران، بازنشستگان، معلمان، پرستاران و مالباختگان پاسخی ندارد؛ چرا که وضعیت فاجعه‌بار کنونی، دستاورد کلیت نظام اسلامی است و نه این جناح و آن جناح آن.

جمهوری اسلامی نه نیروهای کارآمد برای ایجاد رفاه و توسعه در ایران را دارد، و نه اساساً ساختار برآمده از ارتجاع سرخ و سیاه در بهمن ۵۷ از آغاز به دنبال رفاه و توسعه ایران بوده است.

آنچه ایران بدان نیاز دارد سرنگونی جمهوری اسلامی و بازسازی ایران به دست یک دولت ملی و کارآمد است. برنامه پنجگانه من، هم راه سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار دولت ملی را نشان می‌دهد و هم در چارچوب پروژه شکوفایی ایران، مسیر توسعه و بازسازی اقتصاد کشور را مشخص می‌کند.

در کنار هم ایران را پس خواهیم گرفت و دوباره خواهیم ساخت.

پاینده ایران،  
رضا پهلوی»

ساعاتی پس از آنکه عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت چهاردهم جمهوری اسلامی به ریاست مسعود پزشکیان توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی از مقام خود عزل شد، محمدجواد ظریف هم خبر داد که رئیس قوه قضائیه او را خواسته و به او توصیه کرده که کنار برود. او هم که صاحب شغل نوظهور «معاون راهبردی» در دولت پزشکیان بود، قبول کرده است.

شاهزاده رضا پهلوی درباره این رویدادها که ناشی از ناکارآمدی مزمن جمهوری اسلامی در حل مسائل مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور است، طی بیانیه‌ای که در رسانه‌های اجتماعی وی منتشر شده، آن را ناشی از «بی‌کفایتی جمهوری اسلامی» دانسته و اعلام کرده است که «اینها همه از نشانه‌های بحران عدم مقبولیت و شکاف روزافزون در رژیم است که راه حلی برای مشکلات ملت ایران ندارد.»

وی با اشاره به «تورم شدید، فقر و بیکاری، خاموشی و سرما، و کاهش ارزش پول ملی» که زندگی مردم را «تلخ» کرده است، تأکید می‌کند که «وضعیت فاجعه‌بار کنونی، دستاورد کلیت نظام اسلامی است و نه این جناح و آن جناح آن.»

ولیعهد ایران با یادآوری این واقعیت که «آنچه ایران بدان نیاز دارد سرنگونی جمهوری اسلامی و بازسازی ایران به دست یک دولت ملی و کارآمد است» به برنامه پنجگانه‌ی خود اشاره کرده و می‌گوید: «برنامه پنجگانه من، هم راه سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار دولت ملی را نشان می‌دهد و هم در چارچوب پروژه شکوفایی ایران، مسیر توسعه و بازسازی اقتصاد کشور را مشخص می‌کند.»

متن کامل این بیانیه به شرح زیر است:

«آش بی‌کفایتی جمهوری اسلامی چندان شور شده که اعضای دولت دست‌نشانده و فاسد پزشکیان تنها شش



## دیدار پر تنش رؤسای جمهوری آمریکا و اوکراین در کاخ سفید؛ ترامپ خطاب به زلینسکی: یا توافق کن یا روی آمریکا حساب نکن



دیدار ترامپ و زلینسکی در کاخ سفید / فوریه ۲۰۲۵

و او برخلاف برنامه‌ریزی قبلی پیش از موعد کاخ سفید را ترک کرد و توافق بر سر بهره‌برداری آمریکا از مواد معدنی در اوکراین امضاء نشد و نشست خبری مشترک دونالد ترامپ و ولودیمیر زلینسکی نیز لغو شد. اگرچه ساعاتی بعد اعلام شد که توافق آنها بر سر معادن اوکراین بر جای خود باقیست.

چندی بعد ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث» نوشت: «امروز در کاخ سفید یک نشست بسیار معناداری داشتیم. نکات زیادی آموخته شد که بدون گفتگو در چنین شرایط سخت و تحت فشار هرگز قابل درک نبود. شگفت‌انگیز است که چه چیزهایی از طریق احساسات نشان داده شد، و من تشخیص دادم که زلینسکی، برای صلح آماده نیست، چرا که او احساس می‌کند اگر آمریکا درگیر باشد حضور ما به او امتیاز بزرگی در مذاکرات می‌دهد. من دنبال امتیاز دادن نیستم، من صلح می‌خواهم.»

ترامپ اعلام کرد، «او [زلینسکی] در دفتر بیضی ایالات متحده آمریکا بی‌احترامی کرد. او وقتی آماده صلح شد، می‌تواند [به کاخ سفید] بازگردد.»

دونالد تاسک نخست وزیر لهستان در واکنش به جدال لفظی ترامپ و زلینسکی در «ایکس» نوشت: «زلینسکی عزیز و دوستان عزیز اوکراینی، شما تنها نیستید.» او گفت: «حق با زلینسکی است و صلح بدون تضمین‌ها ناممکن است.»

اتحادیه اروپا و کشورهای مختلف از جمله آلمان حمایت خود را از اوکراین و رئیس‌جمهور آن اعلام کرده و تأکید کردند که این کشور تنها نیست.

وزارت خارجه روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد، «اینکه چگونه ترامپ و ونس خودشان را کنترل کردند و زلینسکی را کتک نزدند، معجزه خویشثندی است. دروغ بزرگ زلینسکی این است که اوکراین بدون حمایت و به تنهایی ایستادگی می‌کند.»

بسیار جدی هستیم. کشور شما در مصیبت بزرگی است، برنده نیستید، شما با جان میلیون‌ها نفر قمار می‌کنید. شما دارید با جنگ جهانی سوم قمار می‌کنید. کاری که شما می‌کنید برای این کشور بسیار توهین‌آمیز است. من خیلی بیش از چیزی که دیگران می‌گفتند باید بکنم، به شما احترام گذاشتم.»

ترامپ در ادامه به زلینسکی گفت: «در موقعیتی نیستید که بخواهید چیزی را دیکته کنید، مردم در حال مرگ‌اند... سربازهای شما رو به کاهش‌اند... کارت برنده‌ای ندارید، کارت شما ما هستیم، یا باید توافق کنی، یا روی آمریکا حساب نکن.»

زلینسکی در واکنش به این برخورد، ترامپ را به خاطر رویکرد ملایم در قبال پوتین روسیه به پرسش کشید و گفت: «من دنبال بازی با کارت نیستم، من خیلی جدی هستم جناب رئیس‌جمهور.» او همچنین از ترامپ خواست «هیچ سازشی با یک قاتل» نداشته باشد اما ترامپ و ونس به او گفتند که «بی‌احترامی» می‌کند.

در ادامه ترامپ گفت که روابط خوبی با پوتین دارد و تأکید کرد این دموکرات‌ها بوده‌اند که سعی کرده‌اند از پوتین چهره‌ای منفی در آمریکا نشان دهند و او را متهم به دخالت در انتخابات آمریکا کنند، در حالی که او در این زمینه نقشی نداشته است.

جی دی ونس معاون اول ترامپ نیز خطاب به زلینسکی گفت: «دیپلماسی کشور شما را از نابودی نجات می‌دهد، شما با کمبود نیرو مواجه هستید، افراد را به زور به خط مقدم می‌فرستید، زیرا مشکل نیروی انسانی دارید، باید از رئیس‌جمهوری تشکر کنید که سعی دارد به این درگیری پایان دهد، آیا قبول ندارید که در جذب نیرو برای ارتش دچار مشکل هستید؟ آیا فکر می‌کنید این محترمانه است که به دفتر کاخ سفید بیایید و به دولتی حمله کنید که سعی در جلوگیری از ویرانی کشور شما دارد، آیا این محترمانه است؟» این تنش برنامه سفر زلینسکی را تحت تأثیر قرار داد

● رؤسای جمهوری آمریکا و اوکراین جمعه ۲۸ فوریه ۲۰۲۵ (نهم اسفندماه) در کاخ سفید دیدار کردند. در این دیدار که جی دی ونس معاون ترامپ و مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا و شماری از خبرنگاران حضور داشتند، بحث‌های دونالد ترامپ و ولودیمیر زلینسکی بر سر جنگ اوکراین به تنش کشیده شد.

● ترامپ رئیس‌جمهور اوکراین را به «ناسیاسی» متهم کرد و گفت که قدردان کمک‌های آمریکا برای مقابله با حمله روسیه به کشورش نبوده است.

● ترامپ همچنین به زلینسکی گفت، «در موقعیتی نیستید که بخواهی چیزی را دیکته کنی، مردم در حال مرگ‌اند... سربازهای شما رو به کاهش‌اند... کارت برنده‌ای ندارید، کارت شما ما هستیم، یا باید توافق کنی، یا روی آمریکا حساب نکن.»

● ساعاتی بعد ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث» نوشت: «من دنبال امتیاز دادن نیستم، من صلح می‌خواهم... زلینسکی هر وقت برای صلح آماده شد، به کاخ سفید بازگردد.»

● اتحادیه اروپا و کشورهای مختلف از جمله آلمان حمایت خود را از اوکراین و رئیس‌جمهور آن اعلام کرده و تأکید کردند که این کشور تنها نیست.

● رؤسای جمهوری آمریکا و اوکراین جمعه ۲۸ فوریه ۲۰۲۵ (نهم اسفندماه) در کاخ سفید دیدار کردند. در این دیدار که جی دی ونس معاون ترامپ و مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا و شماری از خبرنگاران حضور داشتند، بحث‌های دونالد ترامپ و ولودیمیر زلینسکی بر سر جنگ اوکراین به تنش کشیده شد.

● ترامپ رئیس‌جمهور اوکراین را به «ناسیاسی» متهم کرد و گفت که قدردان کمک‌های آمریکا برای مقابله با حمله روسیه به کشورش نبوده است.  
● وی همچنین گفت: «شما در حال بازی هستید... من هم



# ترامپ: زلینسکی برگشت که توافق را امضاء کند ولی من الان نمی‌توانم؛ وعده اروپایی‌ها برای کمک به اوکراین

مذاکرات صلح با هدف حل و فصل درگیری اوکراین، امتیاز دادن از سوی هر دو طرف ضروریست، اما ولودیمیر زلینسکی این واقعیت را درک نمی‌کند. وی ادامه داد: «رئیس جمهور ترامپ خواهان صلح است، اما برای مذاکرات، هر دو طرف باید بر سر میز نشسته و گفتگو کنند. در یک توافق خوب، معمولاً هر دو طرف تا حدودی ناراضی هستند. زلینسکی این را درک نمی‌کند.»

کارولین لویت با اشاره به اینکه زلینسکی در زمان حضورش در کاخ سفید رفتاری خصمانه نسبت به معاون رئیس جمهور آمریکا از خود نشان داده، گفت: «این زلینسکی بود که در مقابل دوربین رفتاری خصمانه با جی دی ونس داشت و ترجیح داد بجای گوش دادن به سخنانش، با او مشاجره کند.»

لویت همچنین کی‌یف را «مذاکره‌کننده‌ای به شدت لجباز» خواند و افزود: «به لطف حضور خبرنگاران، اکنون مردم آمریکا و کل جهان دیدند که رئیس جمهور و تیم او در جریان مذاکرات پشت درهای بسته با اوکراین با چه شرایطی مواجه بودند.»

اکثر رسانه‌های غربی، مشاجره تند بین ترامپ و زلینسکی را یک فاجعه دیپلماتیک خوانده و برخی از آنها نوشتند: برای اوکراین و شرکای اروپایی‌اش، آنچه رخ داد یک کابوس مطلق بود و تنها برنده‌ی این وضعیت، روسیه است.

## حمایت رهبران اروپا از زلینسکی

کایا کلاس مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا پس از دیدار ترامپ و زلینسکی گفت: «امروز مشخص شد که دنیای آزاد به یک رهبر جدید نیاز دارد. بر عهده ما اروپایی‌هاست که این چالش را بر عهده بگیریم.» او افزود: «حمایت از اوکراین را افزایش می‌دهیم تا بتواند به مقابله در برابر مهاجم ادامه دهد.»

در همین ارتباط اولاف شولتز صدراعظم آلمان از حزب سوسیال دموکرات این کشور گفت: «هیچکس بیش از خود اوکراینی‌ها خواهان صلح نیست.»

فریدریش مرتز برنده انتخابات اخیر آلمان از حزب دموکرات مسیحی که به زودی کار خود را به عنوان صدراعظم این کشور آغاز خواهد کرد، در «اپکس» نوشت: «ما در روزهای خوب و در آزمون‌های سخت در کنار اوکراین هستیم. در این جنگ وحشتناک هرگز نباید متجاوز و قربانی را اشتباه بگیریم.»

آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان از حزب سبزها نیز گفت، «اوکراین تنها نیست. آلمان، همراه با متحدان اروپایی خود، در کنار اوکراین و در برابر تجاوز روسیه متحد است.» او وعده داد: «اوکراین می‌تواند روی حمایت بی‌دریغ آلمان، اروپا و فراتر از آن حساب کند. دفاع اوکراین از دموکراسی و تلاش این کشور برای صلح و امنیت از آن ماست.»

امانوئل ماکرون رئیس جمهور فرانسه و کاخ الیزه هم اعلام کردند که در کنار مبارزان اوکراین خواهند ایستاد. اینهمه در حالیست که در میزان اراده و ظرفیت‌های اروپا برای کمک به اوکراین در مقابل روسیه تردید وجود دارد. تردیدهایی که با واقعیت تطبیق دارد و همین هم سبب شد تا در نهایت زلینسکی وادار شود برای برقراری صلح در اوکراین به سراغ ترامپ برود.



مشاجره زلینسکی با ترامپ و ونس در کاخ سفید / فوریه ۲۰۲۵

مردم آمریکا و کسانی که جایگاه ایالات متحده در جهان را محترم می‌شمارند، دفاع خواهند کرد و هرگز اجازه نخواهند داد که از مردم آمریکا سوء استفاده شود.»

کاخ سفید همچنین یادآور شد که زلینسکی خود اذعان کرده که وضعیت اوکراین ممکن است به جنگ جهانی سوم منجر شود، جنگی که در صورت فقدان حمایت آمریکا، اوکراین در آن شکست خواهد خورد.

دونالد ترامپ بعد از دیدار با زلینسکی در کاخ سفید، پیش از پرواز به فلوریدا به خبرنگاران گفت: «زلینسکی همین الان می‌خواهد برگردد و [توافق] را امضاء کند، اما من الان نمی‌توانم.»

یک مقام کاخ سفید به رویترز گفت: «ترامپ به احیای توافق بهره‌برداری از معادن با اوکراین علاقه‌ای ندارد.»

برخی مقامات بلندپایه در کاخ سفید یادآور شده‌اند که مجادله در کاخ سفید، بحثی را درباره لزوم توقف کمک‌های بیشتر آمریکا به اوکراین مطرح کرده است. مقامات کی‌یف پس از این مشاجره، به ناامیدی تلاش کردند کاخ سفید را متقاعد کنند که به مذاکرات درباره توافق بازگردد، اما تا این لحظه بی‌نتیجه بود و ترامپ حاضر به ادامه گفتگو با زلینسکی نشد.

**آمریکا دیگر چک بی‌حساب برای کی‌یف صادر نخواهد کرد**  
کارولین لویت سخنگوی کاخ سفید در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» اعلام کرد که دولت دونالد ترامپ دیگر قصد ندارد به تأمین مالی برای درگیری اوکراین با روسیه ادامه دهد، چرا که این درگیری در فاصله‌ی دور از سرزمین ایالات متحده جریان دارد.

وی گفت: «جو بایدن دیگر در کاخ سفید حضور ندارد که به تقاضاهای بی‌پایان کی‌یف پاسخ مثبت دهد. و ما دیگر قصد نداریم به سادگی برای جنگی که در فاصله‌ی دور از ما در جریان است، بدون دستیابی به یک صلح واقعی و بلندمدت، چک بی‌حساب صادر کنیم.»  
سخنگوی کاخ سفید افزود، برای انجام موفقیت‌آمیز

● ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین ۲۹ فوریه ۲۰۲۵ (دهم اسفند) پس از جدال لفظی با دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و معاونش جی دی ونس در کاخ سفید در مصاحبه‌ای با «فاکس نیوز» ابراز اطمینان کرد که روابط میان او و ترامپ «نجات» خواهد یافت.

● پس از این دیدار، کاخ سفید با انتشار اعلام کرد که ایالات متحده به هیچکس اجازه نخواهد داد که از مردم این کشور سوء استفاده کنند.

● یک مقام کاخ سفید به رویترز گفت: «ترامپ به احیای توافق بهره‌برداری از معادن با اوکراین علاقه‌ای ندارد.»

● کارولین لویت سخنگوی کاخ سفید در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز»: آمریکا دیگر چک بی‌حساب برای کی‌یف صادر نخواهد کرد.

● آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان مدعی شد، «اوکراین می‌تواند روی حمایت بی‌دریغ آلمان، اروپا و فراتر از آن حساب کند.»

ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین ۲۹ فوریه ۲۰۲۵ (دهم اسفند) پس از جدال لفظی با دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا و معاونش جی دی ونس در کاخ سفید در مصاحبه‌ای با «فاکس نیوز» ابراز اطمینان کرد که روابط میان او و ترامپ «نجات» خواهد یافت.

زلینسکی در پاسخ به مجری شبکه «فاکس نیوز» درباره امکان «نجات» رابطه با ترامپ گفت: «قطعاً این اتفاق می‌افتد» چون مسئله، رابطه میان مردم آمریکا با مردم اوکراین است. او از کمک‌های رئیس جمهوری آمریکا، کنگره و مردم این کشور به اوکراین قدردانی کرد.

زلینسکی در بخش دیگری از همین مصاحبه با وجود امتناع از عذرخواهی مستقیم از رئیس جمهوری آمریکا گفت به او و مردم آمریکا احترام می‌گذارد.

او در ادامه با بیان اینکه مردم آمریکا از روزهای نخست حمله روسیه و در طول سه سال گذشته به ما کمک کرده‌اند تا زنده بمانیم، اظهار داشت: «درواقع اوکراین و آمریکا شرکای استراتژیک یکدیگر هستند و حتی در چنین گفتگوهای پیچیده‌ای باید درک متقابل داشته باشیم.»

زلینسکی با تأکید بر اینکه کی‌یف نیز مانند واشنگتن به دنبال پایان دادن به جنگ در اوکراین است، گفت: «اما شاید ترامپ دیدگاه متفاوتی داشته باشد، بنابراین این مسائل باید با رئیس جمهور آمریکا در میان گذاشته شود و ما باید صادقانه یکدیگر را درک کنیم.»

روز جمعه ۲۸ فوریه، دیدار زلینسکی با ترامپ در کاخ سفید که نسبتاً خوب پیش رفته بود، در دقائق آخر به تنش کشیده شد. قرار بود آنها توافق بهره‌برداری از معادن اوکراین را در ازای حمایت آمریکا از روند صلح امضاء کنند اما زلینسکی خواستار «تضمین» آمریکا شد که مقدمه تنش‌های لفظی گشت. ترامپ به زلینسکی گفت که وی کارت برنده در دست ندارد و در موقعیتی نیست که بخواهد چیزی را به آمریکا دیکته کند.

پس از این دیدار، کاخ سفید با انتشار اعلام کرد که ایالات متحده به هیچکس اجازه نخواهد داد که از مردم این کشور سوء استفاده کنند.

در این بیانیه از جمله آمده است: «رئیس جمهور دونالد ترامپ و معاون رئیس جمهور جی‌دی ونس همواره از منافع

# گزارش ویژه؛ روایت دانشجویان از ترس و ناامنی و حراست‌های مزاحم؛ پول ندارند امنیت ما را تامین کنند، اما برای کنترل ما همیشه بودجه دارند!



● «دانشجویان بارها از مسئولان دانشگاه‌ها درخواست کرده‌اند که امنیت اطراف خوابگاه‌ها را افزایش دهند، اما پاسخی دریافت نکرده‌اند. جالب است که برای کنترل اعتراضات دانشجویی، نیروی امنیتی در اختیار دارند اما برای حفظ امنیت دانشجویان هیچکس نیست که به داد دانشجویان برسد!»

● «در مقابل یکی از درهای خروجی دانشگاه فردوسی (مشهد) می‌بایست برای دسترسی به اتوبوس‌های درون شهری از یک زیرگذر عبور می‌کردیم. دست کم، هفته‌ای یکبار در آن زیرگذر، یک دانشجو مورد زورگیری قرار می‌گرفت.»

● «هر سال با شروع ماه رمضان توزیع غذای ناسام خوابگاه تا حدود دو ساعت قبل از اذان حدود ۳ و نیم صبح شروع می‌شود!»

● «این صبح زود نیست! نصف شب بیدار شدن است. خسته از سر کار و کلاس درس نیاز داریم حداقل تا نزدیک اذان بخوابیم. چون کیفیت غذا پایین است و اگر بگیریم و چند ساعت بعد استفاده کنیم احتمال فاسد شدن غذا و مسمومیت بالاست به همین دلیل ترجیح می‌دهند غذا را به اصطلاح گرم توزیع کنند!»

فیروزه نوردستوم - علی محمد خالقی درمیان دانشجوی ۱۹ ساله مقطع کارشناسی رشته کسب و کار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران روز پنجشنبه ۲۵ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ به قتل رسید. او در راه بازگشت به خوابگاه و در پی وقوع زورگیری و درگیری در نزدیکی ورودی کوی پسران دانشگاه تهران به شدت مجروح شد و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت. قتل این دانشجوی جوان سبب شکل گرفتن اعتراضات گسترده دانشجویان دانشگاه تهران شد.

قتل این جوان دانشجو بار دیگر مشکلات دانشجویان در خوابگاه‌ها و مشکلات مربوط به خفت‌گیری و زورگیری در محوطه‌های منتهی به خوابگاه‌های دانشجویی را در افکار عمومی مطرح ساخت.

کیهان لندن در این گزارش میدانی به سراغ تعدادی از دانشجویان ساکن در برخی از خوابگاه‌های دانشجویی رفته و درباره مشکلات زندگی آنها در خوابگاه‌های دانشجویی و خطراتی که امنیت آنها را در محوطه‌های اطراف تهدید می‌کند، گفتگو کرده است.

## ساختمان‌هایی که هر لحظه ممکن است فرو بریزند

یکی از دانشجویان ساکن در یکی از خوابگاه‌های دانشجویی وابسته به دانشگاه تهران از وضعیت فرسوده و خطرناک خوابگاه‌های دانشجویی می‌گوید: «هر کدام از اتاق‌های خوابگاه ما یک کمد و تخت کم دارد. یکسری از دخترها هنوز بر روی زمین می‌خوابند! سرویس هم نداریم و باید از اتوبوس و تاکسی استفاده کنیم.»

یک دانشجوی کارشناسی ارشد یک خوابگاه در تهران هم می‌گوید: «برای خیلی از ما دانشجویان، زندگی در خوابگاه، اولین تجربه زندگی مستقل از خانه است، اما بیشتر خوابگاه‌ها ساختمان‌هایی قدیمی و نیازمند تعمیر و بازسازی هستند، اغلب دانشجویانی که کار می‌کنند و کمک‌هزینه‌ای از خانواده دریافت می‌کنند ترجیح می‌دهند در همان سال اول به یک آپارتمان یا سوئیت اجازه‌ای بروند تا اینکه در

خوابگاه با مسائل و نواقص این مراکز سر و کله بزنند.»  
یک دانشجوی پزشکی هم از مشکلات زیرساختی و فرسوده بودن بناهای خوابگاه‌ها انتقاد می‌کند: «وقتی برای اولین بار وارد خوابگاه دانشگاه‌مان شدم، فکر کردم اشتباهی به یک ساختمان دولتی قدیمی آمده‌ام. بعضی از امکانات از زمان شاه، دست‌نخورده باقی مانده‌اند. کف‌پوش‌ها ساییده شده‌اند، شیرهای آب چکه می‌کنند، حتی سیستم گرمایشی و سرمایشی درست کار نمی‌کنند. قدیمی بودن یک چیز است، ولی فرسوده بودن چیز دیگری!»

بسیاری از دانشجویان هم از ایمنی پایین ساختمان‌های خوابگاه‌ها ابراز نگرانی می‌کنند.

یک دانشجوی رشته معماری تجربه خود را چنین شرح می‌دهد: «زمستان سال گذشته سقف یکی از اتاق‌های طبقه دوم خوابگاه ما در رشت فروریخت. خوشبختانه کسی داخل اتاق نبود، اما اگر بود، معلوم نبود چه اتفاقی می‌افتاد.»  
او ادامه می‌دهد: «یک شب داشتم گوشی‌ام را شارژ می‌کردم که ناگهان شارژر منفجر شد! برق‌های اتاق هم قطع شد. بعداً فهمیدیم که سیم‌کشی خوابگاه، قدیمی است.»

## توزیع سحری در نیمه‌شب مشکل تازه خوابگاه‌ها

دانشجویان بارها شاهد وجود حشرات، مو، سنگ و حتی فضله‌ی موش در غذاها بوده‌اند ولی اعتراضات و دور ریختن مکرر غذا در مقابل دیگ غذای سلف و آشپزها تغییری در این وضعیت ایجاد نکرده است.

یک دانشجوی دانشگاه «خمینی» در شهر قزوین با اشاره به این موضوع معتقد است: «به عنوان دانشجویی که دو سال است از غذای سلف دانشگاه و خوابگاه استفاده می‌کنم باید بگویم وضعیت غذاها نه تنها بهتر نشده، بلکه روز به روز به فاجعه نزدیکتر می‌شود. غذاها با مواد اولیه بی‌کیفیت و روغن غیراستاندارد تهیه می‌شوند، غذاهایی که گویی تنها برای رفع تکلیف و سیر کردن شکم تهیه شده‌اند، بسیاری از ما دانشجویان شهرستانی که با سهمیه دولتی در دانشگاه پذیرفته شده‌ایم نه توان مالی خرید غذا از بیرون را داریم نه فرصتی برای پختن غذای سالم در خوابگاه.»

او اضافه می‌کند: «هر سال با شروع ماه رمضان توزیع همین غذای ناسام خوابگاه تا حدود دو ساعت قبل از اذان حدود ۳ و نیم صبح شروع می‌شود.»  
هم خوابگاهی این دانشجو که اهل بندر انزلی است به

این گفتگو می‌پیوندد: «این صبح زود نیست! نصف شب بیدار شدن است! خسته از سر کار و کلاس درس نیاز داریم حداقل تا نزدیک اذان بخوابیم. چون کیفیت غذا پایین است و اگر بگیریم و چند ساعت بعد استفاده کنیم احتمال فاسد شدن غذا و مسمومیت بالاست به همین دلیل ترجیح می‌دهند غذا را به اصطلاح گرم توزیع کنند، سال گذشته آنقدر تیکت زدیم و اعتراض کردیم که دو وعده را یکجا دادند ولی گفتند مسئولیت مسمومیت بر عهده خودتان است!»  
او اضافه می‌کند: «برای خود روزه‌دار هم سخت است نصف شب بیدار شود برود در این سوز و سرما آن غذای بی‌کیفیت را بگیرد، چه برسد به کسانی که اصلاً روزه نمی‌گیرند.»

## سرق و خشونت؛ کابوس دانشجویان خوابگاهی

سرق و ناامنی در محوطه‌های اطراف خوابگاه‌ها به یکی از مشکلات جدی دانشجویان بدل شده است. بسیاری از دانشجویان در تجربه زندگی دانشجویی در خوابگاه، سرق، خفت‌گیری و حتی درگیری خیابانی را تجربه کرده‌اند.

یک دانشجوی دانشگاه علم و صنعت تهران در این ارتباط می‌گوید: «شب که از دانشگاه برمی‌گشتم، دو موتورسوار به من حمله کرده و کیفم را قاپدند و فرار کردند. وقتی به حراست خوابگاه اطلاع دادم، گفتند ما کاری نمی‌توانیم بکنیم، باید بیشتر مراقب خودت باشی!»

او با اشاره به طرح تغییر نام یک خیابان به نام «علی محمد خالقی» دانشجوی کشته شده اضافه می‌کند: «اگر می‌خواستند به فرد احترام بگذارند تدبیری می‌انديشيدند که جلوی وقوع این حادثه را بگیرند مثلاً روشنایی آنجا را تامین کنند و کیوسک نگهبانی بگذارند. قطعاً قبل از وقوع این حادثه هم می‌توانستند این اقدامات را انجام بدهند. آن زمانی که باید به جان شهروند و دانشجو احترام می‌گذاشتند نگذاشتند. حالا این کارهای نمادین نه تنها فاقد اهمیت بلکه اوج بی‌احترامی و مسخره کردن مردم است.»

هم‌اتاقی این دانشجو هم می‌گوید: «حوالی مهر ۹۳ بود که در پل گیشا گوشی مرا سر کوچه جنت دزدیدند، کلانتری یوسف آباد برایم کاری نکرد. یک شماره دادند که یک کد بزن هر وقت رهگیری شد بیا! هرگز هم پیدا نشد. بارها شاهد سرق و موبایل و ماشین، وسط روز در خیابان ۱۶ آذر بودیم. چند ماه پیش هم آیفون ۱۴ یکی از استادان دانشگاه را سر ظهر، مقابل ورودی دانشکده فنی دزدیدند.»



بازنش

## تونل

خبراندیش (احمد احرار)

کیهان لندن شماره ۱۱۲۷ (مهر ۱۳۸۵)



این رئیس پلیس آهنین پنجه در عین حال موسیقیدانی برجسته بود و در نواختن ویلن پنجه‌ای مخملین داشت. از همین رو، در دو دهه پایانی زندگی، رکن الدین خان مختاری رابطه‌اش را با سیاست و سیاسیون بکلی بریده بود و حوزه نشست و برخاستش به دنیای موسیقی و محفل موسیقیدان محدود می‌شد.

در آن سالها، منزل حاج آقامحمد ایرانی (معروف به حاج آقا محمد دگمه) پاتوق اهل موسیقی بود. علی تجویدی و رکن الدین خان مختاری هم از اصحاب آن مجلس به شمار می‌آمدند.

تجویدی از قول مختاری حکایت می‌کرد که در یکی از سفرهای رضاشاه به شمال ملازم رکاب شاهانه بودم. آن زمان تونل کندوان وجود نداشت و برای رفتن از کرج به چالوس می‌بایستی «هزار چم» را پیمود یعنی راه سخت کوهستانی را که مستلزم بالا رفتن تا قله و سرازیر شدن از سوی دیگر تا آن جاده‌های ابتدایی و آن اتومبیل‌های لکتنو بود.

در بالای کوه قهوه‌خانه‌ای بود که مسافران برای رفع خستگی ساعتی یا ساعاتی در آنجا می‌نشستند و با چای و قلیان پذیرایی می‌شدند.

موکب ملوکانه در آنجا فرود آمد. رضاشاه روی تخت چوبی قهوه‌خانه نشست و من حسب الوظیفه، از ققمه‌های که همراه داشتم برایش چای ریختم.

شاه، همانطور که مشغول نوشیدن چای بود مدتی با نگاه عقاب آسای خود به دره نگریست و گفت «دلم می‌خواست مستم را می‌گذاشتم به سینه کوه و آنقدر می‌فشردم تا راهی باز کنم و مسافر مجبور نباشد این کوه را بالا و پائین برود.» بعد، اضافه کرد: «آن وقت، در وسط آن جاده یک فنجان چای به دلم می‌چسبید!»

چندین سال بعد، در مراسم گشایش تونل کندوان، بازهم ملتزم رکاب بودم. در وسط تونل ناگهان اتومبیل حامل شاه متوقف شد و اتومبیل‌های دیگر نیز از حرکت ماندند. من پیاده شدم و به جلو دویدم تا ببینم چه حادثه‌ای رخ داده است. وقتی به اتومبیل سلطنتی رسیدم شاه شیشه را پائین کشید و گفت: «چی خواسته بودم؟»

فوری آنچه را در قله کوه از زبان شاه شنیده بودم به یاد آوردم و عرض کردم: «چای، قربان!» رضاشاه تبسمی کرد و پرسید: «پس کو؟!»

تمثال عدیم المثلال پرزیدنت دکتر احمدی‌نژاد را بر سر سجاده در تونل جدیدالاحداث «رسالت» ملاحظه می‌فرمائید.

به قول همکاران در تحریریه: دو رکعت نماز تونل بجا می‌آورم قربتاً الی الله!

بی آن که خواسته باشم در تونل پیچاپیچ بحث «مشروطه بهتر است یا جمهوری» بقیتم و سرگردان شوم، خلاصا مخلصا عرض می‌کنم با مشاهده این عکس، بخش سینماتوگراف ذهنم شروع کرد به تیک - تاک زدن و تصاویر مردان بزرگی را که در طول بیست و هفت سال بر کرسی ریاست جمهوری ایران تکیه زده‌اند، یکی بعد از دیگری بر پرده آورد:

پرزیدنت دکتر سید ابوالحسن بنی صدر

پرزیدنت دکتر محمدعلی رجائی

پرزیدنت حجت الاسلام (آیت‌الله بعدی) سیدعلی حسینی خامنه‌ای

پرزیدنت حجت الاسلام (آیت‌الله بعدی) اکبر هاشمی رفسنجانی

پرزیدنت حجت الاسلام سید محمد خاتمی

و بالاخره پرزیدنت دکتر محمود احمدی‌نژاد...

هیچ تفسیری ندارم که بر این فهرست بیفزایم. اصلا چرا به این فکر افتادم به درستی نمی‌دانم!

اما خاطره دیگری به ذهنم خلید که آن بی‌علت نبود. منظره تونلی که پرزیدنت احمدی‌نژاد در دهانه آن به نماز نشسته است، حکایتی را به یاد آورد که شادروان علی تجویدی برایم نقل کرد و او نیز از رکن الدین خان مختاری شنیده بود.

دو کلمه در معرفی مختاری برای خوانندگان جوانان که احیاناً اسمی هم از او نشنیده‌اند ضروری است.

رکن الدین مختاری فرزند مختار السلطنه (حاکم تهران در اواخر دوره قاجاریه) بود. در جوانی وارد تشکیلات نظامیه شد و پس از به چاک زدن سرتیپ آیرم رئیس نظمیه (شهربانی) دوره رضاشاه، در راس این دستگاه قرار گرفت.

دوران ریاست نظمیه مختاری (یا سرپاس مختار) دوره‌ای بود که طبع حکومت دیکتاتوری برخوردار بیرحمانه با مخالفان سیاسی را اقتضا می‌کرد و مختاری آن رئیس پلیس آهنین پنجه‌ای بود که می‌توانست از عهده چنین خدمتی برآید. به همین دلیل، بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و رفتن رضاشاه به سفر تبعید، مختاری به اتهام مباشرت در قتل زندانیان سیاسی محاکمه شد.

بنابراین فقط این محدوده نیست. دانشجویان فاطمیه، چمران و خوابگاه‌های سطح شهر هم از ناامنی و زورگیری‌ها شکایت دارند.»

یک فارغ‌التحصیل دانشگاه فردوسی هم در این ارتباط توضیحاتی دارد و می‌گوید: «در مقابل یکی از درهای خروجی دانشگاه فردوسی می‌بایست برای دسترسی به اتوبوس‌های درون شهری از یک زیرگذر عبور می‌کردیم. دست‌کم هفته‌ای یکبار در آن زیرگذر، یک دانشجو مورد زورگیری قرار می‌گرفت. حتی یکبار به یکی از دانشجویان چاقو زدند. بیشتر شب‌ها در ابتدای آن زیرگذر منتظر می‌ماندیم تا چند دانشجو با هم عبور کنیم یا اگر کسی نمی‌آمد با صد تا نذر و دعا از آنجا رد می‌شدیم.»

یک دانشجوی ساکن در دانشگاه دولتی کرمانشاه هم معتقد است: «خوابگاه دانشجویی و مسیر رفت و آمد دانشجویان دخترانه و پسرانه دانشگاه دولتی کرمانشاه در بدترین و مخوف‌ترین محله‌ها قرار دارد. یکبار چند سال پیش در آن محله یک زورگیر خفتم کرد، می‌خواست چاقو بزند داد زدم که بیا گوشیمو بگیر! وقتی این جمله را از من شنید نزد! گوشی را گرفت و رفت. همان تجربه کافی بود که از همان سال بعد از غروب با وحشت در خیابان رفت و آمد می‌کنم.»

او معتقد است: «دانشجویان بارها از مسئولان دانشگاه‌ها درخواست کرده‌اند که امنیت اطراف خوابگاه‌ها را افزایش دهند، اما پاسخی دریافت نکرده‌اند. پس از اعتراضات ۱۴۰۱ ظرف مدت چند روز برای ورودی‌های دانشگاه‌های شهرهای بزرگ کیوسک درست کردند با کلی دوربین تشخیص چهره و نگهبان زن و مرد! جالب است که برای کنترل اعتراضات دانشجویی، نیروی امنیتی در اختیار دارند اما برای حفظ امنیت دانشجویان هیچکس نیست که به داد دانشجویان برسد!»

به گفته وی، علی محمد خالقی به قتل رسید چون هر چند روز یکبار یکی از شهروندان ایرانی به خاطر گوشی، لپ تاپ و کیف پول تنک می‌خورد یا به قتل می‌رسد.

**نیروهای امنیتی؛ نصب دوربین‌های مداربسته و کنترل پوشش**  
بسیاری از دانشجویان نسبت به حضور نیروهای امنیتی در خوابگاه‌ها انتقاد دارند. به گفته آنها، در حالی که این نیروها برای سرکوب تجمعات دانشجویی به سرعت وارد عمل می‌شوند، در تأمین امنیت دانشجویان هیچ اقدامی انجام نمی‌دهند. یک دانشجوی دانشگاه تهران، این تناقض را چنین توضیح می‌دهد: «یکبار کیف پولم را دزدیدند، ولی هیچکس پیگیری نکرد. اما وقتی دانشجویها خواستند برای شرایط بد خوابگاه تجمع کنند، همان شب لباس شخصی‌ها آمدند و چند نفر را بردند.»

یک فارغ‌التحصیل رشته معماری اهل اصفهان با اشاره به نصب دوربین‌های مداربسته متعدد در سالن خوابگاه دخترانه دانشگاه اصفهان توضیح می‌دهد: «از حراست خوابگاه چند بار با من تماس گرفتند و مرا احضار کردند چون داخل اتاقم تاپ و دامن کوتاه پوشیده بودم! به من گفتند چرا موقع خواب، لباس خواب باز می‌پوشی؟! یکبار هم به هم‌اتاقی من گفته بودند چرا با حوله از حمام بیرون می‌آیدی!»  
در ادامه یک دختر دانشجو ساکن خوابگاه علوم پزشکی تبریز هم با انتقاد از حضور ماموران حراست برای کنترل پوشش دختران دانشجوی توضیح می‌دهد: «این زنان در ساعت‌های پر رفت و آمد در کنار ورودی خوابگاه می‌ایستند و به قد مانتو و مقنعه و حتی رنگ موی دانشجویان هم ایراد می‌گیرند. این در حالیست که برای آوردن ناهار و شام به خوابگاه ادعا می‌کنند نیرو نداریم! ولی ما می‌بینیم که برای کنترل پوشش و حجاب دختران دانشجو نیرو دارند! پول ندارند امنیت ما را تأمین کنند، اما برای کنترل ما همیشه بودجه دارند.»

## اصلاحات ارضی: خدمت یا خیانت (بخش پایانی)

اصلاحات ارضی ایران بدون عیب و نقص نبود  
ولی عیوب آن قابل اصلاح بود

## منوچهر خلخالی

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از اردیبهشت تا خرداد ماه ۱۳۸۳ - شماره ۱۰۰۴ - ۱۰۰۸)

مجری نخستین مرحله اصلاحات ارضی در آذربایجان طی مقاله‌ای مفصل به دفاع از این برنامه برخاسته و جنبه‌های مثبت آن را برشمرده است.

گزیده‌ای از این مقاله را که در آخرین شماره مجله ره آورد (چاپ لس آنجلس) انتشار یافته است برای مطالعه شما برگزیده‌ایم که در چهارشماره به نظرتان خواهد رسید.

آن زمان نبودید لاف‌ها به تاریخ مراجعه فرمایید و ببینید که گمرکات در گرو وامی بود که کشور از خارج قرض می‌کرد. رضاشاه با افزایش یک ریال به مالیات قند و شکر، راه آهن سراسری کشور را که هنوز مورد استفاده می‌باشد احداث نمود. آقای دکتر، من و شما تحصیل‌آهنگان در ایران را باید مدیون زحمات رضاشاه فقید در ایجاد دانشکده کشاورزی و دانشگاه تهران بدانیم. کمی انصاف داشته باشید، قبل از دشنام به پدر و پسر نگاهی بفرمایید به ساختار سیاسی و اقتصادی کشورهای همسایه ایران و ضمن مطالعه پیشرفت‌های زیربنایی که ما نسبت به آنها داریم قبول فرمایید که پیشرفت در کشوری با این خصوصیات ژئوپولیتیک ساده نیست. ملاحظه فرمودید به محض این که قدرت ارتش بعد از انقلاب تقلیل پیدا نمود مورد هجوم صدام حسین و عراق قرار گرفت و ملت مجبور به قربانی دادن صدها هزار جوان ایرانی و معلول و معیوب گردید. حیف باشد که ما بدون توجه به شرایط منطقه و محیط و بدون مقایسه وضع کشورهای خود رؤیایی فکر کنیم و زحمات و کوشش دیگران را نادیده بگیریم و به آنها دشنام و ناسزا بگوییم. آیا شما در زمان وزارت خود توانستید به آنچه اعتقاد داشتید و مایل بودید عمل کنید؟ و اگر می‌توانستید و عمل می‌کردید مردم عادی که آشنا به شرایط و دشواریهای گریبانگیر شما نبودند از شما تنقید نمی‌کردند و خرده نمی‌گرفتند؟

۹ - آقای دکتر ایزدی می‌نویسند: «یکی از بزرگترین مفسده‌های که شاه مرتکب شد همین اصلاحات ارضی بود که با آن بسیاری از عزیزان جامعه را از هستی ساقط و به تمام معنای واقعی ذلیل کرده جاده صاف کن مصادره‌های بعد از انقلاب گردید». آقای دکتر در هر دو مقاله خودشان مالکین را اشخاصی با شخصیت و کارآفرین و مدیر و محترم معرفی می‌نمایند و در این بخش هم نظرشان گویا دلسوزی یا دوستیابی شاید تحریک بوده ولی برعکس با ذکر کلمه ذلیل به آنها توهین نمودند زیرا کلمه ذلیل به معنی پست است. آقای دکتر به مالکین صفت پست داده است. ایشان شخصیت مالکین را بسیار پایین آورده است در صورتی که لغت ذلیل شایسته مالکین نمی‌باشد. بر عکس نظر آقای ایزدی، یک عده از مالکین در حال حاضر در خارج از کشور زندگی می‌کنند. تعدادی از آنها بازرگان هستند. مشغول فعالیت در تجارت هستند. تعدادی کارمند می‌باشند. تعدادی زراعت مکانیزه ←

مهدی بازرگان از جمله کسانیست که اصلاحات ارضی را مایه فساد و تیره بختی می‌دانند و براین باورند که شاه، با اجرای این برنامه آمریکایی پایه‌های نظم اقتصادی و روابط اجتماعی را در ایران متزلزل ساخت.

در پاسخ به مقاله‌های متعدد دکتر ایزدی در این زمینه، مهندس منوچهر خلخالی معاون پیشین وزارت کشاورزی و

رضاشاه با تمام قدرت امنیت را در کشور پایدار کرد و جاده را برای مشروطه صاف کرد، چون مردم از مشروطه غیر از ضرر و زیان و ناراحتی چیزی ندیده بودند به رضاشاه پناه آوردند زیرا لاف‌ها به امنیت رسیده بودند.



مردم با استفاده از زیربنای فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی که در زمان رضاشاه ساخته شد به تدریج آمادگی پیدا نمودند که روی پای خود با کمک تحصیلکرده‌هایی که رضاشاه به خارج فرستاد به جای کارشناسان خارجی در جهت سازندگی و نظم و امنیت ملی قدم بردارند. اگر در

چهل سال پس از اجرای برنامه اصلاحات ارضی، هنوز این سؤال اختلاف برانگیز موضوع مباحثات روشنفکری و حتی مجادلات محفلی است که اصلاحات ارضی آیا خدمت بود یا خیانت. و آن را آمریکائیکها دیکته کردند یا از نیازها و ضرورت‌های ملی ریشه می‌گرفت.

دکتر علیمحمد ایزدی وزیر کشاورزی در کابینه مهندس

۸ - آقای دکتر ایزدی در شماره ۵۹ ره‌آورد صفحه ۱۹۷ ضمن شرح مفصل در مورد سوسیالیست شدن جامعه ایران نوشته‌اند: «شاه بعد از اصلاحات ارضی احساس قدرت مطلق می‌کرد و بالتبقی به فساد کشیده شد، با توده‌ایها آشتی کرد، سردمداران را به وکالت و وزارت و سناتوری و استانداری رساند، آنها ایده‌های سوسیالیستی را در جامعه گسترش دادند، سوسیالیسم به‌عنوان یک مد روشنفکری رواج داشت». طبق نظر آقای دکتر جامعه ایران در سال ۱۳۵۶ اعم از شهرنشین و ده‌نشین سوسیالیست شده بودند. لاف‌ها ایشان نوع سوسیالیسم را معین نکرده بودند و نیز موضع یا مسلک خود را اعلام نفرمودند. معلوم می‌شود در ایران ایشان فقط سوسیالیست نبودند. در اینجا خود را از روشنفکران جدا نموده‌اند... ما کارمندان هم در تمام سطوح با همکاران دوست و آشنا بودیم، با همسایه‌ها زیاد تماس داشتیم و با مقامات بالاتر نیز بر حسب وظیفه در تماس بودیم. در هیچ موردی این بیماری سوسیالیسم را احساس ننمودیم در صورتی که کسی هم به این بیماری مبتلا بود کتمان نمی‌کرد. شاید بنده بیسواد متوجه این قبیل بیماری که ایشان می‌فرمایند نشده‌ام. آقای دکتر ایزدی در هر دو مقاله تأکید دارند شاه دیکتاتور بود ولی گویا مصلحت نبود بفرمایند که دیکتاتور را جامعه و ظالم را مظلوم پرورش می‌دهد. هر قدر دیکتاتور مقصر باشد جامعه‌ای که دیکتاتور را پرورش می‌دهد تقصیرش بیشتر از دیکتاتور است البته در ایران اشخاص ناخودآگاه دیکتاتور پرورش می‌دهند.

آقای دکتر ایزدی مرقوم داشتند: «رضاشاه که میراث‌خور انقلاب مشروطیت شد با این که با انتخاب نمایندگان مردم در مجلس شورای ملی، شاه شد ولی بعد از استقرار در کرسی قدرت نامردی کرد و تمام دستاوردهای مشروطه‌خواهان را پایمال کرد». کاش آقای دکتر آن زمان بودند (قبل از رضاشاه فقید) زندگی مردم و شهرها را می‌دیدند. کدام مشروطه؟ کدام ارتش؟ البته مجلس شورا بود و هیأت وزیران بود ولی متأسفانه نشانه‌ای از مشروطه نبود که لاف‌ها رضاشاه فقید آن را لمس کرده و حفظ کند. ایران یک کشور ملوک‌الطوایفی بود، هر منطقه را یک خان یا یک سردار یا یک بیک یا... اداره می‌کرد و در هر محله شهرها یک پیشنماز بود که امور دادگستری و ازدواج و طلاق و غیره را انجام می‌داد. (من خودم در محضر یک پیشنماز در آن زمان معامله انجام داده‌ام).





تمام شده است و چهل سال از اجرای برنامه گذشته است و برگشت ندارد. آقای دکتر ایزدی می‌توانستند عوض و برنامه قرون وسطی را تجدید کنند ولی نکردند با این جریان برنامه اصلاحات ارضی به تاریخ سپرده شده است. تاریخ و نسل آینده قضاوت خواهد کرد. در حال حاضر بحث و مشاجره در این مورد بیهوده است و هیچ فایده ندارد زیرا نظام ارباب و رعیتی دیگر در ایران وجود ندارد و خواهد داشت تا با انتقاد یا تبادل افکار تجربه حاصل شود. متأسفانه مثل این که انتقاد و تخطئه اقدامات سلف، جزئی از سنت اخلاقی ما ایرانیهای معاصر می‌باشد. هر دولتی که آمد، هر وزیر که منصوب شد و هر رئیس که به خود دیدیم کارهای شروع شده و یا انجام شده سلف خود را باطل و غلط می‌دانست و شاید فلسفه انتصاب خود را در غلط دانستن کارهای سلف خود می‌دانست تا این که بتواند انتصاب خود را توجیه نماید. بدیهی است در اجرا ممکن است ما با یکدیگر متفاوت باشیم ولی چرا باید منکر اصل برنامه قبلی گذشته باشیم. چرا نباید نفع شخصی خود و اعقاب خود را در منافع ملی و جامعه بدانیم و به جای خراب کردن به سازندگی ادامه ندهیم؟

من ادعا می‌کنم که برنامه اصلاحات ارضی ایران بدون عیب و نقص بود ولی می‌گویم که عیوب آن قابل اصلاح بود و با گذشت زمان انجام می‌گرفت. من چنین اعتقاد دارم که تقسیم زمین تنها اولین بند و اولین گام در اجرای برنامه جامع اصلاحات ارضی بود. تشکیل شرکتهای تعاونی روستایی و تولید و شرکتهای سهامی زراعتی - گسترش و ترویج واقعی کشاورزی، دگرگونی سیستم سلف‌خوری و سلف‌فروشی و جایگزینی شرکتهای تعاونی اعتباری - ایجاد میادین فرآورده‌های کشاورزی از طریق شرکتهای اتحادیه‌های تعاونی - توسعه و انتقال صنایع روستایی به روستاها و به‌کارگیری تجارب سایر کشورها که در این زمینه پیشرفت داشته‌اند و صدها برنامه دیگر می‌تواند در تکمیل قانون اصلاحات ارضی و استفاده از کار دهقانان آزاده بسیار مفید و مؤثر باشد.

پایان

می‌دهد به‌طوری که استحضار دارید این اقدام را مصادره می‌گویند. در اجرای اصلاحات ارضی، مالک در محضر رسمی حاضر می‌شد و اسناد انتقال را امضا می‌کرد و قیمت زمین را دریافت می‌داشت و اگر اعتراض به قیمت زمین داشت حق داشت که در کمیسیونی که برای همین امر تشکیل می‌گردید مطرح نماید. بنا به تعاریف اقتصادی این اقدام معامله نامیده می‌شود؛ شما چگونه معامله و مصادره را برابر می‌دانید؟

در هر صورت برنامه اصلاحات ارضی خوب یا بد طبق قانون در کشور اجرا شده و به‌سود کشور و مالک و رعیت



می‌کنند. تعدادی که خرده‌مالک بودند برای این که زمین کم داشتند کارهای جنبی داشتند. هرچه باشد خدای نکرده دلیل (پست) نشده‌اند. اگر نظام بهره‌برداری ارباب و رعیت لغائی شد معلوم نبود حالا وضع مالکین چه می‌شد؟ آقای دکتر ایزدی، قبول فرمایید اجرای برنامه اصلاحات ارضی به سود کشور و مالک و رعیت انجام شد. ۱۰ - آقای دکتر ایزدی علاوه بر این می‌فرمایند: «شاه جاده صاف کن مصادره‌های بعد از انقلاب گردید». در شماره ۵۹ صفحه ۲۰۰ ره‌آورد مرقوم می‌دارد: «اصلاحات ارضی شاه و اقدامات مصلحتی بعد از انقلاب در هتک حرمت مالکیت انحراف از حق یقیناً می‌تواند خوش عاقبت باشد. جالب این است که لغت مصلحت را هر دو طایفه به‌کار بردند». تصور می‌رود آقای دکتر ایزدی نظرشان این است که ولایت فقیه و انقلابیون و حکومت جمهوری اسلامی، و تمام سردمداران دنباله‌رو شاه فقید شدند. یک چنین دیدی برای ولایت فقیه و سایرین و حکومت جمهوری ناراحت کننده است اگر آنها بدانند جاده را شاه فقید صاف کرده است هرگز به آن جاده قدم نمی‌گذارند به‌علاوه آن قدرتی که ولایت فقیه دارد احتیاج به صاف کردن جاده نیست. ولایت فقیه براحتی و فوری بدون احساس ناراحتی، از دست اندازه‌ها می‌گذرد. گذشته از اینها آیت‌الله می‌گویند ولایت فقیه را خداوند متعال تعیین کرده است؛ در این صورت جاده‌ها نیز قبلاً صاف شده است احتیاج به صاف کردن شاه نبود.

قطعاً آقای دکتر ایزدی بدون دقت (در مورد فقه و اصول و ولایت فقیه و مطالعه کتابهای آیت‌الله‌ها و اساسنامه جمهوری اسلامی ایران وغیره) برای پیروزی انقلاب فعالیت نکرده‌اند بلکه با قبول ولایت فقیه و هدفها و اساسنامه جمهوری اسلامی ایران، پُست وزارت کشاورزی را قبول کرده‌اند در این صورت انتقاد به مصادره اموال مردم نمی‌تواند با قبول مسؤلیت و مقام، تضاد داشته باشد.

آقای دکتر ایزدی، تصاحب اموال در جمهوری اسلامی ایران بدون اطلاع مالک، بدون پرداخت قیمت اموال و بدون انجام تشریفات انتقال اموال با سند در محاضر رسمی صورت می‌گیرد. دولت این اموال را یا می‌فروشد یا به نهادها

## پوتین خودخواه اهرم فشار ترامپ علیه خامنه‌ای



نقاشی روی دیوار در «شیطانکوه» Teufelsberg / برلین / عکس از کیهان لندن

● بلمبرگ گزارش داده که پوتین با درخواست ترامپ برای میانجیگری در مذاکرات با رژیم ایران موافقت کرده است.

● در تهران و چندین شهر دیگر، بیلبردهایی نصب شده که تصویر مشاجره لفظی ترامپ و ونس با زلینسکی را نمایش می‌دهد. این بیلبردها با هشتگ «#عبرت\_اوکراین» و جمله «تکیه بر باد» تهیه شده‌اند.

● روسوفیل‌های داخل رژیم ممکن است ناچار شوند از آنچه از مسکو به آنها دیکته می‌شود حمایت کنند، که این امر می‌تواند موجب شکاف بیشتر در لایه‌های اصلی نظام شود.

● هم‌افزایی فشارهای دو قدرت بزرگ علیه جمهوری اسلامی، ممکن است برای آنان به نتیجه مطلوب برسد، اما پیامدهای آن برای خامنه‌ای، نزدیکانش و کل نظام، که در شرایطی شکننده قرار دارد، بسیار خطرناک خواهد بود.

● در صورتی که خامنه‌ای از پذیرش این معامله امتناع کند، اگرچه ترامپ ممکن است انگیزه‌ای برای اقدام نظامی نداشته باشد و اسرائیل نیز گزینه حمله را فعال نکند، اما تحریم‌ها به شدت تشدید خواهد شد. در چنین شرایطی، بحران اقتصادی ایران احتمالاً با موجی از اعتراضات خیابانی گسترده علیه نظام همراه خواهد شد، آنهم در حالی که روسیه سابقه حمایت از دیکتاتورها را در برابر اعتراضات دارد.

حامد محمدی - پس از جدال لفظی رؤسای جمهور آمریکا و اوکراین در کاخ سفید، دولت‌های اروپایی و بریتانیا وعده کمک‌های مالی و تسلیحاتی به ولودیمیر زلینسکی دادند. با این حال، او در چندین مصاحبه ضمن قدردانی از کمک‌های آمریکا، خواستار امضای توافق برای بهره‌برداری از معادن با دونالد ترامپ شد.

زلینسکی به خوبی می‌داند که پایان جنگ در اوکراین بدون حمایت آمریکا ممکن نیست؛ به همین دلیل بر امضای این توافق با ترامپ اصرار دارد. هنوز مشخص نیست که این توافق در صورت انجام چه زمانی نهایی شده و اجرای آن چه زمانی آغاز خواهد شد. در هر صورت، جریان اصلی قدرت در جمهوری اسلامی، نوع برخورد ترامپ و معاون اول وی، جی‌دی ونس، با زلینسکی را به عنوان «درس عبرت» قلمداد می‌کنند.

در تهران و چندین شهر دیگر، بیلبردهایی نصب شده که تصویر مشاجره لفظی ترامپ و ونس با زلینسکی را نمایش می‌دهد. این بیلبردها با هشتگ «#عبرت\_اوکراین» و جمله «تکیه بر باد» تهیه شده‌اند.

حامیان نظام و برخی مقامات عالی‌رتبه رژیم از اینکه علی خامنه‌ای به دولت پزشکیان اجازه مذاکره با دونالد ترامپ را نداده، ابراز رضایت کرده و آن را حاصل تجربه و شناخت خامنه‌ای از سیاست‌های آمریکا دانسته‌اند.

مدتی است که برخی چهره‌های سیاسی رژیم نسبت به احتمال معامله پوتین با آمریکا بر سر ایران و اوکراین هشدار می‌دهند. محمود احمدی‌نژاد اولین فردی است که علناً به این موضوع اشاره کرد. او در هفتم بهمن‌ماه ۱۴۰۰ طی یک سخنرانی اعلام کرد: «من اطلاع دقیقی دارم که روسیه و آمریکا بر سر اوکراین و ایران به توافق رسیده‌اند. [آمریکا] اجازه داده که [روسیه] وارد اوکراین شود و در مقابل، [روسیه] نیز اجازه داده که [آمریکایی‌ها] به ایران فشار بیاورند.» در آن زمان هنوز دولت دموکرات‌ها با رهبری جو بایدن در آمریکا بر سر کار بود.

برای میانجیگری در مذاکرات با ایران موافقت کرده است. خواسته‌های ترامپ از جمهوری اسلامی روشن است: توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم و برنامه اتمی، کنار گذاشتن برنامه‌های موشکی و پهپادی، و قطع تأمین مالی گروه‌های شبه‌نظامی. علاوه بر این، احتمالاً شرط به رسمیت شناختن اسرائیل نیز مطرح خواهد شد.

پذیرش این شروط از سوی جمهوری اسلامی به معنای «خلع سلاح» است. اگر پوتین نقش میانجی را بپذیرد، به این معناست که او اهرم فشاری مستقیم بر علی خامنه‌ای خواهد داشت.

### فشار روسوفیل‌ها به خامنه‌ای

روسوفیل‌های داخل رژیم ایران احتمال دارد ناچار شوند از آنچه از مسکو به آنها دیکته می‌شود حمایت کنند، که این امر می‌تواند موجب شکاف بیشتر در لایه‌های اصلی نظام شود. هم‌افزایی فشارهای دو قدرت بزرگ علیه جمهوری اسلامی، ممکن است برای آنان به نتیجه مطلوب برسد، اما پیامدهای آن برای خامنه‌ای، نزدیکانش و کل نظام، که در شرایطی شکننده قرار دارد، بسیار خطرناک خواهد بود. اگر پوتین به فشارهای ترامپ علیه جمهوری اسلامی بیببندد، مقاومت برای خامنه‌ای بسیار دشوار خواهد شد. این همان نقطه‌ای است که او حتی باید از سوی اطرافیان خود نیز احساس خطر کند.

اما در صورتی که خامنه‌ای از پذیرش این معامله امتناع کند، اگرچه ترامپ ممکن است انگیزه‌ای برای اقدام نظامی نداشته باشد و اسرائیل نیز گزینه حمله را فعال نکند، اما تحریم‌ها به شدت تشدید خواهد شد. در چنین شرایطی، بحران اقتصادی ایران احتمالاً با موجی از اعتراضات خیابانی گسترده علیه نظام همراه خواهد شد، آنهم در حالی که روسیه سابقه حمایت از دیکتاتورها را در برابر اعتراضات دارد.

به نظر می‌رسد در چنین شرایطی، دیگر تصمیم با پوتین خواهد بود: آیا همچنان از خامنه‌ای حمایت خواهد کرد یا دست خود را از پشت جمهوری اسلامی برمی‌دارد؟

علاوه بر این، حشمت‌الله فلاحت‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی نیز بارها در مقالات و مصاحبه‌های خود هشدار داده که پوتین در نهایت جمهوری اسلامی ایران را قربانی پایان جنگ اوکراین خواهد کرد.

### کاهش اهمیت ایران برای پوتین

با بازگشت ترامپ به قدرت، روسیه به سرعت در حال نزدیک شدن به آمریکا است. از سوی دیگر، پس از سقوط رژیم بشار اسد و ضربات سنگین به حزب‌الله و حماس، موقعیت جمهوری اسلامی در منطقه به شدت تضعیف شده است. در داخل کشور نیز حکومت با بحران مشروعیت و نارضایتی گسترده مواجه است که افزایش تحریم‌ها این وضعیت را وخیم‌تر می‌کند.

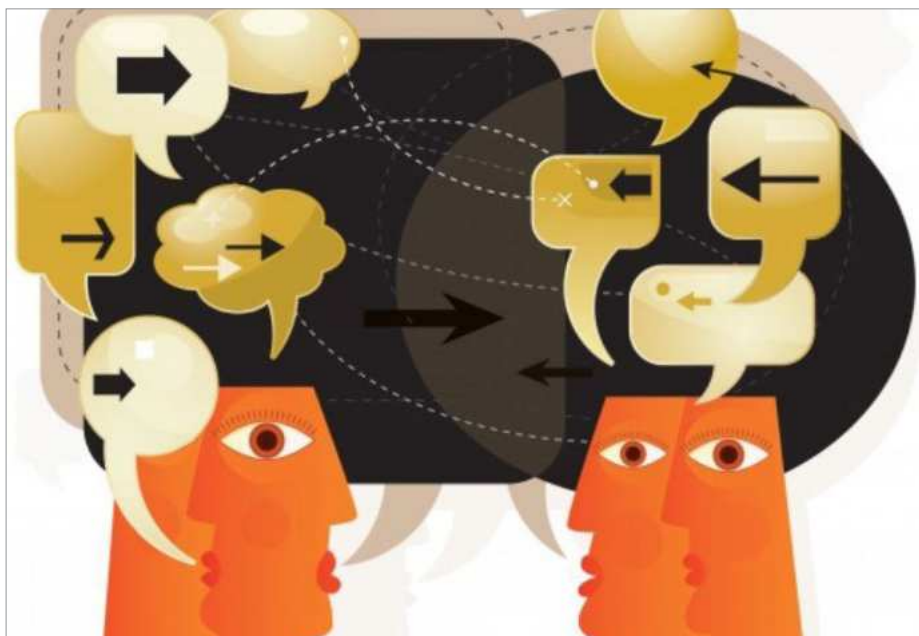
در چنین شرایطی، نزدیکی پوتین و ترامپ می‌تواند موقعیت جمهوری اسلامی را بیش از پیش به خطر بیندازد. هفتم اسفندماه ۱۴۰۳، آمریکا و روسیه در مجمع عمومی سازمان ملل علیه یک قطعنامه ضدروسی رأی منفی دادند، در حالی که جمهوری اسلامی رأی متعین داد. این موضع پیامی آشکار دارد: تهران که سال‌ها دلخوش به حمایت روسیه در سازمان ملل بود، اکنون به احتمال زیاد با تغییر مواضع روسیه و قربانی شدن برای تأمین منافع مسکو مواجه است. با پایان احتمالی جنگ اوکراین، نیاز روسیه به پهپادها و موشک‌های ایرانی کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، انگیزه روسیه برای ارائه امتیاز یا حمایت گسترده از جمهوری اسلامی کمتر خواهد شد. هرچه فاصله جمهوری اسلامی از مسکو بیشتر شود، فشارهای بین‌المللی علیه آن افزایش خواهد یافت. منابع غیررسمی می‌گویند که هم‌زمان با فشارهای آشکار آمریکا بر اوکراین، روسیه نیز به صورت پنهان مقامات تهران را برای پذیرش معامله با ترامپ تحت فشار قرار داده است. سفر اخیر سرگئی لاوروف به ایران در همین راستا ارزیابی می‌شود.

### پوتین در نقش میانجی

بلمبرگ گزارش داده که پوتین با درخواست ترامپ



## چپ و راست یا حق و باطل؟



می‌کند. از این رو، مفهومی که در جامعه الف کاربرد بجا و دقیقی دارد، الزاماً همان بار معنایی را در جامعه و بستر فرهنگی دیگر نخواهد داشت. برخی از این مفاهیم که در بستر فرهنگ‌های دموکراتیک و جامعه‌های آزاد به وجود آمده یا ساخته شده‌اند، در فرهنگ‌های بسته و نظام‌های استبدادی بی‌معنا می‌شوند و گاه حتا گمراه کننده‌اند.

مفهوم «چپ» یکی از این مفاهیم است که در ایران در واقع به نام مستعار کمونیست‌ها بدل شده است: اگر این مفهوم برخاسته از فرهنگ‌های آزاد و دموکراتیک در جهان غرب، با از سر گذراندن تغییراتی، امروزه تعریف کم و بیش روشنی دارد، اما همین مفهوم که در سال‌های پایانی دهه چهل خورشیدی احتمالاً از طریق کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در غرب وارد فرهنگ ما شده است، با کاربرد و معنایی در جهان غرب دارد به کلی بیگانه است.

مفهوم «چپ» به کار بردن مفهوم راست نیز در ایران نادرست و بی‌معناست. اگر مختصات همان گرایشی در نظر باشد که در غرب به عنوان راست می‌شناسیم، چنین گرایشی در ایران وجود خارجی ندارد! گرایش راست در اروپا مدافع فردیت و آزادی‌های فردی است، کدام گرایش یا نیروی سیاسی در ایران مدافع فردیت و آزادی‌های فردی است؟ راست در غرب خواهان محدود کردن دخالت دولت در اقتصاد و زندگی اجتماعی مردم است. کدام نیرو در ایران چنین رویکردی دارد؟ راست در غرب پشتیبان بازار آزاد و تجارت جهانی است. تأکید بر برقراری نظم، امنیت، کار بیشتر، تأکید بیشتر بر تولید تا توزیع، محدود کردن دخالت دولت در اقتصاد و تأکید بر اهمیت خانواده و سنت‌ها در جامعه و... جایگاه مهمی نزد راست‌ها دارد. آیا در کشور ما چنین گرایشی به شکل جریان متشکل سیاسی وجود دارد؟

رضا ناصحی - فرهنگ‌های گوناگون در درازای تاریخ از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و بر هم تأثیر می‌گذارند. از جمله کار پژوهشگران و تاریخدانان، ردیابی این تأثیرات بین فرهنگی، در گذر زمان است. چنین است که مفاهیم و واژه‌ها، به ویژه در کشورهای پیشرفته، شناسنامه دارند و از زمان پیدایی تا کاربردهای امروزی و تغییرات معنایی‌شان ثبت می‌شوند و به تدریج و انتشار واژه‌شناسی‌ها و فرهنگ نامه‌ها می‌انجامند.

از دوران روشنایی یا عصر فروغ در اروپا و تشکیل نهادهای مدرن تا پیدایش دموکراسی‌های لیبرال، بسیاری از مفاهیم سیاسی که در چنین روندی از تغییر و تحول و بر پایه واقعیت‌ها پدیدار شده‌اند، با گذر از مرزهای جغرافیایی، وارد فرهنگ و ادبیات کشورهای گوناگون می‌شوند. روندی طبیعی، و در بسیاری موارد سودمند. اما مفاهیم و بطور کلی شکل‌گیری زبان‌های گوناگون بسته به شرایط اجتماعی فرهنگی و اقتصادی، و در یک کلام، متناسب با بستر اجتماعی و زیست‌بوم آن زبان‌هاست. این واقعیت در مورد مفاهیم سیاسی و پدیده‌های اجتماعی به طریق اولی صدق

نشته بودند. این آرایش هنوز همچنان پابرجاست. جایگاه و مواضع این دو طیف به مرور زمان و تا اوایل قرن بیستم گاه دچار تغییر می‌شد. برای مثال، لیبرال‌ها در قرن نوزدهم چپ بودند که با ورود سوسیالیست‌ها به پارلمان به طرف راست جابجا شدند. مفهوم چپ بعدها گرایشی را نمایندگی می‌کرد که خواهان پیشرفت، برابری حقوقی و عدالت اجتماعی بود و با برنامه‌های پیشنهادی خود بهبود وضعیت طبقه کارگر و تهیدستان را پی می‌گرفت. امروزه این مفهوم در کشورهای غربی، طیف بس وسیع‌تری را در بر می‌گیرد. از کمونیست‌ها (که امروزه جز نام، آثاری از کمونیسم در گفته‌ها و نوشته‌هایشان باقی نمانده!) تا سوسیالیست‌ها، مدافعان حقوق بشر، دگرباشان، فمینیست‌ها، دموکرات‌ها، طرفداران حقوق حیوانات و طرفداران محیط زیست و حتا طرفداران آزادی مصرف ماری جوانا و... همگی در این طیف جای دارند. این چپ، دیگر سخنی از جنگ طبقاتی و نابودی سرمایه‌داری نمی‌زند. طبقه کارگر، دست کم آنچه امروزه به این نام خوانده می‌شود، در این کشورها اغلب از افراطیون راست پشتیبانی می‌کند. برای مثال در آخرین انتخابات پارلمان اروپا ۵۴ درصد کارگران به مارین لوپن رأی دادند!

در این جوامع، مفهوم چپ و راست یا میانه به خودی خود هیچگونه بار ارزشی ندارد. پیروان هر کدام از این گرایش‌ها برنامه‌ها و پروژه‌های خود را برای بهزیستی و پیشرفت جامعه و اکثریت مردم مفیدتر و مؤثرتر می‌دانند و چپ یا راست یا میانه بودن خود را به عنوان امتیازی برای جلب آراء شهروندان تبلیغ می‌کنند. در دو سوی این دو طیف، افراطیون چپ و راست جای گرفته‌اند که با وجود دشمنی شدید با یکدیگر، مواضع کم و بیش مشابهی در عرصه سیاسی دارند.

به کار گرفتن مفاهیم چپ و راست در ایران، همچون

«چپ و راست» در ایران، واژه‌هایی نامفهوم و مبهم مفهوم چپ برای نخستین بار در قرن هفدهم در انگلیس و قرن هژدهم در انقلاب فرانسه به جمع نمایندگان اطلاق می‌شد که نسبت به جایگاه ریاست، در سمت چپ او

از دوران روشنایی یا عصر فروغ در اروپا و تشکیل نهادهای مدرن تا پیدایش دموکراسی‌های لیبرال، بسیاری از مفاهیم سیاسی که در چنین روندی از تغییر و تحول و بر پایه واقعیت‌ها پدیدار شده‌اند، با گذر از مرزهای جغرافیایی، وارد فرهنگ و ادبیات کشورهای گوناگون می‌شوند. روندی طبیعی، و در بسیاری موارد سودمند. اما مفاهیم و بطور کلی شکل‌گیری زبان‌های گوناگون بسته به شرایط اجتماعی فرهنگی و اقتصادی، و در یک کلام، متناسب با بستر اجتماعی و زیست‌بوم آن زبان‌هاست.

مفهوم «چپ» یکی از این مفاهیم است که در ایران در واقع به نام مستعار کمونیست‌ها بدل شده است: اگر این مفهوم برخاسته از فرهنگ‌های آزاد و دموکراتیک در جهان غرب، با از سر گذراندن تغییراتی، امروزه تعریف کم و بیش روشنی دارد، اما همین مفهوم که در سال‌های پایانی دهه چهل خورشیدی احتمالاً از طریق کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در غرب وارد فرهنگ ما شده است، با کاربرد و معنایی در جهان غرب دارد به کلی بیگانه است.

به کار بردن مفهوم راست نیز در ایران نادرست و بی‌معناست. اگر مختصات همان گرایشی در نظر باشد که در غرب به عنوان راست می‌شناسیم، چنین گرایشی در ایران وجود خارجی ندارد! گرایش راست در اروپا مدافع فردیت و آزادی‌های فردی است، کدام گرایش یا نیروی سیاسی در ایران مدافع فردیت و آزادی‌های فردی است؟ راست در غرب خواهان محدود کردن دخالت دولت در اقتصاد و زندگی اجتماعی مردم است. کدام نیرو در ایران چنین رویکردی دارد؟ راست در غرب پشتیبان بازار آزاد و تجارت جهانی است. تأکید بر برقراری نظم، امنیت، کار بیشتر، تأکید بیشتر بر تولید تا توزیع، محدود کردن دخالت دولت در اقتصاد و تأکید بر اهمیت خانواده و سنت‌ها در جامعه و... جایگاه مهمی نزد راست‌ها دارد. آیا در کشور ما چنین گرایشی به شکل جریان متشکل سیاسی وجود دارد؟

رضا ناصحی - فرهنگ‌های گوناگون در درازای تاریخ از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و بر هم تأثیر می‌گذارند. از جمله کار پژوهشگران و تاریخدانان، ردیابی این تأثیرات بین فرهنگی، در گذر زمان است. چنین است که مفاهیم و واژه‌ها، به ویژه در کشورهای پیشرفته، شناسنامه دارند و از زمان پیدایی تا کاربردهای امروزی و تغییرات معنایی‌شان ثبت می‌شوند و به تدریج و انتشار واژه‌شناسی‌ها و فرهنگ نامه‌ها می‌انجامند.

از دوران روشنایی یا عصر فروغ در اروپا و تشکیل نهادهای مدرن تا پیدایش دموکراسی‌های لیبرال، بسیاری از مفاهیم سیاسی که در چنین روندی از تغییر و تحول و بر پایه واقعیت‌ها پدیدار شده‌اند، با گذر از مرزهای جغرافیایی، وارد فرهنگ و ادبیات کشورهای گوناگون می‌شوند. روندی طبیعی، و در بسیاری موارد سودمند. اما مفاهیم و بطور کلی شکل‌گیری زبان‌های گوناگون بسته به شرایط اجتماعی فرهنگی و اقتصادی، و در یک کلام، متناسب با بستر اجتماعی و زیست‌بوم آن زبان‌هاست. این واقعیت در مورد مفاهیم سیاسی و پدیده‌های اجتماعی به طریق اولی صدق

دیگر کشورهای محروم از دموکراسی، بی‌معنا و حتا گمراه‌کننده و موجب اغتشاش فکری است. وقتی اقلیت ناچیز کمونیست‌ها چه خوانده می‌شوند، لابد گرایش‌های دیگر بیرون از این دایره، همگی راست و یا راست افراطی‌اند! بسیاری از مفهوم سیاسی ابزار و آلات نیست که در همه جا کاربرد یکسانی داشته باشد. تعجبی ندارد اگر در کشورهای چون چین، روسیه، کره شمالی، کوبا و... با آنهمه کمونیست، کسی از چه یا راست سخن نمی‌گوید. چرا که بی‌معناست و چه و راستی در آن دیار نمی‌توان یافت. این مفاهیم جز در چارچوب دموکراسی و وجود پارلمان‌های آزاد موضوعیتی ندارد. کسی میلیون‌ها کمونیست در چین یا روسیه را چه خطاب نمی‌کند. مافیای ناسیونال-کمونیست در چین، مافیای ملی-مذهبی-کمونیستی در امپراتوری روس، مافیای کمونیستی-وراثی در کوبا، حتا خودشان نیز خود را چه نمی‌خوانند، چرا که در این کشورها احزاب سیاسی و آزادی‌های سیاسی و انتخابات آزاد و دموکراسی پارلمانی وجود ندارد. به همین دلیل نشانی از احزاب و نیروهای چه و راست نیست.

گرایش‌ها و جریان‌های سیاسی را باید برپایه برنامه‌ها و نظراتی که دارند نام داد. باید مفاهیم روشنی به کار گرفت: کمونیست، سوسیال دموکرات، مذهبی سنتی، ملی، ارتجاعی و یا مفاهیمی چون انساندوستی در برابر بربریت، مدرنیته و پیشرفت در برابر ارتجاع مذهبی، تمدن در برابر تخریب، لیبرالیسم در برابر استبداد مذهبی و... از آنجا که مصداق‌های مشخصی در جامعه دارند گویاتر و به واقعیت‌های زندگی ما نزدیک‌ترند. ما امروز به آسانی می‌توانیم در ایران هواداران مدرنیته و پیشرفت را از جبهه ارتجاع و عقب‌ماندگی تشخیص دهیم. می‌توانیم هواداران آزادی و دموکراسی را از هواداران استبداد فاسد مذهبی متمایز کنیم. می‌توانیم وطن‌دوستان، هواداران زندگی معمولی، شادی و مدافعان حقوق انسانی را از مرگ‌پرستان و کاسبان اشک و عزا و امت‌پرستان ضدایرانی به آسانی تشخیص دهیم.

جنبش زن، زندگی و آزادی جایگاه خود را در این دوگانه‌ها برگزیده است. «زندگی معمولی» گزینه گویایی در برابر زندگی خفت‌بار و قرون وسطایی نظام اسلامی است. زندگی معمولی بیان حق طبیعی انسان است. زندگی معمولی، زیست در آسایش و امنیت به معنای وسیع کلمه است: امنیت جانی، امنیت شغلی و تحصیلی، امنیت سفر، امنیت دخالت در امور سیاسی و اجتماعی، شایسته‌سالاری و... زندگی معمولی همانی است که آدمیان در مناطق مختلف جهان، و به ویژه در غرب، در آزادی و دموکراسی تجربه می‌کنند.

برخی از «چه»‌های وطنی که هنوز دل در گرو سوسیالیسم اردوگاهی و امپریالیسم روس دارند، زندگی معمولی را که نزدیک به نیم قرن از ده‌ها میلیون ایرانی دریغ شده است بی‌اهمیت می‌دانند و تحقیر می‌کنند. نمی‌بینند که حاکمیت جمهوری اسلامی نه تنها امنیت را از مردم سلب کرده، بلکه با آتش‌افروزی در منطقه، امنیت وجودی و موجودیت کشور را نیز به شدت تهدید می‌کند. زندگی معمولی، یعنی زندگی متناسب با ملزومات قرن بیست و یکم.

مفهوم چه در کشور ما برخلاف هویت و معنایی که در غرب دارد، جز اینکه به نام مستعار کمونیست‌ها بدل شده کاربرد دیگری ندارد. اگر با معیارهایی که چه در کشورهای دموکراتیک دارد، گرایش‌های نظری موجود در ایران را بسنجیم، نتیجه برای برخی می‌تواند شگفت‌انگیز باشد: کمونیستی که از انقلاب ۵۷ دفاع می‌کند، کمونیستی که نه مدافع حقوق بشر است، نه مدافع آزادی‌های فردی

و اجتماعی؛ کمونیستی که زندگی معمولی را به دیده تحقیر می‌نگرد، همراه و همدست ارتجاع حاکم است، چنانکه در فاجعه ۵۷ بود. این کمونیسم، خود ارتجاع است. آمریکاستیزی، یهودستیزی و همدلی با امپریالیسم روس و تروریست‌های اسلامی در منطقه از جمله وجوه مشترک این دو ارتجاع است. در حالی که هواداران «زندگی معمولی»، فعالان محیط زیست، هواداران لغو اعدام، هواداران برابری حقوق زن و مرد، مدافعان حقوق بشر و... با معیارهای اروپایی جملگی چه به شمار می‌روند. آیا کمونیست‌های ما که ترجیح می‌دهند خود را چه معرفی کنند، منظورشان از چه، همین معنای رایج چه در غرب است؟

### مفهوم راست چطور؟

به همان دلایلی که درباره مفهوم چه گفته شد، به کار بردن مفهوم راست نیز در ایران نادرست و بی‌معناست. اگر مختصات همان گرایشی در نظر باشد که در غرب به عنوان راست می‌شناسیم، چنین گرایشی در ایران وجود خارجی ندارد! گرایش راست در اروپا مدافع فردیت و آزادی‌های فردی است، کدام گرایش یا نیروی سیاسی در ایران مدافع فردیت و آزادی‌های فردی است؟ راست در غرب خواهان محدود کردن دخالت دولت در اقتصاد و زندگی اجتماعی مردم است. کدام نیرو در ایران چنین رویکردی دارد؟ راست در غرب پشتیبان بازار آزاد و تجارت جهانی است. تأکید بر برقراری نظم، امنیت، کار بیشتر، تأکید بیشتر بر تولید تا توزیع، محدود کردن دخالت دولت در اقتصاد و تأکید بر اهمیت خانواده و سنت‌ها در جامعه و... جایگاه مهمی نزد راست‌ها دارد. آیا در کشور ما چنین گرایشی به شکل جریان متشکل سیاسی وجود دارد؟ دولت‌های چه یا راست در کشورهای غربی منافع ملی یکسانی را دنبال می‌کنند و سیاست خارجی آنها با جایگزین شدن ادواری این دو طیف، به ندرت و آنهم بسیار اندک تغییرپذیر است. علاوه بر آن، اگر افراطی‌های دو طیف را نادیده بگیریم، سیاست داخلی‌شان نیز اگرچه می‌تواند متفاوت باشد اما چندان دور از هم نیست. آیا در ایران نیرویی با این مشخصات، می‌توان سراغ داشت؟ البته در هر جامعه‌ای افرادی با این یا آن گرایش می‌توان یافت که جنبه فردی دارد و ربطی به این بحث پیدا نمی‌کند.

باری، اگر کاربرد چه و راست در کشور ما را بتوان در کنار مفاهیمی چون جمهوری، اپوزیسیون و... از جمله غلط‌های مصطلح دانست، اما همین غلط مصطلح نیز با ورود به فرهنگ دینی ما تغییر معنا داده و غلط اندر غلط شده است. کمونیست‌های ما به دلایلی ریشه‌دار در تاریخ و فرهنگ دینی این سرزمین، چه و راست را معادل حق و باطل می‌دانند! البته این دور از انتظار هم نیست، چرا که برخی از کسانی که همچنان عَلمِ پرولتاریا به دوش می‌کشند، «مبارزه»ی خود را از انجمن‌های بهایی‌کشی حجتیه شروع کرده‌اند. آبخشور برخی معجون خطرناکی از ترکیب اسلام با کمونیسم بوده است. از دید آنان، همه فضایل بشری یکسره از آن چه است و همه رذایل بشری یکجا در راست جمع شده است. راست و اخیراً راست افراطی نزد اینان فحش و ناسازست که نثار رقبا می‌کنند!

جالب اینکه برخی از مدعیان روشنفکری به زرادخانه فحش‌های مؤدبانه خود به تازگی پدیده‌ای به نام «راست افراطی» را نیز افزوده‌اند که از نظر آنان در صف مخالفان نظام اسلامی جا خوش کرده و عنقریب در آستانه قدرت است! و بدا به حال هواداران «راست افراطی» که برخی صدای پایش را می‌شنوند و گاه از زبان گرگانی در لباس میش، وعده‌ی کوبیدن سر آنان بر سنگفرش خیابان‌ها

می‌دهند!

اما کیست که نداند که هدف جنجال‌آفرینی گاه و بیگاه اینان، رضا پهلوی و گسترش روزافزون هواداران او در ایران است! شگفت آنکه اگر واقعیت‌ها را بی‌طرفانه در نظر بگیریم و گفته‌ها و نوشته‌های رضا پهلوی را در چهار دهه‌ی گذشته مد نظر قرار دهیم، کم و بیش همان چیزهایی را می‌بینیم که گرایش موسوم به چه در اروپا مدعی آنهاست. اما کمونیست‌های ما را با واقعیت چه کار؟

### فحاشی ادیبانه؟

این مفاهیم در نزد این «روشنفکران» ابزار فحش و ناسزا و مخالف‌خوانی است. استفاده از فحش‌های آبدار کوچه بازاری که امروز به افراط در شبکه‌های اجتماعی مشاهده می‌شود، البته در شأن روشنفکران فرهیخته ما نیست، ابزار دیگری باید: از کاریکاتورهای مستهجن گرفته تا برچسب زدن و دروغ‌پردازی، جملگی مجاز است و ضروری! این روش در ایران سابقه‌ای دراز دارد. از جمله بدآموزی‌های حزب توده به کار گرفتن این روش برای از میان بردن مخالفان خود بود. بدآموزی‌های این حزب گوش به فرمان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (به قول کاسترو یادیس: در چهار کلمه، چهار دروغ) به ترویج روایت‌های جعلی و جانبدارانه از تاریخ صد ساله ما محدود نمی‌شود. این حزب در زمینه تهمت زدن به مخالفان و تخریب رقبای سیاسی مقام استادی دارد. در گذشته، شخصیت‌هایی چون خلیل ملکی و محمد مصدق، که ظاهراً امروز توجه و احترام «چه» را جلب کرده‌اند، از جمله قربانیان دستگاه تبلیغاتی این حزب بوده‌اند. در سال‌های نخست حاکمیت ارتجاع سیاه نیز این حزب، «لیبرال و لیبرالیسم» را بی‌آنکه مابه‌ازایی در ایران داشته باشد، شیطان خبیث آمریکایی جلوه می‌داد تا شمشیر ملایان را علیه دولت بازرگان و اطرافیان کم و بیش آدم‌زادی او تیزتر کند. این حزب، خمینی را رهبر خود می‌دانست و شیخ صادق خلخالی را که روزانه ده‌ها انسان بی‌گناه را به گلوله می‌بست می‌ستود. تا آنجا که او را به نمایندگی خود به نامزدی پست ریاست جمهوری اسلامی برگزید! لقب ارتجاع سرخ کاملاً همچنان براننده این حزب است. این حزب و دم و دنباله‌هایش همراه با برخی از مدعیان روشنفکری هنوز به همان تبهکاری‌ها ادامه می‌دهند و از نو در اندیشه سرنگونی محمدرضا شاه نیم قرن پیش، عصای دست خامنه‌ای شده‌اند. اینان مفهوم «راست افراطی» یا «فاشیسم» را فحش‌های آبدارتری یافته‌اند! اما اگر پرسید مشخصات فکری و برنامه‌های این راست افراطی و فاشیسمی که صدای پایش به گوش شما می‌رسد چیست؟ نباید انتظار دریافت پاسخ معقولی از آنان داشت. این مفاهیم که پشت‌شان تاریخ هولناکی با میلیون‌ها قربانی خوابیده و با نام دیکتاتورهایی چون لنین، استالین، موسولینی، هیتلر، ماو، پول پوت، انور خوجه، کاسترو و... مَهر شده است، منظور نظر این روشنفکران فرهیخته نیست. فاشیسم، نازیسم و... نزد اینان که محصولات فکری اکثرشان از امضای هر از گاهی بی‌بینه‌های جنجالی فراتر نمی‌رود، معنای دیگری دارد!

آموختن از تجربه سوسیال دموکراسی در اروپای امروز، می‌تواند سودمند باشد. این چه، برخلاف اسلاف خود، مخالفتی با سرمایه‌داری و بازار آزاد ندارد. این چه مخالفتی با تعدد احزاب و دموکراسی و پارلماناریسم ندارد. این چه از قوانین بین‌المللی حقوق بشر دفاع می‌کند. این چه از حقوق برابری حقوق زنان با مردان دفاع می‌کند. این چه از حقوق دگرباشان حمایت می‌کند. این چه پاسداری از محیط زیست را از اولویت‌های خود می‌داند. این چه ←



## شتاب گرفتن روند فروپاشی اقتصاد ملی ایران



می‌شوند، به دریافت «بارانه»‌های مختلف نیاز دارند؛ یک نفر از هر سه هم‌میهن ما از تأمین کمینه خوراک و بهداشت ناتوان مانده‌اند؛ بودجه عمومی کشور برای پرداخت حقوق شاغلان، بازنشسته‌ها و پرداخت یارانه‌ها کفاف نمی‌دهد و دولت به منظور تأمین کسری‌های کلان آن - که بطور رسمی ۸۵۰ تریلیون (هزار میلیارد) تومان اعلام می‌شود اما در واقع به دو تا سه برابر آن سر خواهد زد - بجز افزایش خردکننده مالیات‌ها، نرخ دلار، نرخ برق، گاز، بنزین و فروش اوراق بدهی، یا وام گرفتن از نظام بانکی و بانک مرکزی راهی نمی‌یابد تا آنجا که بر بستر چنین اقتصادی که در ده سال گذشته رشد منفی داشته است، روزانه بطور میانگین رقمی بیش از چهار هزار میلیارد تومان به نقدینگی می‌افزاید و پول ملی را هرچه بیشتر از رقمی می‌اندازد؛ کشور به بخت مژمن سرمایه مبتلا شده و بنا به آمار بانک مرکزی، سالانه بطور میانگین بیش از ۱۰ میلیارد دلار، و بنا به گزارش منابع دیگر، ارقام بسیار بالاتری نظیر ۷۰ میلیارد دلار در یک فصل و تنها از بخش صنعت کشور به سوی کانادا رهسپار می‌شود؛ [۱] از جذب سرمایه مستقیم خارجی که میزان آن در جهان در سال گذشته به ۱/۳۳۲ میلیارد دلار سر زد و ایالات متحده رقم ۳۱۱ میلیارد، چین ۱۶۳ میلیارد، سنگاپور ۱۶۰ میلیارد، امارات عربی ۳۱ میلیارد، و ترکیه ۱۰/۶۴ میلیارد آن را به خود اختصاص دادند، نصیب ایران تنها به ۱/۳۴ میلیارد دلار محدود ماند. [۲]

به موازات اضطراب و عسرت برای اکثریت بزرگ جامعه و از هم پاشیدن خانوارها، ریخت و پاش‌های کلان بی‌منطق و هزینه‌های انگلی نظام به ارقام نجومی سر می‌زنند: همین بودجه‌ی زمینگیر کسری‌دار ناگزیر است از پرداخت‌های گران به حوزه‌های «علمیه»، که شمارشان به فراتر ۱۱۲۰ واحد رسیده و مانند کاخ‌های سلاطین آذین‌بندی می‌شوند و هزاران معلم‌خوانده و فقیه به عنوان «استاد حوزه علمیه» در آنها به گسترش «معارف» فقهی می‌پردازند؛ این «استادان» که در همه شئون زندگی از «تعلیم آداب خلا و حیض و نفاس» گرفته تا «افاضات در شورای فقهی» ←

● قیمت همه کالاهای مورد نیاز مردم با سرعت روزانه بالا می‌رود و دستگاه مدیریت کشور نه تنها منفعل است بلکه به گستره و شتاب آن می‌افزاید؛ درآمد بیش از نیمی از مردم کشور کفاف تأمین سفره خانواده‌شان را نمی‌دهد و این گروه از مردم که از حیث قدرت خرید هر روز نحیف‌تر می‌شوند، به دریافت «بارانه»‌های مختلف نیاز دارند؛ یک نفر از هر سه هم‌میهن ما از تأمین کمینه خوراک و بهداشت ناتوان مانده‌اند و...

● در شرایطی که سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار جوان درس خوانده، نخبه، کارآفرین و سرمایه‌گذار از کشور خارج می‌شوند، شمار مداحان کشور با رقم رسمی ۱۵۰ هزار اعلام می‌شود اما در واقع تا ۳۰۰ هزار برآورد می‌گردد؛ این اشخاص که کارشان شبیه‌خوانی، پرده‌خوانی و روضه‌خوانی است با بودجه‌ها و درآمدهای کلان تا ساعتی ۱۵۰ میلیون تومان «کار» می‌کنند و از حمایت بالاترین مقامات کشور برخوردارند؛ دانشگاه‌ها پیوسته زیر ضرب حکومت‌اند و مداحان بجای استادان نشانده می‌شوند.

● نظام حکومت و مدیریت دچار کرختی است و چنان وانمود می‌کند که گوئی مشکلی وجود ندارد و بجای چاره‌اندیشی می‌کوشد با تولید مسائل مصنوعی و هجوم وقیحانه به حقوق شهروندی و بستن فضای رسانه‌ای توجه جامعه را به «آتش پهلویی» منحرف کند و از دیگرسو، «دولتی» را به کار گمارده است که نه فهمی از مسائل دارد و نه اراده و برنامه‌ای برای درگیر شدن با آنها.

حسن منصور - نشانه‌های جدی فروپاشی اقتصاد ملی در کشور فزونی و شتاب گرفته چنانکه حتی به چشم «غیرمسلح» نیز قابل مشاهده هستند.

قیمت همه کالاهای مورد نیاز مردم با سرعت روزانه بالا می‌رود و دستگاه مدیریت کشور نه تنها منفعل است بلکه به گستره و شتاب آن می‌افزاید؛ درآمد بیش از نیمی از مردم کشور کفاف تأمین سفره خانواده‌شان را نمی‌دهد و این گروه از مردم که از حیث قدرت خرید هر روز نحیف‌تر

→ بیگانه‌ستیز نیست. این چپ مخالف هرگونه تبعیض است. این چپ حامی حقوق زحمتکشان و فرودستان است. و برای رسیدن به این هدف‌ها برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی خود را ارائه می‌دهد و اگر توافق عمومی مردم را جلب کند، آماده است که مسئولیت اداره کشور را به عهده بگیرد. این چپ می‌تواند سرمشقی برای آزادیخواهان و وطن‌دوستان ایران باشد که بالقوه نیروی عظیمی در برابر بربریت و ارتجاع حاکم تشکیل می‌دهند.

### چند پرسش ساده

برای بیرون آمدن از این اغتشاش معنایی و شفافیت مفاهیم بهتر است کسانی که اصرار دارند همچنان خود را بجای کمونیست، چپ معرفی کنند، به چند پرسش ساده پاسخ روشن بدهند:

چپ و راست در ایران را با چه معیاری تعریف می‌کنند و مختصات فکری و برنامه‌ای این دو طیف چیست؟  
مبانی عقیدتی امروز چپ در ایران کدام است؟  
دیدگاه‌شان نسبت به گذشته و عملکرد ده‌ها ساله خود چگونه است و چه بیلانی از تجربه‌های خود ارائه می‌دهند؟  
کدام هدف‌های سیاسی و اقتصادی را دنبال می‌کنند؟  
چه پیشنهادی برای براندازی و سپس جایگزینی نظام اسلامی دارند؟

تشکل‌ها یا جریان‌های راست کدام‌اند؟  
برنامه‌ها و نظریه‌های این جریان (اگر وجود خارجی دارد) چیست؟

چه هدف‌هایی را از نظر سیاسی و اقتصادی دنبال می‌کنند؟

اگر «چپ»‌های ما کمونیسم را کنار گذاشته و به همان باورهای رسیده‌اند که جریان چپ در غرب و کشورهای دموکراتیک در پیش گرفته است، بهتر است صراحت به خرج دهند و همچون چپ اروپایی، خود را از اندیشه‌های ورشکسته روسی - شوروی یا مائوئی پالایش دهند و جهان قرن بیست و یکم و موقعیت ایران در منطقه را چنان که هست در نظر آورند. با فروپاشی اتحاد شوروی، این نخستین نظام توتالیتر در جهان، پرده‌ها بالا رفته و واقعیت‌ها بر همگان آشکار شده است. چپ‌های ما باید قیله‌گاه امپریالیسم تجاوزگر روسیه را که امروزه جهان را با خطر جنگ مواجه کرده و دست در دست نظام اسلامی، به ویژه امنیت کشور ما را تهدید می‌کند به کلی فراموش کنند و با درس‌آموختن از آن گذشته‌ی بی‌افتخار، نقش مثبتی در بیرون آمدن از سیاهچال نظام اسلامی ایفا نمایند.

### «وقت، وقت است»

ایران در حال ویرانی و نابود شدن است. سرنگون کردن دوباره محمدرضا شاه و کینه‌ورزی‌های کور و دشمنی با تنها شانس‌ی که در دسترس مخالفان نظام اسلامی است، دردی دوا نمی‌کند که هیچ، همدستی با نظام اسلامی و نوعی مشارکت در این ویرانی و نابودی است. عصای دست خمینی شدن بس نیست؟ باید عصای دست خامنه‌ای هم شد؟ صحنه سرنوشت‌ساز در برابر چشمان ماست: اتحاد ملی، براندازی نظام اسلامی، پشت سر گذاشتن دوران گذار، ایجاد مجلس مؤسسان به انتخاب آزادانه و بدون تبعیض مردم، برقراری حکومت سکولار و دموکراتیک و تحقق آرزوی صدساله آزادیخواهان این سرزمین.

این است دستور روز در برابر جنبش آزادیخواهی در ایران.

\*رضا ناصحی نویسنده، مترجم و تحلیلگر مسائل سیاسی و اجتماعی

➔ بانک مرکزی» و یا تأسیس «فقه هسته‌ای» و «فقه کوانتومی» صاحب فتوا و حائز رأی‌اند، بی‌پروا به آنکه در حل کوچکترین مسئله کشور به گل نشسته‌اند و حتی در حذف «ربا» که از صریح‌ترین «حرام‌های شرعی» آنان است آشکارا شکست خورده‌اند، گستاخانه با وزارت اقتصاد کشور قرارداد ده‌ها میلیارد تومانی می‌بندند که «مسائل اقتصادی کشور را حل کنند» [۳] و آخوندها به وزارت اقتصاد هجوم می‌آورند.

آخوندها در همه وزارتخانه‌ها از جمله در وزارت نفت استخدام می‌شوند؛ [۴] پنجاه هزار نفرشان به استخدام وزارت آموزش و پرورش درمی‌آیند تا کودکان کشور را برای زندگی در بیابان‌های عربستان چهارده قرن پیش آماده کنند؛ به گزارش روزنامه «شرق» از قول منابع رسمی، در حالی که در آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ آموزش و پرورش کشور با کمبود ۲۰۰ هزار معلم روبرو بود؛ ۲۳ هزار کلاس درس بی‌معلم بود، حدود ۵۰ هزار معلم ورزش کاستی داشت، حدود هفت میلیون دانش‌آموز بدون معلم ورزش مانده بودند، ۳۷ هزار مشاور تحصیلی در مدارس کم بود، حدود یک میلیون کودک از تحصیل بازمانده بودند، تعداد کودکان بازمانده از تحصیل در میان کودکان شش تا ۱۲ ساله در میان سال‌های ۱۳۹۴-۱۴۰۱ دوبرابر شد، چندین هزار کلاس درسی در کانکس‌ها تشکیل می‌شد...، ۱۰۰ هزار کلاس درسی فرسوده بود، بیش از پنج درصد کودکان با مسائل سوء تغذیه روبرو بودند، و فرهنگیان کشور با مشکلات معیشتی بزرگی دست به گریبان بودند [۵] دولت رئیسی از برنامه استخدام ۵۰ هزار آخوند در مدارس کشور خبر داد بی‌آنکه از صلاحیت اخلاقی آنان برای برخورد با دانش‌آموزان کشور و صلاحیت علمی آنان در روش‌های آموزشی و تربیتی گزارش کند.

در شرایطی که سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار جوان درس خوانده، نخه، کارآفرین و سرمایه‌گذار از کشور خارج می‌شوند، شمار مداحان کشور با رقم رسمی ۱۵۰ هزار اعلام می‌شود اما در واقع تا ۳۰۰ هزار برآورد می‌گردد؛ این اشخاص که کارشان شبیه‌خوانی، پرده‌خوانی و روضه‌خوانی است با بودجه‌ها و درآمدهای کلان تا ساعتی ۱۵۰ میلیون تومان «کار» می‌کنند و از حمایت بالاترین مقامات کشور برخوردارند؛ دانشگاه‌ها پیوسته زیر ضرب حکومت‌اند و مداحان بجای استادان نشانده می‌شوند.

سیاست خارجی کشور بر مدار ایجاد نامنی در منطقه و هر جای جهان که دست‌شان برسد می‌چرخد و ثمره آن انزوای ملی ایران، بریده شدن آن از شبکه تجارت جهانی، بیرون افتادن از نظام پولی جهانی و قطع رابطه جوانان کشور با مراکز تولید علم جهانی است. خزانه کشور خالی است، صندوق توسعه ارزی به گزارش وزیر اقتصاد، تنها «دو هزار میلیارد تومان = معادل بیست و دو میلیون دلار» موجودی دارد در حالی که بنا به گزارش رئیس صندوق قرار بود ۱۱۰ میلیارد دلار داشته باشد با وجود این نظام در تکاپوست تا از هر روزنه ممکن، دلار به غزه و لبنان برساند. این فهرست ناقص، تنها گزارش بخشی از شاخص‌های اقتصاد ملی است که هر فرد ایرانی به چشم می‌بیند و بر سر سفره خود احساس می‌کند. در نهایت اما جریان‌هایی که در اقتصاد کلان رخ می‌دهد این پرسش را مطرح می‌سازد که «ایران به کجا می‌رود؟» [۶].

جمهوری اسلامی با بیشترین ادعاها و وعده‌ها بر سر کار آمد و بیش از هر نظامی در تاریخ جهان لاف زده است. آن سیستم اقتصادی که در بهمن ۱۳۵۷ به تصرف عدوانی آن در آمد، در پانزده سال پیش از آن با آفریدن رشد سالانه دو رقمی و تورم میانگین دو تا سه درصدی توانسته بود تولید

ملی را در پانزده سال به قیمت‌های ثابت، هشت برابر و سهم سرانه درآمد ملی را به قیمت‌های ثابت چهار برابر کند. همین ماشین مولد ثروت در دستان جمهوری اسلامی از نیرو افتاد و به گل نشست؛ چند نمونه از آمارهای مراجع آماری جمهوری اسلامی نظیر بانک مرکزی، مرکز آمار ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس و بانک جهانی را، که اعداد و ارقام خود را از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌گیرد، ارائه کنیم: نخست، تولید ناخالص ملی که به پول ملی جاری، از رقم ۵۸۸ میلیارد تومان در سال ۱۳۵۵، به رقم عجیب ۲۷ کاتریلیون (میلیون میلیارد) تومان سر زده یعنی ۴۶ هزار برابر شده، در پایان سال ۲۰۲۴ از سوی بانک جهانی ۴۰۴ میلیارد دلار اعلام شد که به دلار ثابت سال مبدأ با ۱۰۱ میلیارد دلار برابر می‌شود (با فرض نرخ ۶۰ هزار تومانی برای دلار) و این رقم با ۸۴ میلیارد دلار سال مبدأ مقایسه می‌شود؛ یعنی درآمد سرانه هر ایرانی در سال در سال ۱۳۵۷ ۲۴۵۰ دلار و در پایان سال ۲۰۲۴، تنها ۱۱۶۰ دلار. و این رقم، راز فقر ۷۰-۶۰ مردم کشور را بازگو می‌کند.

دوم، میزان نقدینگی از رقم ۲۵۹ میلیارد تومان سال ۱۳۵۵ به رقم شگفت‌انگیز ۹ کاتریلیون و ۴۰۰ تریلیون تومان سر زد و ۳۵ هزار برابر شد؛ اثر این انفجار نقدینگی، سطح عمومی قیمت‌ها بیش از ده هزار برابر شد.

سوم، به موازات این ذوب شدن پول ملی [۷]، نرخ دلار از ۷ تومان ده ساله پیش از تصرف قدرت از سوی جمهوری اسلامی، به بالای ۹۲ هزار تومان تا روز نگارش این مقاله رسیده یعنی فراتر از ۱۳ هزار برابر شد و دوشادوش آن، کلیه کالاها سرمایه‌ای همچون طلا و نقره و مسکن نیز افزایش قیمت یافتند.

چهارم، در مقابل بیش از ده هزار برابر شدن قیمت‌ها، مزدها و حقوق‌های بیش از نیمی از جامعه به قیمت جاری ۵ تا ۷ هزار برابر شد یعنی در مقایسه با سال مبدأ بطور میانگین به ۵۵ تا ۸۵ درصد فرو کاسته شده و یک سوم جمعیت کشور در فقر سیاه قرار گرفته و در «تله فقر» [۸] گرفتار شدند. این کاهش سطح میانگین معیشت در سطح ملی ۱۰ درصد است (مهندسی فقر به واسطه تورم). [۹]

پنجم، بارها تشکیل سرمایه ثابت از فرسایش سرمایه پس افتاده یعنی سرمایه‌گذاری در سرمایه ثابت از میزان سرمایه فرسوده شده باز پس ماند؛ در پیامد کاهش تشکیل سرمایه، که عامل روزآمد شدن تکنولوژی در سرمایه است اقتصاد ملی بجای افزایش، کاهش پذیرفت (۵،۴٪ در سال ۲۰۱۸ و ۹،۴٪ در ۲۰۱۹). کاهش سرعت جایگزینی سرمایه فرسوده با سرمایه روزآمد، در تمامی بخش‌های مهم اقتصاد ملی همچون نفت، گاز، برق، صنایع، انرژی، آب و بهداشت و درمان به فرسایش فنی سرمایه‌های تولیدی انجامیده و بهره‌وری تولید را پائین برد.

ششم، جدا از تشکیل سرمایه ثابت که به دست بنگاه‌های تولیدی انجام می‌گیرد و باید پیوسته بازآفرینی و روزآمد شده و افزایش گیرد، سرمایه‌گذاری‌های عمرانی هم که پدیدآورنده سرمایه‌های زیرساختی اقتصاد ملی است و نه به بنگاه‌های تولیدی بلکه به ملت و کشور تعلق دارد، رو به زوال گذاشت. این بخش از سرمایه، که سرمایه ملی نام دارد دربرگیرنده بزرگراه‌ها، راه‌ها، اسکله‌ها، بندرها، فرودگاه‌ها، خطوط ریلی، هوایی، شبکه‌های تلفن، تلویزیون، اینترنت، خطوط لوله انتقال نفت و گاز و کلیه مواردی است که در بودجه عمرانی کشور جای می‌گیرند. ترمیم و توسعه آنها بر عهده دولت است که باید دست‌کم یک سوم و در حالت مطلوب تا ۴۵ درصد بودجه عمومی کشور را به آن اختصاص دهد. این نسبت در دوران توسعه کشور-

سال‌های ۱۳۵۵-۱۳۴۰ در حد متوسط ۴۰-۳۵ درصد بود و در دیگر کشورهای در حال توسعه نیز پیرامون همین نسبت نوسان می‌کند. لیکن در جمهوری اسلامی، بودجه عمرانی به علت هزینه‌های غیرمولد دولت، به مصارف جاری اختصاص یافته و سهم اجرا شده آن به ۱۵-۱۲ درصد بودجه عمومی فرو غلتیده و ده‌ها هزار پروژه عمرانی به اجرا در نیامد و یا ناتمام ماند و در نتیجه، سرمایه ملی به مثابه پشتوانه سرمایه تولیدی بنگاه‌ها فرسوده شد و بهره‌وری تولید ملی به شدت فروکاست.

هفتم، سرمایه ملی و سرمایه تولیدی هر دو در ظرف سرمایه طبیعی کشور- یا ثروت ملی- رشد می‌کنند. سرمایه طبیعی دربرگیرنده خاک، آب، هوا، تابش آفتاب، رودخانه‌ها، آبشارها، تالاب‌ها، جنگل‌ها، معدن‌ها، مراتع، حیات وحش، گونه‌های گیاهی و حیوانی، موجودات آبی و هوایی و کلیه داده‌های طبیعی است. [۱۰] این اقلام با عنوان «ثروت ملی» تعریف می‌شوند و ضامن دوام سرمایه ملی و سرمایه تولیدی هستند و مراقبت از آنها باید پیوسته و با وسواس تمام در مرکز توجه حکمرانان کشور باشد. تخریب این بخش از اقتصاد ملی که در خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها، فرونشست زمین‌ها و آلودگی شدید هوا تجربه می‌شود، حیات ملی را به زوال تمدنی تهدید می‌کند. هراسناک این است که نظام حاکم، دانشمندان و کوشندگان محیط زیست را به دیده بدخواهان خود می‌نگرد و با تمام قوا در راستای تخریب محیط زیست عمل می‌کند. [۱۱]

هشتم، نظام جمهوری اسلامی که دستگاه ثروت‌ساز کشور را با از میان بردن امنیت کارآفرینی، تخریب مدیریت بنگاه‌ها، و فرسودن ساختارهای سرمایه از بهره‌وری انداخته و تنها به «تصرف عدوانی» ثروت‌های تولید شده نظر داشته است آزرورزانه بیش از سه چهارم اقتصاد ملی را در کف ناکارآمد خود متمرکز کرده است. نگاه نظام معطوف به این بوده که ثروت ملی (یعنی ظرف سرمایه ملی و سرمایه بنگاه‌ها) را به رایگان در انحصار خود و خودی‌های غیرمولد قرار دهد و آب و خاک و هوا و انرژی کشور را در نهادهای انحصاری خود به پول داخلی (صنایع اتومبیل‌سازی) یا به ارز خارجی (صنایع پلاستیک) بدل کرده و درآمدهای به دست آمده را به خودی‌ها تخصیص داده و در راستای سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ماجراجویانه و هزینه‌ساز از آنها بهره گیرد. در این نگاه، صیانت و توسعه ساختار اقتصاد ملی و مراقبت از نسل‌های کارآمد و تمدن‌ساز جایی نداشته است. از این رو، بی‌توجه به الزامات علمی و فنی تولید، به خالی کردن تمامی معادن اعم از نفت، گاز، میعانات و طلا و مس و انواع فلزات صنعتی روی آورد و در این کوشش تولیدی، با غفلت کامل از معیارهای «صیانتی» به بیشینه‌سازی درآمدهای کوتاه‌مدت خود تمرکز کرد؛ نمونه این رویکرد را در قراردادهای «بیع متقابل» دیده‌ایم که از شرکت خارجی طرف قرارداد، پولی تعهد و هزینه می‌شد و باز یافت آن مبلغ را در کوتاه‌ترین مدت به شرکت وام‌دهنده واگذار می‌کرد بدون آنکه شرکت سرمایه‌گذار به رعایت استانداردهای صیانتی میدان‌ها مقید شده باشد و بدینسان، منابع از «حد مطلوب» [۱۲] بازده ساقط شدند و ظرفیت تولید نفت از بالای شش میلیون بشکه در روز به حد اکثر سه میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه فرو غلتید. در صنعت گاز، حتی در میدان مشترک با قطر- پارس جنوبی- در بهره‌برداری از این میدان واحد، بطور خیره‌کننده‌ای از شریک قطری خود باز پس ماند بطوری که قطر با همین منبع، بازارهای انگلیس، ایتالیا، آلمان، کره جنوبی، هند، چین و ژاپن را زیر پوشش خود قرار داد و نظام اسلامی حتی در تأمین مصرف درون کشور روزانه ۳۵۰ میلیون مترمکعب کم آورد و



اقتصادی، دیپلماتیک، مدیریتی و اخلاقی دارد که در یک مقطع با همدیگر تلاقی کرده‌اند.

نظام با خاموش کردن عمدی همه چراغ‌های راهنمای اقتصاد ملی نظیر نظام عمومی قیمت‌ها و نشانند نرخ‌های دستوری بجای آن، با از میان بردن نرخ تعیین شده در بازار ارز و نشانند نرخ‌های چندگانه و خوددراوردی بجای آن، با جیره‌بندی‌های «کوپنی و کالابری» و تنزل اقتصاد مدرن به اقتصاد دوران غارنشینی، با استقرار نظام ناکارآمد و تلف‌کننده «یارانه‌ای» و مخدوش کردن کلیه سیگنال‌های قیمتی که حرکت منطقی مصرف‌کننده، تولیدکننده و سرمایه‌گذار را تنظیم می‌کند، با استحاله بازار پول و سرمایه به کازینوی «خودی‌ها»، و با تبدیل نظام بانک مرکزی مدرن به فلک حاکمیت، اقتصاد ملی را در چاه ویل فساد، تبعیض و ناکارآمدی زمینگیر کرده و راه به غارت و اختلاس خودی‌ها گشوده است با این نتیجه که رابطه ارگانیک اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی بریده و درآمد یک سال هر ایرانی، برای زندگی یک ماه او در یک کشور متوسط جهان کفاف نمی‌دهد آنهم در حالی که در سال انقلاب ۵۷، هر کارگر یا کارمند ایرانی می‌توانست با حقوق یک ماه خود به مدت یک ماه در یک کشور اروپائی زندگی کند.

بحران اقتصادی خود به صورت‌های تورم، بیکاری، فرسودگی سرمایه، افت بهره‌وری، بازارهای انحصاری، نظام بانکی غارتگر، تحریم‌های پولی و سرمایه‌ای و انزوا از نظام ثروت جهانی بروز می‌کند اما همه این عارضه‌ها در گذر زمان در ساختارهای سیاسی و نهادهای حکومتی رسوب کرده‌اند بدانگونه که هیچ درمان کلاسیک را پذیرا نیستند یعنی مثلا تورم مظاهره‌آمیز کنونی فقط با «سیاست پولی» درمان نمی‌شود و به خنثی ساختن باند‌هایی نیاز دارد که تولید روزانه هزاران میلیارد تومان نقدینگی را به یک اقتصاد فاقد رشد تحمیل می‌کند.

نظام حکومت و مدیریت دچار کرختی است و چنان وانمود می‌کند که گوئی مشکلی وجود ندارد و بجای چاره‌اندیشی می‌کوشد با تولید مسائل مصنوعی و هجوم وقیحانه به حقوق شهروندی و بستن فضای رسانه‌ای توجه جامعه را به «آتش پهلوئی» منحرف کند و از دیگرسو، «دولتی» را به کار گمارده است که نه فهمی از مسائل دارد و نه اراده و برنامه‌ای برای درگیر شدن با آنها.

زمان بسیار کوتاه است و توفانی سهمگین در پیش رو!

می‌یابد که صدها میلیارد دلاری که در بیست سال گذشته به چاه ویل آنها ریخته از کف رفته است. [۱۴] از سوی دیگر، چشم‌انداز «دور زدن» تحریم‌ها که در آبان ماه ۱۴۰۲ از سوی دولت رئیسی به صورت «لایحه مقابله با تحریم» با امضای ابراهیم رئیسی و حسین امیر عبداللیمان به مجلس تسلیم شد تا سپاهیان و دیگر اشخاص حقیقی و حقوقی در نهایت مخفی‌کاری و قانون‌شکنی‌های داخلی و خارجی به دور زدن تحریم‌های بین‌المللی برخیزند و تمامی ارگان‌های دولتی کشور - نهاد ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های امور خارجه، اطلاعات، دفاع، صنعت- معدن و تجارت، نفت، دادگستری، دیوان محاسبات کشور، سازمان صداوسیما دولتی، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در جعل اسناد و گذرنامه و پشتیبانی از کارهای غیرقانونی «دور زندگان تحریم» به حمایت آنان موظف باشند، دیگر خیلی قابل اجرا به نظر نمی‌رسد و دورمای به دست آوردن دلار و دیگر ارزهای جهان‌روا تارک‌تر شده است. در چنین شرایطی حکومت در عرصه داخلی بر آن شده است که دلارهای موجود را به گرانترین نرخ ممکن بفروشد. پرداخت یارانه‌ها را به کمینه آن می‌کاهد و نان و دارو را گرانتر می‌کند؛ نرخ ارز نظام یکپارچه معاملات ارزی (نیمائی) را لغو می‌کند و وزیر اقتصاد اعلام می‌کند که ۷۳ هزار تومان نرخ «مناسبی» برای دلار است و به دنبال این بیان وی دلار در چند هفته مرز نرخ ۹۲ هزار تومان را هم پشت سر می‌گذارد.

در عرصه بین‌المللی نظام نگران از اینکه چین در تعامل ناگزیر با آمریکا، منافذ قاچاق نفت به پالایشگاه‌های کوچک خود را مسدود کند، با زیر پا گذاشتن قوانین متعدد کشور در مورد حاکمیت ملت بر درآمدهای نفتی، عملا نصف یا بیشتری از صادرات نفت را به سپاه پاسداران می‌سپارد تا با استفاده از حدود ۴۰۰ «تانکر شبح»، با جعل اسناد، تغییر نام و مبدأ نفت، و با کشتی به کشتی کردن محموله و بالاخره با قبول تخفیف‌های گزاف بالای ۳۰ درصد، روزانه در حدود یک و نیم میلیون بشکه نفت را با شرایط و با قیمت‌هایی نامعلوم، در برابر کالا و ارزهای نامشخص به فروش برساند و پول به دست آمده را میان خود و شرکت ملی نفت ایران تقسیم کند. [۱۵]

### جمع‌بندی

بحرانی همه‌جانبه نظام حاکمیتی کشور و اقتصاد ملی را فرا گرفته است. این بحران جنبه‌های امنیتی، سیاسی،

در فصل سرما، مردم کشور را با «جیره‌بندی» فیزیکی و قیمتی رو در رو قرار داد با این توصیه شرم‌آور که «مردم، گرمای اتاق خود را دو درجه کمتر کنید و لباس گرم بپوشید!» (از افاضات مسعود پزشکیان رئیس جمهور نظام)

در کنار تورم روزافزون، و در شرایطی که آلودگی هوا سالانه بیش از ۵۰ هزار نفر را از پا در می‌آورد و کشور برخلاف ادعای مسئولان روزانه بیش از ۴۰ میلیون لیتر مازوت می‌سوزاند و دولت در شرایطی به علت ناتوانی از تأمین برق، کارخانه‌ها ادارات، مدارس و بازارها را تعطیل می‌کند که به گفته علی‌آبادی وزیر نیرو، شصت درصد برق کشور- به علت کهنه بودن شبکه توزیع- در نیروگاه‌ها و شبکه انتقال از بین می‌رود؛ و مزرعه‌های تولید «بیت‌کوین» هزاران مگاوات/ ساعت برق را بدون پرداخت تعرفه به کام خود می‌کشند؛ رئیس دولت در شرایطی از هزینه‌کرد سالانه پنج میلیارد دلار برای واردات بنزین گله کرده و آن را بهانه افزودن به قیمت بنزین قلمداد می‌کند که قاچاق سازمانیافته بنزین روزانه ۲۵ میلیون لیتر بنزین را به خارج می‌برد که قیمت آن بین هفت تا نه میلیارد دلار در سال است؛ این کمبود بنزین در شرایطی رخ می‌نماید که بیش از ۱۲ درصد از ۲۱ میلیون خود روی کشور کهنه و دودزا هستند و بیش از ۱۰ میلیون از ۱۲ میلیون موتورسیکلت کشور، از استاندارد لازم بی‌بهره‌اند و یا و اتومبیل‌های مافیای وطنی- به دلیل غیرقانونی بودن بازار اتومبیل- تقریباً دو برابر اتومبیل‌های خارجی مصرف سوخت دارند.

نهم، فساد همچون قانقاریا از اندام‌های مودی به بافت مجموع حاکمیت گسترده و نیروهای تولیدی کشور را به انزوا رانده است؛ اگر درآمد نفتی ۱۳۴ میلیارد دلاری کشور از آغاز کشف نفت تا پایان سال ۱۳۵۷ توانسته بود پایه‌های ایران نو را ریخته و کشور را در میان کشورهای برخوردار از رشد سریع قرار دهد، در آمد نفتی نزدیک به ۳۰۰۰ میلیارد دلاری، در چنبره فساد ساختاری، تبعیض و «سوء مدیریت دشمنانه» [۱۳] دوران حکومت اسلامی، زندگی اکثریت مردم را به زیر خط فقر برد و کشور را از مجال‌های رشد و تعالی بازداشت.

دهم، در اضطراری که پیامد مستقیم سیاست خارجی ماجراجویانه نظام است، نظام که حفظ خود را به هر قیمتی «واجب واجبات» می‌شناسد در بن‌بست هولناکی واقع شده است: از یکسو، بخش غالب «شش ارتش» نیابتی برون‌مرزی خود را از کف داده و بازمانده آن نیز فلج شده است و خود را فاقد «بازدارنگی» می‌یابد؛ در همان حال در

یک نگاه» در صفحه نخست فهرست مقاله‌ها در سامانه حسن منصور

[۱۲] در صنعت نفت، هر میدان نفتی با توجه به ویژگی‌های میدان، به حدی از تولید روزانه محدود و مقید است که آن را «میزان اوپتیموم تولید» می‌نامیم. تولید بیش از آن مقدار و یا کمتر از آن مقدار، سبب می‌شود که نفت قابل استخراج از آن میدان، کاهش پذیرد.

[۱۳] See Breaking the Back of Iranian Economy: "Maximum Pressure did not" @ Hassan-mansoor.blog

[۱۴] در رسانه‌ها سخن از ۳۰ میلیارد و ۵۰ میلیارد دلار در میان است اما این گزاره‌ها با حساب سرمایه بانک مرکزی و آمار واردات کشور و موجودی صندوق ذخیره ارزی خوانائی ندارند و این رقم بالای چند صد میلیارد دلار است که ارائه آن به تحلیل مستقلی نیاز دارد.

[۱۵] Jonathan Saul & Parisa Hafezi "Iran to Sell Twenty-five million Barrels of Oil"

[۵] به نقل از گزارش احسان هوشمند در روزنامه «شرق» [۶] من این رفتار عجیب اقتصاد ملی را در مقاله «آیا اقتصاد ایران در وضعیت تکنیکی واقع است؟» بیان کرده‌ام اما این بوالعجبی ابعاد نگرانی‌آورتری بخود گرفته است. همان مقاله در همان صفحه سامانه به انگلیسی هم وارد شده است: Is Iranian Economy at the neighbourhood of singularity

[۷] نگاه کنید به مقاله «پول ملی ما چرا ذوب می‌شود» در صفحه نخست فهرست مقالات سامانه حسن منصور [۸] «تله فقر» به حالتی گفته می‌شود که فقیران به علت فقیر بودن، فقیر می‌مانند؛ یعنی چون به علت فقر، از تحصیل، سلامت، آرامش و ملزومات ثروت آفرینی محروم هستند در فقر باقی می‌مانند.

[۹] نگاه کنید به مقاله «تورم را چرا می‌سازند» در صفحه سوم سامانه حسن منصور

[۱۰] Fauna & Flora [۱۱] نگاه کنید به «بی‌تعدالی‌های اقتصاد ملی ایران در

[۱] گزارش روزنامه اطلاعات در آذر ماه ۱۴۰۱

[۲] UNCTAD; World Investment Report, 2024

[۳] در تیرماه سال ۱۴۰۲ در دولت رئیسی، احسان خاندوزی وزیر اقتصاد وقت درس‌آموخته در «جامعه الصادق» تفاهم‌نامه‌ای امضا کرد با «حجت‌الاسلام سعیدی فراهانی رئیس ستاد همکاری حوزه‌های علمیه و وزارت اقتصاد» تا در «زمینه‌های مختلف سیاسی، پژوهشی، علمی، آموزشی، فرهنگی، تبلیغی، رسانه‌ای، بین‌المللی و خدمات اجتماعی و عمرانی» با وزارت اقتصاد در جهت «اسلامی کردن اقتصاد کشور» همکاری کنند!

[۴] در سال ۱۳۹۸ تعداد روحانیان مشغول خدمت در شرکت‌های تولیدی و خدماتی صنعت نفت کشور ۱۰۸۰ نفر اعلام شد و در سال ۹۹ به گزارش روابط عمومی شرکت پتروشیمی نوری، حجت‌الاسلام جلیل شیرازی به عنوان روحانی برتر صنعت نفت کشور معرفی شد و مورد تجلیل قرار گرفت. (به نقل از وبسایت متعلق به پتروشیمی نوری)

## مجاهدین خلق، اسب تروای جمهوری اسلامی



در حمایت از آیت‌الله خمینی، به جنگ چریکی مسلحانه روی آورده و مستشاران نظامی آمریکا را در تهران به قتل رساندند. سرهنگ لوئیس لی ها کینز، سرهنگ پل شفر و جک ترنر از جمله نظامیان آمریکایی هستند که توسط این سازمان ترور شده‌اند.

اگرچه بعد از همراهی خمینی، سازمان مجاهدین خلق به رهبری مسعود رجوی با او به مخالفت پرداخت اما، تا همین لحظه این سازمان و اعضایش، خود را صاحبان اصلی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ دانسته و معتقدند: انقلاب آنان دزدیده شده و باید آن را از خامنه‌ای پس بگیرند.

امضای صد و پنجاه و یک سناتور آمریکایی بر دیوار سازمان مارکسیست-اسلامی مجاهدین خلق، متشکل از عده‌ای افراد با سن بالای هفتاد سال و تفکر خشکیده در پنجاه سال قبل، هم در تضاد با خواست و روحیهی نسل امروز در ایران و هم برخلاف سیاست دولت پرزیدنت ترامپ است که شعارش بر «عقل سلیم» استوار است.

شکل و تفکر سیاسی مجاهدین تا امروز، نشان می‌دهد: آنان آن روی سکه‌ی همین جمهوری اسلامی هستند. مجاهدین خلق به رهبری مسعود رجوی که بیش از یک دهه در نقش امام زمان به باور پیروانش غیب شده، بسان جمهوری اسلامی از یک ایدئولوژی و مذهب آخزمانی پیروی کرده و در ریاکاری هم دقیقاً با جمهوری اسلامی از یک فلسفه تبعیت می‌کنند.

سازمان مارکسیستی-اسلامیست مجاهدین، در ایدئولوژی خود مانند جمهوری اسلامی یهودستیز نیز هست. اگر به گذشته‌ی این سازمان نگاه کنید، در نهم مه ۱۹۷۹ (نوزدهم اردیبهشت ۱۳۵۸) با دستور خمینی حبیب‌الله القانین کارآفرین و صنعتگر یهودی و همچنین رئیس انجمن کلیمیان ایران اعدام می‌شود. پس از اعدام ضدانسانی القانین، مسعود رجوی رهبر مجاهدین طی یک نامه، با خرسندی ابراز خوشحالی خود را از اعدام او با عنوان «سرمایه‌دار وابسته» و «عامل صهیونیسم» به خمینی تبریک می‌گوید و در روزنامه‌های آن هنگام نیز به چاپ می‌رسد.

دیدار مسعود رجوی با هانی الحسن و یاسر عرفات و ←

که پیشتر تا سال ۲۰۱۲ در لیست تروریستی آمریکا نیز بوده پشتیبانی می‌کنند در حالی که با پیشینه‌ی تاریک و عدم شفافیت حال آن قطعا باید آشنایی داشته باشند. این سازمان حتی اکنون در لیست تروریستی کشورهایمانند ژاپن و عراق قرار دارد.

سازمان مجاهدین خلق، امروز با استفاده از تبلیغات همراه با فریب افکار عمومی و دعوت از سناتورهای بازنشسته، سعی دارد از خود چهره‌ای متمایز از گذشته نشان دهد اما وجود تفکر ایدئولوژیک اسلامگرایی در مناسبات داخلی این سازمان نشان می‌دهد: تفاوت سازمان کنونی مجاهدین با سی سال پیش آنها، مانند طالبان دهه‌ی نود با



مریم رجوی در مراسم بزرگداشت عرفات که توسط مجاهدین برگزار شد

امروزش در افغانستان است.

در سابقه‌ی سازمان مجاهدین پیش از انقلاب اسلامی در ایران، ترور دیپلمات‌های آمریکایی نیز دیده می‌شود. مجاهدین با خط مشی امپریالیسم‌ستیزی یا ضدآمریکایی،

فرد صابری - تا قبل از فاجعه‌ی هولناک و تروریستی هفتم اکتبر، اکثر قدرت‌های جهانی در مقابل این هیولای اسلامگرایی جمهوری اسلامی به نوعی درمانده و حتی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای با آن کنار آمده و مدارا می‌کردند. هزینه‌ی این مامشات غیرمسئولانه را البته اسرائیل پرداخت کرد و باعث به وجود آمدن بزرگترین یهودی‌کشی بعد از هولوکاست شد.

بعد از این رویداد ضدانسانی، اسرائیل دریافت برای مقابله با تروریسم بدون مرز ملایان اشغالگر در تهران، خود باید مستقیم وارد عمل شود و علاوه بر تهدید فعال رژیم آیت‌الله، باعث به وجود آمدن یک جمهوری اسلامی در بیخ گوش اسرائیلی‌ها خواهد شد. دولت و ارتش اسرائیل با همدلی مردم داغ‌دیده، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، خاکریزهای دفاعی جمهوری اسلامی از ضاحیه تا غزه را نابود کردند.

در سال پیش هیچکس باور نمی‌کرد، یک سال بعد؛ دیگر اثری از حسن نصرالله و هاشم صفی‌الدین تا اسماعیل هنیه و یحیی سنوار باقی نمانده باشد. این مهم فقط کشته شدن چهار فرد نبود بلکه، قطع شدن دست و پاهای اختاپوس توسط اسرائیل در لبنان، غزه، سوریه و حتی عراق بود که باعث فروپاشی بازوهای تروریستی علی خامنه‌ای دیکتاتور اسلامگرایی جمهوری اسلامی گشت.

در حال حاضر، رژیم خامنه‌ای با از دست دادن تروریسم نیابتی خود، در تلاش است از طریق دستیابی به کلاهک‌های اتمی بقای خود را تضمین بخشد و تمام توان خود را برای این امر نیز به کار بسته است. از سوی دیگر، موج نارضایتی مردم ایران از اوضاع نابسامان خود به دلیل ناکارآمدی، بی‌کفایتی، دزدی و چپاول حکومت ملایان هر روز بیشتر از دیروز شده و باعث شده تا اکثر روزهای هفته، به بهانه‌های مختلف کل ایران را در بخش‌های اداری، اقتصادی و صنعتی را تعطیل اعلام نماید.

افزایش روزانه‌ی قیمت دلار همراه با سقوط ارزش پول ملی، گرانی لگام‌گسیخته‌ی ساعتی، حاکی از فروپاشی اقتصاد آخوندی، زمینه را برای یک انقلاب مردمی آماده کرده است. آنچه در این میان همگی با آن روبرو هستند، احتمال سقوط چهار دهه اسلامگرایی خمینیسم است که نشانه‌های آن می‌گویند این واقعه در ایران اجتناب‌ناپذیر است و گرچه نمی‌توان تاریخ آن را مشخص کرد اما، با قاطعیت می‌توان گفت که به زودی رخ خواهد داد.

از آنجا که میان ملت ایران و اسرائیل از منظر تاریخی، فرهنگی و سیاسی دارای منافع مشترک و درهم‌آمیختگی عاطفی وجود داشته، و حکومت اسلامی همیشه تلاش کرده با اسرائیل‌ستیزی بر این مهم خدشه وارد کند، شیوه و رفتار حکومت بعد از سقوط ملایان از نکات حائز اهمیت برای ایرانیان و اسرائیلی‌ها است.

برقراری یک حکومت سکولار بر مبنای دموکراسی خواست امروز ملت ایران است. متأسفانه در هفته‌ی اخیر، یکصد و پنجاه و یک قانونگذار از دو حزب جمهوریخواه و دموکرات آمریکا، قطعنامه‌ای به رهبری تام مک‌کلینتاک نماینده کالیفرنیا تصویب کردند و در آن از سازمان مجاهدین خلق - برای ایجاد دولت موقت بعد از جمهوری اسلامی - حمایت کردند که در نزد مردم ایران علاوه بر اینکه منفور است، هیچ تفاوتی با حکومت کنونی آیت‌الله برای‌شان ندارد!

مسعود رجوی و موسی خیابانی در کنار روح‌الله خمینی این شگفت‌آور است که سناتورهای آمریکا از این سازمان



بزنگاههایی که در فشار قرار گرفته، به مردم القاء کرده که اگر سقوط کند، غربی‌ها مجاهدین خلق را می‌آورند زیرا حکومت کنونی جمهوری اسلامی می‌داند، سازمان مجاهدین خلق خود را جمهوری اسلامی واقعی می‌پندارد!  
جمهوری اسلامی همیشه در بن‌بست‌های خود در مواجهه

باعث کشته و زخمی شدن هزاران سرباز ایرانی شده، و این یکی از دلایل نفرت مردم ایران از این سازمان است!  
در همین ارتباط، سازمان مجاهدین خلق به رهبری مسعود و مریم رجوی، در میان کردها، خصوصا کردهای عراق نیز بدنام هستند. در اذهان مردم کرد، همکاری

دفاع از جنبش‌های تروریستی فلسطینی، بخش کوچکی از فعالیت‌های ضد اسرائیلی این سازمان مخوف است و این پشتیبانی تا امروز نیز ادامه دارد چنانکه حتی بعد از حملات هفتم اکتبر هیچ پیام محکومیت یا ابراز تأسفی در همدردی با مردم اسرائیل، از سوی رئیس کنونی‌اش مریم رجوی دیده



مسعود رجوی در دیدار با صدام حسین



یاسر عرفات و مسعود رجوی

با مردم به ستوه آمده، مردم را با سناریوهای هراس‌افکنی مانند داعش، سوریه‌ای شدن (تا پیش از سقوط اسد) و همین مجاهدین خلق ترسانده است. بسیاری از مردم به همین دلیل هیچ تفاوتی بین جمهوری اسلامی و مجاهدین خلق قائل نیستند چرا که هر دو میوه‌ی فاسد یک ریشه هستند.  
اکنون بعد از حمایت صد و پنجاه سناتور آمریکایی از سازمان مجاهدین خلق، بسیاری از مردم ایران می‌گویند: اگر قرار است با سقوط جمهوری اسلامی خودشان در سرنوشت خود هیچ نقشی نداشته باشند و مجاهدین خلق جای جمهوری اسلامی بنشینند، پس چرا باید دست به انقلاب بزنند؟ در واقع این همان چیزی است که جمهوری

نیروهای این سازمان در کشتار مردم کردستان هنوز پاک نشده است. فاجعه‌ی «انفال» در ذهن مردم کردستان عراق، همان هولوکاست مردم یهود است. در این نسل‌کشی که از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ در استان‌های دیاله، کرکوک و صلاح‌الدین انجام گرفته، سه‌هزار روستا ویران و بیش از یکصد و هشتاد هزار تن را کشته شدند. در این پاکسازی قومی، نیروهای سازمان مجاهدین خلق در کنار نیروهای عراق همکاری داشته‌اند و تا حال به خاطر فریب افکار جهانی از مجازات‌گریخته‌اند. احتمال می‌رود یکی از دلایل ناپدید شدن مسعود رجوی همین باشد!  
در بیست سال گذشته که رژیم جمهوری اسلامی با قیام

نمی‌شود. مسعود رجوی در فروردین سال ۵۹ و پس از حمله‌ی تروریستی گروه فتح به مهد کودک میسگاوعام برای این گروه پیام تبریک فرستاده و با هانی الحسن دیدار کرده بود! شاید در ذهن بعضی افراد مانند همین یکصد و پنجاه سناتور آمریکایی، کودکان کهنسال اسلام‌گرای مجاهدین خلق، مخالف جمهوری اسلامی یا آلت‌ناتیو محسوب شوند اما، این یک اشتباه بزرگ عمدی یا سهوی می‌تواند باشد.  
سازمان مجاهدین خلق، در نزد افکار عمومی، یک نیروی خائن به میهن در همکاری با صدام حسین به شمار می‌روند. آنها مانند یک ارتش خصوصی، با استفاده از منابع مالی، تسلیحاتی و استراتژیک عراق به رهبری صدام، در



زنان روسری سرخ در دستگاه سازمان مارکسیست-اسلامیست مجاهدین خلق



حبیب‌الله القانیان کارآفرین و صنعتگر یهودی ایرانی

اسلامی می‌خواهد و البته خطای بزرگ و خودزنی بعضی سیاستمداران در حمایت و اعتماد به یک سازمان اسلامی-مارکسیستی با منابع مالی فراوان غیرشفاف که هیچ باوری به انتخاب آزاد و دموکراتیک ملت ایران ندارد!

و اعتراضات مردمی روبرو بوده، سازمان مجاهدین خلق همواره به عنوان اسب تروای ملایان در شکل و شمایل مخالف ظاهر شده است. جمهوری اسلامی که از تنفر مردم ایران نسبت به خود و همچنین مجاهدین آگاه است در

خلال جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق، دوشادوش ارتش صدام خشک‌کن بوده و چندین بار هم خود با پشتیبانی کامل نیروهای عراق به خاک ایران حمله نموده‌اند.  
آنها در عملیات‌های آفتاب، چلچراغ و فروغ جاویدان،

## میانجیگری روسیه؛ سرابی برای تحلیلگران طرفدار جمهوری اسلامی



## بازداشت یک اسرائیلی به اتهام فروش اطلاعات هسته‌ای به حکومت ایران

● روزنامه «اسرائیل هیوم» گزارش داد فرد بازداشت شده با مشکلات مالی روبرو بود و در ازای دریافت ارز دیجیتال (رمزارز) اطلاعاتی را در اختیار طرف ایرانی قرار داد. وی خود را فردی با دسترسی به تأسیسات هسته‌ای معرفی کرده بود.

● اگرچه دورون بوخویزا دسترسی مستقیم به تأسیسات اتمی اسرائیل نداشت، اما با اطلاعاتی که ارائه کرده بود، می‌توانست تهدیدی برای امنیت اسرائیل محسوب شود.

- بر اساس کیفرخواست ارائه‌شده، بوخویزا در دسامبر ۲۰۲۴ از طریق پیام‌رسان تلگرام با حساب‌هایی که مرتبط با «آژانس بین‌المللی س‌ری ایران» (ISAI) بودند تماس برقرار کرد.

● گفته می‌شود بوخویزا در جریان این ارتباط، مبلغی حدود هزار دلار به‌صورت ارز دیجیتال از طرف ایرانی دریافت کرده و این مبلغ را به حساب شخصی خود منتقل کرده بود.

پلیس و شین بت (آژانس امنیتی اسرائیل) فردی را به ظن پیشنهاد فروش اطلاعات درباره مرکز تحقیقات هسته‌ای نقب اسرائیل به یک مأمور جمهوری اسلامی بازداشت کردند.

منابع اسرائیلی یکشنبه دوم مارس ۲۰۲۵ (۱۲ اسفندماه) گزارش دادند شخصی به نام دورون بوخویزا ساکن شهر بئر‌شبع در مرکز اسرائیل، چند مأموریت شامل عکس‌برداری از تأسیسات مرکز تحقیقات هسته‌ای و انتقال اطلاعات را برای عوامل ایرانی انجام داده است.

روزنامه «اسرائیل هیوم» گزارش داد فرد بازداشت شده با مشکلات مالی روبرو بود و در ازای دریافت ارز دیجیتال (رمزارز) اطلاعاتی را در اختیار طرف ایرانی قرار داده است. وی خود را فردی با دسترسی به تأسیسات هسته‌ای معرفی کرده بود.

اگرچه بوخویزا دسترسی مستقیم به تأسیسات اتمی اسرائیل نداشت، اما با اطلاعاتی که ارائه کرده بود، می‌توانست تهدیدی برای امنیت اسرائیل محسوب شود.

بر اساس کیفرخواست ارائه‌شده، بوخویزا در دسامبر ۲۰۲۴ از طریق پیام‌رسان تلگرام با حساب‌هایی که مرتبط با «آژانس بین‌المللی س‌ری ایران» (ISAI) بودند تماس

بلکه خود را برای تقابلی طولانی‌تر آماده می‌کند. این رویکرد، در شرایطی که اقتصاد ایران زیر فشار تحریم‌ها و سوء مدیریت در حال فروپاشی است، تنها به تعمیق بحران منجر می‌شود. در این میان، برخی رسانه‌ها و مفسران وابسته به جریان‌های خاص، با برجسته ساختن احتمال توافقی خیالی بین آمریکا و جمهوری اسلامی، سعی در القاء این باور دارند که نظام بار دیگر از مخمصه نجات خواهد یافت و امید مردم به تغییر نیز نقش بر آب خواهد شد. این ادعاها بیش از آنکه مبتنی بر واقعیت باشد، ابزاری برای جنگ روانی علیه مردمی است که سال‌هاست زیر یوغ استبداد و فقر روزگار می‌گذرانند. اما حقیقت این است که هیچ نشانه‌ای از توافقی که بتواند جمهوری اسلامی را از بحران کنونی نجات دهد، وجود ندارد. نه آمریکا حاضر به کوتاه آمدن از مواضع سختگیرانه خود است و نه جمهوری اسلامی توان یا اراده‌ای برای تغییر مسیر نشان داده است.

اما آنچه بیش از همه برجسته می‌شود، نقش بی‌بدیل ملت ایران است. تاریخ معاصر ایران گواه آن است که تغییرات بزرگ، نه از مذاکرات پشت درهای بسته، بلکه از اراده و ایستادگی مردم برخاسته است. جمهوری اسلامی با تکیه بر سرکوب و دستگاه عظیم تبلیغاتی خود در داخل و خارج کشور، دهه‌ها تلاش کرده تا این قدرت را نادیده بگیرد، اما اعتراضات سراسری سال‌های اخیر نشان داده که این نیرو نه تنها خاموش‌شدنی نیست، بلکه روز به روز بلندتر می‌شود. در شرایطی که نظام در داخل و خارج به بن‌بست رسیده، این مردم هستند که می‌توانند سرنوشت کشور را رقم بزنند. با نگاهی به واقعیت‌های موجود، می‌توان گفت که جمهوری اسلامی در آستانه فروپاشی قرار دارد. نبود چشم‌انداز مذاکراتی که بتواند نظام را از انزوای جهانی و بحران داخلی نجات دهد، در کنار انسداد سیاسی و اقتصادی روزافزون، حکایت از پایان راه دارد. هرچند رسانه‌های وابسته به جریان‌های خاص تلاش دارند با شایعه‌پراکنی، مردم را از این مسیر بازدارند، اما قدرت واقعی در دست ملت ایران است.

سقوط جمهوری اسلامی، نه یک احتمال دور، بلکه نتیجه منطقی بن‌بستی است که نظام خود با دستان خود ساخته. اکنون زمان آن رسیده که مردم ایران، با تکیه بر نیروی بی‌همتای خود، فصل جدیدی را در تاریخ این سرزمین کهن آغاز کنند.

مانی کوشان - در روزهای اخیر زمره‌هایی از آمادگی روسیه برای میانجیگری بین جمهوری اسلامی و ایالات متحده در محافل خبری مطرح شده است. اما این ادعا، نه تنها فاقد وزن سیاسی قابل توجهی است، بلکه در عمل نیز چشم‌اندازی برای مذاکرات جدی بین این دو بازیگر دیرینه دیده نمی‌شود. از یکسو، خواسته‌های دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب آمریکا مبنی بر عقب‌نشینی کامل جمهوری اسلامی از مواضع منطقه‌ای و برنامه هسته‌ای‌اش، فاصله‌ای نجومی با خطوط قرمز نظام در تهران دارد. از سوی دیگر، تحولات داخلی ایران، از جمله کنار گذاشتن چهره‌هایی مانند محمدجواد ظریف که زمانی غاد دیپلماسی نظام بودند، نشان‌دهنده چرخشی آشکار به سمت تندروی و انزوای بیشتر است.

در این میان، برخی تحلیلگران و رسانه‌های موسوم به «فارسی‌زبان» و غیرایرانی تلاش دارند با بزرگنمایی در مورد احتمال توافق بین آمریکا و جمهوری اسلامی، موجی از یأس و ناامیدی را به مردم ایران القاء کنند. اما واقعیت این است که نه تنها چنین توافقی در افق دیده نمی‌شود، بلکه بن‌بست کنونی، پایان کار جمهوری اسلامی را بیش از پیش محتمل می‌سازد.

برای درک بهتر این بن‌بست، باید به دو عامل کلیدی توجه کرد: سیاست خارجی آمریکا تحولات داخلی ایران

دونالد ترامپ همانطور که در دوره پیشین خود نشان داد، رویکردش در قبال جمهوری اسلامی مبتنی بر «فشار حداکثری» است. خروج از برجام، اعمال تحریم‌های فلج‌کننده و کشتن قاسم سلیمانی، تنها بخشی از کارنامه او در برابر تهران بود. اکنون نیز، اظهارات او حاکی از آن است که هرگونه مذاکره با رژیم ایران، تنها در صورتی ممکن است که جمهوری اسلامی بطور کامل از برنامه هسته‌ای، نفوذ منطقه‌ای و سیاست‌های تهاجمی خود دست بکشد. شروطی که برای نظام حاکم بر ایران به مثابه خودکشی سیاسی است.

در مقابل، جمهوری اسلامی نیز در داخل کشور به سمت حذف هرگونه صدايي که حتی اندکی به دیپلماسی و توافق و تفاهم و معامله با آمریکا تمایل داشته باشد، حرکت کرده است. کنار گذاشتن محمدجواد ظریف و عزل عبدالناصر همتی پیامی روشن دارد. نظام نه تنها آمیدی به مذاکره ندارد،



برقرار کرد.

او در اولین پیام خود به مأمور ایرانی نوشت: «من اسرائیلی هستم و می‌خواهم با شما کار کنم.» او در ادامه توضیح داد که مشکلات مالی و نارضایتی از دولت اسرائیل، انگیزه او برای این اقدام است. در پیامهایی که میان دو طرف رد و بدل شده، بوخوبزا



تأسیسات اتمی «نقب» در نزدیکی شهر دیمونا/ اسرائیل

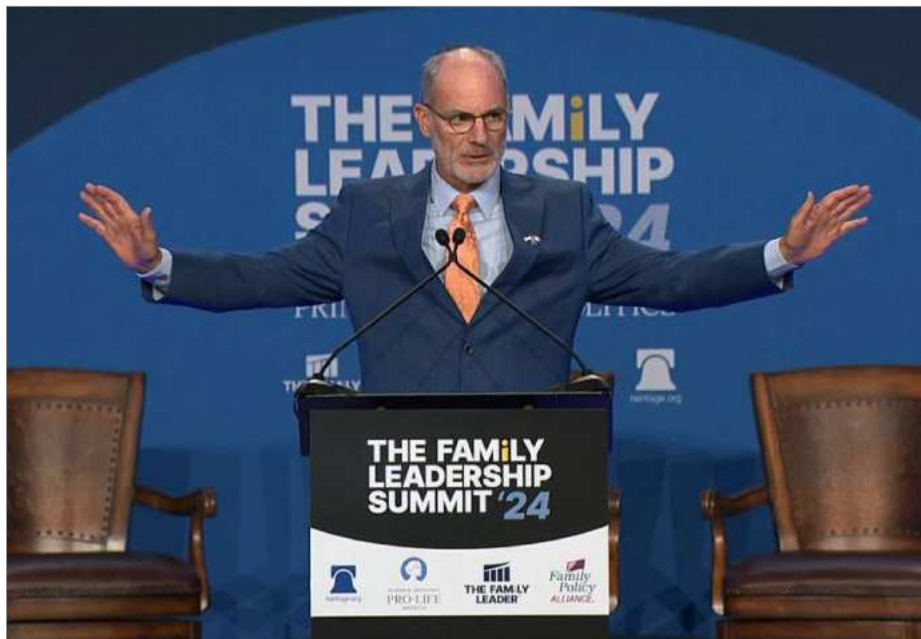
اطلاعاتی درباره مرکز تحقیقات هسته‌ای نقب در نزدیکی شهر دیمونا ارائه داده و تصاویری از تجهیزات مخابراتی در محل کار خود ارسال کرده بود. او در عین حال مدعی شده بود که مسئولیت بخش «آب سنگین» این تأسیسات را بر عهده دارد و حتی پیشنهاد ملاقات حضوری با عوامل جمهوری اسلامی در خارج از اسرائیل را مطرح کرده بود. گفته می‌شود بوخوبزا در جریان این ارتباط، مبلغی حدود هزار دلار به صورت ارز دیجیتال از طرف ایرانی دریافت کرده و این مبلغ را به حساب شخصی خود منتقل کرده بود. این مسئله نشان می‌دهد که ارتباط میان او و نهادهای اطلاعاتی ایران، فراتر از یک گفتگوی ساده بوده و او اقدامات مشخصی در راستای همکاری انجام داده است. پس از بازداشت دو سرباز اسرائیلی به اتهام جاسوسی برای جمهوری اسلامی در ژانویه ۲۰۲۵، بوخوبزا برای مدتی ارتباط خود را با طرف ایرانی قطع کرد. او در پیامی نوشت: «بخشید که شما را بلاک کردم، چون دو سرباز که با شما کار می‌کردند، دستگیر شدند. ترجیح دادم همه اطلاعات را پاک کنم.» ولی تماس او با طرف ایرانی پس از مدتی دوباره برقرار شد.

مقامات اسرائیلی اعلام کرده‌اند که دورون بوخوبزا به جرم تماس با یک عامل خارجی و ارائه اطلاعات به دشمن تحت پیگرد قانونی قرار گرفته است.

طبق قوانین اسرائیل، چنین اتهاماتی می‌تواند به حبس طولانی منجر شود. مقامات امنیتی اسرائیل می‌گویند که این پرونده نشان‌دهنده تهدید مستمر از سوی رژیم ایران برای نفوذ اطلاعاتی در اسرائیل است.

در جریان نخستین حمله موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اسرائیل موسوم به «وعده صادق» در فروردین ۱۴۰۳ تعدادی از موشک‌ها به حوالی تأسیسات نقب اصابت کرد هرچند فاصله نسبتاً زیادی با نقطه هدف داشت.

## سفیر اسرائیل در آمریکا: تلاش‌های دیپلماتیک برای مهار جمهوری اسلامی شکست خورده است



یجیئل لیتز سفیر اسرائیل در آمریکا

خود را برای نابودی اسرائیل اعلام کرده است. وی هشدار داد که حملات موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شهرهای اسرائیل بخشی از یک کمپین گسترده‌تر علیه غرب است.

لیتز توضیح داد: «آنها ما را شیطان کوچک می‌نامند و ایالات متحده را شیطان بزرگ و قصد دارند تمدن غرب را بطور کلی هدف قرار دهند.»

او هرگونه تلاش برای مذاکره با جمهوری اسلامی را بیهوده دانست و گفت: «می‌توان حکومت ایران را از این مسیر منصرف کرد.» او همچنین سیاست‌های دولت ترامپ را با سیاست‌های قبلی ایالات متحده مقایسه کرد و از تصمیم دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در اولین دور ریاست جمهوری‌اش (۲۰۱۶-۲۰۲۰) برای خروج از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ که هشتم ماه مه ۲۰۱۸ صورت گرفت تمجید کرد.

سفیر اسرائیل افزود: «در [نخستین] دولت ترامپ درک روشنی از وضعیت ایران وجود داشت.» او همچنین بر هماهنگی قوی میان ترامپ و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل تأکید کرد.

اظهارات لیتز در حالی مطرح می‌شود که نگرانی‌ها درباره برنامه غنی‌سازی اورانیوم ایران افزایش یافته است.

بر اساس گزارش محرمانه آژانس بین‌المللی انرژی که چهارشنبه ۲۶ فوریه ۲۰۲۵ (۸ اسفندماه) منتشر شد، ذخایر اورانیوم ۶۰ درصدی ایران تا ۲۰ بهمن‌ماه بالغ بر حدود ۲۷۴/۸ کیلوگرم بوده است. بر این اساس جمهوری اسلامی اورانیوم کافی برای ساخت شش بمب اتم در اختیار دارد.

در چنین شرایطی، منابع غربی گزارش دادند که اسرائیل خود را برای حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی آماده می‌کند هرچند که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرده است همچنان گزینه «توافق» را بر «بهاران» ترجیح می‌دهد.

● یجیئل (مایکل) لایتز سفیر اسرائیل در آمریکا شنبه اول مارس ۲۰۲۵ (۱۱ اسفندماه) در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت: «در حال حاضر در یک لحظه حساس قرار داریم، زیرا [رژیم] ایران با سرعت در حال پیش بردن برنامه هسته‌ای خود است، اما آژانس قادر نیست بر برنامه‌های اتمی ایران نظارت کند، زیرا آنها واقعاً همکاری نمی‌کنند.»

● او رهبران جمهوری اسلامی را به دروغ‌گویی درباره اهداف هسته‌ای خود متهم کرد و تلاش‌های دیپلماتیک را بی‌نتیجه دانست و گفت: «این افراد دروغگو هستند و دروغ‌پردازی‌های جذاب می‌کنند.»

سفیر اسرائیل در ایالات متحده هشدار داد که برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی به سرعت در حال پیشرفت است و در عین حال از همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خودداری می‌کند. او هشدار داد که تلاش‌های دیپلماتیک برای مهار تهران شکست خورده است.

یجیئل (مایکل) لایتز شنبه اول مارس ۲۰۲۵ (۱۱ اسفندماه) در مصاحبه با «فاکس نیوز» گفت: «در حال حاضر در یک لحظه حساس قرار داریم، زیرا [رژیم] ایران با سرعت در حال پیش بردن در برنامه هسته‌ای خود است. نشست آژانس سوم مارس برگزار می‌شود و قرار است گزارشی درباره پیشرفت [اتم] ایران ارائه شود، اما آژانس قادر نیست بر برنامه‌های اتمی ایران نظارت کند، زیرا آنها واقعاً همکاری نمی‌کنند.»

در سال ۲۰۲۳ جمهوری اسلامی حدود یک‌سوم از زبده‌ترین بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را اخراج کرد. سفیر اسرائیل رهبران جمهوری اسلامی را به دروغ‌گویی درباره اهداف هسته‌ای خود متهم کرد و تلاش‌های دیپلماتیک را بی‌نتیجه دانست. او گفت: «این افراد دروغگو هستند و دروغ‌پردازی‌های جذاب می‌کنند.» او همچنین تأکید کرد که رژیم ایران بطور آشکار قصد

## اوجالان از «پکک» خواست سلاحها را زمین بگذارند؛ دلایل وجودی حزب از میان رفته و باید منحل شود



زنان عضو پکک / رویترز



تصویر عبدالله اوجالان، دیاریکر، ترکیه، ۲۷ فوریه ۲۰۲۵ / رویترز

هدف تأسیس کشوری مستقل برای کردها که در کشورهای مختلف منطقه از جمله ایران نیز بطور پراکنده و درآمیخته با جمعیت آن کشورها زندگی می‌کنند، آغاز کرد، اما با گذشت زمان، اهداف آن تغییر یافت.

از آغاز درگیری‌های مسلحانه این حزب تا کنون، بیش از ۴۰ هزار نفر کشته شده‌اند که بیشتر آنها شبه‌نظامیان «پکک» بوده‌اند. این حزب که از سوی ترکیه و شماری از کشورهای غربی از جمله آلمان به عنوان یک سازمان تروریستی شناخته می‌شود، سالها درگیر مبارزه مسلحانه بوده است.

### هشدار اردوغان

رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری ترکیه خطاب به حزب کارگران کردستان هشدار داد که نقض تعهد نکند. او روز شنبه ۱۱ اسفند ۱۴۰۳ در مراسم افطار در استانبول به مناسبت آغاز ماه رمضان، هشدار داد که ترکیه در صورت متوقف شدن روند خلع سلاح حزب کارگران کردستان یا عدم پایبندی به تعهدات، عملیات نظامی علیه این گروه را از سر خواهد گرفت.

### واکنش جمهوری اسلامی

در ایران واکنشها به بیانیه اوجالان برای زمین گذاشتن سلاح و انحلال «پکک» متفاوت است. اسماعیل بقائی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی از این فراخوان استقبال کرد و این تصمیم را گامی مهم در جهت نفی خشونت دانست اما برخی تحلیلگران نزدیک به حکومت نسبت به «ماشاهات دولت ترکیه با کردها» هشدار داده‌اند. قدرت احمدیان تحلیلگر ارشد حوزه کردها و استاد دانشگاه در مقاله‌ای که در وبسایت «دیپلماسی ایرانی» منتشر شده نوشته است، «جام زهر اوجالان، خبر خوبی برای [جمهوری اسلامی] ایران نیست.»  
در این مقاله آمده «جام زهر اوجالان در کنار حذف فشار اسد قطعاً زمینه را برای تقویت و گسترش نفوذ دولت ترکیه و محدودسازی قدرت ایران فراهم می‌کند.»

«از نظر تئوری، برنامه، استراتژی و تاکتیک، تحت تأثیر شدید سیستم سوسیالیسم موجود در قرن بیستم قرار داشت.» او با اشاره به فروپاشی این نظام در دهه ۱۹۹۰ و تغییرات داخلی ترکیه، تأکید کرد که دیگر دلایل وجودی «پکک» از میان رفته و انحلال آن ضروری است.

### مسیر جدید دموکراتیک

اوجالان با رد نظریات مبتنی بر دولت-ملت و یا فدرالیسم و خودمختاری برای کردها که در مناطق مختلف چندین کشور در منطقه پراکنده هستند، تأکید کرده که «احترام به هویت‌ها، امکان بیان آزادانه، سازمانیابی دموکراتیک و ایجاد ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مطلوب برای هر گروه، تنها در سایه یک فضای سیاسی دموکراتیک ممکن است.»

او همچنین افزود: «برای تحقق نظام‌های جدید، هیچ راهی جز دموکراسی وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد.» اوجالان درخواست خود را برای انحلال «پکک» یک «فراخوان تاریخی برای پایان دادن به خشونت» توصیف کرد و گفت: «با توجه به فضای ایجادشده پس از فراخوان دولت باغچلی، اراده‌ای که رئیس جمهور ابراز کرده و رویکردهای مثبت سایر احزاب سیاسی، من خواستار کنار گذاشتن سلاح‌ها هستم و مسئولیت تاریخی این فراخوان را می‌پذیرم.»

وی در پایان خطاب به اعضای حزب کارگران کردستان عنوان کرد، «همانطور که هر جامعه و حزب مدرن که بقای آن با اجبار متوقف نشده است، بطور داوطلبانه تصمیم‌گیری می‌کند، شما نیز کنگره خود را برگزار کنید و تصمیم نهایی بگیرید: همه گروه‌ها باید سلاح‌های خود را زمین بگذارند و پکک باید خود را منحل کند.»

حزب کارگران کردستان در سال ۱۹۷۸ توسط عبدالله اوجالان در جنوب شرقی ترکیه تأسیس شد و ابتدا با ایدئولوژی مارکسیستی-لنینیستی فعالیت می‌کرد. این گروه در سال ۱۹۸۴ شورشی مسلحانه علیه ترکیه را با

عبدالله اوجالان رهبر زندانی حزب کارگران کردستان (PKK) با انتشار بیانیه‌ای تاریخی خواستار زمین گذاشتن سلاح‌ها و انحلال این حزب شد.

هیأتی از حزب دموکراتیک خلق‌ها (DEM) پنجشنبه ۲۷ فوریه ۲۰۲۵ (نهم اسفند) در زندان فوق‌امنیتی «امرالی» با عبدالله اوجالان دیدار کرد. ساعاتی پس از این ملاقات، بیانیه‌ای از سوی اوجالان منتشر شد که در آن گفته شد: «من خواهان زمین گذاشتن سلاح‌ها هستم و مسئولیت تاریخی این درخواست را بر عهده می‌گیرم.»

اوجالان با رد نظریات مبتنی بر دولت-ملت و یا فدرالیسم و خودمختاری برای کردها که در مناطق مختلف چندین کشور در منطقه پراکنده هستند، تأکید کرده که «احترام به هویت‌ها، امکان بیان آزادانه، سازمانیابی دموکراتیک و ایجاد ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مطلوب برای هر گروه، تنها در سایه یک فضای سیاسی دموکراتیک ممکن است.»

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی از این فراخوان استقبال کرد اما قدرت احمدیان تحلیلگر ارشد حوزه کردها و استاد دانشگاه در مقاله‌ای که در وبسایت «دیپلماسی ایرانی» منتشر شده نوشته است، «جام زهر اوجالان، خبر خوبی برای [جمهوری اسلامی] ایران نیست.»

عبدالله اوجالان، رهبر زندانی حزب کارگران کردستان (PKK)، با انتشار بیانیه‌ای تاریخی خواستار زمین گذاشتن سلاح‌ها و انحلال این حزب شد. رجب طیب اردوغان به آنها هشدار داده «مراقب باشید نقض تعهد نکنید.»

هیأتی از حزب دموکراتیک خلق‌ها (DEM) پنجشنبه ۲۷ فوریه ۲۰۲۵ (نهم اسفند)، در زندان فوق‌امنیتی «امرالی» با عبدالله اوجالان دیدار کرد. ساعاتی پس از این ملاقات، بیانیه‌ای از سوی اوجالان منتشر شد که در آن گفته می‌شود: «من خواهان زمین گذاشتن سلاح‌ها هستم و مسئولیت تاریخی این درخواست را بر عهده می‌گیرم.» وی همچنین خواستار برگزاری کنگره‌ای برای انحلال رسمی «پکک» شد. در بیانیه اوجالان آمده است که حزب کارگران کردستان



# بیانیه اتحادیه اروپا و آمریکا در نشست شورای حکام: آژانس نمی‌تواند ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را تأیید کند



نشست شورای حکام آژانس در وین، مارس ۲۰۲۵

راست‌آزمایی مرتبط با برجام نبوده است. تصمیم ایران برای حذف تمامی تجهیزات نظارتی و پایشی آژانس مرتبط با برجام، وضعیت را وخیم‌تر کرده است. در نتیجه، آژانس نمی‌تواند ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را تأیید کند.»

## ممانعت از کار بازرسان

در بخش دیگری از این بیانیه تأکید شده، جمهوری اسلامی ایران با وجود موافقت اولیه، نه تنها چهار بازرس پیشنهادی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را نپذیرفته، بلکه در تصمیم پیشین خود برای لغو مجوز چندین بازرس باتجربه‌ی آژانس نیز تجدید نظر نکرده است.

اتحادیه اروپا در پایان بیانیه خود، طبق معمول از جمهوری اسلامی خواسته است که اجرای موقت پروتکل الحاقی را از سر بگیرد، آن را تصویب کند و تمامی اقدامات نظارتی و راست‌آزمایی مرتبط با برجام را مجدداً اجرا نماید. همچنین از تهران خواسته شده که بدون هیچ‌گونه تأخیر بیشتر، همکاری مؤثری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی داشته باشد.

## هشدار آمریکا: رژیم ایران به دنبال باج‌خواهی است

آمریکا نیز گزارش جدید مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را «به شدت نگران‌کننده» خوانده و در بیانیه‌ای اعلام کرده است که این گزارش تهدید حیاتی را که برنامه هسته‌ای تهران علیه جامعه بین‌المللی به وجود آورده، برجسته می‌کند.

در بیانیه ایالات متحده آمده است: «به نظر می‌رسد [رژیم] ایران در تلاش است تا با جامعه بین‌المللی را تحت فشار قرار دهد و یا به سلاح هسته‌ای نزدیک‌تر شود. این یک استراتژی بسیار خطرناک برای [رژیم] ایران است. ما تسلیم باج‌خواهی نخواهیم شد.»

اروپا و آمریکا در شرایطی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی موضع گرفته‌اند که در نشست قبلی آژانس به جمهوری اسلامی هشدار داده بودند که باید تمام ذخیره اورانیوم ۶۰ درصدی خود را «رقیق‌سازی» کند.

از اولویت‌های کلیدی امنیتی اتحادیه اروپا است. ما از تمامی کشورها می‌خواهیم که از اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل (مصوب ۲۰۱۵) که برجام را تأیید می‌کند و مبنای نظارت و گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است، حمایت کنند.»

او تصریح کرد که این موضع نه تنها از سوی اتحادیه اروپا، بلکه از طرف کشورهای اروپایی خارج از اتحادیه، از جمله آلبانی، بوسنی و هرزگوین، ایسلند، لیختن‌اشتاین، موناکو، مونتنگرو، مقدونیه شمالی، نروژ، جمهوری مولداوی و اوکراین نیز مورد تأیید است.

این مقام اروپایی با ابراز نگرانی از اظهارات مقامات جمهوری اسلامی درباره توانایی ساخت سلاح هسته‌ای، تأکید کرد که ایران تنها کشوری است که بدون داشتن سلاح هسته‌ای، بطور سیستماتیک اورانیوم با غلظت بالا تولید و انباشته می‌کند که هیچ توجیه غیرنظامی معتبری برای آن وجود ندارد.

همچنین نماینده اتحادیه اروپا نیز در بیانیه خود ضمن انتقاد شدید از پیشرفت بی‌وقفه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، هشدار داد که خطر بحران گسترش تسلیحات هسته‌ای در منطقه به دلیل مسیر اتمی رژیم ایران در حال افزایش است.

در بخشی از بیانیه اتحادیه اروپا با اشاره به اینکه برنامه هسته‌ای ایران به شدت گسترش یافته، تأکید شده است که رژیم «ایران بطور جدی از تعهدات خود در برجام فاصله گرفته و دانش غیرقابل بازگشتی را کسب کرده است.»

اتحادیه اروپا همچنین با استناد به گزارش مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، از افزایش ۵۰ درصدی تولید اورانیوم غنی‌شده در سطح ۶۰ درصد ابراز نگرانی کرده و هشدار داده است: «با این سطح از اورانیوم غنی‌شده، امکان ساخت یک وسیله انفجاری هسته‌ای را نمی‌توان رد کرد.»

در ادامه این بیانیه با تأکید بر اینکه «ایران اجرای تعهدات هسته‌ای خود تحت برجام را متوقف کرده» آمده: «آژانس به مدت چهار سال قادر به انجام فعالیت‌های کلیدی نظارت و

نماینده اتحادیه اروپا سه‌شنبه چهارم مارس (۱۴ اسفند)، در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار داشت: «تضمین عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای یکی از اولویت‌های کلیدی امنیتی اتحادیه اروپا است.»

در بیانیه این اتحادیه با اشاره به افزایش چشمگیر تولید و ذخیره‌سازی اورانیوم در ایران با درجه نزدیک به سطح تسلیحاتی، هشدار داده شد که توسعه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی طی پنج سال گذشته «بسیار نگران‌کننده» بوده و تشدید این فعالیت‌های هسته‌ای، خطر بحران گسترش تسلیحات کشتار جمعی در منطقه را افزایش داده است.

در بخشی از این بیانیه تأکید شده که رژیم «ایران با وجود موافقت اولیه، نه تنها چهار بازرس پیشنهادی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را نپذیرفته، بلکه در تصمیم پیشین خود برای لغو مجوز چندین بازرس باتجربه‌ی آژانس نیز تجدید نظر نکرده است.»

نماینده آمریکا نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد که «به نظر می‌رسد [رژیم] ایران در تلاش است تا با جامعه بین‌المللی را تحت فشار قرار دهد یا به سلاح هسته‌ای نزدیک‌تر شود. این یک استراتژی بسیار خطرناک برای [رژیم] ایران است. ما تسلیم باج‌خواهی نخواهیم شد.»

اتحادیه اروپا در بیانیه‌ای با اشاره به افزایش چشمگیر تولید و ذخیره‌سازی اورانیوم در ایران با درجه نزدیک به درجه تسلیحاتی، اعلام کرد که توسعه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی طی پنج سال گذشته «بسیار نگران‌کننده» بوده و تشدید این فعالیت‌های هسته‌ای، خطر بحران گسترش تسلیحات کشتار جمعی در منطقه را افزایش داده است.

نماینده اتحادیه اروپا سه‌شنبه چهارم مارس (۱۴ اسفند)، در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اظهار داشت: «تضمین عدم دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای یکی

## به دستور ترامپ ارسال کمک‌های نظامی به اوکراین متوقف شد



تفنگداران دریایی ایالات متحده در حال انتقال توپ ۱۵۵ میلی‌متری M777 پدگکش به اوکراین با یک هواپیمای ترابری C-17 / رویترز

● آمریکا ارسال «کمک‌ها را متوقف کرده و با هدف اطمینان یافتن از موثر بودن این اقدام در دستیابی به یک راه حل، در حال بازنگری در ارسال این کمک‌هاست».

● یک مقام کاخ سفید به CBS گفت، «رئیس جمهور صراحتاً اعلام کرده که تمرکزش بر صلح است. ما نیاز داریم که شرکای ما نیز به این هدف متعهد باشند. ما در حال توقف و بررسی کمک‌های خود هستیم تا اطمینان حاصل کنیم که این کمک‌ها به یک راه حل منجر می‌شود».

● از زمانی که ترامپ در ژانویه ۲۰۲۵ به قدرت رسید، ۳/۸۵ میلیارد دلار به عنوان مجوز برداشت تسلیحاتی در دسترس بوده است که می‌توان آن را از انبارهای موجود ایالات متحده برداشت و به اوکراین ارسال کرد. اما یک منبع دیپلماتیک به CBS گفت که دولت ترامپ از ۲۱ ژانویه تا کنون هیچ بسته کمکی را برای ارسال آماده نکرده است.

پس از مشاجره لفظی ولودیمیر زلینسکی با دونالد ترامپ و معاون وی جی‌دی ونس در کاخ سفید، ایالات متحده موقتاً ارسال کمک‌های نظامی به اوکراین را متوقف کرد.

رویترز ۴ مارس ۲۰۲۵ (۱۴ اسفندماه) به نقل از یک مقام کاخ سفید گزارش داد، آمریکا ارسال «کمک‌ها را متوقف کرده و با هدف اطمینان یافتن از موثر بودن این اقدام در دستیابی به یک راه حل، در حال بازنگری در ارسال این کمک‌هاست».

همچنین CBS به نقل از یک مقام کاخ سفید نوشت، «رئیس جمهور صراحتاً اعلام کرده که تمرکزش بر صلح است. ما نیاز داریم که شرکای ما نیز به این هدف متعهد باشند. ما در حال توقف و بررسی کمک‌های خود هستیم تا اطمینان حاصل کنیم که این کمک‌ها به یک راه حل منجر می‌شود».

ایالات متحده یکی از تأمین‌کنندگان اصلی تسلیحات برای اوکراین بوده است. در حالی که این کشور سه سال پس از حمله ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه همچنان در حال دفاع در برابر نیروهای روس است، اما بازگشت ترامپ به قدرت باعث تغییر قابل توجهی در سیاست ایالات متحده نسبت به این جنگ شده است، بطوری که ترامپ اوکراین را مسئول جنگی می‌داند که روسیه آغاز کرده است.

اولین دیدار دونالد ترامپ و ولودیمیر زلینسکی که قرار بود مقدمه‌ای برای امضای یک توافق اقتصادی و معدنی بین ایالات متحده و اوکراین باشد، به یک رویارویی تبدیل شد. ترامپ به زلینسکی گفت که باید با روسیه به توافق آتش‌بس برسد وگرنه «ما کنار می‌کشیم». ونس نیز رئیس جمهور اوکراین را پس از اینکه زلینسکی ادعای ونس را مبنی بر اینکه جنگ به دلیل عدم دیپلماسی از سوی اوکراین و دولت بایدن ادامه یافته به چالش کشید، به «بی‌احترامی» متهم کرد. این جلسه بدون امضای توافق مربوط به معادن اوکراین به پایان رسید و همزمان چند مقام کاخ سفید گفتند که آینده کمک‌های نظامی به اوکراین در حال‌های از ابهام قرار دارد.

از زمانی که ترامپ در ژانویه ۲۰۲۵ به قدرت رسید، ۳/۸۵ میلیارد دلار به عنوان مجوز برداشت تسلیحاتی در دسترس بوده که می‌توان آن را از انبارهای موجود ایالات متحده برداشت و به اوکراین ارسال کرد. اما یک منبع دیپلماتیک به CBS گفت که دولت ترامپ از ۲۱ ژانویه تا کنون هیچ بسته کمکی برای ارسال آماده نکرده است. با این حال، محموله‌هایی از تسلیحات که قبلاً در دوره بایدن وعده داده

و منتقدان زیادی دارد. سناتور اریک اشمیت می‌گوید، «زلینسکی عادت داشته با رهبران آمریکایی به این شکل صحبت کند، اما باید متوجه می‌شد که سیاست خارجی آمریکا تغییر کرده و اولویت اول آمریکاست».

در مقابل، سناتور جمهوریخواه منتقد ترامپ، سوزان کالینز، می‌گوید، «فکر نمی‌کنم که ما باید تلاش‌های خود را متوقف کنیم. این اوکراینی‌ها هستند که خون می‌دهند. این پوتین بود که حمله‌ای بی‌دلیل و غیرموجه را به یک کشور آزاد، دموکراتیک و مستقل انجام داد و من از حمایت خود از اوکراین عقب‌نشینی نمی‌کنم».

سناتور جمهوریخواه مایک راوندز عضو کمیته نیروهای مسلح نیز درباره اوکراین گفت: «من فقط می‌گویم که ما باید دوباره به مسیر درست برگردیم... حیاتی است که ما یک توافق معدنی داشته باشیم و روی یک توافق امنیتی با اوکراین کار کنیم. آنها مورد حمله قرار گرفته‌اند. روسیه در اشتباه است، اما ما می‌خواهیم راهی برای صلح پیدا کنیم، و این یعنی باید یک میانجی وجود داشته باشد. می‌دانم آیا رئیس جمهور می‌خواهد آن شخص باشد یا نه. ما باید این فرصت را به او بدهیم، اما روسیه متجاوز است و باید این را بپذیریم».

ترامپ ماه گذشته اعلام کرده بود که «یک تماس تلفنی طولانی و مفید» با ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه داشته است. وی همچنین به مارکو روبریو وزیر خارجه و سایر اعضای تیم امنیت ملی خود دستور داده که «فوراً» مذاکراتی را برای پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین آغاز کنند. اما روبریو در ماه فوریه گفت که هنوز «راه درازی» تا آغاز مذاکرات صلح باقی مانده است.

اندکی پس از این اظهارات، هیئت‌هایی به سرپرستی مارکو روبریو و سرگئی لاوروف وزیر خارجه روسیه در ریاض پایتخت عربستان سعودی دیدار کردند، بدون اینکه مقامات اوکراینی حضور در گفتگوهای آنها داشته باشند. سخنگوی وزارت خارجه، تامی بروس، پس از این دیدار گفت که روبریو و لاوروف توافق کرده‌اند که «تیم‌های سطح بالا را برای کار بر روی مسیر پایان دادن به درگیری در اوکراین به شیوه‌ای پایدار، ماندگار و مورد پذیرش همه طرفین» تعیین کنند.

شده بودند، از ۲۰ ژانویه تا کنون به اوکراین ارسال شده‌اند. این مبلغ ۳/۸۵ میلیارد دلاری یک مجوز برای هزینه است، نه بودجه‌ای که توسط کنگره تصویب شده باشد، بنابراین تصمیم برای تخصیص این کمک‌ها بر عهده کاخ سفید است. این مبلغ به عنوان «پول واقعی» محسوب می‌شود، به این معنا که نمی‌توان آن را برای امور دیگری هزینه کرد.

علاوه بر این، وزارت خارجه ایالات متحده نیز حدود ۱/۵ میلیارد دلار بودجه تأمین مالی نظامی خارجی برای اوکراین دارد که توسط مارکو روبریو وزیر خارجه در حال بررسی است. تا کنون دولت ترامپ فقط به مصر و اسرائیل معافیت‌هایی برای دریافت این کمک‌ها داده است.

ولودیمیر زلینسکی پس از دیدار پرتنش در آمریکا، برای شرکت در نشست با رهبران اروپایی و کانادا به لندن سفر کرد؛ جایی که وی مورد استقبال گرم قرار گرفت و بر اهمیت تضمین‌های امنیتی غرب به عنوان بخشی از هر توافقی که بتواند به جنگ پایان دهد، تأکید کرد. او به زبان اوکراینی گفت که صلح با روسیه «هنوز بسیار دور است»، اما معتقد است که روابط اوکراین و ایالات متحده حفظ خواهد شد. این عبارت زلینسکی درباره صلح از سوی برخی مقامات آمریکا از جمله به عنوان عدم اراده و آمادگی او برای صلح ارزیابی شده است.

در همین ارتباط، دونالد ترامپ لینکی از یک گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس درباره اظهارات رئیس‌جمهور اوکراین را منتشر کرد و نوشت: «این بدترین حرفی بود که زلینسکی می‌توانست بزند و آمریکا برای مدت طولانی این وضعیت را تحمل نخواهد کرد».

ترامپ افزود: «این همانچیز است که می‌گفتم، این مرد تا زمانی که حمایت آمریکا و اروپا را دارد، نمی‌خواهد صلح برقرار شود. اروپا در جلسه‌ای که با زلینسکی داشتند، صراحتاً اعلام کرد که بدون ایالات متحده نمی‌تواند این کار را انجام دهد؛ احتمالاً این اظهار نظر چندان مناسبی برای نمایش قدرت در برابر روسیه نبود. آنها چه فکری می‌کنند؟»

### موافقان و مخالفان چه می‌گویند

موضع سختگیرانه ترامپ در قبال اوکراین مدافعان



## اختصاصی رویترز؛ سفر چند متخصص موشکی روسیه به ایران



نمایش موشک‌های بالستیک در رژه نیروهای مسلح جمهوری اسلامی

هستند، به رویترز ارائه شد. این گروه مدعی شده که این هفت نفر با وضعیت ویژه VIP سفر کرده‌اند. رویترز این اطلاعات را با فهرست مسافران پرواز سپتامبر که توسط منبعی با دسترسی به پایگاه‌های داده دولتی روسیه ارائه شده بود، مطابقت داد. با این حال، این خبرگزاری نتوانست به فهرست مسافران پرواز آوریل دسترسی پیدا کند تا بتواند تأیید کند که آیا این پنج متخصص روسی که بلیت آنها در آن پرواز رزرو شده بود، واقعاً این سفر را انجام نیز داده‌اند یا نه.

### سوابق افسران روسی

در ادامه‌ی گزارش رویترز آمده است که دنیس کالکو (۴۸ ساله) و وادیم مالوف (۴۶ ساله) از جمله پنج کارشناس تسلیحاتی روس هستند که بلیت آنها برای پرواز آوریل (اردیبهشت) رزرو شده بود. کالکو در آکادمی دفاع ضدهوایی وزارت دفاع روسیه کار می‌کرد و مالوف در یک واحد نظامی که نیروهای پدافند موشکی ضدهوایی را آموزش می‌دهد، فعالیت داشت.

همچنین برای آندری گوسف (۴۵ ساله)، الکساندر آنتونوف (۴۳ ساله) و مارات خوساینوف (۵۴ ساله) نیز بلیت در پرواز آوریل رزرو شده بود. گوسف سرهنگ دوم و معاون دانشکده موشک‌ها و مهمات توپخانه‌ای در مؤسسه مهندسی توپخانه پنزا وزارت دفاع است. آنتونوف در اداره اصلی موشک و توپخانه وزارت دفاع کار می‌کرد و خوساینوف که درجه سرهنگی دارد، در پایگاه آزمایش موشکی «کاپوتین‌پار» فعالیت داشت.

بر اساس این اطلاعات، سرگئی یورچنکو (۴۶ ساله) یکی از دو مسافر پرواز سپتامبر به تهران بود. او نیز در اداره موشک و توپخانه فعالیت داشت. همچنین اولگ فدوسوف (۴۶ ساله) نیز دیگر مسافر این پرواز، در اداره تحقیقات پیشرفته وزارت دفاع روسیه که مسئول توسعه سیستم‌های تسلیحاتی آینده است، کار می‌کرد.

سوابق ورود و خروج مرزی روسیه نشان می‌دهد که فدوسوف قبلاً در اکتبر ۲۰۲۳ نیز از تهران به مسکو سفر کرده بود. در هر دو سفر، او از گذرنامه‌ای که مخصوص مأموریت‌های رسمی دولتی است، استفاده کرده است.

و روسیه را زیر نظر دارد و خواست نامش فاش نشود، گفت که تعدادی نامشخص از متخصصان موشکی روسیه در ماه سپتامبر از یک پایگاه موشکی ایران در حدود ۱۵ کیلومتری غرب بندر امیرآباد در ساحل دریای مازندران (خزر)، بازدید کرده‌اند.

رویترز نتوانست تأیید کند که آیا بازدیدکنندگانی که این مقامات به آنها اشاره کرده‌اند، همان روس‌هایی هستند که در آن دو پرواز حضور داشتند یا نه.

سوابق شغلی هفت روس شناسایی‌شده توسط رویترز نشان می‌دهد که همه آنها دارای پیشینه نظامی ارشد هستند. دو نفر از آنها درجه سرهنگی و دو نفر درجه سرهنگ دومی دارند.

دو نفر از این افراد متخصص سامانه‌های موشکی پدافند هوایی، سه نفر متخصص توپخانه و موشک‌اندازی، یک نفر دارای سابقه در توسعه تسلیحات پیشرفته و دیگری در یک پایگاه آزمایش موشکی فعالیت داشته است.

سفر آنها به تهران در دوره‌ای حساس برای جمهوری اسلامی انجام شد، زیرا رژیم ایران درگیر رویارویی مستقیم با اسرائیل بود. در ماه‌های آوریل و اکتبر ۲۰۲۴ ایران و اسرائیل حملات نظامی متقابلی علیه یکدیگر انجام دادند. رویترز در ادامه می‌نویسد که این خبرگزاری با تمامی این افراد از طریق تلفن تماس گرفت: پنج نفر از آنها حضور خود را در ایران و همکاری با ارتش انکار کردند؛ یک نفر از اظهار نظر خودداری کرد و نفر دیگر تماس را قطع نمود.

وزارتخانه‌های دفاع و امور خارجه جمهوری اسلامی، همچنین روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بر برنامه موشکی جمهوری اسلامی نظارت دارد، از اظهار نظر در اینباره خودداری کردند. وزارت دفاع روسیه نیز پاسخی به درخواست رویترز نداد. همکاری جمهوری اسلامی ایران و روسیه که رهبران آنها در ژانویه ۲۰۲۵ یک پیمان نظامی ۲۰ ساله در مسکو امضا کردند، بر جنگ روسیه در اوکراین نیز تأثیر گذاشته است. ایران تعداد زیادی پهپاد «شاهد» را برای استفاده در جنگ به روسیه تحویل داده است.

اطلاعات مربوط به رزرو پرواز این هفت مسافر توسط گروه هکری «هوشیاران وطن» که مخالف دولت ایران

● خبرگزاری رویترز سه‌شنبه ۴ مارس ۲۰۲۵ (۱۴ اسفندماه) گزارش داد برای هفت کارشناس تسلیحاتی جهت سفر از مسکو به تهران در دو پرواز در تاریخ‌های ۲۴ آوریل (۵ اردیبهشت ۱۴۰۳) و ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریور ۱۴۰۳) بلیت رزرو شده بود. این اطلاعات بر اساس اسنادی است که جزئیات این دو رزرو گروهی و همچنین فهرست مسافران پرواز دوم را نشان می‌دهد.

● یک مقام ارشد وزارت دفاع جمهوری اسلامی گفت که متخصصان موشکی روسیه در سال گذشته چندین بار از سایت‌های تولید موشک ایران از جمله دو تأسیسات زیرزمینی بازدید کرده‌اند.

در شرایطی که احتمال درگیری جمهوری اسلامی و اسرائیل زیاد است، چندین متخصص ارشد موشکی روسیه در سال ۲۰۲۴ به ایران سفر کرده‌اند، زیرا جمهوری اسلامی همکاری دفاعی خود را با مسکو را افزایش داده است.

خبرگزاری رویترز سه‌شنبه ۴ مارس ۲۰۲۵ (۱۴ اسفندماه) گزارش داد برای هفت کارشناس تسلیحاتی جهت سفر از مسکو به تهران در دو پرواز در تاریخ‌های ۲۴ آوریل (۵ اردیبهشت ۱۴۰۳) و ۱۷ سپتامبر (۲۷ شهریور ۱۴۰۳) بلیت رزرو شده بود. این اطلاعات بر اساس اسنادی است که جزئیات این دو رزرو گروهی و همچنین فهرست مسافران پرواز دوم را نشان می‌دهد.

اسناد رزرو بلیت پرواز آنان شامل شماره گذرنامه شش نفر از این افراد است که در آن کد «۲۰» درج شده است. این کد نشان‌دهنده گذرنامه‌ای است که برای مأموریت‌های رسمی دولتی صادر شده و مخصوص مقامات دولتی در سفرهای کاری خارجی و پرسنل نظامی مستقر در خارج کشور است.

رویترز می‌نویسد، یک مقام ارشد وزارت دفاع جمهوری اسلامی گفت که متخصصان موشکی روسیه در سال گذشته چندین بار از سایت‌های تولید موشک ایران از جمله دو تأسیسات زیرزمینی بازدید کرده‌اند. برخی از این بازدیدها در ماه سپتامبر ۲۰۲۴ انجام شده است. این مقام که به دلیل حساسیت موضوع نخواست نامش فاش شود، محل دقیق این تأسیسات را مشخص نکرد.

یک مقام دفاعی غربی نیز که همکاری‌های دفاعی ایران

## «هزینه‌تراشی برای خامنه‌ای به اسم ولایت‌مداری»؛ اتهام هواداران نظام به پزشک‌ها



دیدار خامنه‌ای با پزشک‌ها و هیات دولت / شهریور ۱۴۰۳

در ارتباط با همین موضوع که پزشک‌ها از آغاز مطرح شدنش به عنوان نامزد انتخابات ریاست جمهوری تیرماه ۱۴۰۳ همواره تأکید کرده تابع نظرات خامنه‌ای است و خودش هیچ برنامه ویژه‌ای ندارد، می‌توان به سخنان وی در ۲۱ خرداد اشاره کرد که از جمله اصرار و تأکید داشت، «برنامه هفتم توسعه را بر مبنای سیاست‌های رهبری اجرا می‌کنم.» او اول آذرماه ۱۴۰۳ نیز در یک سخنرانی گفت: «کارهایی که در این دولت انجام شده با هماهنگی و نظر رهبری بوده است.»

طرفداران علی خامنه‌ای توقع دارند پزشک‌ها و وزرای او تابع دستورات خامنه‌ای باشند ولی همزمان بحران‌های ناشی از اجرای این دستورات و فرامین را هم به گردن بگیرند! اما این دقیقاً همان کاری است که مسعود پزشک‌ها از آغاز به شیوهی خود از زیر بار آن شانه خالی کرده و هر بار بر فرمانبری خود از خامنه‌ای تأکید کرده است. به نظر می‌رسد پزشک‌ها بر اساس شناخت از کارکرد بدخیم سیاست در جمهوری اسلامی، تلاش کرده با این شیوه یک حباب حفاظتی به دور خود در مقابل حملات طرفداران نظام ایجاد کند و مرتب هم آنها و هم مردم را به «رهبری» و تصمیمات و فرمان‌های وی حواله می‌دهد.

### ادعای تحمیل مذاکره با بحران‌سازی

در این میان، رسانه‌ها و کارشناسان، تحلیلگران فعالان اقتصادی و سیاسی وابسته به جریان اصلاح‌طلب بطور غیرمستقیم در گزارش‌ها، مقالات و مصاحبه‌های خود خطی مشترک را در این زمینه پیش می‌برند.

آذر منصوری رئیس «جبهه اصلاحات» در واکنش به برکناری عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد می‌گوید، «نه این دولت و نه هیچ دولت دیگری کاری از دست‌شان بر نمی‌آید.»

از سوی دیگر، مدافعان خامنه‌ای می‌گویند در شرایطی که کشور زیر شدیدترین فشارهای اقتصادی قرار گرفته و نارضایتی زیاد شده است، اصلاح‌طلبان قصد دارند با بحران‌سازی، مذاکره با آمریکا را به نظام تحمیل کنند.

شرایطی قرار گرفتند که هر سال قدرت خرید مردم کاهش پیدا می‌کند. خواهش می‌کنم از من نخواهید که مطالبی را بگویم تا امنیت کشور به خطر بیندازد. بنابراین پیش از پیش از مردم عذرخواهی می‌کنم.» پزشک‌ها نیز شبیه این سخنان را تکرار کرد و گفت: «از مردم عذرخواهی می‌کنم؛ نمی‌خواستم حرف‌هایی بزنم که ناامیدی ایجاد شود.»

هنوز جوهر خبر عزل عبدالناصر همتی خشک نشده بود که محمدجواد ظریف مشاور و صاحب شغل نوظهور «معاون راهبردی» پزشک‌ها هم ساعاتی بعد استعفا داد و در شبکه اجتماعی «ایکس» به خاطر کاستی‌ها از مردم پوزش خواست. در این میان، انتقاد طرفداران حکومت از پزشک‌ها با واکنش وزارت خارجه جمهوری اسلامی روبرو شد. اسماعیل بقایی سخنگوی این وزارتخانه دوشنبه ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۳ تأکید کرد، «صحبت‌های دیروز رئیس‌جمهور در مجلس درباره مذاکره، روشن بود» و «ایشان [پزشک‌ها] بیان کرد که ما تابع سیاست‌های ابلاغی از سوی مقامات ارشد کشورمان هستیم.»

### صفر تا صد با خامنه‌ای

طی شش ماه که از آغاز ریاست جمهوری پزشک‌ها می‌گذرد، او بارها در واکنش به مشکلات و بحران‌ها توپ را در زمین خامنه‌ای انداخته است. در یکی از این موارد پس از آنکه خامنه‌ای دستور عدم مذاکره با آمریکا را صادر کرد، قیمت دلار افزایش پیدا کرد که موجی از انتقادات را به همراه داشت. در واکنش به این وضعیت پزشک‌ها گفت: «کلام رهبر انقلاب فصل‌الخطاب سیاست‌های دولت است.» البته مسعود پزشک‌ها از همان ابتدای اعلام نامزدی خود برای ریاست دولت چهاردهم و پس از آن بطور مرتب مبنای حضور و فعالیت خود را بر اساس اراده و قدرت خامنه‌ای گذاشته است که ابتدا برای سوپرانقلابی‌ها بسیار جذاب و رضایت‌بخش بود اما به نظر می‌رسد به تدریج متوجه شده‌اند که تأکید بر گوش به فرمان «رهبر» بودن از سوی رئیس دولت اتفاقاً هزینه‌ساز است!

● مسعود پزشک‌ها در دفاع از همتی وزیر اقتصاد در جلسه استیضاح بطور غیرمستقیم افزایش نرخ ارز، گرانی‌ها و بحران‌های اقتصادی را به گردن رهبر جمهوری اسلامی انداخت و مانند عبدالناصر همتی از مردم عذرخواهی کرد.

● هنوز جوهر خبر عزل عبدالناصر همتی خشک نشده بود که محمدجواد ظریف مشاور و صاحب شغل نوظهور «معاون راهبردی» پزشک‌ها هم ساعاتی بعد استعفا داد و در شبکه اجتماعی «ایکس» به خاطر کاستی‌ها از مردم پوزش خواست.

● اظهارات رئیس دولت چهاردهم که با پشتیبانی خود خامنه‌ای در تیرماه ۱۴۰۳ در انتخابات زودهنگام روی کار آورده شد، هواداران ولی فقیه را برآشفته. آنها می‌گویند پزشک‌ها به «اسم ولایت‌مداری» برای خامنه‌ای «هزینه‌تراشی» می‌کند و با «مایه گذاشتن از رهبری» می‌خواهد او را مقصر مشکلات و خرابکاری‌ها معرفی کند. همچنین شماری از انقلابی‌های دوازدهم به بعضی جملات پزشک‌ها و همتی و عذرخواهی مداوم آنها از مردم مشکوک شده‌اند.

اظهارات مسعود پزشک‌ها در جریان جلسه استیضاح عبدالناصر همتی درباره «مذاکره نکردن با آمریکا» با انتقاد طرفداران علی خامنه‌ای مواجه شده است. آنها بر این باورند که دولت «اصلاح‌طلب» قصد دارد رهبر جمهوری اسلامی را مقصر اصلی بحران‌های کنونی کشور نشان دهد و برای ادعای خودشان نشانه‌هایی نیز دارند.

پزشک‌ها ۱۲ اسفندماه در دفاع از همتی وزیر اقتصاد در جلسه استیضاح بطور غیرمستقیم افزایش نرخ ارز، گرانی‌ها و بحران‌های اقتصادی را به گردن رهبر جمهوری اسلامی انداخت. او در مورد وضعیت حکومت دو اعتراف مهم کرد، «کشتی‌های ما به خاطر تحریم نمی‌دانند نفت و گاز خود را چطور تخلیه کنند» و «شش میلیارد دلار دست‌فقط داریم نمی‌دهند، در ترکیه و عراق هم وضع به همین است.»

پزشک‌ها توضیح داد که اعتقاد به گفتگو داشت اما خامنه‌ای گفت «با آمریکا گفتگو نمی‌کنیم و بنده هم اعلام کردم ما با آمریکا گفتگو نمی‌کنیم و تمام و شد رفت، ولی باید راه‌های مناسب را پیدا کنیم که مشکلات را حل کنیم.» او سپس ادامه داد: «بنده معتقد به گفتگو هستم، خواهم ماند، اما تا آخر بر روی موضعی که رهبر انقلاب مشخص کرده‌اند، خواهیم ایستاد و بجز آن عمل نخواهیم کرد. از مردم عزیز کشورمان معذرت‌خواهی می‌کنم و اعلام می‌کنم که به هیچ وجه دلم نمی‌خواست مازوت بسوزانیم، برق مردم و کارخانه‌ها را قطع کنیم، اما اگر برخی از این کارها را نمی‌کردیم، مجبور بودیم در زمستان گاز مردم را قطع کنیم.»

### هزینه‌تراشی به اسم ولایت‌مداری

این اظهارات رئیس دولت چهاردهم که با پشتیبانی خود خامنه‌ای در تیرماه ۱۴۰۳ در انتخابات زودهنگام روی کار آورده شد، هواداران ولی فقیه را برآشفته. آنها می‌گویند پزشک‌ها به «اسم ولایت‌مداری» برای خامنه‌ای «هزینه‌تراشی» می‌کند و با «مایه گذاشتن از رهبری» می‌خواهد او را مقصر مشکلات و خرابکاری‌ها معرفی کند. شماری از انقلابی‌های دوازدهم نیز به بعضی جملات پزشک‌ها و همتی و همچنین عذرخواهی مداوم آنها از مردم مشکوک شده‌اند.

در همین ارتباط، عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد نیز در دفاع از خودش در جلسه استیضاح گفت: «مردم ما در



# «اسکای نیوز»: هر فرد مرتبط با حکومت ایران در بریتانیا باید حضور خود را ثبت کند وگرنه به زندان محکوم می‌شود



بازدید علی خامنه‌ای از دستاوردهای پهبادی و موشکی سپاه پاسداران / آبان ۱۴۰۲

سازمان نظامی مواجه است. وزیر امنیت بریتانیا همچنین اعلام کرد که توسط پلیس مبارزه با تروریسم به همه نیروهای مربوطه در پلیس بریتانیا آموزش و راهنمایی لازم در مورد فعالیت‌های تهدیدات دولتی ارائه می‌شود «تا آنها بدانند باید به دنبال چه چیزی باشند و چه کاری می‌بایست انجام دهند.» در ماه اکتبر رئیس MI5 فاش کرد که سرویس امنیتی این کشور از آغاز سال ۲۰۲۲ بیست توطئه را که مورد حمایت رژیم ایران بوده، در بریتانیا خنثی کرده است. دن جرویس گفت که رژیم ایران یهودیان و اسرائیلی‌ها و همچنین رسانه‌های فارسی‌زبان منتقد را در بریتانیا هدف قرار داده است.

وزیر امنیت انگلیس با اشاره به اینکه «این تهدیدها غیرقابل قبول است» گفت که رژیم ایران در تلاش است تا «انتقادهای از طریق ارباب و ترس در گلو خفه کند.» وی افزود: تهدیدات از سوی [رژیم] ایران فقط ماهیت فیزیکی ندارد، زیرا مرکز امنیت ملی سایبری شاهد فعالیت‌های سایبری «بدخواهانه» نیز هست که توسط بازیگران وابسته به دولت ایران و علیه بریتانیا انجام شده است.»

دن جرویس همچنین با تأکید بر مسئولیت کیفری افراد در همکاری با حکومت‌های خارجی برای نفوذ در بریتانیا و یا علیه امنیت این کشور، یادآوری کرد که «قانون امنیت ملی ۲۰۲۳ به پلیس اختیارات جدیدی مانند حق دستگیری هر کسی که به سرویس‌های اطلاعاتی خارجی کمک می‌کند یا حداکثر مجازات ۱۴ سال زندان داده است.»

وزیر امنیت بریتانیا افزود که دولت این کشور در حال بررسی تحریم‌های بیشتر علیه سایر تبهکاران مرتبط با ایران است و آژانس جرائم ملی هرکسی را که به سپاه پاسداران و نیروهای مشابه برای پولشویی کمک کند، هدف قرار خواهد داد.

حضور خود را در بریتانیا ثبت کند وگرنه به زندان محکوم خواهد شد.

دن جرویس وزیر امنیت بریتانیا گفت که رژیم «ایران از جمله سرویس‌های اطلاعاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات و امنیت آن در «سطح پیشرفته» و در ردیف بالای نفوذ بیگانگان (FIRS) قرار می‌گیرند» این بدان معناست که در چارچوب رصد امنیتی «فعالیت‌های نفوذ سیاسی»، هر یک از اعضای حکومت جمهوری اسلامی ایران یا هر کسی که به نمایندگی از این حکومت فعالیت می‌کند باید حضور خود را در بریتانیا بر اساس این طرح ثبت کند. عدم ثبت نام این افراد یک جرم کیفری محسوب شده و می‌تواند تا پنج سال حبس داشته باشد.

رژیم ایران اولین حکومت خارجی است که در ردیف تقویت‌شده این طرح قرار می‌گیرد. این طرح دارای دو سطح، یکی نفوذ یا لابیگری برای تقویت تأثیرگذاری بر نظام سیاسی بریتانیا و دیگری نفوذ پنهان خارجی است.

سطح اول یک لایه از «نفوذ سیاسی» یا همان لابیگری است که شامل ارتباطات با تصمیم‌گیرندگان ارشد مانند وزرای بریتانیا، نمایندگان مجلسین و کارمندان ارشد دولتی می‌شود.

به گفته‌ی دن جرویس وزیر امنیت بریتانیا این طرح تا تابستان ۲۰۲۵ به اجرا درخواهد آمد. وی همچنین اعلام کرد که از اداره‌ی بررسی مستقل قوانین تهدیدات دولتی و تروریسم بریتانیا خواسته شده است تا بخش‌هایی از قوانین ضد تروریسم بریتانیا را که می‌تواند علیه «تهدیدهای دولتی کنونی مانند ایران» اعمال شود، بررسی کند.

اگرچه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی بریتانیا تحریم شده است اما یک گروه تروریستی ممنوع و در لیست سازمان‌های تروریستی خارجی این کشور نیست. دولت انگلیس با درخواست‌های متعدد برای ممنوعیت این

● بر اساس گزارشی که «اسکای نیوز» روز سه‌شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۳ (۴ مارس ۲۰۲۵) منتشر کرده، هر کسی که برای حکومت ایران کار می‌کند یا نماینده آن است، باید حضور خود را در بریتانیا ثبت کند وگرنه به زندان محکوم خواهد شد.

● در چارچوب رصد امنیتی «فعالیت‌های نفوذ سیاسی»، هر یک از اعضای حکومت جمهوری اسلامی ایران یا هر کسی که به نمایندگی از این حکومت فعالیت می‌کند باید حضور خود را در بریتانیا بر اساس این طرح ثبت کند. عدم ثبت نام این افراد یک جرم کیفری محسوب شده و می‌تواند تا پنج سال حبس داشته باشد.

● به گفته‌ی دن جرویس وزیر امنیت بریتانیا این طرح تا تابستان ۲۰۲۵ به اجرا درخواهد آمد. وی همچنین اعلام کرد که از اداره‌ی بررسی مستقل قوانین تهدیدات دولتی و تروریسم بریتانیا خواسته شده است تا بخش‌هایی از قوانین ضد تروریسم بریتانیا را که می‌تواند علیه «تهدیدهای دولتی کنونی مانند ایران» اعمال شود، بررسی کند.

● وزیر امنیت بریتانیا افزود که دولت این کشور در حال بررسی تحریم‌های بیشتر علیه سایر تبهکاران مرتبط با ایران است و آژانس جرائم ملی هرکسی را که به سپاه پاسداران و نیروهای مشابه برای پولشویی کمک کند، هدف قرار خواهد داد.

دولت انگلیس اعلام کرده است هر کسی که برای حکومت ایران در بریتانیا کار می‌کند باید ثبت نام کند وگرنه با زندان مواجه خواهد شد. جمهوری اسلامی ایران اولین حکومت خارجی است که در طرح ثبت نفوذ بیگانگان ارتقاء ردیف یافته است.

بر اساس گزارشی که «اسکای نیوز» روز سه‌شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۳ (۴ مارس ۲۰۲۵) منتشر کرده، هر کسی که برای حکومت ایران کار می‌کند یا نماینده آن است، باید

## بلومبرگ: موافقت پوتین با درخواست ترامپ برای میانجیگری در مذاکره با جمهوری اسلامی



خوش و بش علی خامنه‌ای و ولادیمیر پوتین در تهران

## واکنش‌ها به پیشنهاد روسیه برای میانجیگری بین تهران و واشنگتن؛ کیهان تهران: «نیازی نیست»



سفر پوتین به تهران در سال ۲۰۲۲

● روزنامه کیهان چاپ تهران در واکنش به ادعای بلومبرگ مبنی بر اعلام آمادگی ولادیمیر پوتین برای میانجیگری میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا نوشت، «ایران نیاز به واسطه ندارد» و «روسیه مراقب کلاهبرداری آمریکا باشد».

● کیهان تهران که به عنوان «ارگان بیت رهبری» شناخته می‌شود، در گزارشی که ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۳ منتشر شد با انتقاد از «فضاسازی رسانه‌های آمریکایی» نوشت، مشکل جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و ترامپ، بی‌صفتی و عهدنشناسی و خدعه و خیانت رژیم آمریکاست و از دولت بوش پدر و بوش پسر تا اوباما و ترامپ و بایدن، جملگی در این بی‌صفتی و خیانت همسان بوده‌اند.

● برایان هیوز سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید به «صدای آمریکا» گفت که دولت ترامپ درباره امنیت ملی ایالات متحده «با دوست و دشمن از موضع قدرت» صحبت می‌کند.

روزنامه کیهان چاپ تهران در واکنش به ادعای بلومبرگ مبنی بر اعلام آمادگی ولادیمیر پوتین برای میانجیگری میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا نوشت، «ایران نیاز به واسطه ندارد» و «روسیه مراقب کلاهبرداری آمریکا باشد».

کیهان تهران که به عنوان «ارگان بیت رهبری» شناخته می‌شود، در گزارشی که ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۳ منتشر شد نوشت: «فضاسازی گاه و بیگاه رسانه‌های آمریکایی مبنی بر واسطه تراشیدن برای مذاکره با ایران در حالی است که مشکل جمهوری اسلامی ایران با آمریکا و ترامپ، بی‌صفتی و عهدنشناسی و خدعه و خیانت رژیم آمریکاست و نه فقدان میانجی و واسطه.»

در این گزارش تأکید شده آمریکا به تعهدات خود متعهد نیست و «از دولت بوش پدر و بوش پسر تا اوباما و ترامپ و بایدن، جملگی در این بی‌صفتی و خیانت همسان بوده‌اند.» در بخشی از این گزارش با رد هرگونه مذاکره

که در توان دارد، برای تحقق این موضوع انجام دهد.»

تمایل روس‌ها به معامله بین تهران و واشنگتن موضوع جدیدی نیست و روسیه یکی از مدافعان سرسخت برجام نیز بوده است. پیش از جنگ اوکراین هم روس‌ها به مقامات جمهوری اسلامی گفته بودند که برای رفع تحریم‌ها می‌بایست با آمریکا وارد مذاکره شود. اگرچه حالا ترامپ از پوتین خواسته برای مذاکره با جمهوری اسلامی میانجیگری کند، اما علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، ۱۹ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ در دیدار با فرماندهان نیروی هوایی ارتش تأکید کرد که «نایب با آمریکا مذاکره کرد.» او توضیح داد مذاکره با آمریکا «عاقلانه، هوشمندانه و شرافتمندانه نیست» و «هیچ تأثیری» در حل مشکلات کشور نخواهد داشت.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا روسیه پیشنهاد میانجیگری بین تهران و واشنگتن را داده است، فقط گفت که چنین اقدامی «طبیعی» است. اسماعیل بقایی در یک کنفرانس مطبوعاتی تلویزیونی روز دوشنبه ۱۳ اسفند در تهران اظهار داشت: «با توجه به اهمیت این مسائل، ممکن است طرف‌های زیادی حسن نیت و آمادگی خود را برای کمک به حل مشکلات مختلف نشان دهند. از این منظر، طبیعی است که کشورها در صورت نیاز پیشنهاد کمک ارائه دهند.» وزارت خارجه جمهوری اسلامی به پرسش‌های بلومبرگ پاسخ نداد. از زمانی که ترامپ حدود شش هفته پیش قدرت را دوباره در کاخ سفید به دست گرفته، مرتب تلاش کرده است تا روابط آمریکا با ولادیمیر پوتین که پس از حمله نظامی روسیه به خاک اوکراین در سال ۲۰۲۲ قطع شده بود، احیا کند. همزمان با اینکه ترامپ به دنبال آن است تا مستقیماً در ارتباط با پوتین به جنگ اوکراین پایان دهد- از جمله در یک تماس تلفنی در ۱۲ فوریه بین دو رهبر- هر دو طرف نشان داده‌اند که آماده همکاری در سایر مسائل ژئوپلیتیک، از جمله مسیرهای تجاری و منابع قطب شمال هستند.

● بر اساس گزارش بلومبرگ، روسیه موافقت کرده است که به دولت دونالد ترامپ در برقراری ارتباط با جمهوری اسلامی در موضوعاتی از جمله برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و حمایت آن از شبه‌نظامیان کمک کند.

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا روسیه پیشنهاد میانجیگری بین تهران و واشنگتن را داده است، فقط گفت که چنین اقدامی «طبیعی» است. پایگاه خبری «بلومبرگ» به نقل از منابع آگاه گزارش داد رئیس جمهوری روسیه، در پاسخ به درخواست همتای آمریکایی خود، پذیرفته که برای مذاکره بر سر برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و همچنین توقف حمایت از گروه‌های نیابتی در منطقه میانجیگری کند.

در این گزارش که سه‌شنبه ۴ مارس ۲۰۲۵ (۱۴ اسفند) منتشر شد، ادعا شد ترامپ در تماس تلفنی اخیر خود با پوتین، خواستار ایفای نقش روسیه به عنوان میانجی در مذاکرات با جمهوری اسلامی شده است. گفته می‌شود که در جریان دیدار مارکو روبریو و سرگئی لاوروف وزرای خارجه آمریکا و روسیه در ریاض نیز بر سر این موضوع گفتگو شده بود. یک هفته پس از این دیدار، لاوروف به تهران رفت و با مقامات جمهوری اسلامی دیدار کرد.

درخواست ترامپ از پوتین برای میانجیگری میان واشنگتن و تهران، به تأیید برخی منابع آگاه در مسکو رسیده است. در هفته‌های اخیر به ویژه پس از گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نگرانی‌ها از افزایش ذخایر اورانیوم در ایران با درجه نزدیک به سطح تسلیحاتی به شدت افزایش پیدا کرده است. دیمیتری پسکوف سخنگوی کرملین در پاسخ به پرسش بلومبرگ درباره احتمال میانجیگری مسکو میان تهران و واشنگتن گفت: «روسیه بر این باور است که ایالات متحده و ایران باید تمام مسائل را از طریق مذاکره حل و فصل کنند.» او تأکید کرد که روسیه «آماده است هر کاری



## انتقاد رافائل گروسی از عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی



رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

لازم است و اگر بخواهد می‌تواند شش سلاح هسته‌ای تولید کند. این میزان بدون احتساب اورانیوم غنی‌شده ایران در سطح ۲۰ درصد و پایین‌تر است.

گروسی همچنین با اشاره به توقف اجرای پروتکل الحاقی از سوی رژیم ایران، گفت: «چهار سال است که آژانس نتوانسته دسترسی‌های تکمیلی در ایران داشته باشد.» اشاره او به اخراج بازرسان آژانس از ایران و عدم پاسخگویی مقامات جمهوری اسلامی در مورد علت وجود ذرات اورانیوم در سه‌الی چهار مکان اعلام نشده است.

مدیرکل آژانس در اینبار توضیح داد: «ادعای ایران که می‌گوید تمام مواد، فعالیت‌ها و مکان‌های هسته‌ای تحت توافق پادمانی ان‌پی‌تی را گزارش داده است، با یافته‌های آژانس درباره وجود ذرات اورانیوم با منشأ انسانی در مکان‌های اعلام‌نشده در ایران سازگار نیست.»

او برای چندمین بار تأکید کرد که آژانس باید «از محل فعلی این مواد و تجهیزات آلوده مرتبط مطلع شود.»

به گفته رافائل گروسی، رژیم ایران در مورد «تغییرات در توازن مواد اورانیوم در آزمایش‌های تولید فلز اورانیوم که در آزمایشگاه جابر بن حیان انجام شده نیز توضیحی ارائه نکرده است.»

گروسی همچنین از اینکه مقامات جمهوری اسلامی تمایلی به بررسی پذیرش چهار بازرس باتجربه آژانس نشان نداده‌اند انتقاد کرد.

روزنامه «اورشلیم پست» با اشاره به گزارش جدید آژانس می‌نویسد مشخص نیست که آیا ترامپ در ماه‌های آینده به اسرائیل برای حمله به برنامه هسته‌ای رژیم ایران چراغ سبز نشان می‌دهد یا اینکه کشورهای اروپایی را برای فعال کردن «مکانیسم ماشه» و بازگرداندن تحریم‌های جهانی تحت فشار قرار خواهد داد.

● اولین نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۲۰۲۵ میلادی، روز دوشنبه سوم مارس (۱۳ اسفندماه) برگزار شد.

● رافائل گروسی می‌گوید: «پس از گزارش قبلی من، ذخیره اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی ایران از ۱۸۲ کیلوگرم طی سه ماه گذشته افزایش یافته و به ۲۷۵ کیلوگرم رسیده است.» او تأکید کرد که «ایران تنها کشور غیرهسته‌ای است که تا این سطح اقدام به غنی‌سازی اورانیوم می‌کند.»

● گروسی همچنین با اشاره به توقف اجرای پروتکل الحاقی از سوی رژیم ایران، گفت: «چهار سال است که آژانس نتوانسته دسترسی‌های تکمیلی در ایران داشته باشد.» اشاره او به اخراج بازرسان آژانس از ایران و عدم پاسخگویی مقامات جمهوری اسلامی در مورد علت وجود ذرات اورانیوم با منشأ انسانی در سه‌الی چهار مکان اعلام نشده است.

اولین نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در سال ۲۰۲۵ میلادی، روز دوشنبه سوم مارس (۱۳ اسفندماه) برگزار شد.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این نشست بار دیگر نسبت به افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌سازی شده جمهوری اسلامی عمیقاً ابراز نگرانی کرد.

رافائل گروسی گفت: «پس از گزارش قبلی من، ذخیره اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی ایران از ۱۸۲ کیلوگرم طی سه ماه گذشته افزایش یافته و به ۲۷۵ کیلوگرم رسیده است.» او تأکید کرد که «ایران تنها کشور غیرهسته‌ای است که تا این سطح اقدام به غنی‌سازی اورانیوم می‌کند.»

بر اساس گزارش آژانس، جمهوری اسلامی به اندازه کافی اورانیوم غنی‌شده تا ۶۰ درصد دارد که می‌تواند به سرعت آن را به سطح ۹۰ درصد برساند، که برای تولید سلاح هسته‌ای

→ آمریکا، ترامپ تلویحاً تهدید به انتقام شده است. کیهان تهران در اینبار نوشته «علاوه بر حقوق نقض‌شده ملت ایران در برجام، خون شهید سلیمانی هم بر گردن آمران این جنایت به ویژه دونالد ترامپ سنگینی می‌کند.» بر اساس ادعای گزارشی در بلومبرگ، روسیه موافقت کرده است که به دولت دونالد ترامپ در برقراری ارتباط با جمهوری اسلامی در موضوعاتی از جمله برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و حمایت آن از شبه‌نظامیان کمک کند. کاخ کرملین ۵ مارس (۱۵ اسفند) در بیانیه‌ای اعلام کرد موضوع ایران بخشی از مذاکرات روسیه و آمریکا در ریاض بود اما هیچ ابتکار مشخصی مطرح نشد. از سوی آمریکایی‌ها نیز چنین موضوعی تأیید نشد.

دیمیتری پسکوف سخنگوی کرملین در پاسخ به پرسش بلومبرگ درباره احتمال میانجیگری مسکو میان تهران و واشنگتن گفت، روسیه «آماده است هر کاری که در توان دارد، برای تحقق این موضوع انجام دهد.»

در همین ارتباط، اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا روسیه پیشنهاد میانجیگری بین تهران و واشنگتن را داده است، فقط گفت که چنین اقدامی «طبیعی» است.

برایان هیوز سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید نیز به «صدای آمریکا» گفت که دولت ترامپ درباره امنیت ملی ایالات متحده «با دوست و دشمن از موضع قدرت» صحبت می‌کند.

### پیشنهاد از سوی روسیه بود

با اینهمه بخش فارسی صدای آمریکا به نقل از «یک منبع آشنا با موضوع» که نخواست نامش فاش شود، نوشت «روس‌ها پیشنهاد میانجیگری با جمهوری اسلامی داده‌اند، [اما] از آنها خواسته نشده است که این نقش را ایفا کنند.» پیشنهاد روسیه برای میانجیگری بین آمریکا و رژیم ایران واکنش‌های مختلفی در پی داشته است. گروهی آن را زمینه‌سازی برای معامله میان ترامپ و پوتین برای «تاخت زدن» اوکراین و رژیم ایران می‌دانند و گروهی خوشبینانه امیدوار شدند که پوتین بتواند شرایط مذاکره تهران و واشنگتن را فراهم کند.

آن ایر سخنگوی فارسی‌زبان وزارت خارجه آمریکا در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما، به اعلام آمادگی روسیه برای میانجیگری میان جمهوری اسلامی و آمریکا واکنش نشان داد و در «ایکس» با لحنی کنایه‌آمیز نوشت: «هر که از ننه‌اش قهر کرده می‌خواهد به میانجیگری با ایران کمک کند.»

از آنسو در ایران، علی خامنه‌ای به دولت اولتیماتوم داده است که «نباید با آمریکا مذاکره شود». اما حتا بخشی از مدافعان اتمی شدن جمهوری اسلامی نیز مذاکره با ترامپ را ضروری می‌دانند. احمد بخشایشی اردستانی نماینده مجلس شورای اسلامی ۱۵ اسفندماه ۱۴۰۳ در مصاحبه با «دیده‌بان ایران» گفته است سیاست خارجی جمهوری اسلامی باید «منعطف» باشد.

بخشایشی اردستانی که ساخت همپ اتم را برای حفظ نظام ضروری می‌داند در بخشی از این مصاحبه تأکید کرده «ترامپ شخصیت خودشیفته‌ای دارد و به همین دلیل برای مذاکره با ایران شاید امتیازاتی بدهد.»

این ادعا در حالیست که بر اساس آنچه در رسانه‌ها و محافل خبری منتشر شده است، شرایطی که ترامپ برای توافق با جمهوری اسلامی مطرح کرده، کنار گذاشتن برنامه‌های اتمی و فعالیت‌های موشکی و پشتیبانی از گروه‌های نیابتی است که از نگاه مقامات تهران چیزی جز «خلع سلاح» رژیم نیست.



خدمه ناو هواپیمابر USS Nimitz / ژانویه ۲۰۲۳ در دریای چین جنوبی / عکس: رویترز

خبر لغو محدودیت‌های فرماندهان رزمی و گسترش دامنه اهداف در حالی منتشر می‌شود که گمانه‌زنی‌ها درباره حمله احتمالی اسرائیل با تاسیسات اتمی جمهوری اسلامی با پشتیبانی و یا همراهی آمریکا همچنان ادامه دارد. به گفته مقامات آمریکایی، با حذف کنترل متمرکز چندلایه‌ای که جو بایدن رئیس جمهوری پیشین آمریکا بر حملات هوایی و عملیات نیروهای ویژه اعمال کرده بود، انعطاف‌پذیری در اولویت قرار می‌گیرد و به فرماندهان ارتش ایالات متحده اختیار بیشتری برای انتخاب اهداف داده می‌شود. ترامپ در دور اول ریاست جمهوری خود به فرماندهی مرکزی ایالات متحده در خاورمیانه (سنتکام) دستور داد که قاسم سلیمانی فرمانده پیشین نیروهای قدس سپاه پاسداران را در حوالی فرودگاه بغداد از بین ببرند.

بر اساس این گزارش، این تغییر آرام اما اساسی، دستورات دوران جو بایدن را کنار می‌گذارد و بازگشت به سیاست‌های تهاجمی‌تری را در مبارزه با تروریسم نشان می‌دهد که ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود پایه‌گذاری کرده بود. پیت هگست وزیر دفاع آمریکا در اولین سفر خارجی خود در اوایل فوریه، در نشستی با فرماندهان ارشد نظامی آمریکا از فرماندهی آفریقا (آفریکام) در آلمان، دستوری را امضا کرد که محدودیت‌های سیاستی و نظارت اجرایی بر حملات هوایی و اعزام کماندوهای آمریکایی را کاهش می‌دهد. به گفته مقامات آگاه از این نشست، درباره گروه مسلح اسلامگرای الشباب در سومالی و حوثی‌های یمن به عنوان اهداف احتمالی صحبت شده اما هنوز مشخص نیست که آیا این دستور به دیگر فرماندهی‌های رزمی آمریکا در سراسر جهان نیز ابلاغ شده است یا نه.

## سی‌بی‌اس:

# به دستور ترامپ دامنه افرادی که «می‌توانند هدف حمله قرار گیرند» بیشتر شد

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده، محدودیت‌های اعمال‌شده بر فرماندهان ارتش آمریکا برای صدور مجوز حملات هوایی، بمباران‌ها و نیز عملیات ویژه خارج از میدان نبردهای متعارف را لغو کرده است.  
● شبکه سی‌بی‌اس نیوز ۲۷ فوریه (۹ اسفند) به نقل از مقامات آگاه آمریکایی که نام‌شان را نگفت، اعلام کرد که این تصمیم همچنین دامنه افرادی را که می‌توانند هدف قرار گیرند، گسترش می‌دهد.

● بر اساس این گزارش، این تغییر آرام اما اساسی، دستورات دوران جو بایدن را کنار می‌گذارد و بازگشت به سیاست‌های تهاجمی‌تری را در مبارزه با تروریسم نشان می‌دهد که ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری خود پایه‌گذاری کرده بود.

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده، محدودیت‌های اعمال‌شده بر فرماندهان ارتش آمریکا برای صدور مجوز حملات هوایی، بمباران‌ها و نیز عملیات ویژه خارج از میدان نبردهای متعارف را لغو کرده است. شبکه سی‌بی‌اس نیوز ۲۷ فوریه (۹ اسفند) به نقل از مقامات آگاه آمریکایی که نام‌شان را نگفت، اعلام کرد که این تصمیم همچنین دامنه افرادی را که می‌توانند هدف حمله قرار گیرند، گسترش می‌دهد.



حقیقت‌یاب سازمان ملل» صحبت کردند. احمد رأفت که در این کنفرانس در نشست رسانه‌ها حضور داشت، گزارشی از آن در گفتگو با حسین لاجوردی رئیس «انجمن پژوهشگران ایران» تهیه کرده است.

از بیش از ۸ سال زندان از کشور خارج شده نیز یکی از سخنرانان این کنفرانس بود. در نشستی که به زبان انگلیسی برگزار شد، از جمله بارونس هلنا کندی عضو مجلس اعیان بریتانیا و سارا حسین دبیر «کمیته مستقل

# کنفرانس «پیامدها و کارنامه ۴۵ سال انقلاب اسلامی در ایران» در دانشگاه سوربن برگزار شد

«انجمن پژوهشگران ایران» کنفرانسی را طی سه روز از ۲۷ فوریه تا یکم مارس ۲۰۲۵ در پاریس در همکاری با «مرکز مطالعات حقوقی» دانشگاه سوربن برگزار کرد. در این کنفرانس سه روزه در ۱۲ نشست کارنامه ۴۵ ساله جمهوری اسلامی در زمینه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت. بیش از ۵۰ سخنران از کشورهای مختلف به صورت حضوری و یا مجازی در این کنفرانس حضور داشتند. از ایران نیز جعفر عظیم‌زاده دبیر هیئت مدیره «اتحادیه آزاد کارگران ایران» به صورت مجازی سخنرانی کرد. اسماعیل عبدی دبیرکل سابق «کانون صنفی معلمان» که اخیرا پس





دیدار رویو و لاوروف در ریاض / بهمن ۱۴۰۳

## کرمیلین: مسئله ایران بخشی از مذاکرات روسیه و آمریکا درباره اوکراین است

● کرمیلین تأیید کرد در نشست ریاض (میان وزرای خارجه روسیه و آمریکا) برای مذاکره درباره صلح در اوکراین، موضوع ایران نیز بین سرگئی لاوروف و مارکو رویو مورد بحث قرار گرفت، اما هیچ ابتکار مشخصی مطرح نشد.

● دیمیتری پسکوف سخنگوی کرمیلین در پاسخ به پرسش بلومبرگ درباره احتمال میانجیگری مسکو میان تهران و واشنگتن گفت، روسیه «آماده است هر کاری که در توان دارد، برای تحقق این موضوع انجام دهد».

در واکنش به گزارش‌ها در مورد پیشنهاد میانجیگری روسیه میان جمهوری اسلامی و دولت دونالد ترامپ، کرمیلین اعلام کرد، مذاکرات آینده بین روسیه و آمریکا شامل بحث‌هایی درباره برنامه هسته‌ای ایران نیز خواهد بود.

سخنگوی کرمیلین پنجم مارس ۲۰۲۵ (۱۵ اسفند) در واکنش به گزارش بلومبرگ مبنی بر میانجیگری روسیه بین رژیم ایران و دولت ترامپ، تأکید کرد که انتظار می‌رود ایران موضوع مذاکرات آینده مسکو با آمریکا نیز باشد.

کاخ کرمیلین اعلام کرد در نشست ریاض (میان وزرای خارجه روسیه و آمریکا) برای مذاکره درباره صلح در اوکراین، موضوع ایران نیز بین سرگئی لاوروف و مارکو رویو

که چنین اقدامی «طبیعی» است. برایان هیوز سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید نیز به «صدای آمریکا» گفت که دولت ترامپ درباره امنیت ملی ایالات متحده «با دوست و دشمن از موضع قدرت» صحبت می‌کند.

مدتی است که برخی چهره‌های سیاسی رژیم نسبت به احتمال معامله پوتین با آمریکا بر سر ایران و اوکراین هشدار می‌دهند. محمود احمدی‌نژاد اولین فردی است که علناً به این موضوع اشاره کرد. او در هفتم بهمن‌ماه ۱۴۰۰ طی یک سخنرانی اعلام کرد: «من اطلاع دقیق دارم که روسیه و آمریکا بر سر اوکراین و ایران به توافق رسیده‌اند. [آمریکا] اجازه داده که [روسیه] وارد اوکراین شود و در مقابل، [روسیه] نیز اجازه داده که [آمریکایی‌ها] به ایران فشار بیاورند.» در آن زمان هنوز دولت دموکرات‌ها با رهبری جو بایدن در آمریکا بر سر کار بود.

مورد بحث قرار گرفت، اما هیچ ابتکار مشخصی مطرح نشد.

پیش از این خبرگزاری بلومبرگ گزارش داده بود، روسیه موافقت کرده است که به دولت دونالد ترامپ در برقراری ارتباط با جمهوری اسلامی در موضوعاتی از جمله برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و حمایت آن از گروه‌های نیابتی کمک کند.

دیمیتری پسکوف سخنگوی کرمیلین در پاسخ به پرسش بلومبرگ درباره احتمال میانجیگری مسکو میان تهران و واشنگتن گفت، روسیه «آماده است هر کاری که در توان دارد، برای تحقق این موضوع انجام دهد».

همچنین اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا روسیه پیشنهاد میانجیگری بین تهران و واشنگتن را داده است، فقط گفت

هسته‌ای نباشد، ولی در عمل دستور اجرایی را نوشت و ایران را تهدید کرد.»

نصیرزاده افزود: «ایران عضو ثابت بهانه‌جویی‌های غربی‌ها و آمریکا است، هر چقدر ایران کوتاه بیاید باز هم بهانه‌ای جدید پیدا می‌کند، ترامپ در این سند، ۱۳ باید آورده و مسئله فقط هسته‌ای نیست.»

پیش از این محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی گفته بود مسئله ترامپ فقط هسته‌ای نیست و او می‌خواهد ما قدرت موشکی و پهپادی را هم کنار بگذاریم و درواقع به دنبال «خلع سلاح ایران» است.

مخالفت وزیر دفاع کابینه پزشکیان با پیوستن جمهوری اسلامی به FATF در حالیست که شماری از مقامات دولت از موافقان پیوستن ایران به این نهاد هستند.

مخالفان پذیرش FATF می‌گویند پذیرش آن سبب بسته شدن راه‌های کمک جمهوری اسلامی به گروه‌های مقاومت در منطقه خواهد شد و تأمین مالی نیروهای مسلح را مختل می‌کند. آنها معتقدند پذیرش کنوانسیون‌های پارامو و CFT نظارت‌های شدید و مقرراتی را به دنبال دارد که ممکن است عملیات مالی جمهوری اسلامی در تأمین مالی نهادهای نظامی و گروه‌های مقاومت را محدود کند، در مقابل اما فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران می‌گویند بدون پذیرش استانداردهای FATF تجارت و مراودات اقتصادی در عمل با سایر کشورها ممکن نیست.



عزیز نصیرزاده وزیر دفاع جمهوری اسلامی

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح دولت مسعود پزشکیان ضمن مخالفت با پیوستن جمهوری اسلامی به FATF گفت، «چه عضو شویم، چه نشویم مشکلات ما را حل نمی‌کند و بهانه‌ای برای اعمال فشار بر ایران است.»

عزیز نصیرزاده جمعه ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۳ در همایشی در منطقه ۱۷ تهران از کسانی که «می‌گویند اگر FATF نباشد مشکلات ما حل نمی‌شود» به شدت انتقاد کرد.

او با انتقاد از سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی گفت: «ترامپ اخیراً کار شیطانی خود را ادامه داد و اعلام کرد حاضرم با ایران صلح کنم به شرطی که

## مخالفت وزیر دفاع دولت پزشکیان از پیوستن به FATF؛ «مشکلات ما را حل نمی‌کند»

● وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح دولت مسعود پزشکیان ضمن مخالفت با پیوستن جمهوری اسلامی به FATF گفت، «چه عضو شویم، چه نشویم مشکلات ما را حل نمی‌کند و بهانه‌ای برای اعمال فشار بر ایران است.»

● عزیز نصیرزاده، جمعه ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۳ در همایشی در منطقه ۱۷ تهران از کسانی که «می‌گویند اگر FATF نباشد مشکلات ما حل نمی‌شود» به شدت انتقاد کرد.

● مخالفت وزیر دفاع کابینه پزشکیان با پیوستن جمهوری اسلامی به FATF در حالیست که شماری از مقامات دولت از موافقان پیوستن ایران به این نهاد هستند.

## عزل عبدالناصر همتی؛ جایگزین او نیز در حل مشکلات ساختاری اقتصاد فاسد جمهوری اسلامی ناتوان خواهد بود



قاسم روانبخش همچنین به نمایش ویدئویی از سخنان علی خامنه‌ای درباره لزوم حمایت از دولت پزشکیان که در نشست استیضاح همتی از سوی معاون پارلمانی رئیس جمهور اعتراض کرد و گفت: «امروز از حضرت آقا موضوعی مطرح نکنید. اگر آقا بخواهد چیزی به مجلس بگوید از طریق رییس مجلس این کار را می‌کند.»

محمد رستمی یکی دیگر از نمایندگان موافق استیضاح همتی نیز گفت: «این جلسه دادخواهی مردم است. صدای فشار اقتصادی را که از مردم می‌آید بشنویید. وفاق باید برای حل مشکل مردم و جهش تولید باید باشد.»

محمد رستمی خطاب به مسعود پزشکیان گفت: «اگر همتی از کابینه حذف شد که فبها. اگر نه خودتان ایشان را عزل کنید. اگر همانطور که گفتید سران قوا تصمیم گرفته و امصیبتا به این وزیر که مشکلات را اعلام نکرده است.»

مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم در دفاع از عملکرد وزیر اقتصاد، صرفاً به کلی‌گویی و ایراد سخنانی شعاری پرداخت.

او بدون اشاره به ساختار ناکارآمد، فاسد و رانتی اقتصاد ایران، به پول‌های بلوکه‌شده ایران در کشورهای عراق و قطر و ترکیه اشاره کرد و گفت با دستور اخیر ترامپ برای فشار بیشتر به جمهوری اسلامی، نفت و گاز ایران روی دریاها مانده و فروش نمی‌رود.

او در بخش دیگری از سخنانش تأکید کرد که به خواست علی خامنه‌ای، جمهوری اسلامی با آمریکا مذاکره نخواهد کرد: «بنده معتقد بودم باید گفتگو کرد ولی مقام معظم رهبری گفتند با آمریکا گفتگو نمی‌کنیم، بنده هم اعلام کردم با آمریکا گفتگو نمی‌کنیم، تموم شد و رفت!»

مسعود پزشکیان همچنین به مشکلاتی که به ادعای او از دولت ابراهیم رئیسی برای دولت چهاردهم مانده ←

نمایندگان موافق این استیضاح معتقد بودند که سیاست‌های اقتصادی عبدالناصر همتی باعث تشدید بحران بازارها به ویژه در بازار ارز، افزایش تورم و مشکلات معیشتی شده و دولت نیازمند تغییر در تیم اقتصادی خود است. مخالفان این استیضاح اما معتقد بودند مشکلات اقتصادی کشور به علت تحریم است و برکناری همتی اثری در حل بحران‌های اقتصادی ندارد بلکه با اثر منفی روانی بر بازارها سبب تشدید مشکلات می‌شود.

روح‌الله ایزدخواه از نمایندگان موافق استیضاح به «اعدام سلطان سکه» اشاره کرد و گفت: «سلطان سکه را اعدام می‌کنید؟ اما برای استیضاح وزیر اقتصاد تعارف می‌کنید؟ آقای همتی برای ما هندوانه در بسته نبود، ما به دولت لطف کردیم و با او مباحثات کردیم.»

روح‌الله ایزدخواه افزود: «آیا می‌خواهیم به آقایی دلار تن بدهیم؟ یا ارزش پول ملی باید افزایش یابد؟ انتخاب کنیم که کدام اقتصاد را می‌خواهیم؟ اقتصاد سالم یا سرطانی؟ اینکه ثروت مردم در دلار احتکار شود تا ارزش داشته‌هایشان کم نشود یعنی فروپاشی اقتصادی. اگر اینطور است که ارز را امنیتی کنید و آن را از بازار دلالی درآورید.»

قاسم روانبخش از دیگر نمایندگان موافق استیضاح نیز گفت: «ما دوست نداشتیم شاهد این استیضاح باشیم بلکه همراهی دولت را می‌خواستیم. متأسفانه در بعضی از بیمارستان‌ها بیمه تامین اجتماعی را نمی‌پذیرند.»

او افزود «اگر امروز ترمز را بکشید به نفع مردم است. شما از اصل برکناری استفاده نکردید و مجلس را در این وادی انداختید. معاون پارلمانی شما یک کلیپ را که مربوط به مجلس قبل بود منتشر کرد که اشتباه بود. می‌گویند اگر همتی برود قیمت دلار افزایش می‌یابد. دولت بنای بر لجاجت ندارد و حتماً فرد بهتری را معرفی می‌کند.»

● در پایان جلسه استیضاح وزیر اقتصاد، نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ۱۸۲ رأی موافق، رأی اعتماد پیشین خود به عبدالناصر همتی را پس گرفتند و او را عزل کردند.

● نمایندگان موافق این استیضاح معتقد بودند که سیاست‌های اقتصادی عبدالناصر همتی باعث تشدید بحران بازارها به ویژه در بازار ارز، افزایش تورم و مشکلات معیشتی شده و دولت نیازمند تغییر در تیم اقتصادی خود است.

● مخالفان این استیضاح گفتند مشکلات اقتصادی کشور به علت تحریم است و برکناری همتی اثری در حل بحران‌های اقتصادی ندارد بلکه با اثر منفی روانی بر بازارها سبب تشدید مشکلات می‌شود.

● عبدالناصر همتی، مسعود پزشکیان یا مخالفان استیضاح عبدالناصر همتی نتوانستند برنامه‌ای برای خروج از بحران‌های کنونی اقتصاد ایران ارائه کنند و صرفاً به فرافکنی پرداختند.

● جایگزین همتی نیز نخواهد توانست بحران‌های اقتصاد فاسد نظام را حل کند چرا که برخلاف ادعای تیم دولت پزشکیان، این مشکلات ساختاری است و حتی با رفع تحریم‌ها نیز مشکلات اساسی اقتصاد به علت ساختار معیوب، رانتی و فسادپور جمهوری اسلامی پابرجا خواهد ماند.

جلسه استیضاح عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت پزشکیان صبح روز یکشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۳ بطور علنی و با حضور ۲۴۶ نماینده در مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در پایان جلسه استیضاح وزیر اقتصاد، نمایندگان مجلس شورای اسلامی با ۱۸۲ رأی موافق، رأی اعتماد پیشین خود به عبدالناصر همتی را پس گرفتند و او را عزل کردند.



## استعفای ظریف پس از عزل همتی؛ وضعیت حکومت وخیم تر می شود؟



مسعود پزشکیان و محمد جواد ظریف در حاشیه نشست هیات دولت

کسی باشد که می تواند زمینه ساز از سر گرفتن مذاکرات با دولت جدید آمریکا باشد. اما علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی بهمن ماه ۱۴۰۳ در دیدار با فرماندهان نیروهای هوایی ارتش اولتیماتوم داد که «نباید با آمریکا مذاکره شود».

مسعود پزشکیان نیز یک ماه بعد روز یکشنبه ۱۲ اسفند در جلسه استیضاح همتی در مجلس گفت که معتقد به گفتگو با آمریکا بود، اما «رهبری گفت مذاکره نکنید» و «مذاکره نمی کنیم، تمام شد و رفت».

در این میان، پس از آنکه دونالد ترامپ و معاونش جی دی ونس در جلسه با ولودیمیر زلینسکی که تحت حمایت تمام قد اروپا قرار دارد، او را برای صلح با روسیه زیر فشار قرار دادند، در میان هواداران علی خامنه ای موج گسترده ای از تکرار مخالفت برای مذاکره با ترامپ به راه افتاده است. آنها می دانند که جمهوری اسلامی با وجود نزدیکی به روسیه اما از هیچ موقعیت مناسبی در غرب و بطور کلی در جامعه جهانی برخوردار نیست که بتواند مانع برخوردی به مراتب شدیدتر و تحقیرآمیزتر توسط زمامداران کنونی دولت آمریکا با آنها شود.

مهدی فضائی عضو دفتر علی خامنه ای با اشاره به درگیری لفظی ترامپ و زلینسکی گفت: «تحقیر خفت بار زلینسکی در مذاکره با ترامپ عبرت است برای کسانی که بوسه بر پنجه گرگ را توصیه می کنند».

برخی منابع غیررسمی ادعا کردند که ظریف با فشار نهادهای امنیتی مجبور به استعفا شده است. گروهی نیز معتقدند او به دنبال بهانه بود تا استعفا بدهد. هرچند اختیارات محمد جواد ظریف به عنوان مشاور و «معاون راهبردی» در کابینه پزشکیان به اندازه اختیارات او در دوران تصدی ریاست وزارت خارجه در دو دولت روحانی نبود، اما شبکه ای از دلال های سیاسی، لابیگران سابقه دار از اروپا و آمریکا و همچنین اندیشکده هایی که تقویت کننده سیاست «مماشات» با حکومت بوده و هستند همچنان زیر نفوذ او قرار دارند و می توانند با فعالیت وی به سود جمهوری اسلامی عمل کنند.

● ظریف ساعاتی بعد از عزل عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد، در «ایکس» نوشت پس از دیدار با غلامحسین محسنی اژه ای رئیس قوه قضائیه و درخواست وی برای کناره گیری، متن استعفای خود را تقدیم رئیس جمهور کرده است.

● در متنی که در حساب «ایکس» ظریف منتشر شد آمده: «دیروز به دعوت ریاست محترم قوه قضائیه به دیدار ایشان رفتم. ایشان با اشاره به شرایط کشور توصیه کردند که برای پیشگیری از فشار بیشتر بر دولت، به دانشگاه بازگردم. بنده نیز بی درنگ پذیرفتم که همواره خواسته ام یار باشم و نه بار».

محمد جواد ظریف معاون راهبردی مسعود پزشکیان و وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی یکشنبه شب ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۳ بار دیگر استعفا داد.

ظریف ساعاتی پس از عزل عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد، در «ایکس» نوشت پس از دیدار با غلامحسین محسنی اژه ای رئیس قوه قضائیه و درخواست وی برای کناره گیری، متن استعفای خود را تقدیم رئیس جمهور کرده است.

در متنی که در حساب «ایکس» ظریف منتشر شد آمده: «دیروز به دعوت ریاست محترم قوه قضائیه به دیدار ایشان رفتم. ایشان با اشاره به شرایط کشور توصیه کردند که برای پیشگیری از فشار بیشتر بر دولت، به دانشگاه بازگردم. بنده نیز بی درنگ پذیرفتم که همواره خواسته ام یار باشم و نه بار».

برخی منابع گفته بودند ظریف «کنار گذاشته شد». خود وی نیز در متن استعفا نوشته است: «امیدوارم با کنار گذاشتن بنده، بهانه ها برای سنگ اندازی در برابر خواست مردم و موفقیت دولت برداشته شود. هنوز به پشتیبانی از دکتر پزشکیان گرانقدر می بازم و برای ایشان و دیگر خدمتگزاران راستین به مردم بهترین ها را آرزو مندم».

برخی معتقدند کنار گذاشتن ظریف از دولت و عزل همتی پس از استیضاح در مجلس شورای اسلامی، علاوه بر اینکه فشار به دولت پزشکیان را افزایش خواهد داد، بلکه اوضاع حکومت را وخیم تر نیز می کند.

محمد جواد ظریف پیشتر نیز در اواسط اردماد ۱۴۰۳ استعفا داده و گفته بود مرا بهانه ای برای فشار به دولت قرار داده اند. در دولت روحانی نیز وی یک استعفای چند ساعته اینستاگرامی داده بود که همزمان بود با سفر بشار اسد رئیس جمهور ساقط شده سوریه به تهران برای دیدار با علی خامنه ای و قاسم سلیمانی بدون آنکه وزارت خارجه و مسئول این وزارتخانه که محمد جواد ظریف بود از این سفر خبری داشته باشند! وی اما پس از ساعاتی استعفای خود را پس گرفت و در خدمت دولت جمهوری اسلامی باقی ماند. پس از روی کار آمدن دولت پزشکیان که ظریف نقش عمده در تبلیغات انتخاباتی وی بازی می کرد، شغل نوظهور «معاون راهبردی رئیس جمهور» به وی سپرده داشت. عنوان و مقامی که تا دولت چهاردهم وجود نداشت. اکنون پس از شش ماه، هیچ چشم انداز روشنی نه برای دولت و نه برای نظام دیده نمی شود.

محمد جواد ظریف مانند همیشه یکی از حامیان سرسخت مذاکره با آمریکا در کابینه پزشکیان نیز بود. هواداران دولت به ویژه در جریان اصلاح طلب امیدوار بودند ظریف

→ بود اشاره کرد و گفت: «وقتی دولت را تحویل گرفتیم ناترازی در سوخت و انرژی و برق داشتیم. فقط ۹۰ هزار میلیارد تومان وزارت بهداشت بدهی داشت. ۱۳۰ همت تامین اجتماعی باید پول می دادیم که پولش نبود. ۱۲۰ همت وزارت راه به پیمانکارها بدهکار است. در وضعیت جنگی هستیم و باید وضعیت جنگی بگیریم».

عبدالناصر همتی هم به عنوان آخرین سخنان پیش از رأی گیری پشت تریبون حاضر شد و بدون ارائه برنامه برای ساماندهی وضعیت اقتصاد کشور به فراقکنی پرداخت و مانند مسعود پزشکیان همه مشکلات ساختاری اقتصاد ایران را گردن «تحریم» انداخت.

همتی همچنین مانند محمود احمدی نژاد به «رازهای مگوی پشت پرده» اشاره کرد و گفت: «مردم ما در شرایطی قرار گرفتند که هر سال قدرت خرید مردم کاهش پیدا می کند. خواهش می کنم از من نخواهید که مطالبی را بگویم تا امنیت کشور به خطر بیندازد؛ بنابراین پیش از پیش از مردم عذرخواهی می کنم و قاطعانه می گویم که قطعاً پیروز خواهیم شد».

عبدالناصر همتی در بخشی از سخنانی که در دفاع از عملکرد خود مطرح کرد گفت: «تا مسائل بین المللی هست، فشار بر بودجه و نقدینگی ما خواهد بود و این باعث افزایش نرخ ارز خواهد شد. این در حالیست که تا چند ماه آینده، مکانسیم ماشه در برجام فعال می شود و فشار اقتصادی به ایران افزایش می یابد و با این منطق همتی، نه تنها قیمت ارز پایین نمی آید بلکه دلار ۱۵۰ هزار تومانی نیز منطقی و قابل پیش بینی است».

این سخنان همتی از سوی برخی از حکومتی ها به عنوان «پالس دوباره به بازار ارز برای گرانی دلار» تعبیر شده است. اینهمه در حالیست که عبدالناصر همتی، مسعود پزشکیان یا مخالفان استیضاح عبدالناصر همتی نتوانستند برنامه ای برای خروج از بحران های کنونی اقتصاد ایران ارائه کنند و صرفاً به فراقکنی پرداختند.

از سوی دیگر هر فرد دیگری که بجای عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد دولت اصلاح طلب مسعود پزشکیان شود نخواهد توانست بحران های اقتصاد فاسد نظام را حل کند چرا که برخلاف ادعای تیم دولت پزشکیان، این مشکلات ساختاری است و حتی با رفع تحریم ها نیز مشکلات اساسی اقتصاد به علت ساختار معیوب، رانتی و فساد پرور جمهوری اسلامی پابرجا خواهد ماند؛ همانطور که عملکرد پیشین عبدالناصر همتی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی در دو دوره ریاست جمهوری حسن روحانی قابل دفاع نبود و او در سه سال فعالیت دولت ابراهیم رئیسی از جمله منتقدان سرسخت سیاست های اقتصادی دولت به شمار می رفت.

این موضوع حتی از سوی برخی نمایندگان موافق استیضاح نیز مطرح شد. ابوالفضل ابوترابی نماینده نجف آباد در مجلس شورای اسلامی پیش از برگزاری نشست استیضاح همتی، در گفتگو با روزنامه «ایران» گفته بود: «من معتقدم با استیضاح و رفتن وزیر امور اقتصادی و دارایی مشکلات بازار ارز در کشور حل نمی شود. این یک واقعیت است».

ابوالفضل ابوترابی افزوده بود «حالا شاید پرسیده شود چرا نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی با علم به این اینکه رفتن آقای همتی مسئله را حل نمی کند، همچنان بر استیضاح اصرار دارند؟ باید بگویم ما در واقع می خواهیم شخصیت عبدالناصر همتی را استیضاح کنیم!».

اکنون با عزل عبدالناصر همتی و برکناری وی از دولت، مسعود پزشکیان بر اساس اصل ۱۳۵ قانون اساسی، دولت موظف است یک سرپرست را برای مدت حداکثر سه ماه برای این وزارتخانه تعیین کند.

# آمریکا باید از فرقه تروریستی «مجاهدین خلق ایران» فاصله بگیرد



دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در نشست سالانه «اقدام سیاسی محافظه کاران» در مریلند / ۲۲ فوریه ۲۰۲۵ / رویترز

دلار از طریق سازمان‌های ویتزین و تأمین حمایت‌های سیاسی با گمراه کردن سیاست‌گذاران در مورد مشروعیت آن است.

این فریب تا امروز ادامه دارد زیرا این فرقه تلاش می‌کند تا خود را در محافل محافظه‌کار جا بیندازد و نفوذ سیاسی بخرد. این پول که از طریق شبکه‌های این سازمان منتقل می‌شود، به مجاهدین خلق اجازه داده است تا به مقامات آمریکایی دسترسی داشته باشند و بسیاری از این مقامات نیز تاریخچه‌ی تاریک و تروریستی آن را نادیده می‌گیرند. با اینهمه، اعضای مجاهدین خلق که شهروند ایالات متحده نیز شده‌اند، همچنان در ارتباط با داشتن پست‌های امنیتی تحت محدودیت قرار دارند که این موضوع بیانگر آن است که آژانس‌های اطلاعاتی آمریکا همچنان این گروه را به عنوان یک خطر بالقوه در نظر می‌گیرند.

**فراتر از گذشته ضدآمریکایی، مجاهدین خلق با اسرائیل نیز دشمنی عمیق داشته و دارند.**

در دهه ۱۹۸۰، این سازمان در کنار سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) به رهبری یاسر عرفات، درگیر حملات علیه منافع اسرائیل و حمایت آشکار از جنبش‌های خشونت‌آمیز در خاورمیانه بود. این سازمان مدعی است که به عنوان یک نیروی «طرفدار دموکراسی» تغییر کرده است، اما ساختار داخلی آن شبیه یک فرقه‌ی مستبد و بسته است. اعضای آن مرتب تحت کنترل روانی، تجرد اجباری و مجازات شدید برای هر نوع مخالفت قرار می‌گیرند.

واقعیت این است که مراد به مجاهدین خلق فقط یک اشتباه محاسباتی سیاسی نیست، بلکه مستقیماً امنیت ملی آمریکا و اسرائیل را تهدید می‌کند. همان گروهی که زمانی آمریکایی‌ها را می‌کشت، اکنون سیاست‌گذاران ایالات متحده را برای به دست آوردن نفوذ و منابع به گمراهی می‌اندازد.

می‌کردند. گزارش تحقیقاتی FBI در سال ۲۰۰۴ به این نتیجه رسید که سازمان مجاهدین خلق همچنان فعالانه درگیر تروریسم است، از جمله توطئه‌هایی که در مقر آن در فرانسه برنامه‌ریزی شده بود.

## مجاهدین خلق با نام دیگری فعالیت می‌کند!

می‌توان تصور کرد که چنین گروهی در واشنگتن کاملاً بی‌اعتبار است. با این حال، این گروه بجای منزوی شدن از محافل سیاسی، توانسته با لاپوشانی نام خود، از سیستم سیاسی ایالات متحده از طریق عملیات نفوذ و با امکانات مالی گسترده، خوب بهره‌بردار می‌کند.

اگرچه سازمان مجاهدین خلق در سال ۲۰۱۲ در دوران دولت اوباما از لیست تروریستی ایالات متحده حذف شد، اما سازمان‌های اطلاعاتی غربی همچنان نسبت به فعالیت‌های آن محتاط هستند. گزارش تروریسم ۲۰۲۳ وزارت امور خارجه ایالات متحده، مجاهدین خلق را به عنوان یک نیروی مخالف قانونی تأیید نمی‌کند، و این نشان می‌دهد که گروه‌هایی مانند مجاهدین خلق همچنان مناقشه‌برانگیز هستند.

سازمان‌های اطلاعاتی اروپایی، از جمله مسئولان فرانسوی، بارها به مجتمع‌های مجاهدین خلق به دلیل پولشویی و فعالیت‌های مشکوک یورش برده‌اند.

در سال ۲۰۲۳، مقامات آلبانی به محل استقرار سازمان مجاهدین خلق در این کشور به دلیل نقض امنیت سایبری و عملیات غیرقانونی یورش بردند و نگرانی‌های موجود را تأیید کردند.

سازمان مجاهدین خلق با وجود سابقه‌ی مستند و طولانی تروریستی موفق شده است از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی ایالات متحده فرار کند. آن‌هم نه از طریق اصلاح در سیاست و تشکیلات خود بلکه از طریق لابی‌گران و همچنین کمپین‌های تهاجمی. استراتژی مجاهدین خلق متکی بر انتقال میلیون‌ها

● ایالات متحده باید برای همیشه به نفوذ مجاهدین خلق در واشنگتن پایان دهد، قبل از اینکه فریبکاری این فرقه منجر به پیامدهای جبران‌ناپذیر شود.

● اینکه برخی جمهوریخواهان مایل به ارتباط با این تشکیلات افراطی هستند نه تنها نگران‌کننده است بلکه این تلاش یک خیانت به ارزش‌های آمریکایی و یک اشتباه خطرناک به شمار می‌رود.

● فریبکاری مجاهدین خلق از طریق کمپین‌های اطلاعاتی نادرست، لابی‌های تهاجمی و تاکتیک‌های مخرب اطلاعاتی ادامه دارد. سازمان مجاهدین خلق اغلب خود را به عنوان یک گروه حامی حقوق بشر برای گمراه کردن سیاست‌گذاران معرفی کرده و سابقه فعالیت‌های جاسوسی و خرابکارانه‌ی خود را پنهان می‌کند.

● با اینکه این فرقه در داخل ایران به دلیل همکاری با صدام حسین در طول جنگ ایران و عراق مورد تحقیر و نفرت قرار دارد، اما ادعا می‌کند که «تنها آلترناتیو» برای رژیم ایران است. آن‌هم در حالی که حمایت از آن در میان ایرانیان به راستی ناچیز است.

● کنگره آمریکا باید اقدامات قانونی برای محدود کردن فعالیت لابی‌گری سازمان‌های خارجی مرتبط با تروریست‌ها در واشنگتن در نظر بگیرد. هرگونه ارتباط با فرقه‌ی مجاهدین خلق، تروریسم را مشروعیت می‌بخشد و امنیت ملی آمریکا را تضعیف می‌کند.

آیدین پناهی (اورشلیم پست) - کنفرانس «اقدام سیاسی محافظه کاران» (CPAC) مدت‌هاست که گردهمایی سالانه میهن‌پرستانی است که به دفاع از ارزش‌های آمریکا از جمله آزادی، امنیت و حمایت تزلزل‌ناپذیر از متحدان این کشور به ویژه اسرائیل، اختصاص داده شده است.

با این حال، امسال «اقدام سیاسی محافظه کاران» شاهد حضور نگران‌کننده‌ای در نشست خود بود: فرقه تروریستی «مجاهدین خلق ایران» که زیر نام «شورای ملی مقاومت ایران» (NCRI) فعالیت می‌کند.

در حالی که CPAC از این فرقه برای رویداد ماه گذشته دعوت رسمی به عمل نیاورد و یا چنین دعوتی را تأیید نکرد، اما سازمان مجاهدین خلق به وضوح در آن حضور داشت و به شدت در حال لابی کردن و کار در پشت صحنه برای به دست آوردن نفوذ سیاسی بود. اینکه برخی جمهوریخواهان مایل به ارتباط با این سازمان افراطی هستند نه تنها نگران‌کننده است بلکه این تلاش یک خیانت به ارزش‌های آمریکایی و یک اشتباه خطرناک به شمار می‌رود.

مجاهدین خلق اپوزیسیون مشروع رژیم ایران نیست. این تشکیلات یک فرقه رادیکال و اقتدارگرا است که زمانی راه ایدئولوژی مارکسیستی-اسلامی را در پیش گرفت و در دهه هفتاد میلادی با ارتکاب یک رشته ترور علیه پرسنل نظامی و همچنین پیمانکاران آمریکایی در ایران فعالیت تروریستی خود را رسمیت بخشید.

پس از انقلاب ۱۹۷۹ نیز مجاهدین خلق بحران گروگانگیری آمریکاییان را پس از اشغال سفارت آن کشور در تهران تشویق می‌کرد و در کنار افراطیون تازه به قدرت رسیده ایستاد که ایالات متحده را در صحنه جهانی تحقیر



## مانور بم افکن های «B-52» آمریکا در خاورمیانه؛ فرمانده ارتش اسرائیل: سال ۲۰۲۵ سال جنگ است



پرواز بم افکن های B-52 و هواپیماهای جنگنده عراقی بر فراز آسمان عراق

کان اسرائیل، این رزمایش شامل ده ها جنگنده، هواپیماهای سوخت رسان و بم افکن های B-52 بود. گزارش هایی نیز مبنی بر پرواز پهپادهای شناسایی آمریکایی در حوالی تأسیسات موشکی سپاه پاسداران منتشر شده است.

از سوی دیگر به گفته ایال زمیر فرمانده جدید ستاد کل ارتش اسرائیل، سال ۲۰۲۵ سال جنگ خواهد بود و تمرکز اصلی بر غزه و ایران است.

ایال زمیر ۱۵ اسفندماه ۱۴۰۳ در جمع شماری از فرماندهان ارشد ارتش دستور انحلال مرکز «فرماندهی راهبردی و ایران» در ارتش اسرائیل را صادر کرد تا اجزای آن در دیگر بخش های ارتش ادغام شوند. گفته می شود او برنامه های دیگری برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی دارد. مانور نظامی آمریکا و شرکای آن در منطقه در شرایطی انجام می شود که برخی مقامات ارتش غربی می گویند پس از حمله هوایی اسرائیل به تأسیسات موشکی و سایت های پدافندی در ایران، توان دفاع هوایی جمهوری اسلامی بسیار ضعیف شده است، هر چند که مقامات تهران آن را رد می کنند. مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا به تازگی با نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو گفتگو کرد. روبریو تأکید کرد که برای مواجهه با تهدیدات ایران و تلاش برای ایجاد ثبات در منطقه هماهنگی وجود دارد.

پنتاگون ۱۹ بهمن ماه ۱۴۰۳ اعلام کرد وزارت خارجه آمریکا با فروش تسلیحات، از جمله مهمات و موشک های هوا به زمین هل فایر به ارزش هفت میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار به اسرائیل موافقت کرده است. بخشی از این تسلیحات اخیراً به اسرائیل منتقل شد.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل از دونالد ترامپ به خاطر ارسال تسلیحاتی که از سوی دولت قبلی در دوران جو بایدن متوقف شده بود و به گفته او حالا به اسرائیل برای «پایان دادن به کار محور ترور» جمهوری اسلامی کمک خواهد کرد، قدردانی نمود.

● همزمان با افزایش احتمال حمله نظامی به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی، آمریکا در حال تقویت نیروهای نظامی خود در خاورمیانه است. همچنین پرواز هواپیماهای بم افکن B-52 بر فراز خاورمیانه افزایش قابل ملاحظه ای یافته است.

● مقاماتی که با این عملیات آشنا هستند به العربیه گفته اند افزایش چنین رزمایش هایی با هدف ارسال پیام به دشمنان انجام می شود: «ایالات متحده برای دفاع از منافع و متحدان خود در هر زمان و هر مکان که مورد نیاز باشد، آماده است».

● ایال زمیر فرمانده جدید ستاد کل ارتش اسرائیل می گوید، سال ۲۰۲۵ سال جنگ خواهد بود و تمرکز اصلی بر غزه و ایران است.

همزمان با افزایش احتمال حمله نظامی به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی، آمریکا در حال تقویت نیروهای نظامی خود در خاورمیانه است. همچنین پرواز هواپیماهای بم افکن B-52 بر فراز خاورمیانه افزایش قابل ملاحظه ای یافته است. برخی تحلیلگران معتقدند مانورهای نظامی هواپیماهای آمریکایی در واقع همان گزینه نظامی معتبر است که دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا آن را روی میز گذاشته است. مقاماتی که با این عملیات آشنا هستند به العربیه گفته اند افزایش چنین رزمایش هایی با هدف ارسال پیام به دشمنان انجام می شود: «ایالات متحده برای دفاع از منافع و متحدان خود در هر زمان و هر مکان که مورد نیاز باشد، آماده است.» ستاد فرماندهی ارتش آمریکا مستقر در خاورمیانه (سنتکام)، ۴ مارس ۲۰۲۵ (۱۴ اسفند) اعلام کرد که هواپیماهای کی سی ۱۳۵- استراتوتانکر نیروی هوایی ایالات متحده با جنگنده F-15 قطر بر فراز خاورمیانه مانور مشترک برگزار کردند. رزمایشی مشابه بر فراز عراق نیز انجام شد.

همچنین نیروی هوایی اسرائیل و ایالات متحده برای نخستین بار از زمان آغاز جنگ غزه، یک رزمایش مشترک را بر فراز دریای مدیترانه برگزار کردند. به گزارش شبکه

فریبکاری مجاهدین خلق از طریق کمپین های اطلاعاتی نادرست، لابی های تهاجمی و تاکتیک های مخرب اطلاعاتی ادامه دارد. سازمان مجاهدین خلق اغلب خود را به عنوان یک گروه حامی حقوق بشر برای گمراه کردن سیاست گذاران معرفی کرده و سابقه فعالیت های جاسوسی و خرابکارانه خود را پنهان می کند. ایالات متحده نمی تواند به یک سازمان تروریستی سابق که هنوز زیر پوشش های مختلف فعالیت می کند، اجازه دهد تا تصمیمات سیاسی را به آن دیکته کند.

پس چرا برخی از جمهوریخواهان با مجاهدین خلق حشر و نشر دارند؟ پاسخ ساده است: پول!

سازمان مجاهدین خلق مبالغ هنگفتی برای جلب حمایت سیاستمداران آمریکایی هزینه کرده و اغلب مبالغ کلان برای سخنرانی آنها در نشست های خود پرداخت می کند. با اینکه این فرقه در داخل ایران به دلیل همکاری با صدام حسین در طول جنگ ایران و عراق مورد تحقیر و نفرت قرار دارد، اما ادعا می کند که «تنها آلترناتیو» برای رژیم ایران است. آنهم در حالی که حمایت از آن در میان ایرانیان به راستی ناچیز است.

جمهوریخواهان باید از خود بپرسند: چرا باید با گروهی ارتباط داشته باشند که آمریکایی ها را به قتل رسانده است؟ چرا به یک فرقه تروریستی امکانات می دهیم در حالی که این گروه سیاست گذاران را در پوشش مخالفان جمهوری اسلامی که گویا از دموکراسی دفاع می کنند، فریب می دهد؟ حمایت از مبارزه مردم ایران برای آزادی به معنای ایستادن در کنار جنبش های مردمی واقعی است، نه در برابر یک سازمان فاسد با پول نقد که به دنبال خرید مشروعیت در واشنگتن است.

این فقط یک نگرانی سیاسی نیست، بلکه یک موضوع امنیت ملی است. ایالات متحده نمی تواند به سازمانی با سابقه تروریسم و فریبکاری مزمز اجازه دهد که آزادانه در واشنگتن فعالیت کند. برای جلوگیری از دستکاری و اختلال در سیستم سیاسی توسط گروه هایی مانند مجاهدین خلق، اقدامات قانونی قویتری لازم است. با مجاهدین خلق باید به عنوان یک گروه منفور و منزوی رفتار شود، نه به عنوان یک شریک. اگر رهبران CPAC و جمهوریخواهان واقعاً از ارزش های محافظه کاران دفاع می کنند، باید فوراً روابط خود را با این گروه قطع کنند.

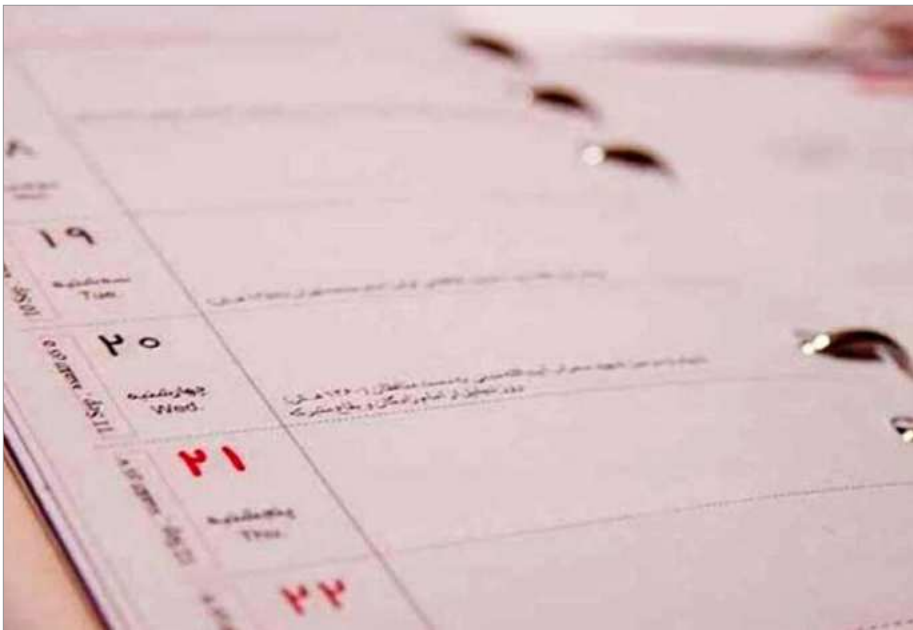
کنگره آمریکا باید اقدامات قانونی برای محدود کردن فعالیت لابیگری سازمان های خارجی مرتبط با تروریست ها در واشنگتن در نظر بگیرد. علاوه بر این، کنگره باید بررسی کند که چگونه می توان از سوء استفاده گروه های خارجی با سابقه تروریستی در فعالیت های لابیگری برای به دست آوردن نفوذ جلوگیری کرد و تضمین نمود که امنیت ملی ایالات متحده با سهل انگاری سیاسی به خطر نمی افتد.

هرگونه ارتباط با فرقه های مجاهدین خلق، تروریسم را مشروعیت می بخشد و امنیت ملی آمریکا را تضعیف می کند. ایالات متحده باید برای همیشه به نفوذ مجاهدین خلق در واشنگتن پایان دهد، قبل از اینکه فریبکاری های آن منجر به پیامدهای جبران ناپذیر شود.

\*منبع: اورشلیم پست

\*نویسنده: دکتر آیدین پناهی استاد پژوهشگر ایرانی-آمریکایی و متخصص انرژی است. او همچنین به عنوان فعال سیاسی و حقوق بشر فعالیت می کند.  
\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

## تعطیلی روزهای پنجشنبه در تقویم ایران تصویب شد



بی‌اعتنایی نهادینه شده به آن در حکمرانی اقتصادی کشور نشأت می‌گیرد که طی دهه‌های گذشته خلاف تمام توصیه‌ها، همواره موانع متعددی در برابر توسعه بخش خصوصی و سپردن امور اقتصادی به دست مردم ایجاد کرده است.

فروردین امسال اردشیر اروچی کارشناس گردشگری در خصوص تبعات تعطیلی پنجشنبه برای حوزه توریسم به «جهان‌صنعت» گفته‌بود که «در مجلس دو گروه در مورد تعطیلی دو روز در هفته نظرات مختلفی داشتند؛ یک گروه مسائل ارتباط جهانی را در نظر داشتند و از آن لحاظ توصیه قطع ارتباط با جهان محدود به یک‌روز باشد و گروه دوم خواستار تعطیلی پنجشنبه بودند.»

به گفته اردشیر اروچی با توجه به موفق شدن گروه دوم و تعطیل شدن پنجشنبه‌ها، عملاً دو روز در ایران تعطیل هستیم و دو روز نیز کشورهای دیگر تعطیل بوده و قطع ارتباط با جهان به چهار روز در هفته می‌رسد. به این ترتیب صرفاً سه روز در هفته امکان ارتباط با جهان را داریم، آن هم در دنیایی که لحظات در آن بسیار مهم و تعیین‌کننده هستند. باید بگویم به نظرم این اقدام برای همه صنایع از جمله صنعت توریسم اقدام بهینه‌ای نبوده است.

او با اشاره به نیاز تورگردانان به داشتن ارتباطات بین‌المللی گفته بود «برای برقراری ارتباطات با تورهای گردشگری و انجام هماهنگی‌های مورد نیاز برای کارهای کنسولی و موارد دیگر، نیاز به ارتباط میان فعالان صنعت توریسم کشور با طرف‌های جهانی وجود دارد. در واقع حتی اگر قصد از تعطیلی پنجشنبه رونق صنعت توریسم باشد، باید گفت که با تصمیم اخذشده کنونی یک ارتباط ۳روزه با جهان برقرار می‌شود که کافی نیست. در نهایت به نظرم اگر شنبه به جای پنجشنبه تعطیل بود، می‌توانست به ارتباطات بین‌المللی در عرصه توریسم و سایر زمینه‌های اقتصادی کمک بیشتری داشته باشد.»

میثم زالی دبیرکل مجمع ملی همیاران توسعه پایدار هم در تشریح چالش‌های تصمیم کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی گفته بود که صنعتگران، تولیدکنندگان

هادی طحان نظیف سخنگوی شورای نگهبان روز شنبه ۱۲ خردادماه ۱۴۰۳ درباره لایحه تعطیلی روزهای شنبه گفته بود «مصوبه تعطیلی شنبه‌ها در نوبت بررسی است و به محض اتمام، اطلاع‌رسانی خواهد شد.»

ساعاتی بعد اما خبر دیگری در رسانه‌های داخلی ایران منتشر شد که «هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام با تعطیلی شنبه‌ها مخالفت کرد.»

هیئت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام اعلام کرده بود که پس از بررسی مصوبه مجلس درباره تعطیلی شنبه، این مصوبه را مغایر با سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری و سیاست‌های کلی تشویق سرمایه‌گذاری دانسته است. شهریور امسال در نهایت کمیسیون اجتماعی مجلس برخلاف نظر فعالان اقتصادی، تعطیلی پنجشنبه را بجای شنبه به تعطیلات پایان هفته اضافه کرد. در پی این تصمیم موجی از انتقادات از سوی فعالان و کارشناسان اقتصادی طی روز گذشته به راه افتاد.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در بیانیه‌ای این سیاست را به نقد کشیده و نوشته بود: «اسباب نگرانی است که نمایندگان محترم مردم در کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، در تازه‌ترین تصمیم خود با بی‌توجهی به پیشنهاد منطقی، کارشناسانه و مبتنی بر منافع ملی که توسط فعالان اقتصادی و صاحبان کسب و کار در مورد تعیین روز شنبه به عنوان دومین روز تعطیلات پایان هفته ارائه شده بود.»

اتاق بازرگانی تهران تأکید کرده بود که «تصمیم اخیر کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی در صورت تأیید نهایی و تبدیل به قانون جاری کشور، قطع ارتباط اقتصاد کشور با بازارهای بین‌المللی را به چهار روز در هفته افزایش می‌دهد.» این بیانیه افزوده بود «سالیان متمادی است که سیاست‌گذاران اقتصادی کشور، بی‌توجهی به پیشنهادات فعالان اقتصادی را با بهانه‌هایی چون تفاوت مطالبات، یکدست نبودن خواسته‌ها و ناهماهنگی نظرات توجیه می‌کنند اما تصمیم اخیر نشان داد که این بی‌توجهی از عدم باور قلبی و ذهنی به فعالان عرصه تولید و تجارت و

● بر اساس مصوبه جدید مجلس شورای اسلامی تمامی دستگاه‌های اجرایی در سطح ستادی و استانی موظف‌اند ساعات کاری خود را برای ۵ روز هفته تنظیم کنند.

● نمایندگان مجلس شورای اسلامی مدعی شدند «این طرح با هدف افزایش بهره‌وری، کاهش مصرف انرژی و بهبود کیفیت خدمات در دستگاه‌های اجرایی تصویب شده است.»

● تعطیلی یک روز دیگر در هفته در کنار روز جمعه بیش از دو سال در مجلس شورای اسلامی با حاشیه‌هایی همراه بوده است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی امروز تعطیلی پنجشنبه‌ها در دستگاه‌های اجرایی را تصویب کردند. کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی پس از دو سال حاشیه درباره تعطیل اعلام شدن یک روز دیگر در کنار جمعه، شهریورماه امسال به تعطیلی روزهای پنجشنبه رأی مثبت داده بود.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی امروز چهارشنبه ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ با اصلاح تبصره ۳ لایحه اصلاح ماده ۸۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، تعطیلی پنجشنبه‌ها در دستگاه‌های اجرایی را تصویب کردند. لایحه تعطیلی روزهای پنجشنبه یکبار پیشتر در مجلس شورای اسلامی تصویب اما شورای نگهبان ایراداتی به آن وارد دانسته بود. اکنون نمایندگان مجلس شورای اسلامی این ایرادها را رفع کردند.

بر اساس مصوبه جدید مجلس شورای اسلامی تمامی دستگاه‌های اجرایی در سطح ستادی و استانی موظف‌اند ساعات کاری خود را برای ۵ روز هفته تنظیم کنند.

در متن مصوبه مجلس شورای اسلامی آمده «تمامی دستگاه‌های اجرایی اعم از ستادی و استانی به استثنای واحدهای نظامی، انتظامی، امنیتی، بخش عملیاتی واحدهای خدمات‌رسانی از قبیل بانک‌ها، گمرک جمهوری اسلامی ایران، بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی درمانی و اماکن ورزشی موظف‌اند ساعات کار خود را در ۵ روز هفته از روز شنبه تا چهارشنبه تنظیم کنند.»

همچنین بر اساس این مصوبه، برخی دستگاه‌ها و واحدهای خدمات‌رسان به دلیل ماهیت فعالیت‌شان از این قانون مستثنی هستند. این دستگاه‌ها شامل «واحدهای نظامی، انتظامی و امنیتی»، «بانک‌ها»، «گمرک جمهوری اسلامی ایران»، «بیمارستان‌ها و مراکز بهداشتی و درمانی»، «اماکن ورزشی» و «سایر بخش‌های عملیاتی واحدهای خدمات‌رسانی» هستند. در این مصوبه تأکید شده «این طرح با هدف افزایش بهره‌وری، کاهش مصرف انرژی و بهبود کیفیت خدمات در دستگاه‌های اجرایی تصویب شده» و آمده که «زمان دقیق لازم‌الاجرا شدن این مصوبه پس از تأیید نهایی شورای نگهبان و ابلاغ رسمی اعلام خواهد شد.» تعطیلی یک روز دیگر در هفته در کنار روز جمعه بیش از دو سال در مجلس شورای اسلامی با حاشیه‌هایی همراه بوده است. فعالان اقتصادی و تجار خواستار تعطیلی روزهای شنبه بودند اما نیروهای حکومتی به علت همزمانی «شنبه» با تعطیلی مذهبی اسرائیلی‌ها با آن مخالفت کردند! پس از یکسال کشمکش مجلس شورای اسلامی ابتدای امسال با تعطیلی روز شنبه به عنوان دومین روز تعطیل موافقت کرده بود. اما شورای نگهبان ۱۳ مردادماه، تعطیلی روز شنبه در لایحه افزایش تعطیلات آخر هفته را خلاف موازین شرع دانست و با آن مخالفت کرد.



## اجرای حکم ۷۴ ضربه شلاق مهدی یراحی



مهدی یراحی

مهسا امینی بگوئیم. زن زندگی آزادی.»  
 خبرگزاری «میزان» وابسته به قوه قضائیه ششم شهریورماه و همزمان با بازداشت مهدی یراحی نوشته بود: «در پی انتشار ترانه‌های غیرقانونی از سوی مهدی یراحی و تشکیل پرونده قضایی، این خواننده با دستور دادستان تهران بازداشت شد.»

در این خبر آمده بود که «اخیرا به دلیل انتشار ترانه‌ای غیرقانونی و خلاف اخلاق و عرف جامعه اسلامی از سوی مهدی یراحی، برای وی پرونده قضایی تشکیل شده بود.»  
 خبرگزاری «میزان» افزوده بود که «یراحی پیشتر نیز در بحبوحه اغتشاشات سال گذشته ترانه خلاف قانون دیگری نیز منتشر کرده بود.»

مهدی یراحی در نهایت با رأی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی ایمان افشار به تحمل «۲ سال و ۸ ماه حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق» محکوم شده بود. بر اساس ماده ۱۳۴ قانون مجازات، یک سال از این حبس به عنوان مجازات اشد، قابل اجرا بود.

در اسفندماه ۱۴۰۲ زهرا مینویی وکیل مهدی یراحی اعلام کرد: «پرونده آقای یراحی به شعبه اجرای احکام ارسال شده و با توجه به «بیماری و نیاز به مراقبت‌های پزشکی، حبس یکساله او تبدیل به مراقبت‌های الکترونیکی (پابند با شعاع حرکتی ۱۰۰ متر) شده است.»

مهدی یراحی هفته گذشته و در روز جمعه ۱۰ اسفندماه اعلام کرده بود که اجرای حکم شلاق او به تعویق افتاده است. او پیشتر با بیان این که «وقتی ترکه می‌خوری، تو از آزادی پُری»، اعلام کرده بود که برای تحمل این مجازات که به دلیل اجرای ترانه «روسریتو» به آن محکوم شده بود، آماده است.

مهدی یراحی درباره ممنوع‌الکار بودنش هم نوشته بود: «بیش از شش سال است که محروم و ممنوع‌الکارم، در حالی که این حق من است که در سرزمین خودم کنسرت برگزار کنم. اما این رنج مضاعف باعث شد عمیق‌تر بفهمم که زنان سرزمینم، تنها به‌خاطر جنسیت‌شان، چه ظلمی را تحمل می‌کنند. از این آگاهی برمی‌گردم و کنار بانوان سرزمینم می‌مانم.»

● زهرا مینویی وکیل مهدی یراحی از اجرای حکم ۷۴ ضربه شلاق موکل‌اش خبر داده است.

● مهدی یراحی خواننده و آهنگساز از جمله هنرمندانی است که در جریان اعتراضات جنبش ملی در کنار مردم ایستاد.

● این هنرمند در شهریور ۱۴۰۲ و پس از انتشار ترانه «روسریتو» بازداشت و به تحمل زندان و شلاق محکوم شد.

وکیل مهدی یراحی از اجرای «تام و تمام» حکم شلاق موکل‌اش در شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای امنیت اخلاقی تهران خبر داد. مهدی یراحی خواننده و آهنگساز به علت ساخت و اجرای ترانه‌ای در دفاع از مبارزات زنان ایران در جریان اعتراضات جنبش ملی به زندان و شلاق محکوم شده بود.

زهرا مینویی وکیل مهدی یراحی امروز در شبکه «ایکس» نوشت: «امروز ۱۵ اسفند ۱۴۰۳ آخرین بخش احکام صادره از شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران مبنی بر ۷۴ ضربه شلاق، در شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای امنیت اخلاقی تهران، بطور تام و تمام اجرا شد و پرونده آقای مهدی یراحی مختومه گشت.»

مهدی یراحی خواننده و آهنگساز از جمله هنرمندانی است که در جریان اعتراضات جنبش ملی در کنار مردم ایستاد. او در نخستین روزهای اعتراضات جنبش ملی در شهریور ۱۴۰۱ ترانه «قفس بس» را با شعری از شهیار قنبری منتشر و در دوازدهم مهرماه سال ۱۴۰۱ ترانه «سرود زن» را منتشر کرد.

این هنرمند در سالگرد اعتراضات جنبش ملی و در شهریور ۱۴۰۲ ترانه «روسریتو» را اجرا کرد. چند روز پس از انتشار این ترانه، مهدی یراحی بازداشت شد.

مهدی یراحی این ترانه اعتراضی را به «زنان آزاده» سرزمین‌اش تقدیم کرده که «در خط اول جنبش زن زندگی آزادی، دلبرانه می‌درخشند.»

وی پیش از بازداشت به تشکیل پرونده قضایی و «برخورد» تهدید شده بود. او در آخرین پست‌اش در شبکه «توییتر» یک روز پیش از بازداشت نوشته بود: «گریه نکن؛ من کابوس این قاضی‌ام؛ صدای ایده باشیم و پیوسته از سالگرد قتل

و سرمایه‌گذاران به هر حال می‌خواهند در مراودات بین‌المللی شرکت کرده و شریک خارجی بگیرند و در زمینه صادرات در سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی حاضر باشند. طبیعتاً برای انجام این موارد لازم است این فعالان اقتصادی برای انجام مراودات بین‌المللی در محل کارشان حاضر باشند. او افزوده بود که «در حال حاضر اما با این مصوبه ما پنجشنبه و جمعه را تعطیل می‌کنیم و از طرف دیگر در سراسر دنیا شنبه و یکشنبه تعطیل هستند و به این ترتیب این چهار روز تعطیلی با هم گره می‌خورد و فعالان اقتصادی نخواهند توانست مراودات لازم را با دنیا داشته باشند.»

میثم زالی تأکید کرده بود که «به نظر تعطیلی پنجشنبه حتی می‌تواند به نوعی موجب تشدید تحریم‌های بین‌المللی که اقتصاد کشور را فلج کرده است، شود. در واقع تعطیل شدن پنجشنبه باعث می‌شود دست صنعتگران و تولیدکنندگان کشور را ببندیم و یک روز تعطیلی به قطعی مراودات با دنیا اضافه کنیم؛ به نظر اتخاذ یک چنین تصمیمی کاملاً اشتباه است.»

دبیرکل مجمع ملی همیاران توسعه پایدار، در نقد توجیهات مطرح‌شده در مجلس از سوی برخی نمایندگان گفته بود که «برخی دوستان نماینده می‌گویند که شنبه روز تعطیلی یهودی‌هاست و به همین دلیل تعطیل کردن شنبه در کشور مطلوب نیست. این در حالی است که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای مسلمان شنبه و یکشنبه تعطیل بوده یا حتی چینی‌ها شنبه تعطیل هستند. می‌خواهم بگویم در واقع با این نگاه چیزی حدود یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفر نادیده گرفته شده و صرفاً چیزی حدود ۱۵ تا ۱۶ میلیون یهودی دیده می‌شوند. به عبارت دیگر این نگاه یا موجب اعتبار بیش از حد به جمعیت کوچک صهیونیست است یا باعث نادیده گرفتن بیش از یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون نفری است که شنبه و یکشنبه تعطیل هستند. به هر روی معتقدم، تعطیلی پنجشنبه اشتباه بوده و برای اقتصاد ضعیف کشور نیز زیانبار است.»

همچنین کارزاری اعتراضی که گفته می‌شود بجز صاحبان کسب و کار، قشرهای مختلف مردم نیز امضاکننده آن هستند در اعتراض به مصوبه کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی به راه افتاد که در کمتر از ۴۸ ساعت بیش از ۲۲ هزار نفر آن را امضا کردند.

در متن این کارزار آمده بود که «در اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیا، تعطیلات هفتگی شامل روزهای «شنبه و یکشنبه» بوده که در صورت تعطیلی «پنجشنبه و جمعه» در ایران، ایام کاری مشترک با دنیا به سه روز در هفته کاهش و بالتبع ضمن تشدید خسارات ناشی از تحریم و منزوی کردن ایران و تضعیف مراودات و مبادلات تجاری و اقتصادی کشور، به آثار و تبعات جبران‌ناپذیری بر تولید ناخالص داخلی، تجارت خارجی ایران و برخی از ارکان توسعه پایدار در کشور منتج خواهد شد.»

این کارزار افزوده بود که منظور جلوگیری از کاهش تعاملات فعالین اقتصادی، تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران با کشورهای مختلف به خصوص در محدودیت‌های گسترده ناشی از تحریم‌های بین‌المللی، ترتیبی اتخاذ گردد تا تعطیلات هفتگی کشور به جای «پنجشنبه و جمعه» به روزهای «شنبه و یکشنبه» و یا «جمعه و شنبه» تغییر یابد. اینهمه در حالیست که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام بدون در نظر گرفتن زیان گسترده‌ای تعطیلی پنجشنبه به همراه خواهد داشت و سبب اختلال در تجارت خارجی کشور می‌شود، در نهایت با نگاه ایدئولوژیک روزهای پنجشنبه را تعطیل اعلام کردند.

# تداوم پرداخت حقوق نجومی به «خودی»ها در دولت مسعود پزشکیان



**شرکت پتروشیمی پردیس**  
**حقوق و مزایای آذر ۱۴۰۳**

کد پرسنلی: ... شماره بیمه: ... واحد سازمانی: ... نام و نام خانوادگی: ... مدیریت منابع انسانی: ...

سایر اطلاعات	کسورات	حقوق و مزایا
۲۰	کسر صندوق پس انداز منعم کارمند	۱۵۰,۵۵۵,۹۰۰
۱۲۰	سهام بیمه کارمند ۷ درصد	۲۷,۶۳۸,۸۸۰
۲۰	نقدانروایان (بابت بدهی/جمع)	۵۶,۶۵۸,۶۶۶
۱۵۰,۲۸۸,۶۶۶	۳٪ بیمه تکمیلی	۱۸,۸۱۹,۶۸۸
۱۰۰,۲۳۶,۵۶۶	کسر مزاد بر سقف حقوق	۵۶,۶۵۸,۶۶۶
۲۳۸,۵۱۸,۳۸۲	بیمه تکمیلی منعم کارمند	۵۰,۱۹۱,۵۷۲
۱۰۱,۶۶۶,۶۶۶	کسر کمک و همیاری	۲۷۴,۱۱,۷۲۵
۶۵۸,۲۳۲,۳۲۲	مسئولیت	۸۶,۶۸۷,۶۶۶
۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰	قسط وام منعم خرید مسکن	۶۲۷,۷۱۹,۵۳۲
۱,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	قسط وام خرید مسکن	۱۲,۰۸۸,۰۰۰
۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	قسط وام خرید مسکن	۸۰,۰۰۰,۰۰۰
۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	قسط وام ۲ برابر حقوق	۱۶,۰۰۰,۰۰۰
۶,۳۷۵,۰۰۰,۰۰۰	قسط وام اضطراری	۱۱۲,۵۰۰,۰۰۰
	قسط وام علی الحساب دو برابر حقوق	۹۰,۴۳۴,۵۲۰
	قسط وام مدیریتی	۷۵۵,۸۰۹,۳۶۶
	قسط وام ودیعه مسکن	۸۲,۴۰۹,۸۶۸
	جمع کسورات	۲,۶۷۸,۶۸۶,۷۲۷
	خالص دریافتی	۹,۲۰۵,۰۰۰,۳۲۱

خالص دریافتی به حقوق نه صد و سه میلیون و هشتصد و پنجاه هزار و بیست و یک ریال به حساب شماره ۲۳۵۶۰۴۸۴۲ واریز شد.  
هرگونه خطا در محاسبات قبل اصلاح خواهد بود.

انتظار تصویب رقم حداقل دستمزد برای سال آینده هستند اما دولت در نظر دارد این رقم را ۳۵ درصد نسبت به دستمزد امسال افزایش دهد.

دولت با توجیه «تورمزا» بودن، در برابر تصویب ارقام عادلانه برای دستمزد کارمندان، کارگران و بازنشستگان مقاومت می‌کند اما در آنسو مدیران دولتی و دیگر «خودی»ها در بخش‌های مختلف حکومت ارقام نجومی به عنوان دستمزد دریافت می‌کنند.

تناقض در ادعای مقامات دولتی در افزایش دستمزد کارمندان، کارگران و بازنشستگان، در آنسو پرداخت‌های نجومی به «خودی»ها بار دیگر نشان می‌دهد ساختار رانت و فساد در جمهوری اسلامی سفره‌ای را پهن کرده که وابستگی به بدنه حکومت از آن ارتزاق می‌کنند ولی همزمان به زندگی و کرامت و معیشت دیگر شهروندان ایرانی بی‌اعتناست!

از سوی دیگر محاسبات تحلیلگران اقتصادی نشان می‌دهد رقم هزینه سبد معیشت یک خانوار سه تا چهار نفره در میانه زمستان امسال بطور میانگین ۴۰ میلیون تومان در ماه بوده اما رقم مورد پذیرش کمیته دستمزد که مسئولیت تعیین رقم حداقل دستمزد را دارد ۲۳ میلیون و ۴۴۰ هزار تومان ارزیابی شده است.

مقایسه رقم ۲۴۷ میلیون تومانی دریافتی مدیر پتروشیمی با رقم مورد نظر دولت برای سبد هزینه معیشت، یعنی رقم ۲۳ میلیون و ۴۴۰ هزار تومان، نشان می‌دهد این مدیر ماهانه مبلغی ۱۰ برابر رقم سبد معیشت دریافت می‌کند. این در حالیست که همزمان حقوق اغلب کارگران و بازنشستگان تأمین اجتماعی امسال رقمی کمتر از ۱۲ میلیون تومان بوده است؛ به این معنا که رقم دستمزد کارگران و بازنشستگان بر اساس محاسبه تحلیلگران اقتصادی برای پرداخت هزینه‌های یک هفته از ماه کافی است و حتی نصف رقم مورد ادعای دولت برای سبد معیشت است.

این ارقام بیانگر اینست که میلیون‌ها خانوار کارگری و بازنشسته به علت مقاومت دولت برای تعیین رقم عادلانه‌ی دستمزد، در زیر خط فقر قرار گرفته اند!

برخی از کاربران در شبکه‌های اجتماعی پرداخت‌های نجومی به مدیران دولتی را با مخالفت مقامات دولت پزشکیان در ارتباط با افزایش حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان و بازنشستگان به بهانه «تورمزا» بودن مقایسه کرده‌اند.

یک کاربر در شبکه «ایکس» با انتشار این فیش حقوقی نوشته «احتمالاً این مدیر پتروشیمی با حقوق ۲۴۷ میلیونی جزو آنهایی باشد که معتقدند افزایش دستمزد کارگر تورم‌زاست. ۱۵۰ میلیون کسورات دارد و ۹۰ میلیون دریافتی. صد هزار تومان هم کمک و همیاری دارد برای باقیات و صالحاتش.»

موضوع حقوق‌های نجومی مدیران دولتی چند سالی است خبری شده و هر سال فیش‌های حقوقی برخی از این مدیران افشا می‌شود. بررسی روند ارقام دریافتی از سوی مدیران دولتی نشان می‌دهد آنها ارقامی خیلی بیشتر از هزینه معیشت دریافت کرده و درآمد آنها هر سال به صورت تصاعدی افزایش پیدا می‌کند.

دیوان محاسبات در گزارشی اعلام کرده که سال گذشته ۱۲ دستگاه کشور «پرداخت‌های نامتعارف» یا همان «پرداخت حقوق‌های نجومی» داشته‌اند. همچنین شمار کسانی که مازاد بر سقف حقوق و مزایا دریافتی داشته‌اند، ۱۰ هزار و ۱۷۴ نفر بوده است!

قابل توجه اینکه در حالی طی امسال و سال گذشته پرداخت‌های نجومی و چند صد میلیون تومانی به مدیران ادامه داشته که مجلس شورای اسلامی در قانون بودجه ۱۴۰۲، «سقف خالص پرداختی متوسط ماهانه در سال از محل حقوق و مزایا و پرداخت‌های دیگر» را ۵۵ میلیون تومان تعیین کرده بود.

در آنسو اما کارگران و کارمندان و بازنشستگان در همی این سال‌ها با عقب ماندن دستمزد خود از هزینه‌های زندگی روبرو شده‌اند؛ به این معنا که رقم دستمزد آنها هر ساله کمتر از هزینه‌ی محاسبه‌شده برای سبد معیشت و همچنین از میزان تورم نیز کمتر بوده است. جامعه کارگری و بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در

● در روزهای گذشته فیش حقوقی ۲۴۷ میلیون تومانی یکی از مدیران پتروشیمی منتشر شد که نشان می‌دهد پرداخت دستمزدهای نجومی در دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان نیز ادامه یافته است.

● دیوان محاسبات در گزارشی اعلام کرده که سال گذشته ۱۲ دستگاه کشور «پرداخت‌های نامتعارف» یا همان «پرداخت حقوق‌های نجومی» داشته‌اند. همچنین شمار کسانی که مازاد بر سقف حقوق و مزایا دریافتی داشته‌اند، ۱۰ هزار و ۱۷۴ نفر بوده است!

● کارگران و کارمندان و بازنشستگان در همی این سال‌ها با عقب ماندن دستمزد خود از هزینه‌های زندگی روبرو شده‌اند؛ به این معنا که رقم دستمزد آنها هر ساله کمتر از هزینه‌ی محاسبه‌شده برای سبد معیشت و همچنین از میزان تورم نیز کمتر بوده است.

● در سال‌های گذشته و پس از افشا شدن پی در پی فیش‌های حقوق نجومی مدیران دولتی، قرار شد «سامانه شفافیت» راه‌اندازی و حقوق و مزایای دریافتی همه مدیران در آن ثبت شود اما این طرح نیمه‌کاره رها شد.

● همچنین ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری که نظام پرداخت کارکنان دولت را تنظیم می‌کند، نهادهای زیر نظر رهبر، وزارت اطلاعات، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان را از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری معاف می‌کند.

پرداخت حقوق‌های نجومی در دولت چهاردهم نیز ادامه پیدا کرده است. برای نمونه در شرایطی که کارگران شاغل در بخش صنعت نفت و گاز سال‌هاست خواستار افزایش عادلانه دستمزد هستند و ده‌ها اعتراض و اعتصاب برای دریافت حق خود برگزار کرده‌اند، برخی مدیران پتروشیمی ماهانه ۲۵۰ میلیون تومان حقوق دریافت می‌کنند!

در روزهای گذشته فیش حقوقی ۲۴۷ میلیون تومانی یکی از مدیران پتروشیمی منتشر شد که نشان می‌دهد پرداخت دستمزدهای نجومی در دولت اصلاح‌طلب مسعود پزشکیان نیز ادامه یافته است.





اقتصادی در استان قزوین از صدور حکم اعدام برای متهم ردیف اول «پرونده کثیرالشاکي رضایت خودرو طراوت نوین» خبر داد. این پرونده که ۲۸ هزار شاکی دارد، شامل ۲۸ متهم حقیقی و حقوقی است. بر اساس رأی صادره، علاوه بر حکم اعدام متهم ردیف اول، سایر متهمان مؤثر به حبس‌های طولانی محکوم شده و اشخاص حقوقی مرتبط با پرونده منحل شده‌اند.

به گفته این قاضی دادگاه جرائم اقتصادی، حکم اعدام صادرشده برای متهم ردیف اول قابل فرجام‌خواهی در دیوان عالی کشور است، اما احکام سایر متهمان قطعی اعلام شده‌اند.

عبدالکریم کلهر افزوده «این پرونده با بیش از ۲۸ هزار شاکی دارای ۲۸ متهم حقیقی و حقوقی می‌باشد که برای متهم ردیف اول حکم اعدام و برای سایر متهمین حقیقی مؤثر در پرونده نیز حبس‌های طولانی‌مدت و برای اشخاص حقوقی نیز رای انحلال صادر شده است و رای صادره نسبت به سایر متهمین نیز قطعی است.»

همچنین بر اساس اعلام قاضی پرونده، پرداخت مطالبات مالباختگان نیز مطابق آخرین قرارداد و بر اساس نرخ شاخص تورم بانک مرکزی در زمان پرداخت انجام خواهد شد.

شرکت «رضایت خودرو طراوت نوین» در سال ۱۳۹۲ در زمینه خرید و فروش اتومبیل، فعالیت خود را آغاز کرد. این شرکت در سال ۱۴۰۲، به دلیل عدم بازپرداخت سرمایه‌های مردم و تحویل خودرو، با گزارش نهادهای امنیتی و تشکیل



پرونده در دادگاه مواجه شد. چند ماه بعد و در ۱۳ شهریور ۱۴۰۳، سخنگوی قوه قضاییه از صدور کیفرخواست این «پرونده کثیرالشاکي» خبر داد.

خبرگزاری «تسنیم» با انتشار جزئیاتی از این پرونده نوشته «با ثبت پرونده در قوه قضاییه بیش از ۲۷ هزار نفر که از این شرکت مبادرت به پیش فروش خودرو کرده بودند شکایت‌شان را ثبت کردند. شاکبان در مجموع بیش از ۸ هزار میلیارد تومان در اختیار این شرکت قرار داده بودند که رسیدگی به همه شکایت‌ها و بررسی آنها در طول یک ساله اخیر، حجم سنگینی از فعالیت دادرسی مربوطه را به خود اختصاص داد.»

این در حالیست که اطلاعات منتشر شده نشان می‌دهد مبالغ اصلی مورد توافق در قرارداد شاکیان، بسیار

## صدور حکم «اعدام» برای متهم ردیف اول پرونده «رضایت خودرو»؛ پرونده‌ای با بیش از ۲۸ هزار شاکی

● بر اساس اطلاع‌رسانی قوه قضاییه علاوه بر حکم اعدام متهم ردیف اول، سایر متهمان مؤثر به حبس‌های طولانی محکوم شده و اشخاص حقوقی مرتبط با پرونده منحل شده‌اند.

● متهم ردیف اول این پرونده محمد اسماعیل غفاری، مدیرعامل شرکت «رضایت خودروی طراوت نوین» و مدیرعامل و عضو هیئت مدیره شرکت صنایع غذایی «شیرین نوش صباتاک» و فاقد پیشینه کیفری است.

● در کیفرخواست این پرونده آمده که افراد این شبکه وجوه کلانی از مردم دریافت کرده‌اند و بدون داشتن سرمایه مولد، از اصل پول مردم به آنها سود پرداخت می‌کردند!

● ساختار بحران‌زده و فاسد اقتصادی ایجاد شده در جمهوری اسلامی، بستری لازم برای فعالیت کلاهبرداران را فراهم کرده و پرونده شرکت «رضایت خودرو طراوت نوین» تنها یکی از پرونده‌های کلاهبرداری کلان در سطح کشور است. فساد که بساط آن قطعاً با اعدام افراد برچیده خواهد شد.

صدور احکام پرونده کلاهبرداری شرکت «رضایت خودرو طراوت نوین» با بیش از ۲۸ هزار شاکی و ۲۸ متهم آغاز، و متهم اصلی پرونده به اعدام محکوم شده است. عبدالکریم کلهر قاضی ویژه دادگاه رسیدگی به جرائم

روزنامه «هم‌میهن» نیز در گزارشی به فیش حقوق نجومی یک مدیر پتروشیمی که به تازگی افشا کرده پرداخته و نوشته «بر اساس ماده ۷۶ قانون خدمات کشوری هیچ فردی نمی‌تواند بیش از ۷ برابر پایه حقوق یک کارمند عادی را دریافت کند؛ در حالیکه حقوق کارکرد در سال ۱۳۹۵ تقریباً به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌رسید، این بدان معناست که مدیران در آن زمان حقوق چندبرابری و خلاف قانون دریافت می‌کردند.»

این گزارش افزوده «ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری که نظام پرداخت کارکنان دولت را تنظیم می‌کند، نهادهای زیر نظر رهبر، وزارت اطلاعات، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مجلس خبرگان را از شمول قانون مدیریت خدمات کشوری معاف می‌کند. به جز این کارکنان نهادهای عمومی غیردولتی از این قانون معاف می‌شوند، یعنی کارکنان نهادهایی همانند بانک‌ها که خدمات‌شان جنبه عمومی دارد؛ اما بیش از نصف بودجه‌شان را از منبع غیردولتی تأمین می‌کنند.»

«هم‌میهن» افزوده «بر اساس قانون تعیین امتیاز شغلی مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره شرکت‌های دولتی که مطابق با سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی همچنان در اختیار دولت باقی مانده‌اند، میزان حقوق و مزایای این مدیران با توجه به معیارهایی همچون نوع وظایف، حساسیت شغلی، سطح تخصصی کارمندان، تأثیر و نقش اقتصادی شرکت، نوع تولید و خدمات، کارآیی و اثربخشی، و سهم شرکت در درآمد ملی تعیین می‌شود. این قانون امکان اعطای امتیازهای شغلی و مزایای بیشتر به برخی مدیران را به صورت استثنایی فراهم کرده است.»

در سال‌های گذشته و پس از افشا شدن پی در پی فیش‌های حقوق نجومی مدیران دولتی، قرار شد «سامانه شفافیت» راه‌اندازی و حقوق و مزایای دریافتی همه مدیران در آن ثبت شود.

در اصل در بند ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه که هفت سال پیش تصویب شد، دولت مکلف شده بود از سال ۹۶ یعنی سال اجرایی شدن این قانون، حقوق و دستمزد وزرا، مدیران دولتی و بطور کلی کارکنان دولت را در سامانه‌ای شفاف‌سازی کند؛ اما تا به این لحظه این سامانه هنوز به جایی نرسیده و خبری از بارگذاری حقوق کارکنان دولت نیست!

همچنین بر اساس ضوابط اجرایی قانون بودجه سال ۱۴۰۲ که از سوی هیئت وزیران به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد، کلیه دستگاه‌های دولتی موظف بودند تا پایان خردادماه همان سال، نسبت به ثبت یا به‌روزرسانی اطلاعات کارکنان خود در سامانه یکپارچه نظام اداری «سینا» اقدام کنند. سامانه «سینا» با هدف شفاف‌سازی پرداخت‌ها و تعیین دقیق حقوق و مزایای کارکنان و مدیران دولتی طراحی شده است.

با این حال، گزارش‌ها نشان می‌داد که بیش از ۱۰ هزار نفر از مدیران دولتی، دریافتی‌هایی بالاتر از سقف مصوب ۵۵ میلیون تومانی داشته‌اند و حتی بر اساس اظهارات رئیس قوه قضاییه، برخی از آنها تا ۲۰۰ میلیون تومان نیز حقوق و مزایا دریافت کرده‌اند.

در همین رابطه روزنامه «هم‌میهن» نوشته «تا به امروز بطور خاص حقوق مدیران منتشر شده و تنها هرچند وقت یکبار انتشار یک فیش حقوقی نجومی، جنجالی در اقتصاد کشور بپا کرده است. تنها در این مدت میانگین ناخالص پرداختی به وزارتخانه‌ها منتشر شده که وزارت نفت بیشترین پرداختی و وزارت آموزش و پرورش کمترین میانگین پرداختی را دارند.»

راننده خود می‌گیرند و مدیرعامل شرکت در شب عروسی هدیه هزار دلاری به همسر راننده خود می‌دهد. راننده‌ای که در حساب خود میلیاردی پول داشته است!

اینهمه در حالیست که ساختار بحران‌زده و فاسد اقتصادی ایجاد شده در جمهوری اسلامی، بسترهای لازم برای فعالیت کلاهبرداران را فراهم کرده و پرونده شرکت «رضایت خودرو طراوت نوین» تنها یکی از پرونده‌های کلاهبرداری کلان در سطح کشوری است که به قوه قضاییه راه یافته است. فساد که بساط آن قطعاً با اعدام افراد برچیده نخواهد شد. از سوی دیگر شهروندانی که به امید افزایش سرمایه‌های ناچیز ریالی، یا حفظ ارزش دارایی‌هایشان در گرداب سقوط ارزش پول ملی، و همچنین به امید داشتن یک کمک‌درآمد، از سر استیصال به این شرکت‌های کلاهبردار اعتماد می‌کنند، دسته دسته به قشر مالباخته تبدیل می‌شوند!

مالباختگان شرکت «رضایت خودرو طراوت نوین» نیز طی دو سال گذشته بارها در شهر قزوین و حتی در تهران تجمعات اعتراضی برگزار کردند و از قوه قضاییه خواستند با محاکمه مجرمان این پرونده، دارایی بر باد رفته مالباختگان را به آنها بازگرداند. وبسایت «تجارت‌نیوز» نیز در گزارشی درباره این پرونده نوشته «پرونده رضایت خودرو بار دیگر ضعف‌های قانونی و نظارتی را در حوزه اقتصاد و پیش‌فروش خودرو نمایان کرد. خلأهای قانونی در ثبت شرکت‌ها، نبود مقررات سخت‌گیرانه برای پیش‌فروش خودرو و ضعف سیستم‌های نظارتی هوشمند، بستر مناسبی برای چنین تخلفاتی ایجاد کرده و زمینه‌ساز یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های اقتصادی سال‌های اخیر شده است.»

در کیفرخواست این پرونده تأکید شده «ردیابی مالی صورت گرفته دلالت بر منتفع شدن افراد این شبکه سازمان‌یافته داشته است که با سفرهای داخلی و خارجی متعدد و تشکیل تیم تشریفات و ایجاد سبک زندگی مرفه، سبب حیف و میل اموال مردم و اخلال در نظام اقتصادی شد.» به گفته نماینده دادستان و قاضی پونده همسر یکی از متهمان یک حلقه الماس ۹۰ میلیارد تومانی خریده بود و در خانه او نیز یک اتاق پر از طلا و پول وجود داشت و به شکات پرداخت می‌شد!

وکیل تعدادی از شکات این پرونده در دهمین جلسه دادگاه بخشی از بریز و بیابش‌های متهمان این پرونده با پول مردم را افشا کرد و گفت: «چطور می‌شود این افراد در چند سال صاحب واحدهای تجاری و مسکونی در بهترین نقاط شهر شده‌اند، چطور آخرین مدل خودرو مازراتی به نام یک نوزاد دو ماهه است و یک بنز مدل روز به نام دختر چهارساله؟! اینها با تخلفات خود مرزهای اخلال در نظام اقتصادی را جابجا کرده‌اند.»

این وکیل گفته بود: «چطور یکی از متهمین اصلی ۶۰۰ متر زمین را به نام خواهر خود زده و دیگر متهم نیز گله‌های گوسفند روستایی را به نام برادر خود زده است، چرا افرادی که این همه بلا سر سرمایه‌گذاران آورده‌اند با دستگاه قضایی همکاری نمی‌کنند.»

او همچنین افزوده بود که «برخی از سرمایه‌گذاران به دلیل بیماری جان خود را از دست داده‌اند، زندگی برخی‌ها به جدایی ختم شده است، ازدواج دختران و پسران دم بخت منتفی شده است، اما اینها جشن عروسی لاکچری برای

بیش از ۸ هزار میلیارد تومان و رقمی بالغ بر ۴۲ هزار میلیارد تومان بوده است!

در گزارش «تسنیم» آمده که طبق اعلام دادستانی در آن تاریخ، با توجه به قراردادهای موجود شرکت رضایت خودرو طراوت نوین حدوداً ۳۴ هزار قرارداد با این شرکت وجود داشته که بر اساس برآوردها این افراد بیش از ۱۲ هزار میلیارد تومان به شرکت پرداخت کردند. بر اساس ارزیابی‌ها کل اموالی که به نام مدیر شرکت بوده حدود ۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بود که این مبلغ می‌توانست پاسخگوی پرداخت تمام مطالبات مالباختگان باشد.

همچنین مشخص شد که حدود ۲۰ هزار قرارداد زیر ۲۵۰ میلیون تومان بود که این افراد زمان تشکیل پرونده قضایی هیچ سود دریافت نکردند و برای پرداخت تمامی این مطالبات بیش از سه هزار میلیارد تومان نیاز بود. در مجموع ۱۳ جلسه دادگاه برای رسیدگی به این پرونده تشکیل شدو نخستین جلسه دادگاه سوم آذر ۱۴۰۳ تشکیل شد و آخرین جلسه دادگاه نیز در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۴۰۳ برگزار شد.

متهم ردیف اول این پرونده محمد اسماعیل غفاری، مدیرعامل شرکت رضایت خودروی طراوت نوین و مدیرعامل و عضو هیئت مدیره شرکت صنایع غذایی شیرین نوش صباتاک و فاقد پیشینه کیفری بوده است.

اصلی‌ترین اتهام او «مشارکت در اخلال در نظام اقتصادی کشور به نحو کلان و وصول وجوه کلان از طریق قبول سپرده اشخاص تحت عنوان مضاربه و نظایر آن که موجب حیف و میل اموال مردم و اخلال در نظام اقتصادی کشور، به قصد مقابله با جمهوری اسلامی و با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام» بوده است.

«مشارکت در کلاهبرداری شبکه‌ای»، «مشارکت در نگهداری دو قبضه سلاح کمری»، «مشارکت در نگهداری غیرمجاز ۲۸ عدد فشنگ جنگی»، «نگهداری غیرمجاز ۵۰ عدد تفنگ شکاری» از دیگر اتهامات محمد اسماعیل غفاری است.

طبق کیفرخواست صادره، محمد اسماعیل غفاری متهم اصلی این پرونده در سال ۱۳۹۲ مبادرت به خرید و فروش موردی اتومبیل و سپس یک نماینده اتومبیل تأسیس می‌کند. او در مرحله بعد به صورت سبزی از نمایندگی‌ها، اتومبیل خریداری می‌کرد و به مردم می‌فروخت. محمد اسماعیل غفاری در سال ۱۳۹۸ مبادرت به تشکیل شرکت «رضایت خودرو طراوت نوین» می‌کند و با تشکیل یک شبکه متشکل از اجزا و عناصر متعدد اعم از اعضای خانواده، بستگان و افراد دیگر تحت عنوان بازاریاب، با انجام تبلیغات گسترده در استان قزوین و استان‌های مجاور، در فضای مجازی اقدام به انجام کارهای عام‌المنفعه در موسسه خیریه می‌کند.

وی از این طریق اعتماد افراد زیادی را جلب و مبادرت به عقد قرارداد با مردم جهت تحویل خودرو با قیمت کمتر از بازار می‌کند. شیوه مورد نظر او برای کلاهبرداری شیوه پانزی بوده که متقاضیان را با ادعای سرمایه‌گذاری پرسود و زودبازده به دام می‌انداخته است.

محمد اسماعیل غفاری در مرحله بعد با انعقاد قراردادهای مشارکت در خرید و فروش اتومبیل، مضاربه و مسکن، فعالیت شرکت را از حوزه اتومبیل خارج می‌کند بطوری که بر اساس اطلاعات پرونده، تنها ۴ درصد از مشتریان به صورت واقعی اتومبیل تحویل گرفتند و قرارداد بسیاری از مشتریان بدون تحویل اتومبیل بوده و در قبال تحویل اموال سود دریافت کرده‌اند و یا در انتظار دریافت سود بودند.

به بیان دیگر افراد این شبکه با روش‌های مذکور وجوه کلانی از مردم دریافت کرده‌اند و بدون داشتن سرمایه مولد، از اصل پول مردم به آنها سود پرداخت می‌کردند!

## ماستمالی با طلا!

پس از اعلام یک روزنامه‌نگار مبنی بر گم شدن ۶۱ هزار کیلو طلای بانک مرکزی، قوه‌قضاییه با ریاست غلامحسین محسنی اژه‌ای اعلام کرد که «به دلیل ادعای کذب از سوی آن روزنامه‌نگار (یاشار سلطانی) علیه نامبرده اعلام جرم کرده و برای وی پرونده قضایی تشکیل شد.»

علیه کسی که گفته  
۶۱ تن طلای بانک  
مرکزی گم شده  
اعلام جرم می‌کنم





# صدور احکام ۴۴ متهم پرونده چای دیش؛ متهم ردیف اول به ۸۲ سال زندان محکوم شد و دو وزیر دولت رئیسی مجرم شناخته شدند

ستاد هماهنگی مبارزه با فساد اقتصادی اعلام کرده بود که شرکت «گروه کشت و صنعت دیش» چای نامرغوب داخلی را صادر و همان چای نامرغوب و یا خاک چای را با تغییر بسته‌بندی تحت عنوان چای مرغوب خارجی وارد کشور نموده و از این طریق بیش از دو میلیارد یورو ارز از کشور خارج شده است.

امرداد امسال اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضاییه اعلام کرده بود که «تا کنون ۶۵ تا ۷۰ نفر احضار و برای آنها قرار تأمین صادر شده است. پرونده مدیران و کارمندان وزارت جهاد کشاورزی، بانک مرکزی، سازمان ملی استاندارد، گمرک، سازمان غذا و دارو و شبکه بانکی نیز در حال تکمیل است.» سخنگوی قوه قضاییه افزوده بود «در حال حاضر یک نفر از وزارت جهاد کشاورزی یک نفر از بانک مرکزی و سه نفر از کارمندان چای دیش در بازداشت بسر می‌برند.»

به گفته اصغر جهانگیر «اکبر رحیمی متهم ردیف اول این پرونده، به اتهام اخلاص در نظام اقتصادی، قاچاق ارز و کالا و رشوه و ارتشاء، به دلیل ناتوانی در تودیع وثیقه ۱۵۷ هزار میلیاردی همچنان در بازداشت است.»

اصغر جهانگیر علت طولانی شدن روند رسیدگی را «عدم همکاری متهم ردیف اول در مرحله تحقیقات» عنوان و تأکید کرده «این موضوع مانع از ادامه تحقیقات نخواهد شد.»

جلال رشیدی کوچی نماینده مجلس شورای اسلامی آذرماه سال گذشته در گفتگو با «شرق» درباره این پرونده فساد گفته بود «چه اتفاقی می‌افتد که یک شرکت واردکننده چای (درحالی‌که چای کالای ضروری مردم نیست) می‌تواند چنین ارز دولتی دریافت کند، اما این امکان برای دیگر واردکنندگان یا تولیدکنندگان وجود ندارد؟»

جلال رشیدی کوچی افزوده بود برای تخصیص چنین ارزهایی قطعا دست‌های پشت‌پرده‌ای وجود دارد و بدون داشتن ارتباطات قوی دریافت چنین امتیازاتی امکان‌پذیر نیست، و افزوده که «برای دریافت چهار میلیارد دلار باید ارتباطات شخص در سطح کارشناسان بسیار قوی باشد و سر کیسه را شل کنند که این کارشناسان اجازه ندهند رئیس بانک مرکزی متوجه رقم اختصاص داده شده شود.»

این نماینده مجلس تأکید کرده بود که «البته این خودش هم جای نگرانی دارد. مگر می‌شود رئیس بانک مرکزی متوجه نشود چهار میلیارد دلار را به چه کسی تخصیص داده‌اند؟ حتی اگر چنین احتمالی را در نظر بگیریم، به خودی خود یک ضعف بزرگ است.»

مرتضی محمودوند نماینده مردم خرم‌آباد و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نیز همزمان به «شرق» گفته بود که «افرادی هستند که امروز در بدنه جمهوری اسلامی، درون سازمان‌ها، ارگان‌ها و دولت نفوذ کرده‌اند و هر از چند گاهی تلخی کارهایشان کام جامعه را تلخ می‌کند.»

مرتضی محمودوند با اشاره به رد پای آقازاده‌ها در این پرونده گفته بود که «این افراد همان کسانی هستند که گستاخانه دکل‌های نفتی را معامله می‌کنند و باعث غیب‌شدن این دکل‌های نفتی می‌شوند. همان کسانی هستند که گستاخانه سوخت و انرژی را بدون هماهنگی با مبادی قانونی به آذربایجان و قفقاز می‌فرستند و هنوز پرونده آنها در محاکم قضائی باز است.»



تصویری از دادگاه رسیدگی به پرونده فساد «چای دیش»

دریافت کرده اما چای تقلبی وارد و توزیع کرده‌اند. مالکان شرکت دیش شبکه‌ای عریض و طویل از مقامات حکومتی تا آقازاده‌ها را برای انجام تخلفات خود ایجاد کرده و مبالغ زیادی رشوه در این میان رد و بدل شده است.

بر اساس کیفرخواست ۶۱۳ صفحه‌ای پرونده چای دیش، این پرونده ۶۱ متهم دارد. غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه گفته بود که «در قضیه چای دیش عدد بزرگی بالغ بر سه میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار مطرح است.»

جدا از مدیران بانک‌ها و مدیران دولتی، نام شماری از آقازاده‌ها در این پرونده وجود دارد اما بسیاری از اطلاعات این پرونده همچنان «محرمانه» باقیمانده است.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده «گروه کشت و صنعت دیش» چای کهنه و «عمدتا متعلق به یک دهه پیش» را در فرآیند صادرات به قیمت کمتر از ۱/۵ دلار به کنیا فرستاده و پس از مخلوط کردن آن با چای کنیایی و البته با انواع اسانس، دوباره به نام چای دارجلینگ، با متوسط قیمت ۱۱/۵ دلار وارد کشور کرده است.

متهم ردیف اول پرونده فساد اقتصادی «گروه کشت و صنعت دیش» مدیرعامل این مجموعه، اکبر رحیمی، است که رسانه‌های داخلی از او به عنوان «الف. ر.» نام برده‌اند. آخرین اطلاعات منتشر شده درباره اکبر رحیمی بیانگر اینست که او از اواخر ماه گذشته، آبان ۱۴۰۲، بازداشت و پس از تعیین وثیقه ۵۰۰۰ میلیاردی از سوی بازپرس دادسرای ویژه جرائم اقتصادی تهران روانه زندان شده است.

روابط اکبر رحیمی به عنوان سرشبهه این گروه فاسد و مافیایی به حدی گسترده بوده که حتی در صداوسیما جمهوری اسلامی هم نفوذ کرده و در دهه ۹۰ خورشیدی برنامه اختصاصی با عنوان «شب‌نشینی دیش» در شبکه یک صداوسیما جمهوری اسلامی برای تبلیغ داشت!

چند ماه پیش از افشای این پرونده، محمدرضا یزدی دبیر

● اکبر رحیمی متهم ردیف اول به ۸۲ سال زندان و رد مال، و دو وزیر جهاد کشاورزی و صمت دولت ابراهیم رئیسی به ترتیب به دو و یک سال زندان محکوم شدند.

● بر اساس حکم دادگاه، اکبر رحیمی باید بیش از ۲ میلیارد یورو تسهیلات دریافتی ارزی، ۳ تا ۱۰ برابر ارزش محموله‌های مختلف چای قاچاق و تمامی عواید ناشی از فروش ارز در بازار آزاد را به دولت بازگرداند.

● جواد ساداتی‌نژاد وزیر جهاد کشاورزی دولت رئیسی، و رضا فاطمی امین وزیر صمت دولت رئیسی که از جمله متهمان این پرونده هستند نیز مجرم شناخته شده و به ترتیب به دو و یک سال زندان محکوم شدند.

● بر اساس کیفرخواست ۶۱۳ صفحه‌ای پرونده چای دیش، این پرونده ۶۱ متهم دارد. غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضائیه گفته بود که «در قضیه چای دیش عدد بزرگی بالغ بر سه میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار مطرح است.»

خبرگزاری «فارس» گزارش داده که احکام ۴۴ نفر از ۶۱ متهم اصلی پرونده فساد اقتصادی «چای دیش» صادر شده است. بر این اساس متهم ردیف اول به ۸۲ سال زندان و رد مال، و دو وزیر جهاد کشاورزی و صمت دولت ابراهیم رئیسی به ترتیب به دو و یک سال زندان محکوم شدند.

خبرگزاری «فارس» نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از یک منبع آگاه از صدور رای ۴۴ نفر از ۶۱ متهم اصلی پرونده چای دیش در شعبه اول دادگاه ویژه جرائم اقتصادی تهران خبر داده است.

خبرگزاری «فارس» نوشته اکبر رحیمی متهم ردیف اول این پرونده در مجموع به ۸۲ سال زندان برای ارتکاب چند عنوان اتهامی محکوم شده و باید بیش از ۲ میلیارد یورو تسهیلات دریافتی ارزی، ۳ تا ۱۰ برابر ارزش محموله‌های مختلف چای قاچاق و تمامی عواید ناشی از فروش ارز در بازار آزاد را به دولت بازگرداند.

اتهامات اصلی اکبر رحیمی قاچاق عمده و سازمان‌یافته چای سیاه، اخلاص کلان در نظام اقتصادی-ارزی از طریق عدم رفع تعهدات ارزی، اخلاص گسترده در نظام پولی و ارزی کشور از راه فروش ارز در بازار آزاد بدون رعایت ضوابط قانونی، تحصیل مال از طریق نامشروع (کلاهبرداری بانکی سازمان‌یافته)، پرداخت رشوه به مقامات و کارکنان دولتی و بانکی عنوان شده است.

بر اساس خبری که «فارس» به نقل از یک منبع آگاه منتشر کرده، مجموع جرمه‌های ریالی متهم ردیف اول بیش از ۶۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

این گزارش افزوده که جواد ساداتی‌نژاد وزیر جهاد کشاورزی دولت رئیسی، و رضا فاطمی امین وزیر صمت دولت رئیسی که از جمله متهمان این پرونده هستند نیز مجرم شناخته شده و به ترتیب به دو و یک سال زندان محکوم شدند. خبرگزاری «فارس» تأکید کرده که این حکم پس از اعمال تخفیف و براساس ماده ششم قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و به دلیل مداخله ضعیف متهمان در وقوع جرم صادر شده است.

پرونده «چای دیش» بزرگترین پرونده فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی است که تا کنون افشا شده است. متهمان این پرونده مقادیر زیادی ارز دولتی برای واردات چای

# امیلی عاطف کارگردان فرانسوی- ایرانی فیلم زندگی شهبانو فرح پهلوی را کارگردانی می‌کند



«داستان فرح در هسته‌ی اصلی خود یک داستان انسانی باقی مانده اگرچه مسیر زندگی وی از اوج پر زرق و برق و ستایش به عنوان شهبانوی ایران تا اعماق تحقیر و تبعید توسط همان افرادی که او را بالا بردند، جریان داشته است.» او ادامه می‌دهد: «این داستانی از مهر و فروتنی، بلندپروازی و فقدان، قلبی سرشار از تضاد در مرکز یکی از چشمگیرترین تغییرات در تاریخ جهان مدرن است. امروزه، بسیاری هنوز او را نماد هویت ایرانی می‌دانند؛ یکی از نمادهایی که با نوستالژی، غرور، خشم و اشتیاق همراه است. خودم به عنوان یک فرانسوی- ایرانی، عمیقاً از این داستان الهام گرفته‌ام تا در حالی که داستان چنین زن جذابی را روایت می‌کنم، این جنبه از میراث خود را نیز کشف کنم. در برابر ابعاد عظیم تاریخ، ما امیدواریم که بتوانیم داستان شخصی یک زندگی منحصر به فرد را بازگو کنیم؛ سفری صمیمی به درون مبارزات و پیروزی‌های یک زن غیرمتعارف، و انسانیت پایدار او در برابر فراز و نشیب‌های همه‌تغییراتی که از سر گذرانده است.»

شهبانو در گفتگو با «دولاین» در سال ۲۰۲۴ اشاره کرده بود که ترجیحی در مورد اینکه چه کسی باید نقش او را در این فیلم بازی کند، ندارد. بزرگترین آرزوی او این است که داستان‌هایی درباره شاه فقید را به اشتراک بگذارد که بسیاری از آن اطلاعی نداشته‌اند.

دست‌اندرکاران و تهیه‌کنندگان این فیلم معتقدند احساسات ظریف در شخصیت امیلی عاطف و کاوش شجاعانه وی در چشم‌اندازهای منحصر به فردی که در آثارش وجود دارد، این کارگردان را به انتخابی ایده‌آل برای زنده کردن داستان زندگی ملکه ایران تبدیل می‌کند. آنها می‌گویند سبک هنری عاطف دارای ظرافت‌های طبیعی است و می‌تواند این روایت را با دقت لازم و کافی تصویر کند.

آنها همچنین یادآوری می‌کنند که امیلی عاطف ایرانی‌تبار دیدگاه چندفرهنگی نیز در کار خود به ارمغان می‌آورد چرا که او در برلین متولد شده و در لس آنجلس، فرانسه و لندن بزرگ شده است.

پیشتر اجازه‌ی تهیه‌ی یک فیلم مستند و یک پروژه‌ی سینمایی را به دست‌اندرکاران مربوطه داده بود. ترجمه‌ی این گزارش «دولاین» در کیهان لندن منتشر شده است. طبق آن برنامه قرار بود تهیه این فیلم‌ها تا پایان سال ۲۰۲۴ ادامه پیدا کند و پس از یک توقف از ماه مارس ۲۰۲۵ از سر گرفته شود. اکنون مشخص شده است که فیلم سینمایی این پروژه با کارگردانی امیلی عاطف تهیه خواهد شد.

این فیلم زندگی شهبانو فرح پهلوی را با تمرکز بر مقاومت زنی تصویر می‌کند که با وجود بیش از ۴۵ سال تبعید و سوگواری برای از دست دادن همسر و دو فرزندش، همچنان عمیقاً به وظیفه و مسئولیت خود به عنوان یک ملکه و دل بسته به میهن خود پایبند است. او هرگز دوباره ازدواج نکرد و هویت ایرانی خود را نیز رها ننمود. ازدواج او با شاه نه تنها بسیار فراتر از پیوند یک زن و مرد و یا شاه و «زیردست» بود بلکه اتحاد یک شهروند با «شاه» به مثابه میهن خویش به شمار می‌رفت که فقط مرگ می‌توانست آنها را از هم جدا کند.

امیلی عاطف در حرفه‌ی سینمایی خود فیلم‌هایی ساخته که برنده جوایزی مانند (The Stranger in Me 2008) شده‌اند. فیلم «بیگانه‌ای در من» در هفته منتقدان کان به نمایش درآمد. «سه روز در کپرون» (۲۰۱۸) تصویری از رومی اشنایدر هنرپیشه‌ی مشهور آلمانی ارائه می‌دهد که برای خرس طلایی در جشنواره برلین رقابت کرد و هفت جایزه «لولا» را در جوایز فیلم آلمان از جمله برای بهترین فیلم و بهترین کارگردان به دست آورد. فیلم «بیش از همیشه» (۲۰۲۲) نیز برای اولین بار در جشنواره کان به نمایش درآمد. و «روزی همه چیز را به یکدیگر خواهیم گفت» (۲۰۲۳) در هفتاد و سومین جشنواره فیلم برلین برای خرس طلایی با فیلم‌های دیگر رقابت کرد. عاطف در حال حاضر مشغول فیلمبرداری فیلم بعدی خود در نایروبی پایتخت کنیا است.

در ارتباط با فیلم شهبانو فرح پهلوی که هنوز نامی برای آن تعیین نشده، امیلی عاطف به «دولاین» می‌گوید:

● وبسایت «Deadline» در یک گزارش اختصاصی که در رسانه‌های اجتماعی شهبانو فرح پهلوی بازنشر شده، خبر داده است که امیلی عاطف فیلمساز فرانسوی- ایرانی با پیوستن به یک پروژه سینمایی، قرار است فیلمی را درباره زندگی فرح پهلوی، ملکه ایران، که بیست سال با محمدرشاه پهلوی فقید زندگی کرد و تا زمان درگذشت وی در سال ۱۹۸۰ در تبعید مصر در کنار او بود، کارگردانی کند.

● امیلی عاطف: «این داستانی از مهر و فروتنی، بلندپروازی و فقدان، قلبی سرشار از تضاد در مرکز یکی از چشمگیرترین تغییرات در تاریخ جهان مدرن است. امروزه، بسیاری هنوز او را نماد هویت ایرانی می‌دانند؛ یکی از نمادهایی که با نوستالژی، غرور، خشم و اشتیاق همراه است.»

● «ما امیدواریم که بتوانیم داستان شخصی یک زندگی منحصر به فرد را بازگو کنیم؛ سفری صمیمی به درون مبارزات و پیروزی‌های یک زن غیرمتعارف، و انسانیت پایدار او در برابر فراز و نشیب‌های همه‌تغییراتی که از سر گذرانده است.»

● تهیه‌کنندگان این فیلم که هنوز معلوم نیست چه عنوانی خواهد داشت و چه هنرمندی نقش شهبانو را بازی خواهد کرد، یادآوری می‌کنند که امیلی عاطف ایرانی‌تبار دیدگاه چندفرهنگی نیز در کار خود به ارمغان می‌آورد چرا که او در برلین متولد شده و در لس آنجلس، فرانسه و لندن بزرگ شده است.

وبسایت «Deadline» در یک گزارش اختصاصی که در رسانه‌های اجتماعی شهبانو فرح پهلوی بازنشر شده، خبر داده است که امیلی عاطف فیلمساز فرانسوی- ایرانی با پیوستن به یک پروژه سینمایی، قرار است فیلمی را درباره زندگی فرح پهلوی، ملکه ایران، که بیست سال با محمدرشاه پهلوی فقید زندگی کرد و تا زمان درگذشت وی در سال ۱۹۸۰ در تبعید مصر در کنار او بود، کارگردانی کند.

«دولاین» با اشاره به گزارش خود در همین زمینه که در تابستان ۲۰۲۴ منتشر کرده بود، می‌نویسد که علیاحضرت



## سدهای ایران یکی پس از دیگری خالی می‌شوند؛ هشدار درباره تأمین آب در سال آینده



سد کرج تقریباً خشک شده است

اینکه دوره‌های خشکسالی در ایران طولانی‌تر شده، تأکید کرده «این موضوع قطعاً تأثیر منفی بر کشاورزی و امنیت غذایی خواهد داشت.»

احد وظیفه توضیح داده بود که «در سه دهه اخیر روند خشکسالی در کشور ما تشدید شده است. گرمایش جهانی و افزایش دمای منطقه‌ای با سرعت بیشتری نسبت به گذشته در حال وقوع است. در ده‌های اخیر تقریباً هر ۱۰ سال، دمای میانگین کشور نیم درجه افزایش می‌یابد.»

رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی افزوده «در پنج دهه گذشته، دمای متوسط کشور حدود ۲ تا ۲/۵ درجه بالا رفته است. هر درجه افزایش دما خود باعث افزایش شش تا هفت درصدی تبخیر می‌شود. این ۲ تا ۲/۵ درجه افزایش دما ممکن است بین ۱۵ تا ۲۰ درصد توان تبخیر را افزایش داده باشد. دما به عنوان یکی از پارامترهای مهم در زمینه خشکسالی و دسترسی به آب، تأثیر بسزایی دارد.»

او با بیان اینکه «دوره‌های خشکسالی نیز طولانی‌تر شده» گفته «این موضوع قطعاً تأثیر منفی بر کشاورزی و امنیت غذایی خواهد داشت. سال گذشته بارندگی‌ها تا نزدیک به انتهای زمستان -مانند امسال- خوب نبود اما فصل بهار با بارندگی‌های مناسب توانست کمبودهای گذشته را تا حدی جبران کند و باعث افزایش تولید محصولات کشاورزی به ویژه غلات شد.»

احد وظیفه با بیان اینکه در سال جاری آبی، استان‌های پر بارش ایران مانند چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، خوزستان، ایلام و کرمانشاه وضعیت خوبی ندارند، افزوده «در مناطق جنوبی مانند بوشهر و فارس نیز خشکسالی بسیار شدید وجود دارد. اگر این روند ادامه یابد، قطعاً تأثیر منفی بر خروجی محصولات کشاورزی خواهد داشت.»

نسبت به متوسط ۵ سال گذشته دارای کاهش ۳۰ درصدی است. سد زاینده‌رود با کاهش ۴۰ درصدی نسبت به متوسط ۵ سال گذشته و ۵۳ درصدی ذخایر آب نسبت به سال گذشته مواجه شده است. همچنین سد شلیل و نیان با کاهش ۹۱ درصدی و سد استقلال با کاهش ۷۱ درصدی ذخایر آب نسبت به سال گذشته روبه‌رو هستند.»

فیروز قاسم‌زاده با تأکید بر ضرورت مدیریت مصرف آب گفته «با توجه به کاهش بارش‌ها و ذخایر آب در سدهای کشور، مدیریت مصرف آب و اصلاح الگوی مصرف به عنوان یک راهکار اساسی برای مقابله با بحران کم‌آبی مطرح شده است.»

کاهش بارندگی در سال آبی جاری بسیاری از استان‌های ایران را با بحران تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی در ماه‌های آینده روبرو کرده است.

عبدالحمد حمزه‌پور مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب هرمزگان، گفته «هرمزگان به دلیل شرایط اقلیمی، همواره از استان‌های گرم و خشک کشور محسوب می‌شود و میانگین بارندگی سالانه آن حدود ۱۸۰ میلی‌متر است اما در پنج سال اخیر، با خشکسالی بی‌سابقه‌ای مواجه بوده‌ایم که در سه سال گذشته شدت بیشتری گرفته است.»

او افزوده که «در سال آبی جاری (۱۴۰۳)، بارندگی‌های قابل‌توجهی در استان نداشته‌ایم و منابع آبی سطحی و زیرزمینی تقریباً بدون تغذیه مانده‌اند.»

عبدالحمد حمزه‌پور توضیح داده که «در حال حاضر، سدهای تأمین‌کننده آب مرکز استان و مناطق روستایی مانند سد سرنی، سد استقلال و سد نیان، در مرز خشکی کامل قرار دارند و مجموع ذخیره آبی پشت این سدها تنها برای یکی دو ماه آینده کفایت می‌کند.»

هفته گذشته نیز احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور با بیان

● سد کرج تنها یکی از سدهای کشور است که آب ذخیره در آن رو به اتمام است. ذخیره آب سد طرق در استان خراسان «رضوی» نیز ۲ درصد منفی است.

● فیروز قاسم‌زاده سخنگوی صنعت آب کشور گفته ارتفاع کل ریزش‌های جوی کشور از ابتدای سال آبی تا ۱۰ اسفند، ۸۶/۷ میلی‌متر ثبت شده که نسبت به میانگین بلندمدت ۴۲ درصد و نسبت به سال گذشته ۲۴ درصد کاهش داشته است.

● عبدالحمد حمزه‌پور مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب هرمزگان خبر داده سدهای تأمین‌کننده آب مرکز استان و مناطق روستایی هرمزگان در مرز خشکی کامل قرار دارند و مجموع ذخیره آبی پشت این سدها تنها برای یکی دو ماه آینده کفایت می‌کند.

● احد وظیفه رئیس مرکز ملی اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی کشور گفته دوره‌های خشکسالی در ایران طولانی‌تر شده. وی تأکید کرده «این موضوع قطعاً تأثیر منفی بر کشاورزی و امنیت غذایی خواهد داشت.»

وضعیت ذخیره آب پشت سدهای ایران وخیم شده و در استان‌های مختلف از تهران و البرز تا سیستان و بلوچستان سدها در حال خشک شدن هستند.

در روزهای گذشته تصاویری از سد کرج منتشر شد که نشان می‌دهد مخزن این سد کاملاً خشک شده و آبی در آن نیست.

سد کرج تنها یکی از سدهای کشور است که آب ذخیره در آن رو به اتمام است. ذخیره آب سد طرق در استان خراسان «رضوی» نیز ۲ درصد منفی است.

سدهای زنجیره کارون، دز و مارون در خوزستان به ترتیب ۱۰ درصد، ۲۹ درصد و ۲۸ درصد نسبت به سال آبی گذشته آب کمتری در مخازن خود دارند. گلپایگان و پانزده خرداد در حوضه قمرود نیز یک و ۳۹ درصد منفی هستند. سد ارس در استان اردبیل نیز یک درصد نسبت به سال آبی قبل ذخیره آبی کمتری دارد.

فیروز قاسم‌زاده سخنگوی صنعت آب کشور گفته وضعیت بارش‌ها و ذخایر سدهای کشور در سال آبی جاری (۱۴۰۳-۱۴۰۴) نشان‌دهنده کاهش قابل توجهی نسبت به سال‌های گذشته است.

وی افزوده بر اساس شبکه ایستگاه‌های مبنای وزارت نیرو، ارتفاع کل ریزش‌های جوی کشور از ابتدای سال آبی تا ۱۰ اسفند، ۸۶/۷ میلی‌متر ثبت شده که نسبت به میانگین بلندمدت ۴۲ درصد و نسبت به سال گذشته ۲۴ درصد کاهش داشته است.

به گفته سخنگوی صنعت آب کشور، بر اساس گزارش هفتگی شاخص‌های آب و برق، موجودی آب مخازن سدهای کشور تا ۱۰ اسفند، ۲۲/۲۶ میلیارد مترمکعب است که نسبت به سال گذشته ۵ درصد کاهش یافته است. علاوه بر این، میزان ورودی آب به سدها نیز ۳۱ درصد کمتر از سال گذشته گزارش شده است.

او با اشاره به وضعیت برخی سدهای مهم کشور گفته «این کاهش ذخایر در بسیاری از سدهای مهم کشور محسوس است. به عنوان مثال، سدهای پنجگانه تهران

## تلاش برای هنر اپرا و تئاتر در اوایل قرن بیستم در تبریز



سالن شیروخورشید

یک ایده است و تنها وابسته به یک عنصر و محدود به آن نیست، برایم تحقیق می‌یابد. وقتی ایرانیان در جایی گرد می‌آیند، آنجا ایران است. فکر می‌کنم به منظور تلفیق این افکار و احساسات، باید به آن فعالیت‌های اپرایی که روایات و موسیقی ایرانی را که به تجربیات زندگی در دیاسپورا، و نیز کلاً زندگی ایرانیان برومیزی و نیز ایرانیانی که در ایران زندگی می‌کنند پیوند می‌دهد، خدمت کرد و در جهت غنی‌سازی آن تلاش کرد. این انگیزه من برای شروع این کار تحقیقاتی است.

● در تحقیق شما تمرکز اصلی آیا روی اپرا است یا تئاتر؟  
-تئاتر یک رشته هنری است که در زندگی من حضور همیشگی و ثابت داشته. در حال حاضر هم من درگیر یک کار نمایشی به انگلیسی در تئاتر سلطنتی هستم. نمایشنامه من *Medea on the Mic* توسط *A Play, Pie* و *Pint* در گلاسکو تهیه شده و فیلمپ هاوراد آن را کارگردانی کرده است. به عنوان یک مجری، کارنامه من شامل خواندن متن‌های نسیم سلیمانپور در حاشیه جشنواره ادینبورگ است. آخرین کار من به عنوان کارگردان، تفسیری مجدد از نمایش «همپست» شکسپیر در مدرسه مرکزی سلطنتی گفتار و درام بود.

در مورد اپرا بگویم که ساختن اپرا و سرودن و اجرای شعر به عنوان فرم‌های بیان هنری مرا قادر ساخته که در مورد آینده‌ای متنوع و متکثر رویاپردازی‌های بی‌پروا داشته باشم. فرهنگ ایرانی ما دارای تاریخ طولانی در زمینه موسیقی و متن‌های ادبی است که در رمانتیسم ایرانی تبلور خاصی پیدا کرده است. باید اضافه کنم که مطالعات‌ام مرا به این نتیجه رسانده که بیان اپرایی در ایران به یک معنا حتی زودتر از شکوفایی اپرا در ایتالیا روی داده است.

اپرا از اجزای موسیقایی و دراماتیک بهم پیوسته تشکیل شده که توجه مرا بسیار زیاد جلب می‌کند. ترجیح من برای پرداختن به تحقیق در مورد اپرا، به‌خصوص در زمینه نقش نویسندگان متن اپرا، به دلیل اتکای زیاد اپرا به فعالیت گروهی و مشارکتی است.

موضوع‌هایی که زیر عنوان کلی بررسی تئاتر و اپرا در تبریز و ایران پرداخته‌ام عبارتند از: متن و سناریوی اپرا، فرامدرنیسم، تبعیض علیه زنان، سانسور، همکاری و آینده‌نگری.

● انگیزه‌های شخصی شما در پرداختن به این تحقیق چیست؟

-باید بگویم شخصیت «کارمن» در اپرایی به همین نام از ژرژ بیزه آهنگساز فرانسوی و نویسندگان متن این اپرا که ملیهک Melihac و هلاوی Halevy هستند، درباره خودش می‌گوید: «آزاد به دنیا آمده و آزاد هم خواهد مرد.» این شعار بسیار مورد علاقه من است و سعی می‌کنم جریان‌هایی را که در ایران به این شعار عمل کرده‌اند بشناسم. یادآوری کنم که این اپرا با خوانندگی پری ژر به وسیله سازمان ملی اپرای ایران از ۱۶ تا ۱۸ ژوئن ۱۹۷۸ در تالار رودکی تهران روی صحنه رفت.

دوره ده ساله شکوفایی اپرا در ایران که حدوداً در برگزیده ۱۳۴۶ خورشیدی تا قبل از انقلاب ۵۷ است، نتیجه تلاش‌های گروه اپرای تالار رودکی و زحمات چهره‌هایی مانند منیره وکیلی است. در عین حال قبل از آن این دوره شکوفایی هم تلاش‌هایی مانند روی صحنه بردن اپرت «رستخیز شهزادان ایران» اثر میرزاده عشقی و نیز تلاش‌هایی مختلف در تبریز صورت گرفته بود که تا حدی در شکوفایی اپرا در دهه‌ای که گفتم نقش داشته است.

علاوه براین، با توجه به پیوندهای زبانی و فرهنگی‌ام با تبریز، چون زاده آنجا هستم، انگیزه‌های مضاعف برای پرداختن به تحقیق در مورد انواع فعالیت‌های تئاتری و اپرایی در تبریز در اوایل قرن بیستم تا زمان نزدیک به زمان حاضر داشته و دارم.

ولی در عین حال یک ایرانی هستم و دغدغه ایران و پیشرفت فرهنگی آن را نیز دارم؛ به حقوق بشر، آزادی آموزش و پرورش، آزادی هنر و آزادی بیان اعتقاد راسخ دارم. وقتی با یک ایرانی در ایران و یا در کشوری دیگر تماس و به‌خصوص تماس ویدیویی دارم، این فکر که ایران

● نازلی طباطبایی خاتم‌بخش کارگردان و نویسنده و استاد و پژوهشگر تئاتر و اپرا: «بخشی از تحقیق من در مورد فعالیت‌های تئاتری و اپرایی در تبریز در اوایل قرن بیستم است. تبریز به عنوان یکی از کانون‌های اصلی پیدایش جنبش مشروطیت، همیشه حضور پررنگی در فرهنگ پیشرو ایران داشته است.»

● «فرهنگ ایرانی ما دارای تاریخ طولانی در زمینه موسیقی و متن‌های ادبی است که در رمانتیسم ایرانی تبلور خاصی پیدا کرده است.»

● «فرهنگ بخش مهمی از چیزی است که به معنای انسان بودن است. فرهنگ جایی است که ما ایرانی فکر می‌کنیم و جایی است که تجدید قوا می‌کنیم، جرئت رویاپردازی به خود می‌دهیم تا راه خودمان را در مسیر تاریخ به سوی خیالپردازی در مورد آینده بیابیم.»

تلاش برای موسیقی اپرا و نمایشی از اوایل قرن بیستم در تبریز عمدتاً به دلیل ارتباط و رفت و آمد با نواحی قفقاز شکل گرفت. در همین ارتباط کیهان لندن با نازلی طباطبایی خاتم‌بخش کارگردان و نویسنده و استاد و پژوهشگر تئاتر و اپرا گفتگو کرده است.

● لطفاً در مورد خودتان و تحصیلات و فعالیت کنونی‌تان توضیح دهید؟

-من یک محقق هنری در مدرسه موسیقی و نمایش گیلدهال، در باربیکن لندن و اولین دانشجوی دکترام هستم که موضوع پژوهش‌ام بر متن اپراها متمرکز است. ولی چون در حال گذراندن بخشی از تحصیلاتم نیز هستم، آن را به صورت نیمه‌وقت انجام می‌دهم. هم‌زمان، استاد نویسندگی دراماتیک در اپرا در مقطع کارشناسی ارشد در گیلدهال هستم. این رشته‌ای به مدیریت جولیان فیلپس آهنگساز و استفان پلیس نویسنده است. تدریس من بطور مساوی متمرکز است بر انجام تمرین‌های عملی و نیز به کار بستن اصول نمایش‌نویسی به عنوان یک شیوه هنری. همچنین در حال نوشتن یک اپرای «کارمن» جدید هستم که قرار است در آینده اتفاق بیافتد. در این اپرا، سازمان اپرای ایران که محل آن نقش مهمی در تصویرسازی اپرایم دارد دوباره زنده می‌شود. من بر سر یک دوراهی هستم که آیا محل وقوع رویدادهای «کارمن» جدید را در تبریز بگذارم یا در تهران، یعنی در محل تئاتر تخریب شده شیروخورشید معروف به ارگ.

● محتوای تحقیق شما چیست؟

-باید اول بگویم که من مورخ نیستم بلکه تاریخ بیشتر برایم بستر تغذیه نوشته‌ها و سوخت رویاپردازی‌های جدید و بی‌پروا برای زندگی انسانی در جامعه‌ای متنوع و متکثر است. در این نوع جامعه به تخیل هنری به اندازه نیازهای اساسی انسان ارزش داده می‌شود.

بخشی از تحقیق من در مورد فعالیت‌های تئاتری و اپرایی در تبریز در اوایل قرن بیستم است. تبریز به عنوان یکی از کانون‌های اصلی پیدایش جنبش مشروطیت، همیشه حضور پررنگی در فرهنگ پیشرو ایران داشته است. مجاورت با روسیه و بخش‌های مترقی فرهنگی و هنری آن جامعه و از طریق روسیه ارتباط با اروپا، باعث شده که تبریز در اغلب موارد چند قدم جلوتر از سایر نقاط ایران حرکت کند.



# بازداشت «۹ مأمور خاطی» در پی قتل یک کودک پنج ساله در ايرانشهر



یوسف شهلی‌بر

خشم شدید مردم را در پی داشت. در واکنش به این مسئله، علی رحیمی معاون اجتماعی انتظامی سیستان و بلوچستان نیز در دیدار با خانواده یوسف ادعا کرد که «دستگاه قضایی و انتظامی پیگیر این پرونده هستند».

همچنین رحمدل بامری نماینده ايرانشهر در مجلس شورای اسلامی با تأیید بازداشت تعدادی از مأموران تیراندازی را نتیجه «یک تعقیب و گریز اشتباه» دانست اما مدعی شد که هنوز مشخص نیست شلیک از سوی مأموران نیروی انتظامی بوده یا ماشین دیگری در حادثه نقش داشته است!

منابع محلی می‌گویند یگان تکاوری نیروی انتظامی را مسئول مستقیم تیراندازی به ماشین خانواده شهلی‌بر هستند.

در واکنش به این حادثه، چندین سازمان حقوق بشری از جمله «کمپین فعالین بلوچ» با انتشار بیانیه‌ای مشترک، این تیراندازی را محکوم کرده و آن را بخشی از «خشونت سیستماتیک علیه مردم بلوچستان، به ویژه کودکان بلوچ» دانسته‌اند.

بر اساس این بیانیه، شامگاه دوشنبه ششم اسفند ۱۴۰۳ ماشین حامل خانواده شهلی‌بر در منطقه چاه‌جمال شهرستان ايرانشهر «بدون هشدار قبلی» هدف تیراندازی مأموران یگان تکاوری نیروی انتظامی قرار گرفت.

در این تیراندازی یوسف شهلی‌بر جان باخت و مادر او، مریم شهلی‌بر، که باردار بود، به شدت مجروح شد و جنین خود را از دست داد.

مسلمانان در مدرسه خود در این جهت حرکت کرده است. او خارج از کلاس‌های این مدرسه در کلاس‌های تمرین فرانسه نیز شرکت داشت.

فرهنگ بخش مهمی از چیزی است که به معنای انسان بودن است. فرهنگ جایی است که ما ایرانی فکر می‌کنیم و جایی است که تجدید قوا می‌کنیم، جرئت رویاپردازی به خود می‌دهیم تا راه خودمان را در مسیر تاریخ به سوی خیل‌پردازی در مورد آینده بیابیم.

● در پی تیراندازی نیروهای امنیتی در استان سیستان و بلوچستان به اتومبیل یک خانواده بلوچ در ايرانشهر و کشته شدن یوسف شهلی‌بر کودک پنج ساله، مقامات قضایی جمهوری اسلامی ادعا کردند ۹ مأمور بازداشت شده‌اند.

● خبرگزاری ایسنا ۱۲ اسفند ۱۴۰۳ به نقل از مهدی شمس‌آبادی دادستان زاهدان، گزارش داد «این ۹ مأمور خاطی» در ارتباط با کشته شدن این کودک بازداشت شده‌اند و وعده داد که «برخورد لازم صورت خواهد گرفت».

● رحمدل بامری نماینده ايرانشهر در مجلس شورای اسلامی با تأیید بازداشت تعدادی از مأموران، تیراندازی را نتیجه «یک تعقیب و گریز اشتباه» دانست اما مدعی شد که هنوز مشخص نیست شلیک از سوی مأموران نیروی انتظامی بوده یا ماشین دیگری در حادثه نقش داشته است!

در پی تیراندازی نیروهای امنیتی در استان سیستان و بلوچستان به اتومبیل یک خانواده بلوچ در ايرانشهر و کشته شدن یوسف شهلی‌بر کودک پنج ساله، مقامات قضایی جمهوری اسلامی ادعا کردند ۹ مأمور بازداشت شده‌اند.

خبرگزاری ایسنا ۱۲ اسفند ۱۴۰۳ به نقل از مهدی شمس‌آبادی دادستان زاهدان، گزارش داد «این ۹ مأمور خاطی» در ارتباط با کشته شدن این کودک بازداشت شده‌اند و وعده داد که «برخورد لازم صورت خواهد گرفت».

کشته شدن این کودک در استان سیستان و بلوچستان داشتند. بنیان تئاتر در تبریز توسط آنها گذاشته شد. شیخ مخمد خیابانی هم به تئاتر علاقه داشت و بر این عقیده بود که از دلایل پیشرفت فرهنگی است.

علاوه بر این، به دلیل مجاورت با روسیه، آموزش و پرورش نوین هم در تبریز رزودتر از مناطق و شهرهای دیگر ایران راه افتاد. سوادآموزی به دختران از تبریز شروع شد. از جمله مادر مادر بزرگ من به نام سکینه مصباح طباطبائی- یک اشراف‌زاده قاجار- با استخدام زنان ارمنی در کنار زنان

→ در اپرا می‌توان روایت‌های نوینی خلق کرد که به زندگی تماشاگران نزدیک باشد؛ اپرا تجربه زنده‌ای است که صدها نفر برای هزاران نفر اجرا می‌کنند. اضافه کنم که تک‌خوانی از طریق اجرای «آریا»، به عنوان یک بیان انسانی، می‌تواند احساساتی مانند عشق عمیق را به تماشاگران منتقل کند که با شرایط انسانی مطابقت دارد.

● از کدام چهره‌های مهم تئاتر و اپرا در اوایل قرن بیستم در تبریز می‌توان نام برد؟

-فعالیت پژوهشی من در بریتانیا انجام می‌شود ولی با هنرمندان و اندیشمندانی که خود را فعالان ایرانی می‌دانند و مستقر در ایران، آلمان و بلژیک هستند رابطه دارم. تمرکز بر آثار هنرمندان و نویسندگانی معاصر است مانند فروغ فرخزاد، صادق هدایت، میرزاده عشقی، شیرین نشاط، مرجانه ساتراپی، امیررضا خوهستانی، نسیم سلیمان پور، نگمه معنوی، نقمه غینی، کیوان سرشته و احسان حصه که در تبریز زندگی می‌کنند.

اما در مورد ریشه‌های اپرا و تئاتر در تبریز باید بگویم که در سال ۱۸۶۹ تعداد زیادی نوعی نمایش در این شهر روی صحنه رفت که می‌توان آنها را ادامه و تکامل هنر سنتی نقالی دانست. این نقالی‌های نوین در همراهی با موسیقی عاشق‌های آذری در همکاری با نوازندگان سازهای مختلف اجرا می‌شدند که حاوی روایات معنوی و نیز زندگی روزمره مردم عادی بودند.

تئاتر عروسکی در تبریز در حوالی سال ۱۹۰۷ قبل از شروع تئاتر ماریونت، قره گز (سیاه‌چشم) نامیده می‌شد و ریشه‌های آن در ترکیه کنونی و یا عثمانی آن زمان بود. زیبایی‌شناسی این تئاتر متشکل از سایه و موسیقی است و بیشتر از همه در ایام مذهبی مانند رمضان اجرا می‌شد. در ضمن باید یادآوری کنم که دهه‌های قبل از این تئاتر عروسکی «بهلولان کچل» که «شاه سلیم» هم نامیده می‌شود، در شکل دستکش‌های عروسکی اجرا می‌شد. اما شواهد اینگونه تئاتر در ایران، در جمهوری آذربایجان و کلاً در قفقاز مورد مناقشه است.

با برآمدن طنزنویسی، به ویژه در روزنامه‌نگاری، در فصل مربوط به علی قیصری آمده است که «مستبدان جهان، متحد شوید!» منبع این گفته در کتاب «طنز در مطبوعات مشروطیت: مجله استبداد ۱۹۰۷-۱۹۰۸» است. این فصل بخشی از مجموعه‌ای است دارای نویسندگان متعدد که توسط پرویز بروکشاو جمع‌آوری و تدوین شده. اینهمه دوره‌های جدید در تحقیقات من است و می‌خواهم بیشتر یاد بگیریم و با آثار پژوهشگرانی که در زمینه اپرا در ایران با تمرکز بر تبریز کارهایی انجام داده‌اند بیشتر آشنا شوم.

● به نظر شما این فرهنگ در تبریز که شامل تئاتر و اپرا در اوایل قرن بیستم می‌شد، در پیدایش جنبش مشروطیت نقش داشت؟

-در پاسخ به این پرسش شما اسامی چهره‌هایی در تبریز را خواهم آورد که نقش مهمی در ایجاد تئاتر و اپرا در اوایل قرن بیستم داشته‌اند. پدر من دکتر محمدتقی طباطبائی در تز دکتری خودش در مورد نقش شیخ محمد خیابانی و جنبش دموکراتیک آذربایجان در تاریخ اجتماعی- سیاسی ایران ۱۹۲۰-۱۹۱۰ در مورد پدرش میرزا محمد تقی طباطبائی خاتمه‌بخش که نماینده مجلس از طرف حزب سوسیال دموکراتیک بود، می‌گوید که او در جنبش مشروطیت و در قیام شیخ محمد خیابانی شرکت داشته است.

در این دوره امیرخیزی و میرزا علی اصغر خان سرتیپ زاده در تبریز در نهادهای فرهنگی مسئولیت‌های مهمی

# رشد اقتصادی ایران بر اساس آمار رسمی در پاییز امسال به ۱/۶ درصد رسید؛ سناریوهای تکاندهنده اقتصادی در سال آینده



سناریوی واقع‌بینانه عنوان شده رشد اقتصادی را بین ۱/۵ تا ۲/۵ درصد برآورد می‌کند.

بر اساس نظرات کارشناسان واقع‌بین در این حالت، تولید نفت در سطح فعلی یعنی ۳/۱ میلیون بشکه در روز باقی می‌ماند، چون فشارهای آمریکا بر خریداران نفت ایران تشدید می‌شود و صادرات به سختی حفظ می‌شود. بخش نفت رشدی بین ۲ تا ۳ درصد خواهد داشت، اما نمی‌تواند موتور محرکه قوی‌تری باشد. بر اساس گمانه‌زنی‌ها بخش غیرنفتی هم با رشد متوسط ۲ درصد پیش می‌رود.

در سناریوی واقع‌بینانه بخش خدمات با رشد ۲/۵ درصدی، به لطف فعالیت‌های تجاری داخلی و منطقه‌ای، کمی تاب‌آوری نشان می‌دهد، اما کشاورزی به دلیل خشکسالی‌های شدید و کمبود نهاده‌ها رشد صفر یا منفی یک درصدی را تجربه می‌کند. تورم در این سناریو در محدوده ۳۵ درصد باقی می‌ماند و رشد نقدینگی حدود ۳۰ درصد است؛ وضعیتی که قدرت خرید خانوارها را بیشتر تضعیف می‌کند.

سناریوی بدبینانه اما پیش‌بینی می‌کند که اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴ با بحران‌هایی عمیق‌تر از امسال روبرو شود. بر اساس این سناریو نه تنها تولید نفت به زیر ۳ میلیون بشکه می‌رسد، بلکه تورم هم با جهش به بالای ۴۰ درصد، فشار را بیشتر می‌کند. در نتیجه بخش نفت رشد صفر یا منفی ۲ درصدی را تجربه می‌کند و درآمدهای ارزی به شدت کاهش می‌یابد. برآورد بدبینانه کارشناسان حاکی از این است، تورم در سال آینده به بالای ۴۰ درصد می‌رسد، چون احتمال دارد کسری بودجه ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت با چاپ پول جبران شود و در این صورت رشد نقدینگی به ۳۵ درصد صعود می‌کند و سبب تحریک بیش از پیش تورم خواهد شد.

این جهش تورمی، هزینه‌های تولید را بالا می‌برد و حاشیه سود صنایع را نابود می‌کند. بخش صنعت و خدمات هر دو زیر یک درصد رشد می‌کنند و کشاورزی با کاهش ۲ تا ۳ درصدی مواجه می‌شود؛ بحرانی که با تشدید کم‌آبی و ناترازی انرژی عمیق‌تر خواهد شد.

سناریوی خوش‌بینانه، واقع‌گرایانه و بدبینانه برای اقتصاد ایران در سال آینده را مطرح کرده است.

سناریوهای خوش‌بینانه درباره روند رشد اقتصادی در سال آینده نشان می‌دهد حتی اگر شرایط به سود جمهوری اسلامی بچرخد باز هم قرار نیست رشد اقتصادی هشت درصدی در سال ۱۴۰۴ تحقق یابد.

در این سناریو اقتصاد ایران می‌تواند در سال ۱۴۰۴ به رشدی بین ۲/۵ تا ۴ درصد دست یابد. این سناریو فرض می‌کند که تولید نفت با افزایش ۲۰۰ هزار بشکه‌ای به ۳/۳ میلیون بشکه در روز برسد؛ اتفاقی که به لطف تقاضای پایدار چین و هند و مهارت ایران در دور زدن تحریم‌ها برای فروش نفت ممکن خواهد بود. در این سناریو، احتمالاً بخش نفت رشد ۵ تا ۶ درصدی خواهد داشت و درآمدهای ارزی اندکی بهبود می‌یابد.

در سناریوی خوش‌بینانه میزان رشد اقتصادی بخش غیرنفتی که حدود ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی ایران را تشکیل می‌دهد نیز سه درصد ارزیابی شده است. این در حالیست که همچنان رکود تورمی در سال آینده تداوم خواهد داشت و از سوی دیگر کارشناسان حوزه انرژی تأکید دارند که کمبود شدید برق و گاز در طول سال آینده جبران نخواهد شد و در نتیجه بخش صنعت و تولید و کشاورزی قربانیان کمبود انرژی بوده و با جیره‌بندی انرژی روبرو می‌شوند!

در سناریوی خوش‌بینانه همچنین جذب حداقل ۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی از کشورهای مثل عراق و عمان به عنوان نیاز رسیدن به رشد ۳/۵ تا ۴ درصدی عنوان شده اما با وجود تداوم تحریم‌ها و برنامه دولت دونالد ترامپ برای فشار حداکثری نیز جذب سرمایه‌گذاری خارجی از کشورهای مثل عراق و عمان، و حتی هم‌گیمانان حکومت مثل روسیه و چین نیز امکان‌پذیر به نظر نمی‌رسد.

در حالی که شرایط داخلی اقتصاد و بحران‌های خارجی جمهوری اسلامی تقریباً سناریوی خوش‌بینانه را غیرعملی نشان می‌دهد، سناریوی دیگری که از سوی کارشناسان

● رشد اقتصادی در پاییز امسال به ۱/۶ درصد رسیده که کمترین میزان از زمستان ۱۳۹۹ تا کنون بوده است. این رقم برای پاییز سال ۱۴۰۲ معادل ۵/۱ درصد اعلام شده بود که بیانگر سقوط در رشد اقتصادی کشور است.

● در برنامه پنجساله هفتم توسعه رشد اقتصادی هشت درصدی هدف‌گذاری شده و رهبر جمهوری اسلامی نیز طی ماه‌های گذشته بارها بر امکان‌پذیر بودن رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصدی با وجود همه موانع داخلی و تحریم‌ها تأکید کرده است!

● کارشناسان بحران کمبود انرژی، تحریم‌ها، کاهش صادرات نفت، کاهش سرمایه‌گذاری، تورم و افزایش هزینه‌های تولید را از عوامل کاهش رشد اقتصادی می‌دانند.

رشد اقتصادی در پاییز امسال بر اساس آمار رسمی به ۱/۶ درصد رسیده که کمترین میزان از زمستان ۱۳۹۹ تا کنون بوده است. بحران کمبود انرژی و قطع پی‌دربی انرژی واحدهای تولیدی و صنعتی در کنار رکود تورمی مزمین سبب کاهش سطح تولید و تجارت ایران شده است.

بر اساس گزارش‌های رسمی مرکز آمار ایران، رشد اقتصادی در پاییز امسال به ۱/۶ درصد رسیده که کمترین میزان از زمستان ۱۳۹۹ تا کنون بوده است. این رقم برای پاییز سال ۱۴۰۲ معادل ۵/۱ درصد اعلام شده بود که بیانگر سقوط در رشد اقتصادی کشور است.

کارشناسان بحران کمبود انرژی، تحریم‌ها، کاهش صادرات نفت، کاهش سرمایه‌گذاری، تورم و افزایش هزینه‌های تولید را از عوامل کاهش رشد اقتصادی می‌دانند.

از سوی دیگر در برنامه پنجساله هفتم توسعه که هم‌اکنون نخستین سال آن سپری می‌شود رشد اقتصادی هشت درصدی هدف‌گذاری شده بود و رهبر جمهوری اسلامی نیز طی ماه‌های گذشته بارها بر امکان‌پذیر بودن رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصدی با وجود همه موانع داخلی و تحریم‌ها تأکید کرده است!

وبسایت «اقتصاد آنلاین» بر پایه نظرات کارشناسان سه



## نظرسنجی جدید «ارفی»: ایرانیان چه می‌خواهند؟



شرکت‌کنندگان را می‌گیرد. به پاسخ‌دهندگان اطمینان داده شده که شرکت آنها بطور ناشناس است و آنها نباید هیچگونه اطلاعات شخصی خود را ذکر کنند. تمرکز این سیاست‌سنجی یا «پولیت‌متر» بر موقعیت جمهوری اسلامی، وضعیت اعتراضی در ایران و جایگاه برخی افراد اپوزیسیون است.

از جمله پرسش‌هایی که در نظرسنجی جدید «ارفی» مطرح شده، پاسخ آری یا نه به جمهوری اسلامی، بازگشت رضا پهلوی به ایران، احتمال شرکت در تظاهرات و اعتصابات، مشارکت در نافرمانی مدنی، حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی و سپاه پاسدارانش و تمایل پاسخ‌دهندگان به افراد سیاسی و مدنی و رسانه‌ای است که از آنها در پرسش‌های مربوطه نام برده شده است. همچنین یکی از پرسش‌ها مربوط به اولویت‌های سیاسی و اجتماعی شرکت‌کنندگان است. «موسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (ارفی) تا کنون چندین نظرسنجی با عناوین و مضامین مختلف سیاسی و اجتماعی انجام داده که نتایج آنها بر رویدادهای ایران و همچنین مسیری که جامعه در پیش گرفته مطابقت داشته است.

● «موسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (ارفی) در ادامه فعالیت‌های خود اقدام به یک نظرسنجی تازه در ارتباط با بینش سیاسی ایرانیان کرده است. این نظرسنجی که به تازگی بطور آنلاین آغاز شده، شامل ۷ پرسش کلی برای ارزیابی‌های کلی و ۱۳ پرسش درباره موضوعات سیاسی روز است.

● «ارفی» تا کنون چندین نظرسنجی با عناوین و مضامین مختلف سیاسی و اجتماعی انجام داده که نتایج آنها بر رویدادهای ایران و همچنین مسیری که جامعه در پیش گرفته مطابقت داشته است.

«موسسه پژوهش و پیش‌بینی تجربی» (ارفی) در ادامه فعالیت‌های خود اقدام به یک نظرسنجی تازه در ارتباط با بینش سیاسی ایرانیان کرده است. این نظرسنجی که به تازگی بطور آنلاین آغاز شده، شامل ۷ پرسش کلی برای ارزیابی‌های کلی و ۱۳ پرسش درباره موضوعات سیاسی روز است.

«ارفی» خود را متشکل از «پژوهشگران مستقل» معرفی می‌کند که «به هیچ نهاد دولتی و یا غیردولتی وابستگی» ندارد. انجام این نظرسنجی حدود پنج دقیقه از وقت

از سوی دیگر وجود شوک‌های خارجی مثل کاهش قیمت جهانی نفت به زیر ۶۰ دلار یا تنش‌های نظامی هم می‌تواند این سناریو را محتمل‌تر کند. در این حالت، نرخ تشکیل سرمایه ثابت تا منفی ۵ درصد سقوط می‌کند و اقتصاد عملاً در رکود نسبی فرو می‌رود؛ وضعیتی که پیامدهای اجتماعی و اقتصادی سنگینی برای کشور به دنبال خواهد داشت.

اقتصاد ایران در سال جاری چند شوک از جمله دو برابر شدن قیمت ارز طی شش ماه و بحران شدید کمبود انرژی داشته است. تورم هم روند افزایشی خود را طی کرده و تورم ماهانه در بهمن‌ماه به رقم کم‌سابقه ۴/۱ درصد رسیده است. رشد اقتصادی سال آینده بدون شک متأثر از شوک‌هایی خواهد بود که اقتصاد ایران در ماه‌های گذشته با آن روبرو بوده است. کارشناسان معتقدند هرچه شوک‌های منفی وارده به ساختار اقتصادی بیشتر باشد، آثار شوک‌ها نیز ماندگارتر است و امکان برگشت به تعادل اولیه را دشوارتر می‌کند.

در همین رابطه حسن درگاهی استاد اقتصاد سیاسی در یادداشتی در روزنامه «دنیای اقتصاد» نوشته در شرایط تداوم نوسانات و شوک‌های کوتاه‌مدت به تدریج مهارت‌ها از بین می‌رود و انگیزه کارجویان و سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و نوآوری کاهش و پدیده عجیب پسرقت فناوری اتفاق می‌افتد. رفتارهای مصرف و پس‌انداز نیز در شرایط تداوم نااطمینانی تحت تاثیر قرار می‌گیرد؛ به طوری که منابع از تولید به بازار دارایی‌های غیرمولد انتقال می‌یابد و سرمایه‌های فیزیکی مستهلک و سرمایه‌گذاری جدید معناداری اتفاق نمی‌افتد.»

این یادداشت افزوده «در چنین شرایطی هدررفت سرمایه‌های انسانی با تشدید مهاجرت، اشاعه بی‌انگیزگی نسل جوان و فعال، گسترش آسیب‌های اجتماعی به دلیل فقر و نابرابری، گسترش فساد و رانت، تخریب منابع زیست محیطی، همگی منجر به دو رخداد مهم استهلاک سرمایه‌ها از یک‌سو و کاهش بهره‌وری سرمایه از سوی دیگر می‌شود. به این دلیل است که روند اولیه بلندمدت تولید دست‌نیافتنی می‌شود یا به عبارت دیگر، روند تولید بالقوه به سمت پایین انتقال می‌یابد.»

حسن درگاهی نوشته «تجربه نشان می‌دهد که دولت نیز در چنین شرایطی توان ثبات‌سازی اقتصاد را ندارد؛ زیرا منابع درآمدی دولت با گسترش رکود داخلی، توسعه اقتصاد غیررسمی و شوک‌های منفی خارجی کاهش و مخارج آن به دلیل گسترش اقتصاد پارانهای همراه با اختلال در نظام قیمت‌ها افزایش می‌یابد. نتیجه چنین وضعیتی کاهش شدید کیفیت خدمات عمومی دولت و افزایش مستمر کسری بودجه است که باید از طریق انتشار پول یا اوراق تامین مالی شود. گاهی نیز از روی استیصال به دنبال روش‌های شوک درمانی می‌رود که مجدداً با افزایش انتظارات تورمی در شرایط نااطمینانی، حلقه تقویت‌شونده رکود و تورم تشدید می‌شود.»

شرایطی که حسن درگاهی آن را توصیف کرده دقیقاً شرایطی است که این روزها اقتصاد ایران با آن دست و پنجه نرم می‌کند. در چنین شرایطی نه تنها رشد اقتصادی هشت درصدی که علی‌خامنه‌ای بارها بر آن تأکید کرده «توهم» به نظر می‌رسد بلکه می‌توان ارزیابی کرد اقتصاد ایران در مسیر رسیدن به مرحله فروپاشی قرار گرفته است. تنها راه نجات جمهوری اسلامی نیز نشست پای میز مذاکره با دونالد ترامپ به امید برداشته شدن تحریم‌ها است؛ موضوعی که به گفته مسعود پزشکیان، با خواست علی‌خامنه‌ای، دست‌کم فعلاً، منتفی است!

## دریای شیطان



هواییامی جنگی گم شد. هنگامی که ۴ ژانویه ۱۹۵۵ کشتی ژاپنی شینبو مارو شماره ۱۰ در نزدیکی جزیره آتشفشانی مسکونی میکوراچیمبا در ۲۰۰ کیلومتری جنوب توکیو در حال حرکت بود، ارتباط خود را از دست داد، روزنامه‌های ژاپنی به ناحیه دریایی جنوب توکیو لقب «دریای شیطان» دادند.

اوت ۱۹۴۵ خلبان یک هواییامی نظامی میتسوبیشی AFM Zero نیروی دریایی امپراتوری ژاپن در حال عبور از منطقه‌ای در اقیانوس آرام در جنوب توکیو، آخرین حرف‌هایی که در پیام خود گفت این بود «چیزی در آسمان در حال رخ دادن است... آسمان در حال باز شدن است». پس از آن این



## اعتراض فعالان محیط زیست به صدور مجوز ۵۰۰ هزار لیتر مازوت برای کوره‌های آجرپزی یزد



نابود شده.»

جواد آذرنگار فعال رسانه‌های ساکن یزد نیز گفته تمامی کوره‌های اطراف یزد در سال‌های اخیر گازسوز شده‌اند: «تعدادی از این کوره‌ها برای خود مخزن سوخت دوم تهیه کردند که در صورت نبود گاز، بتوانند از گازوئیل استفاده کنند. اما در حال حاضر به‌خاطر ارزان‌ی و در دسترس بودن و از سوی دیگر، به‌دلیل ناترازی و کمبود سوخت از مازوت استفاده می‌کنند.»

روزنامه «بشارت یزد» در گزارشی درباره صدور مجوز مازوت‌سوزی برای کوره‌های آجرپزی این شهر نوشته مشخص نیست «ستاد تسهیل و رفع موانع تولید» که وظیفه اصلی آن «بررسی و اتخاذ تصمیم جهت سیاست‌گذاری، اصلاح ضوابط و مقررات و اتخاذ تصمیم در سطوح ملی و استانی برای رفع موانع تولید، تسهیل امور سرمایه‌گذاری، تولید و صادرات و واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز بخش تولید با رعایت قوانین مربوطه» است، چرا اقدامی کاملاً ضد محیط زیستی و برخلاف قانون که بر سلامتی مردم یزد نیز تاثیر مستقیم و مخربی دارد، انجام داده است! آن‌هم در استانی که ریشه بسیاری از بیماری‌های شایع در آن، خصوصاً بیماری‌های قلبی و عروقی و انواع سرطان‌ها، ناشی از آلودگی هواست و در این زمینه متأسفانه یزد در موارد متعددی رکورددار کشور است.

بحران کمبود انرژی امسال نسبت به سال‌های پیشتر تشدید شده است. دولت نه تنها در تأمین گاز مورد نیاز صنایع مختلف ناتوان بوده بلکه تولید برق نیز با کاهش شدیدی روبرو شده و در عمل از ابتدای سال تا کنون برق در بخش خانگی، صنعتی و کشاورزی جیره‌بندی شده است. جیره‌بندی انرژی اما نتوانسته کمبود را جبران کند و همین موضوع سبب تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات و بانک‌ها در شهرهای مختلف کشور شده است. در

سایر آلاینده‌ها شامل NOX به‌میزان (۲۶/۶۵ درصد)، SO2 به‌میزان (۹۸/۹۹ درصد) و SPM به‌میزان (۷۶/۷۰ درصد) کاهش یافت.

تیرماه سال ۱۳۹۷ نیز محمدرضا کوچک‌زاده معاونت وقت نظارت و پایش اداره کل حفاظت محیط زیست استان یزد خبر از تجهیز ۹۰ کوره آجرپزی یزد به سیستم کنترل آلاینده‌ی داد. او به خبرنگاری «فارس» گفته بود که «۸۰ درصد صنایع استان از جمله اکثریت کوره‌های آجر دستی و صنعتی در مسیر جاده یزد اردکان قرار دارند و ما میزان نفت مصرفی کوره‌های آجرپزی را از ۱۲۱ میلیون لیتر در سال ۸۹ به ۲۸ میلیون لیتر کاهش داده و موفق شده‌ایم تا ۹۵ درصد کوره‌های آجرپزی را به شبکه گاز متصل سازیم.»

با این‌همه در پی تشدید بحران کمبود انرژی در ماه‌های گذشته، مجوز استفاده از سوخت مازوت در ۱۵ کوره صادر شده که با واکنش فعالان محیط زیست همراه شده است. عباس هاشمی دبیر تشکل‌های محیط زیستی استان یزد گفته «قدیم‌ها هر چه به دستشان می‌آمد، می‌سوزاندند؛ از لاستیک گرفته تا مازوت و هر چیز دیگر. مدتی وضع بهتر شد و تعدادی کوره گازسوز شدند، اما حالا دوباره به گذشته برگشته‌ایم.»

عباس هاشمی افزوده «در محدوده شهر یزد ۳۰۰ کوره آجرپزی داریم. این کوره‌ها نهایتاً در فاصله ۴۰ کیلومتری شهر قرار دارند و باد غالب هم به‌سمت شهر است. میزان آلاینده‌ی این کوره‌ها در سال‌های گذشته مشکل اساسی ما بوده است.»

دبیر تشکل‌های محیط زیستی استان یزد گفته «این دستور توسط ستاد تسهیل و رفع موانع تولید صادر شده و حتماً در این جلسه یکی از نمایندگان سازمان حفاظت محیط زیست حضور داشته است. وضعیت آلودگی‌ها واقعاً بحرانی است. برف می‌بارد، اما سیاه است. زمین سیاه است. همه‌جا

● «ستاد تسهیل و رفع موانع تولید» در اقدامی عجیب مجوز استفاده از ۵۰۰ هزار لیتر مازوت برای ۱۵ کوره آجرپزی شهر یزد را صادر کرده است.

● کوره‌های آجرپزی شهر یزد در اواخر دهه ۸۰ و با ایستادگی و درخواست فعالان محیط زیست گازسوز شدند اما اکنون دولت دوباره آنها را به سوی مازوت‌سوزی کشانده است.

● دولت نه تنها در تأمین گاز مورد نیاز صنایع مختلف ناتوان بوده بلکه تولید برق نیز با کاهش شدیدی روبرو شده و در عمل از ابتدای سال تا کنون برق در بخش خانگی، صنعتی و کشاورزی جیره‌بندی شده است.

● جیره‌بندی انرژی اما نتوانسته کمبود را جبران کند و همین موضوع سبب تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها و ادارات و بانک‌ها در شهرهای مختلف کشور شده است. در یک ماه گذشته، ۲۶ استان کشور دست‌کم ۱۱ روز تعطیلی اجباری داشته‌اند.

صدور مجوز استفاده از ۵۰۰ هزار لیتر مازوت برای ۱۵ کوره آجرپزی یزد و آلودگی ناشی از آن با واکنش فعالان محیط زیست روبرو شده است.

«ستاد تسهیل و رفع موانع تولید» در اقدامی عجیب مجوز استفاده از ۵۰۰ هزار لیتر مازوت برای ۱۵ کوره آجرپزی شهر یزد را صادر کرده است.

بر اساس گزارش‌ها ۳۰۰ کوره آجرپزی در محدوده شهر یزد فعال هستند و همه این کوره‌ها در اواخر دهه ۸۰ و با ایستادگی و درخواست فعالان محیط زیست باعث شد این کوره‌ها گازسوز شوند.

آمارها نشان می‌دهد از ابتدای گازسوز شدن کوره‌های آجرپزی استان یزد -از سال ۸۷ تا پایان شهریورماه سال ۱۳۹۱- انتشار گاز CO2 به‌میزان (۲۹/۲۷ درصد)، انتشار



## بسیاری از بیماران مبتلا به سرطان به علت گرانی دارو، درمان را متوقف می‌کنند



در این گزارش آمده فقر در میان مبتلایان به سرطان، متاستاز داده؛ گروهی از بیماران که تعدادشان کم نیست، با هزینه‌های کمرشکن درمان مواجه شده‌اند. آنها در مسیر، یا از ادامه درمان منصرف می‌شوند یا از همان ابتدا با اعلام تعرفه اولین آزمایش، دست می‌کشند و به خانه می‌روند.

بحران تأمین هزینه دارو و درمان برای بیماران مبتلا به سرطان و دیگر بیماری‌های خاص یا صعب‌العلاج مدت‌هاست گزارش می‌شود اما وزارت بهداشت نتوانسته هیچ برنامه حمایتی برای این بیماران تدوین و اجرایی کند. موسسات خیریه‌ای هم که از سال‌ها پیش برای کمک به بیماران کم‌درآمد فعال بودند حالا با موجی از مراجعان روبرو هستند و منابع مالی این خیریه‌ها کفاف حمایت از همه بیماران نیازمند را نمی‌دهد.

علیرضا وارسته مدیرعامل موسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان خراسان هفته آخر بهمن‌ماه امسال با اشاره به افزایش قیمت دارو، از انصراف برخی خانواده‌ها از درمان سرطان کودکان به دلیل مشکلات مالی خبر داده بود. یاشا مخدومی رئیس انجمن رادیوآنکولوژی ایران نیز پیشتر گفته بود که داروهای جدید سرطان وارد فهرست بیمه‌ها نشده‌اند؛ داروهایی که هر بار ۱۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان هزینه دارد.

علی قنبری‌مطلق رادیوآنکولوژیست و رئیس سابق اداره سرطان وزارت بهداشت در توضیحاتی گفته «در بخش درمان، هزینه‌های کمرشکن تعریف شده؛ هزینه‌ای کمرشکن است که بیش از یک‌سوم هزینه‌های خاص، صرف یک مورد خاص شود. اگر شخصی ۳۰ میلیون تومان در ماه درآمد دارد و بیش از ۱۰ میلیون تومان را صرف درمان بیماری‌اش می‌کند، این فرد دچار هزینه‌های کمرشکن درمان شده است. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده از سوی سازمان بهداشت جهانی در ارتباط با وضعیت ایران،

● **بحران تأمین هزینه درمان برای بیماران مبتلا به سرطان و دیگر بیماری‌های خاص یا صعب‌العلاج مدت‌هاست گزارش می‌شود اما وزارت بهداشت نتوانسته هیچ برنامه حمایتی برای این بیماران تدوین و اجرایی کند.**

● **موسسات خیریه‌ای هم که از سال‌ها پیش برای کمک به بیماران کم‌درآمد فعال بودند حالا با موجی از مراجعان روبرو هستند و منابع مالی این خیریه‌ها کفاف حمایت از همه بیماران نیازمند را نمی‌دهد.**

● **«هم‌میهن» گزارش داده گروهی از بیماران که تعدادشان کم نیست، با هزینه‌های کمرشکن درمان مواجه شده‌اند. آنها در مسیر، یا از ادامه درمان منصرف می‌شوند یا از همان ابتدا با اعلام تعرفه اولین آزمایش، دست می‌کشند و به خانه می‌روند.**

● **علیرضا وارسته مدیرعامل موسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان خراسان هفته آخر بهمن‌ماه امسال با اشاره به افزایش قیمت دارو، از انصراف برخی خانواده‌ها از درمان سرطان کودکان به دلیل مشکلات مالی خبر داده بود.**

● **یاشا مخدومی رئیس انجمن رادیوآنکولوژی ایران نیز پیشتر گفته بود که داروهای جدید سرطان وارد فهرست بیمه‌ها نشده‌اند؛ داروهایی که هر بار ۱۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان هزینه دارد.**

افزایش شدید قیمت دارو در ایران سبب تحمیل هزینه‌های کمرشکن به بیماران مبتلا به سرطان شده و گزارش‌ها از «توقف خودخواسته درمان» از سوی برخی مبتلایان به سرطان و دیگر بیماری‌های خاص حکایت دارد. روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی به افزایش هزینه‌های داروی بیماران مبتلا به سرطان پرداخته و به نقل از رئیس سابق اداره سرطان وزارت بهداشت نوشته که ۶۸ درصد از مبتلایان به سرطان دچار هزینه‌های کمرشکن می‌شوند و مردم بیش از ۵۰ درصد هزینه‌های درمان را از جیب‌شان پرداخت می‌کنند.

→ یک ماه گذشته، ۲۶ استان کشور دست‌کم ۱۱ روز تعطیلی اجباری داشته‌اند.

مقامات دولت اما انگشت اتهام را به سوی مردم دراز کرده با ادعای «مدیریت مصرف» به دنبال حل بحران عمیق تأمین انرژی در کشور هستند.

مسعود پزشکیان که چند روز پیش گفته بود برای حل بحران «ناترازی» چوب جادو ندارد و به این شکل از خودش سلب مسئولیت کرده بود، امروز پنجشنبه نهم اسفندماه گفته «در خصوص تأمین برق و گاز صنعت، اشتغال و توسعه‌ای شکل خواهد گرفت که نیازمند برگزاری جلسات آموزشی و نظارت دقیق در مصرف انرژی است.»

مسعود پزشکیان که در نشست با فعالان اقتصادی، کارآفرینان و صنعتگران جنوب غرب استان تهران سخن می‌گفت افزوده «اگر هر یک از ما یک گام در رفتار و عملکرد خود تغییر ایجاد کنیم، به توفیق خواهیم رسید و از بحران‌ها عبور خواهیم کرد.»

رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی افزوده «ما برق اضافه مصرف کرده و گاز هم بد مصرف می‌کنیم و صرفه‌جویی نمی‌کنیم و مصرف ما بیشتر از واقعیات است. شما می‌توانید در صرفه‌جویی به ما کمک کنید؛ به اندازه مصرف کنیم و نه بیشتر.»

اینهمه در حالیست که قطع پی‌درپی برق و گاز بخش صنعت سبب زیان گسترده‌ای به تولید و کشاورزی در ایران شده است.

گزارش شاخص تولید بخش صنعت و معدن در دی‌ماه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۷/۶ درصد کاهش یافته است. قطع پی در پی انرژی از جمله دلایل اصلی کاهش تولید در بخش صنعت ارزیابی شده است.

وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی با اشاره به کاهش سطح تولید در صنعت به علت قطع برق نوشته روند دوباره قطع برق از اواسط آذرماه سال جاری شروع شد. صنایع متعدد از اواسط آذرماه سال جاری، درگیر قطع دو تا سه روزه برق بوده‌اند. موضوعی که اعتراض بسیاری از صنعت‌گران را برانگیخت و موج دوباره استیصال را به صنعت بازگرداند.

در ادامه این گزارش آمده که صنعتگران بارها از معایب و ضررهای قطع مکرر برق در صنایع سخن به میان آورده‌اند، اما گویا گوش شنوایی وجود ندارد. تا جایی که عده‌ای فریادهای آن‌ها را بزرگ‌نمایی قلمداد می‌کنند و درخواست دارند که هیاهویی توسط صنعت‌گران در رسانه‌ها صورت نگیرد. اما بار دیگر آمار گواهی بر کاهش سود صنایع به دنبال قطع مداوم برق است.

قطع برق به اشکال مختلفی به صنایع کشور زیان وارد می‌کند. از یکسو با قطع برق خطوط تولید می‌خوابد و سطح تولید کاهش می‌یابد و از سوی دیگر تهیه موتور برق و ژنراتور به عنوان منبع جایگزین تأمین برق برای صنایع هزینه‌زا بوده است و البته برخی صنایع نیز به دلیل حجم گسترده فعالیت امکان تهیه برق مورد نیاز با موتور برق یا ژنراتور را ندارند.

از سوی دیگر قطع برق سبب تأخیر در تولید و تحویل سفارشات می‌شود که هم سبب تحمیل بار مالی برای جبران خسارت به مشتری و هم سبب از دست رفتن مشتری و بازارهای صادراتی می‌شود.

روشن و خاموش شدن مکرر دستگاه‌ها به دلیل قطع برق، عمر مفید تجهیزات را کاهش داده و هزینه‌های تعمیر و نگهداری را افزایش می‌دهد. این مسئله به ویژه در صنایع سنگین مانند فولاد و پتروشیمی که به تجهیزات گران‌قیمت وابسته‌اند، نمود بیشتری دارد.

## کارزار کارگران در ایران برای افزایش ۷۰ درصدی حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۴

● کارزاری با عنوان «درخواست افزایش ۷۰ درصدی حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۴» از اول اسفندماه راه‌اندازی شده که تا زمان تنظیم این گزارش ۷۷ هزار و ۴۵۶ نفر آن را امضا کرده‌اند.

● در متن این کارزار آمده «معیار ما امضاکنندگان این کارزار برای مزد شرافتمندانه، نه فقط افزایش مزد به میزان تورم سال جاری، بلکه افزایش ۷۰ درصدی حداقل دستمزد برای چیران عقب‌ماندگی مزد از تورم در فاصله سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ است.»

● احمد بیگدلی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی: عده‌ای می‌گویند اگر بیش از حد بخواهیم حقوق‌ها را افزایش دهیم، تورم بالا می‌رود، کارگر، دلال نیست! و طلا و دلار خرید و فروش نمی‌کند که بازار بهم بخورد.

● تورم فزاینده در اقتصاد ایران در کنار بی‌ارزش شدن ارزش واقعی درآمد‌ها به علت کاهش ارزش پول ملی سبب شده فاصله میان هزینه زندگی و رقم دستمزد عمیق‌تر از گذشته شود.

کارگران کارزاری با عنوان «درخواست افزایش ۷۰ درصدی حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۴» را راه‌اندازی کرده‌اند که به بیش از ۷۷ هزار نفر آن را امضا کرده‌اند.

تلاش جامعه کارگری برای تعیین رقمی عادلانه به عنوان حداقل دستمزد سال آینده ادامه دارد. در یکی از تازه‌ترین تلاش‌ها، کارزاری با عنوان «درخواست افزایش ۷۰ درصدی حداقل دستمزد برای سال ۱۴۰۴» از اول اسفندماه راه‌اندازی شده که تا زمان تنظیم این گزارش ۷۷ هزار و ۴۵۶ نفر آن را امضا کرده‌اند.

در متن این کارزار آمده «سال گذشته در کنار هم برای اولین بار جنبشی اجتماعی با هدف رسیدن به دستمزدی عادلانه به راه انداختیم. بیش از صد هزار نفر از شما با امضای کارزار «حداقل دستمزد ۱۵ میلیونی» سکوت مقابل سرکوب دستمزدها را شکستید. صدها نفر از شما در سراسر کشور و از صنایع مختلف در حمایت از این جنبش ویدیوهایی منتشر کردید و هزاران کارگر به واسطه جنبش دستمزد برای اولین بار از وجود نمایندگان کارگران در مذاکرات تعیین دستمزد مطلع شدند.»

در ادامه آمده «هرچند این پیش‌پسین به خواسته قانونی خود که تصویب ۱۵ میلیون به‌عنوان حداقل دستمزد بود نرسید، با این حال نمایش اتحاد ما دستاورد مالی مشخصی داشت. در شروع مذاکرات وزیر وقت کار، آقای مرتضوی، میزان افزایش مورد نظر دولت را ۲۲ درصد اعلام کرده بود و در پایان مذاکرات این عدد به ۳۵ درصد رسید. مهم‌تر اینکه حضور شما و به راه‌انداختن جنبشی اجتماعی علیه

و تارگت‌تراپی برای یک کودک، از ۹۰۰ میلیون تا یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان هزینه می‌برد. تامین این هزینه، برای بیشتر مردم امکان‌پذیر نیست. داروهای جدیدی که برای درمان سرطان معرفی می‌شوند، بسیار گران‌قیمت‌اند. این گزارش افزوده حتی کسانی که برای درمان به بخش دولتی می‌روند هم به سختی از پس هزینه‌ها برمی‌آیند.



یک کارمند با حداکثر حقوق ۳۰ میلیون تومانی، باز هم نمی‌تواند این هزینه‌ها را پرداخت کند.» میلانی می‌گوید، بیشتر افرادی که به موسسه آنها مراجعه می‌کنند، کارگران روزمزد، کشاورزان و افرادی‌اند که شاید حتی بیمه هم نداشته باشند، با دلار ۹۳ هزار تومانی، چطور می‌توان داروهای خارجی ضدسرطان خرید؟ «آخرین مرحله درمان یک بیمار مبتلا به سرطان، پیوند است؛ یعنی زمانی‌که روش‌های شیمی‌درمانی و پرتور درمانی جواب نداده باشد، برای بیمار پیوند انجام می‌شود که دو تا سه میلیارد تومان هزینه می‌برد. قبل از پیوند هم برخی از بیماران به دوره‌های درمانی برای آمادگی بدن نیاز دارند که هزینه آن هم دوونیم میلیارد تومان است.»

محمدرضا احمدی مدیرعامل موسسه خیریه درمان سرطان کودکان در اصفهان هم گفته «قیمت‌ها آنقدر بالاست که اخیراً برای یک بیمار کودک این موسسه، یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان برای یک دوره درمان تخصصی سرطان هزینه شد که خیران این مبلغ را تهیه کردند.»

محمدرضا احمدی افزوده «هزینه‌های درمان بیماران بسیار متفاوت است، بیماری که این ماه هزینه سونوگرافی‌اش ۳۰۰ هزار تومان است، ممکن است ماه بعد ۲۰۰ میلیون تومان هزینه درمانش شود.»

اینهمه در حالیست که آمار بیماران مبتلا به سرطان نیز در ایران رو به افزایش است. آلودگی هوا در بسیاری از کلانشهرها، استرس و شیوه تغذیه غیرمفید از جمله دلایل افزایش آمار سرطان در ایران عنوان شده است.

آخرین آماري که وزارت بهداشت منتشر کرده، حکایت از ابتلای حدود ۱۹۰ هزار مورد جدید بیمار مبتلا به سرطان در کشور دارد که افزایش ۵ درصدی در سال را نشان می‌دهد.

۶۸ درصد از مبتلایان به سرطان دچار هزینه‌های کمرشکن می‌شوند!»

گزارش روزنامه «هم‌میهن» اما جزئیات بیشتری از مشکلات بیماران مبتلا به سرطان برای تأمین هزینه درمان را بازتاب داده است. این گزارش تأکید کرده ۶۸ درصد از مبتلایان به سرطان، به‌دلیل هزینه‌های بالای درمان، دچار هزینه‌های کمرشکن می‌شوند. کمرشکن، یعنی فرد بیش از یک‌سوم درآمدش را صرف هزینه درمان کند. سه دهک اول، از پرداخت این هزینه‌ها عاجزند، چرا؟ چون بیشتر هزینه‌ها به‌جای بیمه‌ها، از جیب بیماران پرداخت می‌شود. بیماران مبتلا به سرطان، هر روز فقیرتر می‌شوند.

مژگان میرحبیبی عضو هیئت مدیره شبکه ملی خیریه‌ها و نیکوکاران به «هم‌میهن» گفته افراد زیادی را می‌شناسد که به دلیل هزینه‌ها، درمان را رها کرده‌اند، آنها حتی توانایی پرداخت تفاوت ۱۰ و ۲۰ درصدی بیمه‌ها را هم ندارند. در روستاها مردم گاو، زمین و... می‌فروشند، قرض می‌گیرند تا درمان شوند. او همچنین گفته در برخی مناطق حتی تخت به اندازه کافی برای شیمی‌درمانی وجود ندارد. در دزفول و اهواز مواردی از این دست فراوان است، به همین دلیل افراد اصلاً مراجعه نمی‌کنند. حتی هزینه رفت و آمد ندارند تا دارو بخرند و درمان شوند. خیلی‌ها در مسیر، از ادامه درمان منصرف می‌شوند.

به گفته عضو هیئت مدیره شبکه ملی خیریه‌ها و نیکوکاران «مشکل اصلی درمان سرطان بزرگسالان است؛ چرا که برای کودکان، موسسات خیریه فراوانی وجود دارد که حمایت‌شان می‌کند. هر چند بیماران زیادی همچنان از درمان عاجزند، مثلاً گفته می‌شود در یکی از بخش‌های بیمارستان کودکان مفید، حدود ۲۵ درصد از کودکان بستری‌شده که به انواع بیماری‌ها مبتلا هستند، به دلیل نداشتن هزینه، ترخیص نمی‌شوند و مددکاری مانده با این بیماران چه کند.»

او توضیح داده که «هزینه‌های درمان بیماران مبتلا به سرطان، بسیار بالاست، روز به روز قیمت داروها بیشتر می‌شود؛ چه داروی بزرگسال و چه داروی کودکان. برخی از موسسات می‌گویند درمان برخی از بیماران در یک ماه، به یک میلیارد تومان هم می‌رسد.»

به گفته مژگان میرحبیبی «گاهی روند ترخیص داروها از گمرک آنقدر طولانی می‌شود که تاریخ مصرف دارو می‌گذرد. ما حتی در گمرک، دستگاه‌های رادیوتراپی هم داریم که یک خبَر به‌صورت رایگان خریده و امضای دو وزیر پای برگه ترخیص آن زده شده، اما گمرک می‌گوید که باید ارزش افزوده آن پرداخت شود تا ترخیص کنند.»

عضو هیئت مدیره شبکه ملی خیریه‌ها و نیکوکاران همچنین به کاهش توان خیریه‌ها برای کمک به همه متقاضیان نیازمند اشاره کرده و گفته «قبلاً موسسه‌های خیریه می‌توانستند ۱۰۰ درصد به بیماران کمک کنند، حالا این میزان به ۵۰ درصد رسیده است. خود وزارت بهداشت اعلام کرده که سال آینده، بسیار سخت خواهد شد. یک خیر همان مبلغ ۱۰۰ میلیون تومانی که حالا پرداخت می‌کند را به موسسه می‌دهد، اما این مبلغ برای سال آینده کافی نیست. به همین دلیل بیماران هم ناچار می‌شوند برای تأمین هزینه‌های درمان‌شان طلا، خانه، ماشین و... را بفروشند؛ البته اگر داشته باشند.»

در بخش دیگری از گزارش «هم‌میهن» آمده که تراپی‌های جدید درمان سرطان، نه بیمه است و نه در دسترس. اینها را جواد میلانی مدیرعامل موسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان استان آذربایجان شرقی به این روزنامه می‌گوید و درباره شرایط سخت خانواده‌ها برای درمان سرطان فرزندان بیمارشان توضیح می‌دهد: «هزینه‌های ایمونوتراپی



محمدعلی ترکاشوند، دبیر اجرایی خانه کارگر شهرستان ری گفته «تورم بالا، با ایده افزایش ۳۵ درصدی مزد و حقوق، مخالفیم زیرا این میزان بسیار ناکافی است و باید بر لزوم ترمیم دستمزدها متناسب با تورم تأکید کرد.»  
علی مقدسی‌زاده، رئیس هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار خراسان جنوبی، گفته «با رقم ۲۳ میلیون تومانی

طی یک ماه باشد اما دولت اصرار دارد که افزایش حقوق متناسب با نرخ تورم و رقمی حدود ۳۵ درصد نسبت به رقم حداقل دستمزد امسال باشد.  
محاسبات تحلیلگران اقتصادی نشان می‌دهد رقم هزینه سبد معیشت یک خانوار سه تا چهار نفره بطور میانگین ۴۰ میلیون تومان در ماه است اما رقم مورد پذیرش کمیته

سروکوب مزدی، نمایندگان کارگران را مجاب کرد ننگ امضای مصوبه غیرقانونی دستمزد را نپذیرند.»  
تنظیم‌کنندگان متن این کارزار نوشته‌اند «امسال نیز با حضور خود در ادامه جنبش دستمزد، می‌خواهیم نمایندگان کارگران در شورای عالی کار را قانع کنیم اگر به توافقی شرافتمندانه با نمایندگان دولت و کارفرماها نرسیدند،



برای سبد معیشت، کارگران باید به فکر زاغه‌نشینی باشند. سال آینده سالی پر تورم و پرفشار است و دولت باید چتر حمایتی بر سر کارگران بگستراند.»  
این فعال کارگری به مشکلات جدی هزینه‌های مسکن اشاره کرده و توضیح داده که «حداقل ۴۵ درصد هزینه‌های خانوار صرف مسکن می‌شود، اما با حق مسکن فعلی حتی نمی‌توان یک اتاق کوچک اجاره کرد. اگر همین شرایط ادامه پیدا کند، کارگران ناچار به حاشیه‌نشینی و زندگی در چادر خواهند شد.»  
او افزوده که «افزایش قیمت محصولات تولیدی در کارخانه‌ها چندین بار در سال اتفاق می‌افتد، اما سهم کارگر از این افزایش‌ها صفر است؛ کارگری که خود تولیدکننده است، حتی توان خرید محصول کارخانه محل کارش را هم ندارد.»  
حسن صادقی معاون دبیر کل خانه کارگر و رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، توضیح داده که «از ابتدای دهه ۹۰ تا امروز، تورم حدود ۳۹۷ درصد افزایش یافته اما دستمزدها تنها ۲۰۷ درصد رشد داشته‌اند. این یعنی کارگران با یک عقب‌ماندگی مزدی حدود ۲۰۰ درصدی روبه‌رو هستند.»  
این فعال کارگری افزوده «وقتی رئیس‌جمهور خودش گفته با حقوق ۲۵ میلیون تومانی هم نمی‌شود زندگی کرد، چطور برخی در شورای عالی کار به رقم ۱۴ میلیون تومان برای حداقل دستمزد رضایت می‌دهند؟»  
به گفته حسن صادقی «اصلی‌ترین مسئله، حفظ قدرت خرید کارگران است و اگر سبد معیشت واقعی تعیین نشود، بی‌تردید نارضایتی‌ها و مشکلات اجتماعی افزایش خواهد یافت.»

دستمزد که مسئولیت تعیین رقم حداقل دستمزد را دارد ۲۳ میلیون و ۴۴۰ هزار تومان ارزیابی شده است.  
احمد بیگدلی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی با انتقاد از روند تعیین رقم حداقل دستمزد کارگران گفته «عده‌ای می‌گویند اگر بیش از حد بخواهیم حقوق‌ها را افزایش دهیم، تورم بالا می‌رود، کارگر، دلال نیست! و طلا و دلار خرید و فروش نمی‌کند که بازار بهم بخورد.»  
این نماینده مجلس البته رقم سبد معیشت را همان رقم مورد نظر دولت اعلام کرده که اختلاف قابل توجهی با رقم واقعی سبد معیشت دارد: «اگر قبول داریم در کشور ما برای یک خانواده چهار نفره حداقل خط فقر ۲۵ میلیون تومان است، در صورتی که زیر ۲۵ میلیون تومان به کارگر بدهیم در حق او کوتاهی می‌کنیم.»  
احمد بیگدلی افزوده «پیشنهاد ما به مسئولانی که می‌گویند افزایش حقوق به میزان تورم، باعث افزایش تورم می‌شود، این است که حقوق نقدی را به اندازه ۲۵ تا ۳۰ درصد، اضافه کنید و بقیه آن تا سقف تورم را در قالب سبد کالا به مردم دهید.»  
او همچنین گفته «به نظرم من حداقل حقوق و دستمزد باید ۴۰ درصد افزایش و هم تراز تورم باشد» و تأکید کرده «زمان اعلام حقوق و دستمزد سال آینده کارگران نباید به ماه‌ها و روزهای آخر سال موکول شود.»  
تورم فزاینده در اقتصاد ایران در کنار بی‌ارزش شدن ارزش واقعی درآمدها به علت کاهش ارزش پول ملی سبب شده فاصله میان هزینه زندگی و رقم دستمزد عمیق‌تر از گذشته شود. همین موضوع سبب تلاش فعالان کارگری برای افزایش هر چه بیشتر دستمزدها در سال آینده و نزدیک شدن این رقم به هزینه‌های واقعی زندگی شده است.

همچون سال گذشته بدون امضای مصوبه دستمزد جلسه شورای عالی کار را ترک کنند.»  
این کارزار تأکید کرده «معیار ما امضاکنندگان این کارزار برای مزد شرافتمندانه، نه فقط افزایش مزد به میزان تورم سال جاری، بلکه افزایش ۷۰ درصدی حداقل دستمزد برای جبران عقب‌ماندگی مزد از تورم در فاصله سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۳ است.»  
متن کارزار افزوده «از ابتدای دهه نود همزمان با تشدید تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان، دولت‌های وقت نیز با شدت بیشتری کارگران را از معیارهای تعیین مزد در قانون کار محروم کردند. بر اساس محاسبات انجام شده، در صورت افزایش ۷۰ درصدی مزد در سال آینده، اختلاف تورم و افزایش مزد مابین سال‌های ۱۳۹۰ تا امروز جبران می‌شود و ما تازه به وضعیت معیشتی آن سال باز می‌گردیم و می‌شود امیدوار بود در مذاکرات سال‌های آینده نیز فاصله مزد و تورم در دهه‌های قبل‌تر جبران شود.»  
نویسندگان معتقدند «تنها با تحقق این شرط، یعنی افزایش ۷۰ درصدی حداقل دستمزد در سال ۱۴۰۴ است که می‌توان به مسئله جبران شکاف تاریخی مزد و معیشت در سال‌های آتی امید داشت. بنابراین از تمام کارگران ایرانی، فارغ از نوع کار و گرایش‌های سیاسی و هویتی ایشان، و از تمام دلسوزان و فعالان اجتماعی می‌خواهیم با پیوستن به «کارزار افزایش ۷۰ درصدی مزد» و تبلیغ آن، مسئولیت اجتماعی خود را انجام دهند.»  
فعالان کارگری اصرار دارند که رقم حداقل معیشت که مبنای پرداخت حقوق کارگران و اقشار دیگری از جمله بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی است باید متناسب با هزینه‌های محاسبه شده برای یک خانوار

## میلیون‌ها نفر در ایران با «فقر شدید غذایی» روبرو هستند

در آنسو هنوز خبر و نشانه‌ای از سوی دولت برای تخصیص وام ودیعه مسکن در سال آینده به چشم نمی‌خورد و ممکن است بعد از پنج سال، پرونده وام مسکن مستأجران بسته شود!

اینهمه تصویری نگران‌کننده از وضعیت معیشتی اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران و بازنشستگان را در سال آینده خورشیدی ایجاد کرده است.

فعالان کارگری اصرار دارند که رقم حداقل معیشت که مبنای پرداخت حقوق کارگران و اقشار دیگری از جمله بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی است باید متناسب با هزینه‌های محاسبه شده برای یک خانوار طی یک ماه باشد اما دولت اصرار دارد که افزایش حقوق متناسب با نرخ تورم و رقمی حدود ۳۵ درصد نسبت به رقم حداقل دستمزد امسال باشد.

محاسبات تحلیلگران اقتصادی نشان می‌دهد رقم هزینه سبد معیشت یک خانوار سه تا چهار نفره بطور میانگین ۴۰ میلیون تومان در ماه است اما رقم مورد پذیرش کمیته دستمزد که مسئولیت تعیین رقم حداقل دستمزد را دارد ۲۳ میلیون و ۴۴۰ هزار تومان ارزیابی شده است.

در همین رابطه محمدعلی ترکاشوند، دبیر اجرایی خانه کارگر شهرستان ری گفته «تورم بالا، با ایده افزایش ۳۵ درصدی مزد و حقوق، مخالفیم زیرا این میزان بسیار ناکافی است و باید بر لزوم ترمیم دستمزدها متناسب با تورم تأکید کرد.»

علی مقدسی‌زاده، رئیس هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار خراسان جنوبی، گفته «با رقم ۲۳ میلیون تومانی برای سبد معیشت، کارگران باید به فکر زاغه‌نشینی باشند. سال آینده سالی پر تورم و پرفشار است و دولت باید چتر حمایتی بر سر کارگران بگستراند.»

این فعال کارگری به مشکلات جدی هزینه‌های مسکن اشاره کرده و توضیح داده که «حداقل ۴۵ درصد هزینه‌های خانوار صرف مسکن می‌شود، اما با حق مسکن فعلی حتی نمی‌توان یک اتاق کوچک اجاره کرد. اگر همین شرایط ادامه پیدا کند، کارگران ناچار به حاشیه‌نشینی و زندگی در چادر خواهند شد.»

او افزوده که «افزایش قیمت محصولات تولیدی در کارخانه‌ها چندین بار در سال اتفاق می‌افتد، اما سهم کارگر از این افزایش‌ها صفر است؛ کارگری که خود تولیدکننده است، حتی توان خرید محصول کارخانه محل کارش را هم ندارد.»

حسن صادقی معاون دبیر کل خانه کارگر و رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، توضیح داده که «از ابتدای دهه ۹۰ تا امروز، تورم حدود ۳۹۷ درصد افزایش یافته اما دستمزدها تنها ۲۰۷ درصد رشد داشته‌اند. این یعنی کارگران با یک عقب‌ماندگی مزدی حدود ۲۰۰ درصدی روبه‌رو هستند.»

این فعال کارگری افزوده «وقتی رئیس‌جمهور خودش گفته با حقوق ۲۵ میلیون تومانی هم نمی‌شود زندگی کرد، چطور برخی در شورای عالی کار به رقم ۱۴ میلیون تومان برای حداقل دستمزد رضایت می‌دهند؟»

به گفته حسن صادقی «اصلی‌ترین مسئله، حفظ قدرت خرید کارگران است و اگر سبد معیشت واقعی تعیین نشود، بی‌تردید نارضایتی‌ها و مشکلات اجتماعی افزایش خواهد یافت.»



کم‌درآمد ارزیابی نمی‌کنند.

از سوی دیگر با توجه به روند فزاینده تورم که تنها در فاصله ده‌ماه تا بهمن‌ماه با افزایش بیش از چهار درصدی روبرو شده است، و همچنین سقوط ارزش واقعی درآمدها در پی کاهش ارزش پول ملی، فقر نیز به شکل فزاینده‌ای در حال افزایش است و توزیع کوبن تنها خاصیت مسکن برای بیمار مبتلا به بیماری صعب‌العلاج را دارد!

بحران اقشار کم‌درآمد تنها در تأمین هزینه مواد غذایی خلاصه نمی‌شود و یکی از مهمترین مشکلات آنها تأمین هزینه اجاره‌بهای مسکن است.

داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد در کل کشور بطور متوسط چیزی نزدیک ۴۲ درصد درآمد خانوار ایرانی پای هزینه‌های مسکن ریخته می‌شود که این عدد در استانی مثل تهران به حدود ۵۵ درصد می‌رسد.

آخرین داده‌های گزارش مرکز آمار ایران درباره «هزینه و درآمد خانوار ایرانی» به ۱۴۰۲ مربوط می‌شود که نشان می‌دهد تهرانی‌ها بطور متوسط ماهانه ۵۵ درصد درآمدشان را پای اجاره مسکن گذاشتند. رتبه دوم و سوم در این فهرست به ترتیب به ساکنان استان فارس و البرز تعلق دارد. شهروندان ساکن استان فارس حدود ۴۹ و ساکنان استان البرز البرزی نزدیک ۴۵ درصد درآمدشان به هزینه‌های مسکن اختصاص پیدا کرده و میانگین این رقم در کل کشور عددی معادل ۴۲/۴ درصد است.

کمترین فشار هزینه‌های مسکن در استان‌هایی مثل کهگیلویه و بویراحمد و کرمان وجود دارد. در این دو استان کمتر از ۲۰ درصد درآمد خانوار پای مسکن ریخته می‌شود، اما طبق آمار این عدد در ۱۵ استان یعنی تقریباً نصف کشور، بالای ۳۰ درصد برآورد شده است.

بر اساس گزارش‌ها سال ۱۴۰۴، سال راحتی برای مستأجران و خانه‌بنددوשהا نیست. افزایش قیمت ارز و نرخ تورم بهانه همیشگی صاحبخانه‌ها برای گران کردن اجاره‌بهاست و وقایع ماه‌های اخیر به‌اندازه کافی برای مستأجران نگرانی ایجاد کرده است.

● بر اساس آمارهای جمع‌آوری شده در سال ۱۴۰۱ حدود ۵ میلیون نفر از جمعیت کشور در فقر شدید غذایی بسر می‌برند و حدود ۳۰ درصد از جمعیت زیر خط فقر قرار دارند.

● فعالان کارگری اصرار دارند که رقم حداقل معیشت باید متناسب با هزینه‌های محاسبه شده برای یک خانوار طی یک ماه باشد اما دولت اصرار دارد که افزایش حقوق متناسب با نرخ تورم و رقمی حدود ۳۵ درصد باشد.

● محاسبات تحلیلگران اقتصادی نشان می‌دهد رقم هزینه سبد معیشت یک خانوار سه تا چهار نفره بطور میانگین ۴۰ میلیون تومان در ماه است اما رقم مورد پذیرش وزارت کار ۲۳ میلیون و ۴۴۰ هزار تومان ارزیابی شده است.

● محمد حسین‌زاده کارشناس اقتصادی: باعث تأسف است که منابعی را که می‌تواند برای توسعه کشور هزینه شود از صندوق توسعه ملی برداریم و به عنوان طرح توزیع کالابری از آن استفاده کنیم اما با توجه به محدودیتی که در منابع موجود در کشور وجود دارد به نظر می‌رسد چاره‌ای جز این وجود نداشته باشد.

به گفته یک کارشناس اقتصادی آمارهای سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد حدود ۵ میلیون نفر از جمعیت ایران در فقر شدید غذایی بسر می‌برند و حدود ۳۰ درصد از جمعیت زیر خط فقر قرار دارند.

محمد حسین‌زاده کارشناس اقتصادی اعلام کرده بر اساس آمارهای جمع‌آوری شده در سال ۱۴۰۱ حدود ۵ میلیون نفر از جمعیت کشور در فقر شدید غذایی بسر می‌برند و حدود ۳۰ درصد از جمعیت زیر خط فقر قرار دارند.

این آمار در حالی مطرح شده که طی دو سال گذشته فاصله تورم و کاهش ارزش واقعی درآمدهای عمیق‌تر شده و ثر نتیجه سفره‌های مردم کوچکتر و جمعیت بیشتری زیر خط فقر قرار گرفته‌اند.

محمد حسین‌زاده توضیح داده که نخستین اثر افزایش فقر اینست که سفره‌های مردم کوچکتر و مصرف مواد غذایی کاهش پیدا می‌کند.

او همچنین گفته نخستین اقدام ضروری در چنین شرایط افزایش حمایت‌های غذایی از سوی دولت برای اقشاری است که در تأمین مواد غذایی مورد نیاز و معیشت با مشکل روبرو هستند.

این کارشناس اقتصادی گفته «باعث تأسف است که منابعی را که می‌تواند برای توسعه کشور هزینه شود از صندوق توسعه ملی برداریم و به عنوان طرح توزیع کالابری از آن استفاده کنیم اما با توجه به محدودیتی که در منابع موجود در کشور وجود دارد به نظر می‌رسد چاره‌ای جز این هم وجود نداشته باشد تا مردم آسیب‌های بیشتری در حوزه غذایی تجربه نکنند.»

اشاره محمد حسین‌زاده به طرح دولت پزشکیان برای توزیع دو نوبت کوبن یا کالابری الکترونیک میان هفت دهک پایین درآمدی از میان ده دهک موجود است؛ طرحی که چند روز پیش با صدور مجوز علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برای برداشت یک میلیارد دلار از ۱۰ میلیارد تومان منابع صندوق توسعه ملی خرساز شد.

اینهمه در حالیست که بسیاری از کارشناسان توزیع دو نوبت کوبن را چندان موثر بر سفره خانوار به ویژه اقشار



## سرت داروی بیماران مبتلا به سرطان در بیمارستان‌های ایران

بین‌المللی «ولیعصر» تبریز است. او پیشتر در خرداد ۱۳۹۹ به اتهام فساد مالی در مقام عضو شورای اسلامی شهر تبریز از سوی سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت شد اما در این پرونده حکمی علیه او صادر نشد.

مدتی پس از افشای خبر دزدی داروهای شیمی‌درمانی بیماران در بیمارستان «ولیعصر» خبر دیگری از درباره‌ی اتفاقی مشابه در بیمارستان «شریعتی» تهران منتشر شد.

روابط عمومی بیمارستان شریعتی اعلام کرد که پرونده سرت داروی بیماران مبتلا به سرطان در این بیمارستان توسط خود بیمارستان کشف شده است. در این پرونده هم گفته شد که پرستار سارق، داروهای مردم را با آب مقطر عوض کرده و داروی اصلی را به دلان خیابان ناصرخسرو فروخته است و پرونده در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۲ کشف شده است، اما به دلایلی که روشن نیست وزارت بهداشت و بیمارستان و دیگران تصمیم گرفته‌اند این موضوع را مسکوت نگه دارند.

اینهمه در حالیست که به گزارش «اعتماد» هیچ راهی برای کنترل اینکه آیا کادر بیمارستان دقیقاً همان دارویی که تحویل می‌گیرند را به بیماران تزریق می‌کنند یا نه، وجود ندارد.

در همین رابطه دکتر محمد اسلامی متخصص بیماری سرطان و عضو انجمن سرطان‌شناسی ایران به «اعتماد» گفته «هیچ راهی برای کسب اطمینان از اینکه واقعا همان دارویی که توسط کادر بیمارستان دریافت می‌شود، به بیمار تزریق می‌شود وجود ندارد. بیمارستان‌ها شلوغ و پر از رفت و آمد و پر از بیمار است. نمی‌توان برای هر واحد دارو یک نگهبان قرار داد که مطمئن شود دارو همان جایی که باید مصرف شود، مصرف می‌شود. همیشه ممکن است داروها سرت شوند یا مانند پرونده‌های اخیر با آب مقطر عوض شوند.»

این پزشک متخصص افزوده «بعد از علنی شدن پرونده‌های اخیر در گروه‌های حرفه‌ای در مورد اینکه چگونه می‌توانیم از اینکه چنین اتفاقی در مورد داروهای بیماران ما رخ نمی‌دهد، مطمئن شویم در گرفته است و برخی پیشنهاد داده‌اند که پزشکان باید مسوولیت بیشتری قبول کنند و خودشان به تزریق داروی بیماران خودشان نظارت کنند، اما این مساله هم با در نظر گرفتن حجم کار پزشکان عملاً ممکن نیست.»

دکتر محمد اسلامی با تأکید بر این نکته که «ما در شرایطی در مورد سرت دارو حرف می‌زنیم که تقریباً هر کسی در هر جایی که نشسته است از هر امکاناتی که دارد برای منافع خودش استفاده می‌کند» گفته «در شرایطی که پرونده‌هایی مانند اختلاس چند صد هزار میلیارد تومانی بانک و گم شدن دکل و آزاد شدن فلان مفسد اقتصادی که حکم اعدام گرفته است، در رسانه‌ها شنیده می‌شود، پرستاری که سی سال کار کرده است و کل درآمدش به بیست و پنج میلیون تومان نمی‌رسد، خودش را محق می‌داند که از امکاناتی که دارد برای نفع شخصی خودش استفاده کند.»

او افزوده «در مورد داروهای سرطان، این مساله مطرح است که بسیاری از این داروها که از نام‌های تجاری معروف هستند، از مسیرهای رسمی وارد کشور نمی‌شوند و چند صد میلیون تومان یا حتی گاهی بیش از یک میلیارد تومان قیمت دارند و فروش آنها در بازار آزاد می‌تواند زندگی یک نفر را از این رو به آن رو کند. بنابراین طبیعی است که این وسوسه وجود داشته باشد.»



شد. این شکایت توسط فردی انجام شد که متوجه شده بود داروهای شیمی‌درمانی بیماران مبتلا به سرطان به صورت غیرقانونی از بیمارستان خارج و در بازار آزاد فروخته می‌شود. با بررسی این شکایت، مشخص شد که سرت داروها در بیمارستان صحت دارد.

مسئولان بیمارستان با توجه به تصاویر داروهای مسروقه که در تلفن همراه متهم یافت شده بود، نسبت به ثبت شکایت اقدام کردند. در پی انجام تحقیقات بیشتر، مشخص شد که متهم؛ پرستار بخش آنکولوژی بوده و اقدام به سرت داروهای بیماران بخش آنکولوژی کرده است. این داروها به مصرف بیماران شیمی‌درمانی می‌رسید و متهم آنها را در بازار آزاد به فروش می‌رساند. در ادامه تحقیقات، متهم احضار و به اتهام سرت روانه زندان شد. همچنین، مشخص شد که این فرد برای فروش دارو واسطه‌هایی در ناصرخسروی تهران داشته و ۳ نفر با وی در این سرت مشارکت داشته‌اند. متهم، داروها را با کمک همدستان خود از بیمارستان خارج و در بازار آزاد به فروش می‌رساند.

در بررسی اولیه از کمد متهم، ۵۰ عدد داروی تزریقی پتدین کشف شد که مشخص شد مسروقه هستند. این داروها در گاو صندوق ویژه بیمارستان نگهداری می‌شدند. متأسفانه یکی از بیمارانی که داروهای وی به سرت رفته بود، فوت کرده است و به همین دلیل این پرونده به دادسرای ویژه قتل ارجاع شده است.

با توجه به اینکه تعداد پرونده بیماران سرطانی در این بیمارستان بیش از هزار مورد است، دستور داده شده است که پرونده تمام بیماران دوباره بررسی شود تا شواهد بیشتری در مورد میزان خسارت پیدا شود، در ارتباط با این پرونده ۴ نفر در بازداشت هستند و شکایت شکات در دادسرا ثبت می‌شود. تاکنون بیش از ۳۰ نفر شکایت خود را ثبت کرده‌اند و پرونده هنوز باز است.

گفتنی است شهرام دبیری اسکویی از دوستان مسعود پزشکیان و معاون امور مجلس ریاست جمهوری در دولت چهاردهم، موسس اولیه و سهامدار اصلی بیمارستان

● سرت داروهای شیمی‌درمانی بیماران مبتلا به سرطان» دست‌کم در دو بیمارستان دولتی افشا شده و پرونده‌های قضایی در مورد آنها تشکیل شده است.

● اولین پرونده سرت داروهای بیماران مبتلا به سرطان مربوط به بیمارستان «ولیعصر» تبریز است. بعد از این پرونده اخبار مشابهی درباره بیمارستان‌های دیگر کشور نیز منتشر شد.

سرت داروهای شیمی‌درمانی بیماران سرطانی در بیمارستان‌های ایران یکی از تازه‌ترین فجایعی است که ریشه در فقر و ساختار فاسد درمانی کشور دارد.

روزنامه «اعتماد» در گزارشی به گسترش سرت بیماران مبتلا به سرطان در بیمارستان‌های مختلف و اختلال در روند درمان این بیماران پرداخته و تأکید کرده که این پدیده گسترده و مربوط به امروز و دیروز نیست.

در این گزارش آمده موضوع «سرت داروهای شیمی‌درمانی بیماران مبتلا به سرطان» دست‌کم در دو بیمارستان دولتی علنی شده است و پرونده‌های قضایی در مورد آنها تشکیل شده است و گفته شده است که سرت‌ها در این بیمارستان‌ها، محدود به یک بار و دوبار، همین امروز و دیروز هم نبوده است.

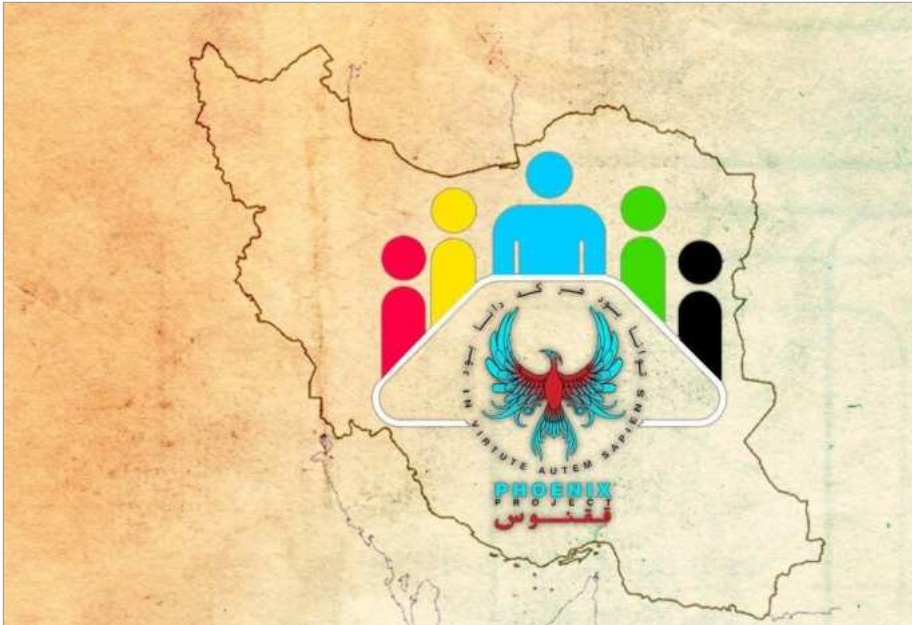
برادر یک بیمار مبتلا به سرطان که برادرش را برای شیمی‌درمانی به بیمارستانی در تهران بستری کرده‌اند به «اعتماد» گفته «برادر من در بخش شیمی‌درمانی بیمارستان «م» بستری است. دیشب قرار بود داروی ... را دریافت کند، اما صبح که به بیمارستان آمدم دیدم که دارو تزریق نشده است و معلوم نیست کجاست. این داروها حیاتی هستند. تاخیر با عدم تزریق آنها می‌تواند فرق بین مرگ و زندگی باشد. به همین سادگی به ما می‌گویند دارو تزریق نشده است.»

او افزوده «تازه این را هم وقتی خودمان فهمیدیم که تزریق نشده است، قبول کردند، وگرنه به ما می‌گفتند که اشتباه کردید و دارو تزریق شده است. حالا اگر درمان شکست بخورد و ما عزیزمان را از دست بدهیم چه کسی پاسخ‌گوست. چه چیزی را می‌خواهند جبران کنند. وقتی دارو تزریق هم می‌شود، نمی‌توان با اطمینان گفت که تأثیرگذار بوده است یا نه، و حالا با این وضعیت از کجا و چطور می‌شود تعیین کرد که عدم تزریق دارو باعث بدتر شدن حال بیمار شده است؟ اصلاً هیچ کسی به ما جواب نمی‌دهد. هیچ کسی به اعتراض ما توجه نمی‌کند. در جواب تمام حرف‌های ما می‌گویند بیمارستان دولتی همین است و اگر نمی‌خواهید می‌توانید بروید جای دیگری. جان بیمارمان را در دست گرفته‌ایم و به ما می‌گویند همین است که هست.»

اولین پرونده سرت داروهای بیماران مبتلا به سرطان مربوط به بیمارستان «ولیعصر» تبریز است. در این بیمارستان شبکه‌ای از کارکنان بیمارستان که داروهای بیمارستان را به سرت می‌بردند، داروهای شیمی‌درمانی را با آب مقطر تعویض کرده و در نتیجه برای مدت طولانی به بیماران سرطانی بجای داروهای شیمی‌درمانی آب مقطر تزریق شده است. در پی این فساد گسترده، دست‌کم ۲۰ بیمار سرطانی به علت وخیم شدن بیماری جان خود را از دست داده‌اند.

سوم آبان امسال، شکایتی مبنی بر سرت داروهای شیمی‌درمانی در بیمارستان ولیعصر تبریز در کلانتری ثبت

## نتایج نظرسنجی پروژه ققنوس ایران درباره «درک اولویت‌های اجتماعی ایرانیان»: تغییر رژیم، جدایی دین از حکومت، «نه» به جمهوری اسلامی



فعالان حمایت می‌کنند. به این ترتیب یک «دوران گذار» برای طرفداران نظام نیز مطرح است!

همچنین ۹۶/۹۰ درصد با جدایی دین از حکومت در ایران آینده کاملاً موافق، ۱/۹۵ درصد نسبتاً موافق و ۰/۲۹ درصد کاملاً مخالف و ۰/۱۳ درصد نسبتاً مخالف هستند و بیش از تعداد مخالفان یعنی ۰/۷۳ درصد نظری ندارند.

۹۷/۳۸ درصد پاسخ‌دهندگان به تمامیت ارضی ایران اعتقاد دارند. ۰/۶۷ درصد اعتقاد ندارند و بیش از تجزیه‌طلبان، یعنی ۱/۹۵ درصد مطمئن نیستند. در این نظرسنجی همچنین به شماری از پروژه‌ها و نهادها اشاره و از میزان اعتماد پاسخ‌دهندگان نسبت به آنها پرسش شده است.

میزان اعتماد پاسخ‌دهندگان به خود ققنوس ۵۹/۲۴ درصد، به پروژه شکوفایی ایران ۱۶/۴۸ درصد، به سازمان اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران (نوفدی) ۱۳/۸۸ درصد، به پروژه «امید ایران» ۵/۸۹ درصد و به «نایاب» ۱/۷۵ درصد است.

پرسش نهایی این نظرسنجی رأی به جمهوری اسلامی است که ۹۹/۶۶ درصد به آن «نه» و ۰/۳۴ درصد به آن «آری» گفته‌اند.

نگاهی به مجموعه‌ی پرسش‌ها و پاسخ‌ها نشان می‌دهد که طیف‌های مختلفی از مخالفان تا منتقدان و همچنین طرفداران جمهوری اسلامی و جناحین و لایب‌گران آن در خارج کشور و نیز قشرهای سیاسی متفاوت از جمله تجزیه‌طلبان و کسانی که به تمامیت ارضی ایران اعتقاد ندارند و یا نسبت به آن مطمئن نیستند، در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند.

نکته قابل توجه اینکه همین طیف متفاوت و گاه متناقض (مانند مخالفان و موافقان جمهوری اسلامی و یا تمامیت ارضی) در پاسخ به برخی پرسش‌ها با همدیگر تلاقی می‌کنند؛ از جمله می‌توان به پرسش مربوط به شخصیت مناسب برای رهبری دوران گذار و پرسش مربوط به دلایل اعتراضات اشاره کرد. نتایج و نمودارهای این نظرسنجی را می‌توانید با مراجعه به وبسایت پروژه ققنوس ایران و رسانه‌های اجتماعی این اندیشکده دنبال کنید.

را تشکیل می‌دهند و نزدیک به ۹۵ درصد آنها در مناطق شهری زندگی می‌کنند. ۸۷ درصد نسبت به سیاست فشار حداکثری ایالات متحده نظر مثبت و ۸ درصد نظر منفی دارند. ۵ و ۵ درصد نیز نسبت به این سیاست موضع بی‌تفاوت دارند. همچنین ۶۸ درصد فکر می‌کنند که این سیاست به تغییرات داخلی در ایران منجر می‌شود؛ ۲۱ درصد درباره این تأثیر نامطمئن هستند و ۱۱ درصد نیز فکر نمی‌کنند فشار حداکثری در ایران به تغییر منجر شود.

در پاسخ به پرسش مربوط به «مدل حکومتی مناسب‌تر» برای ایران آینده، نزدیک به ۸۰ درصد پادشاهی پارلمانی را ترجیح می‌دهند. حدود ۱۳ درصد جمهوری پارلمانی و ۳۴ درصد نیز جمهوری اسلامی را نسبت به بقیه «مناسب‌تر» می‌دانند. شمار کسانی که در این زمینه مطمئن نیستند و یا مدل‌های دیگری را ترجیح می‌دهند به ترتیب ۵/۳۶ درصد و ۲/۲۹ درصد است که هر دو به تنهایی و همچنین در مجموع از شمار کسانی که جمهوری اسلامی را ترجیح می‌دهند بسیار بیشتر است.

در ارتباط با دلیل اعتراضاتی که در ایران جریان دارد، بیش از ۶۷ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند که معترضان خواهان تغییر رژیم هستند. بیش از ۲۳ درصد دلیل اعتراضات را مشکلات اقتصادی، بیش از ۵ درصد درخواست برای آزادی و ۰/۱۵ درصد نیز پوشش اختیاری را دلیل اعتراضات می‌دانند که از «سایر» دلایل (۳/۷۷ درصد) بسیار کمتر است.

در ارتباط با پرسشی که مدت‌هاست درباره وضعیت سیاسی ایران مطرح است، ۸۹/۴۲ درصد از شاهزاده رضا پهلوی برای رهبری دوران گذار حمایت می‌کنند. نزدیک به ۶ درصد از هیچکس حمایت نمی‌کنند. ۳/۹۹ درصد از یک شخصیت فعال سیاسی داخل ایران و ۰/۷۰ درصد هم از یک فعال خارج از ایران (بجز رضا پهلوی) حمایت می‌کنند. در ارتباط با فعالان سیاسی داخل ایران از مجموع ۳/۹۹ درصد که از آنها حمایت می‌کنند، ۳/۵۲ درصد از این تعداد از یکی از اصولگرایان، ۳۶/۰۴ درصد از یکی از اصلاح‌طلبان و ۶۰/۴۳ درصد از «سایر»

این نظرسنجی توسط ۱۲ هزار و ۷۰۷ شرکت‌کننده بطور کامل پاسخ داده شده که ۹ هزار و ۲۵۳ نفر از ایران بوده‌اند. ضریب اعتبار این نظرسنجی ۹۵ درصد و ضریب خطای آن  $\pm 1/2$  درصد برآورد شده است.

در پاسخ به پرسش مربوط به «مدل حکومتی مناسب‌تر» برای ایران آینده، نزدیک به ۸۰ درصد پادشاهی پارلمانی را ترجیح می‌دهند. حدود ۱۳ درصد جمهوری پارلمانی و ۳۴ درصد نیز جمهوری اسلامی را نسبت به بقیه «مناسب‌تر» می‌دانند. شمار کسانی که در این زمینه مطمئن نیستند و یا مدل‌های دیگری را ترجیح می‌دهند به ترتیب ۵/۳۶ درصد و ۲/۲۹ درصد است که هر دو به تنهایی و همچنین در مجموع از شمار کسانی که جمهوری اسلامی را ترجیح می‌دهند بسیار بیشتر است.

در ارتباط با پرسشی که مدت‌هاست درباره وضعیت سیاسی ایران مطرح است، ۸۹/۴۲ درصد از شاهزاده رضا پهلوی برای رهبری دوران گذار حمایت می‌کنند. نزدیک به ۶ درصد از هیچکس حمایت نمی‌کنند. ۳/۹۹ درصد از یک شخصیت فعال سیاسی داخل ایران و ۰/۷۰ درصد هم از یک فعال خارج از ایران (بجز رضا پهلوی) حمایت می‌کنند. در ارتباط با فعالان سیاسی داخل ایران از مجموع ۳/۹۹ درصد

که از آنها حمایت می‌کنند، ۳/۵۲ درصد از این تعداد از یکی از اصولگرایان، ۳۶/۰۴ درصد از یکی از اصلاح‌طلبان و ۶۰/۴۳ درصد از «سایر» فعالان حمایت می‌کنند. به این ترتیب، یک «دوران گذار» برای طرفداران نظام نیز مطرح است!

نگاهی به مجموعه‌ی پرسش‌ها و پاسخ‌ها نشان می‌دهد که طیف‌های مختلفی از مخالفان تا منتقدان و همچنین طرفداران جمهوری اسلامی و جناحین و لایب‌گران آن در خارج کشور و نیز قشرهای سیاسی متفاوت از جمله تجزیه‌طلبان و کسانی که به تمامیت ارضی ایران اعتقاد ندارند و یا نسبت به آن مطمئن نیستند، در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند.

پروژه ققنوس ایران، اوایل ماه اسفند (اواخر فوریه ۲۰۲۵) یک نظرسنجی برای درک اولویت‌های اجتماعی ایرانیان برگزار کرد. این اندیشکده مستقر در واشنگتن اعلام کرده که هدف از انجام این نظرسنجی یک پژوهش میدانی در ارتباط با درک اولویت‌های اجتماعی ایرانیان برای آینده ایران است و نتایج و همچنین تجزیه و تحلیل این نتایج به اطلاع همگان خواهد رسید.

اکنون نتایج اولیه این نظرسنجی که شامل ۳۳ پرسش بوده و به مدت یک هفته به صورت آنلاین انجام شده، منتشر شده است. این نظرسنجی توسط ۱۲ هزار و ۷۰۷ شرکت‌کننده بطور کامل پاسخ داده شده که ۹ هزار و ۲۵۳ نفر از ایران بوده‌اند. ضریب اعتبار این نظرسنجی ۹۵ درصد و ضریب خطای آن  $\pm 1/2$  درصد برآورد شده است.

مشارکت زنان در این نظرسنجی در مقایسه با نظرسنجی‌های پیشین این اندیشکده رشد چشمگیری داشته و به بیش از ۳۲ درصد رسیده است. بیشترین شرکت‌کنندگان را جوانان از ۱۸ سال تا اوایل چهل سالگی تشکیل می‌دهند و رتبه دوم به سنین ۵۰ تا ۶۰ ساله تعلق دارد. به این ترتیب اکثریت پاسخ‌دهندگان یا پس از انقلاب ۵۷ به دنیا آمده‌اند و یا در زمان وقوع آن بسیار خردسال و کودک (زیر ۱۸ سال) بوده‌اند. شهروندان از استان‌های تهران، اصفهان، البرز، خراسان «رضوی»، فارس، مازندران، گیلان و خوزستان به ترتیب بیشترین پاسخ‌دهندگان



## کمیاب شدن روغن در فروشگاه‌های ایران؛ اثرات خروج «صافولا» نمایان شد



است. اما با دستور وزیر جهاد کشاورزی، مطالبات ارزی پائیز صنعت روغن نباتی پرداخت و نیز توزیع روغن خام توسط شرکت بازرگانی دولتی انجام می‌شود.»

در آنسو حمیدرضا رستگارپور رئیس اتاق اصناف ایران هم گفته «در بازار پایان سال، هیچ کمبودی در کالاهای اساسی وجود ندارد. مسئله اصلی، مدیریت توزیع است. متأسفانه، در بازار توزیع، بسیاری از افراد اظهار نظر یا دخالت می‌کنند و شرایط را به سمتی می‌برند که بحران ایجاد شود.»

حمیدرضا رستگارپور افزوده «هیچ کمبودی در بازار وجود ندارد و با کسانی که اقدام به احتکار یا کم‌فروشی می‌کنند، به شدت و قاطعانه برخورد می‌شود. کالاهای اساسی به اندازه کافی وجود دارند و مشکل صرفاً در نحوه توزیع است.»

رئیس اتاق اصناف ایران توضیح داده که «در حال حاضر، اتحادیه بنکداران مواد غذایی مسئولیت مدیریت و برنامه‌ریزی تامین کالا را بر عهده دارد. این اتحادیه ظرفیت بزرگی دارد و از افراد و اعضای توانمندی تشکیل شده است. باید از این ظرفیت‌های قانونی استفاده شود. شبکه توزیع مویرگی در اختیار این اتحادیه‌هاست و نقش آن‌ها باید پررنگ‌تر شود تا کالاهای اساسی را در سطح شهر و در تمامی نقاط کشور توزیع کنند.»

رئیس اتاق اصناف افزوده «مدیریت واحد در این حوزه ضروری است. این یعنی متولی امور باید یک جریان اقتصادی باشد که مسئولیت‌پذیر و پاسخگو باشد. اگر کشور به این نقطه برسد، مشکلی به‌وجود نمی‌آید. اکثر واحدهای صنعتی، در حوزه توزیع کالا، خدمات گسترده‌ای ارائه می‌دهند.»

حمیدرضا رستگارپور البته تأیید کرده که خروج شرکت‌های بزرگی چون صافولا «می‌تواند در بازار اخلاص وارد کند» اما همزمان گفته که «باید شبکه توزیع آنقدر قوی شود که خروج هیچ شرکتی، چه به دلایل سیاسی و چه به هر دلیل دیگر، به اصل تأمین کالا لطمه نزند. البته ممکن است در کوتاه‌مدت اختلالاتی ایجاد شود.»

که عمدتاً شامل دانه‌های روغنی است نیز تأمین نشد و در روند تولید اختلال شدید ایجاد شد.

از سوی دیگر گفته شده این شرکت خواستار سرمایه‌گذاری سود ریالی خود در یک مجموعه داخلی بوده که مجوز آن هم صادر نشد.

اگر چه مقامات دولتی تلاش کردند کمبود روغن را در بازار که بلافاصله پس از خروج صافولا از ایران رخ داد مدیریت کنند اما اکنون و پس از فاصله کوتاهی دوباره روغن در برخی فروشگاه‌ها نایاب شده است.

در آنسو مقامات مسئول نیز اطلاعات متناقضی درباره علت نایاب شدن روغن در بازار ارائه می‌دهند. علیرضا مهاجر معاون امور زراعت و وزارت جهاد کشاورزی، به خبرگزاری «ایرنا» گفته «نقصان روغن در بازار به دلیل تغییر نرخ ارز بوده که با تصمیم دولت قرار شد سال آینده نیز ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به کالاهای اساسی اختصاص یابد.»

معاون امور زراعت و وزارت جهاد کشاورزی افزوده «بازار روغن ایران وابسته به واردات است. با وجود وابستگی ۹۰ درصدی کشور به واردات، روغن مورد نیاز کشور تأمین است و کمبودی در این خصوص وجود ندارد.»

علیرضا شریفی دبیر انجمن صنفی صنایع روغن نباتی ایران با تکذیب کمیاب شدن روغن در بازار ایران گفته «تولید و عرضه انواع روغن مصرفی خانوار با تمام توان ادامه دارد و مشکلی در این زمینه وجود ندارد و تنها مشکل، روغن مصرفی اصناف و صنایع است که با اجرای دستورات روز گذشته وزیر جهاد کشاورزی برطرف می‌شود.»

دبیر انجمن صنفی صنایع روغن نباتی ایران افزوده «تأخیر طولانی در تخصیص ارز، به نتیجه نرسیدن عمده ثبت سفارشات مقارن با افزایش قیمت‌های جهانی روغن خام، کاهش استحصال روغن خام سویا توسط کارخانجات روغن‌کشی و باز نشدن به موقع ثبت سفارشات از دلایل اصلی مشکلات به وجودآمده در تولید و عرضه روغن نباتی

● در حالی که مقامات دولتی تلاش کردند کمبود روغن را در بازار که بلافاصله پس از خروج صافولا از ایران رخ داد مدیریت کنند اما اکنون و پس از فاصله کوتاهی دوباره روغن در برخی فروشگاه‌ها نایاب شده است.

● شرکت عربستانی صافولا که بزرگترین سرمایه‌گذاری متعلق به عربستان سعودی در ایران بود، کل دارایی‌اش را در ایران به ارزش ۷۰۵ میلیون ریال عربستان معادل ۱۸۸ میلیون دلار فروخت و در ابتدای زمستان امسال از اقتصاد ایران خارج شد.

● معاون امور زراعت و وزارت جهاد کشاورزی گفته «نقصان روغن در بازار به دلیل تغییر نرخ ارز بوده که با تصمیم دولت قرار شد سال آینده نیز ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به کالاهای اساسی اختصاص یابد.»

● علیرضا شریفی دبیر انجمن صنفی صنایع روغن نباتی ایران با تکذیب کمیاب شدن روغن در بازار ایران گفته «تولید و عرضه انواع روغن مصرفی خانوار با تمام توان ادامه دارد و مشکلی در این زمینه وجود ندارد.»

● رئیس اتاق اصناف ایران اما تأیید کرده که خروج شرکت‌های بزرگی چون صافولا «می‌تواند در بازار اخلاص وارد کند» اما همزمان گفته که «باید شبکه توزیع آنقدر قوی شود که خروج هیچ شرکتی به اصل تأمین کالا لطمه نزند.»

انواع روغن خوراکی در بازار ایران کمیاب شده و در برخی فروشگاه‌ها روغن برای فروش نیست. معاون وزیر جهاد کشاورزی، موضوع کمبود روغن را مربوط به تخصیص ارز دانسته اما رئیس اتاق اصناف کمیاب شدن روغن را تکذیب کرده و گفته «در بازار پایان سال، هیچ کمبودی در کالاهای اساسی وجود ندارد.»

از دی‌ماه امسال و پس از خروج شرکت عربستانی صافولا از صنعت روغن‌سازی ایران، قیمت روغن با افزایش ۱۵ تا ۲۱ درصدی روبرو شد و خررها حاکی از کمبود روغن در برخی فروشگاه‌ها بود. در شرایطی که مدیران دولتی مدعی بودند خروج شرکت صافولا اثری بر بازار روغن نخواهد داشت، بار دیگر در روزهای گذشته خبر کمیاب شدن روغن منتشر شده است.

شرکت عربستانی صافولا که بزرگترین سرمایه‌گذاری متعلق به عربستان سعودی در ایران بود، کل دارایی‌اش را در ایران به ارزش ۷۰۵ میلیون ریال عربستان معادل ۱۸۸ میلیون دلار فروخت و در ابتدای زمستان امسال از اقتصاد ایران خارج شد.

صافولا یک هلدینگ بین‌المللی تولید مواد غذایی عربستان سعودی است که در ایران در زمینه تولید و توزیع روغن‌های خوراکی، غذاهای دریایی، محصولات شیرینی فعالیت داشت و بیش از نیمی از بازار روغن نباتی ایران را در اختیار داشت.

اطلاعات منتشر شده درباره خروج این شرکت از ایران نشان می‌دهد مقامات جمهوری اسلامی در عمل این شرکت را از ادامه فعالیت در ایران ناامید کردند. برای نمونه گفته شد برخلاف قانون جذب سرمایه‌گذار خارجی، اجازه خروج سود سرمایه، به این شرکت داده نشد.

همچنین ارز مورد نیاز این صنعت برای واردات مواد اولیه

## افزایش پرسرعت قیمت مواد خوراکی در آغاز ماه رمضان



محاسبات ماهانه از شاخص ۶/۷ درصد عبور کرده است. این بالاترین رقم تورم خوراکی‌ها در ۳۲ ماه اخیر و پس از اجرای طرح موسوم به «جراحی اقتصادی» است.

بررسی داده‌های مربوط به تورم مواد غذایی در بهمن ۱۴۰۳ نشان می‌دهد که سبزیجات و حبوبات با تورم ماهانه ۱۶/۹، تورم نقطه به نقطه ۱۰۶ درصد و تورم سالانه ۴۳/۵ درصد بیشترین میزان افزایش قیمت را به خود اختصاص داده‌اند که در چند سال گذشته این تورم بی‌سابقه بوده است. این محصول کشاورزی که نقش مهمی در سفره خانوار ایرانی دارد مسیر صعودی را پیش گرفته و در وضعیت قرمزی قرار دارد.

در این میان غلامرضا نوری قزلقه وزیر جهاد کشاورزی دولت چهاردهم گفته «افزایش قیمت برخی کالاها براساس قیمت ارز منطقی است، از سوی هزینه حمل و نقل ۵۵ درصد افزایش یافته است. افزایش قیمت برخی کالاها مثل برنج غیرمنطقی است. باید در قیمت برنج اعمال حاکمیت کنیم. قیمت میوه هم افزایش یافته است که این مربوط به باغدار نیست. واسطه‌ها در این بین تا سه برابر سود می‌بند. ما در برابر افزایش قیمت‌ها مسئول هستیم.»

وزیر جهاد کشاورزی دولت پزشکیان با بیان اینکه امسال ۳۵ درصد صادرات محصولات کشاورزی افزایش یافته است، افزوده که «هیچ محصولی روی دست کشاورز نماند. برای برنج شمال قیمت‌گذاری کردیم تا بازاریار برای تولیدکننده بهتر شود.» این ادعا در حالی مطرح شده که صدور بی‌مبنای مجوز صادرات محصولات کشاورزی از جمله دلائل گرانی و کمیاب شدن آنها در بازارهای داخلی است. این وضعیت از جمله برای سیب‌زمینی رخ داده است. قیمت هر کیلو سیب‌زمینی به ۱۲۰ تا ۱۶۰ هزار تومان در مناطق مختلف رسیده است. به گفته فعالان صنفی یکی از دلائل افزایش قیمت سیب‌زمینی عدم توجه وزارت جهاد کشاورزی به ذخیره سیب‌زمینی برای فصل سرد سال، و همچنین صدور مجوز صادرات سیب‌زمینی و خالی شدن بازار داخل از سیب‌زمینی بوده است.

است.خرمای «مضافتی بم»، یکی از پرفروش‌ترین انواع خرما در ماه رمضان، در حال حاضر با قیمت ۱۶۰ هزار تومان به ازای هر ۶۰۰ گرم در بازار عرضه می‌شود. سال گذشته این محصول بین ۶۰ هزار تا ۹۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده بود که به معنای افزایش ۷۷ تا ۱۶۶ درصدی قیمت این محصول است.خرمای «پیارم» هم که سال گذشته با قیمت ۱۰۵ هزار تومان فروخته می‌شد، اکنون با ۲۴ درصد افزایش با قیمت ۱۳۰ هزار تومان به فروش می‌رسد.

قیمت برنج نیز به مرز هر کیلو ۳۰۰ هزار تومان رسیده و دولت برای مدیریت قیمت برنج هیچ اقدامی انجام نداده است. قیمت گوشت قرمز نیز در ماه گذشته با افزایش ۲۰ درصدی روبرو شده است.همچنین روغن که در دو ماه گذشته با افزایش قیمت ۲۵ درصدی روبرو شده بود، اکنون کمیاب شده و در برخی فروشگاه‌ها قفسه‌های روغن خالی است. در روزهای گذشته قیمت زعفران نیز افزایش یافته و به گفته غلامرضا میری، نایب رئیس شورای ملی زعفران، قیمت این محصول ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش یافت. افزایش هزینه‌های اجاره‌بها، حقوق و دستمزد و سایر هزینه‌های جانبی نیز بر قیمت نهایی این کالا تأثیرگذار بوده است.

گزارش رسانه‌های داخلی حاکی از آنست که زمزمه‌های گرانی و کمبود شکر آغاز شده و از آنجایی که ایران بخشی از نیاز خود را از طریق واردات شکر تأمین می‌کند پیش‌بینی می‌شود که مانند دیگر کالاهای اساسی صعود غیرمنتظره‌ای را در ماه‌های آینده تجربه کند.

قیمت حبوبات نیز در شرایطی با افزایش روبرو شده که پیشتر اعلام شده بود با پیگیری اتحادیه بنکداران مواد غذایی قرار بر این بود که قیمت حبوبات تا پایان ماه رمضان تغییری پیدا نکنند. اینهمه در حالیست که اعلام شده پس از ماه رمضان با تغییر ارزی که به واردات این اقلام صورت می‌گیرد از ارز ۲۸۵۰۰ تومانی به ارز ۴۲۲۰۰ تومانی قیمت حبوبات با افزایش دیگری نیز روبرو خواهد شد.

جدیدترین گزارش مرکز آمار از شاخص قیمت مصرف‌کننده مربوط به بهمن‌ماه نشان می‌دهد که تورم مواد غذایی در

● اگر قیمت ۲۰۰ هزار تومانی برای هر کیلو زولبیا بامیه مبنا قرار بگیرد، باز هم این رقم نسبت به سال گذشته افزایشی حدود ۷۰ تا ۸۵ درصدی نشان می‌دهد.

● قیمت خرما «مضافتی بم»، یکی از پرفروش‌ترین انواع خرما در ماه رمضان، به ۱۶۰ هزار تومان رسیده که نسبت به سال گذشته ۷۷ تا ۱۶۶ درصد گران‌تر شده است. ● قیمت برنج نیز به مرز هر کیلو ۳۰۰ هزار تومان رسیده و دولت برای مدیریت قیمت برنج هیچ اقدامی انجام نداده است. قیمت گوشت قرمز نیز در ماه گذشته با افزایش ۲۰ درصدی روبرو شده است.

● گزارش تورم بهمن‌ماه نشان می‌دهد که تورم ماهانه مواد غذایی از ۶/۷ درصد عبور کرده است. این بالاترین رقم تورم خوراکی‌ها در ۳۲ ماه اخیر و پس از اجرای طرح موسوم به «جراحی اقتصادی» است.

در آغاز فصل رمضان و با وجود نگاه ایدئولوژیکی که حکومت ایران به این ماه دارد، قیمت مواد غذایی با سرعت در حال افزایش است.

طی روزهای گذشته موجی از افزایش دوباره قیمت مواد غذایی آغاز شده است. افزایش سرسام‌آور قیمت برنج و حبوبات تا گرانی گوشت و شکر و زولبیا بامیه و تداوم بحران در بازار سیب‌زمینی، نه تنها سبب شده مردم توان خرید کالاها را نداشته باشند بلکه سبب اعتراض فروشندگان شده چرا که با رکود شدید بازار، کسبه نیز با زیان و کاهش درآمد روبرو هستند. علی‌بهره‌مند رئیس اتحادیه دارندگان قنادی، شیرینی فروشی و کافه تهران اعلام کرده قیمت رسمی هر کیلو زولبیا و بامیه برای واحدهای درجه یک برای فروش ۲۵۵ هزار تومان و واحدهای درجه دو ۲۰۰ هزار تومان است.

حتی اگر قیمت ۲۰۰ هزار تومانی برای هر کیلو زولبیا بامیه مبنا قرار بگیرد، باز هم این رقم نسبت به سال گذشته افزایشی حدود ۷۰ تا ۸۵ درصدی نشان می‌دهد.

علی‌بهره‌مند همچنین گفته «در حال حاضر مشکلی در زمینه شکر نداریم بلکه چالش و مشکل اصلی ما روغن است. به این صورت که اگرچه قیمت روغن زیاد شده اما پیدا کردن آن دشوار است و حتی بعضاً در بازار آزاد پیدا نمی‌شود.»

محاسبات نشان می‌دهد وزن هر عدد بامیه معمولاً حدود ۲۰ تا ۲۵ گرم است، یعنی در یک جعبه یک کیلویی ۴۰ تا ۵۰ عدد بامیه جا می‌شود که قیمت تقریبی آن بین پنج تا هفت هزار تومان تمام می‌شود.

همچنین وزن هر عدد زولبیا در ایران حدود ۴۰ تا ۵۰ گرم است، یعنی در یک جعبه یک کیلویی ۲۰ تا ۲۵ عدد زولبیا وجود دارد که حداقل قیمت آن ۱۱ هزار تومان و حداکثر قیمت هر عدد بیش از ۱۳ هزار تومان است!

قیمت خرما نیز که یکی از اقلام خوراکی پرمصرف در ماه رمضان است طی هفته‌های گذشته با افزایش قابل توجهی روبرو شده است.هر کیلو قیمت خرما «کبکاب» امسال ۹۹ هزار تا ۱۱۶ هزار تومان به فروش می‌رسد. این در حالیست که سال گذشته بهای این محصول بین ۷۰ هزار تا ۹۰ هزار تومان بود؛ به این معنا که قیمت آن طی یک سال گذشته بین ۲۸ تا ۴۱ درصد افزایش یافته است.

سال گذشته هر کیلوگرم خرما «عسلی» بین ۴۰ هزار تا ۵۷ هزار تومان عرضه می‌شد، اما حالا مصرف‌کنندگان باید برای خرید آن ۸۷ هزار تومان بپردازند که نشان‌دهنده رشد ۷۴ تا ۱۱۷ درصدی قیمت این محصول طی یک سال گذشته



# هزینه میلیونی سفره افطار؛ دولت وعده اقدام سازمان تعزیرات را می‌دهد!



اصلی یا مخلفاتی مانند سالاد، ماست یا دیگر خوراکی‌ها است!

با توجه به مصرف میوه و دیگر میان‌وعده‌ها و یک وعده غذا به همراه خرما در سحری، می‌توان پیش‌بینی کرد که هر روز روزه‌داری در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بیش از دو میلیون تومان هزینه دارد و یک خانوار باید برای تأمین مواد خوراکی روزهای ماه رمضان باید مبلغی بیش از ۶۰ میلیون تومان هزینه کند.

افزایش قیمت مواد خوراکی از ابتدای فصل زمستان سرعت گرفته و در آستانه ماه رمضان و نوروز به اوج رسیده است. بر اساس اعلام مرکز آمار ایران میزان تورم ماهانه در بهمن‌ماه ۴/۱ درصد بود که رقمی کم‌سابقه به شمار می‌رود.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران تورم مواد غذایی در محاسبات ماهانه از شاخص ۶/۷ درصد عبور کرده است. این بالاترین رقم تورم خوراکی‌ها در ۳۲ ماه اخیر و پس از اجرای طرح موسوم به «جراحی اقتصادی» است.

قیمت مواد غذایی از یکسو متأثر از تورم عمومی اقتصاد، و از سوی دیگر به علت قطع پیاپی برق و گاز واحدهای تولیدی و کشاورزی در یک سال گذشته افزایش یافته است. با اینهمه مقامات دولت به دنبال متهم کردن فروشندگان به «گرانفروشی» هستند تا با دادن آدرس غلط عملکرد منفی خود را لاپوشانی کنند.

در همین رابطه محمدرضا عارف معاون اول مسعود پزشکیان اعلام کرده «علیرغم آنکه هر ساله مردم گرانی را در بازار شب عید تجربه می‌کردند، امسال قرار است دولت تصمیماتی جهت مهار تورم و جلوگیری از گرانفروشی را اتخاذ کند.»

منظور محمدرضا عارف، سرازیر شدن مأموران سازمان تعزیرات در بازار و پلمب کردن فروشگاه‌ها به بهانه گرانفروشی است؛ روندی که از مدتی پیش هم جریان داشته اما نتوانسته از افزایش قیمت مواد خوراکی جلوگیری کند و گرانی‌های تصاعدی ادامه دارد.

افزایش یافته است.

سال گذشته هر کیلوگرم خرما «عسلی» بین ۴۰ هزار تا ۵۷ هزار تومان عرضه می‌شد، اما حالا مصرف‌کنندگان باید برای خرید آن ۸۷ هزار تومان بپردازند که نشان‌دهنده رشد ۷۴ تا ۱۱۷ درصدی قیمت این محصول طی یک سال گذشته است.

خرمای «مضافتی بم»، یکی از پرطرفدارترین انواع خرما در ماه رمضان، در حال حاضر با قیمت ۱۶۰ هزار تومان به ازای هر ۶۰۰ گرم در بازار عرضه می‌شود. سال گذشته این محصول بین ۶۰ هزار تا ۹۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده بود که به معنای رشد ۷۷ تا ۱۶۶ درصدی قیمت این محصول است.

خرمای «پیارم» هم که سال گذشته با قیمت ۱۰۵ هزار تومان فروخته می‌شد، اکنون با ۲۴ درصد افزایش با قیمت ۱۳۰ هزار تومان به فروش می‌رسد.

همچنین بر اساس اعلام رئیس اتحادیه قنادان، شیرینی‌فروشان و کافه قنادی تهران قیمت هر کیلوگرم زولبیا و بامیه در ماه رمضان امسال برای واحدهای درجه یک ۲۵۵ هزار تومان و برای واحدهای درجه دو ۲۰۰ هزار تومان تعیین شده است. این در حالیست که در ماه رمضان سال گذشته قیمت هر کیلوگرم زولبیا و بامیه برای واحدهای درجه یک ۱۷۰ و واحدهای درجه دو ۱۴۰ هزار تومان بوده است.

قیمت‌های رسمی همچنین نشان می‌دهد یک کیلو حلیم حدود ۳۰۰ هزار تومان و یک کیلو آش رشته ۲۰۰ هزار تومان هزینه دارد.

پهن کردن یک سفره افطار ساده با پنیر، یک کیلو سبزی خوردن، نان، چای، خرما مضافتی بم، قند و زولبیا و بامیه چیزی حدود ۹۲۰ هزار تومان هزینه برمی‌دارد. یک خانواده اگر بخواهد آش رشته یا حلیم را هم به سفره خود اضافه کند، این هزینه از یک میلیون تومان هم بیشتر می‌شود.

هزینه یک میلیون تومانی سفره افطار بدون هرگونه غذای

● پهن کردن یک سفره افطار ساده با پنیر، یک کیلو سبزی خوردن، نان، چای، خرما مضافتی بم، قند و زولبیا و بامیه چیزی حدود ۹۲۰ هزار تومان هزینه برمی‌دارد. یک خانواده اگر بخواهد آش رشته یا حلیم را هم به سفره خود اضافه کند، هزینه از یک میلیون تومان هم بیشتر می‌شود.

● هر روز روزه‌داری در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی بیش از دو میلیون تومان هزینه دارد و یک خانوار باید برای تأمین مواد خوراکی روزهای ماه رمضان مبلغی بیش از ۶۰ میلیون تومان هزینه کند.

● بر اساس گزارش مرکز آمار ایران تورم مواد غذایی در محاسبات ماهانه از شاخص ۶/۷ درصد عبور کرده است. این بالاترین رقم تورم خوراکی‌ها در ۳۲ ماه اخیر و پس از اجرای طرح موسوم به «جراحی اقتصادی» است.

● قیمت مواد غذایی از یکسو متأثر از تورم عمومی اقتصاد، و از سوی دیگر به علت قطع پیاپی برق و گاز واحدهای تولیدی و کشاورزی در یک سال گذشته افزایش یافته است.

● مقامات دولت به دنبال متهم کردن فروشندگان به «گرانفروشی» هستند تا با دادن آدرس غلط عملکرد منفی خود را لاپوشانی کنند.

گزارش‌های میدانی از قیمت اقلام خوراکی نشان می‌دهد تهیه یک سفره بسیار ساده افطار در ماه رمضان برای یک خانواده چهار نفره حدود یک میلیون تومان هزینه دارد. افزایش مواد خوراکی در آستانه ماه رمضان و نوروز سرعت گرفته و دولت می‌گوید با اقدام سازمان تعزیرات مانع از «گرانفروشی» می‌شود. این در حالیست که تورم اقتصاد بر افزایش قیمت مواد خوراکی موثر بوده و فروشندگان مسئول گرانی نیستند!

بررسی قیمت اقلام خوراکی نشان می‌دهد که تهیه یک سفره افطار ساده برای یک خانواده چهار نفره در ساده‌ترین حالت ۹۰۰ هزار تومان هزینه دارد. این هزینه فقط برای سفره افطار است و شامل سحری و میوه و خوراکی‌های مشابه نمی‌شود.

قیمت یک قالب پنیر ۴۰۰ گرمی بر اساس قیمت‌های دستوری دولت ۶۰ هزار تومان است که در ماه رمضان سال گذشته این رقم حدود ۳۵ هزار تومان بوده است.

قیمت رسمی سبزی خوردن نیز از کیلویی ۳۰ هزار تومان در سال گذشته به ۸۵ هزار تومان در سال جاری افزایش پیدا کرده است.

قیمت هر نان بربری ۳ تا ۵ هزار تومان و قیمت هر نان سنگک از ۱۰ هزار تومان آغاز می‌شود. ارزان‌ترین بسته ۴۰۰ گرمی چای بیش از ۳۵۰ هزار تومان در بازار به فروش می‌رسد. همچنین هر کیلو قند شکسته شده که سال گذشته ۲۸ تا ۳۸ هزار تومان قیمت‌گذاری شده بود، امسال به ۵۲ هزار تومان رسیده است.

خرما نیز به عنوان یکی از پرمصرف‌ترین مواد خوراکی ماه روزه امسال با قیمت‌های نجومی روبرو شده است. هر کیلو قیمت خرما «کبکاب» امسال ۹۹ هزار تا ۱۱۶ هزار تومان به فروش می‌رسد. این در حالی است که سال گذشته بهای این محصول بین ۷۰ هزار تا ۹۰ هزار تومان بود؛ به این ترتیب قیمت آن طی یک سال گذشته بین ۲۸ تا ۴۱ درصد

# سران قوا برای پرداخت بدهی دولت به تأمین اجتماعی دست به کار شدند؛ مجوز فروش ۲۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی اسلامی!



● شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا مجوز ۲۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی اسلامی را صادر کرده تا درآمد حاضر از فروش این اوراق در اختیار سازمان تأمین اجتماعی برای پرداخت بدهی مراکز درمانی و داروخانه‌ها قرار بگیرد.

● تلاش شورای هماهنگی سران قوا برای پرداخت بخشی از بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی در آخرین روزهای سال به علت بحرانی است که این بدهی در ساختار درمانی و دارویی کشور ایجاد کرده است.

در شرایطی که بحران مالی در سازمان تأمین اجتماعی سبب ایجاد اختلال در ساختار دارویی و درمانی کشور شده، شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا مجوز فروش ۲۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی اسلامی برای پرداخت بدهی تأمین اجتماعی به هزینه مراکز درمانی و داروخانه‌ها را صادر کرده است. در جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در نشست عصر روز چهارشنبه که با ریاست مسعود پزشکیان و با حضور رؤسای قوه قضائیه و مقننه برگزار شد مجوز ۲۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی اسلامی صادر شد. بر اساس مصوبه سران قوا قرار شده درآمد حاضر از فروش این اوراق در اختیار سازمان تأمین اجتماعی برای پرداخت بدهی مراکز درمانی و داروخانه‌ها قرار بگیرد.

این رقم در اصل بخشی از بدهی چند هزار میلیارد تومانی دولت به سازمان تأمین اجتماعی است. بر اساس لایحه بودجه امسال قرار بود دولت ۱۳۰ هزار میلیارد تومان از بدهی خود به سازمان تأمین اجتماعی را پرداخت کند اما خبرها حاکی از آنست که تا آخرین فصل سال تنها ۲۵ هزار میلیارد تومان از این رقم تأمین شده بود.

علی‌اصغر عیوضی، دبیر هیئت مدیره کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی به تازگی اعلام کرده که «دولت در سال جاری موظف به پرداخت ۱۳۰ هزار میلیارد تومان بدهی خود به تأمین اجتماعی بوده اما تاکنون فقط ۲۵ هزار میلیارد تومان آن تأمین شده است.»

اکنون بر اساس مصوبه شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا و در صورتیکه همه ۲۰ هزار میلیارد تومان اوراق مالی اسلامی عرضه شده به فروش برسد، دولت تنها موفق شده یک سوم از رقم ۱۳۰ هزار میلیارد تومانی که بر اساس لایحه بودجه قرار بوده به سازمان تأمین اجتماعی را بپردازد تأمین کند.

کل رقم بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی تا پایان سال ۱۴۰۰ بیش از ۴۶۰ هزار میلیارد تومان اعلام شده بود. اکنون این رقم به بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است اما با وجود اینکه دولت طی سال‌های گذشته در لایحه بودجه موظف به پرداخت پلکانی این بدهی شده بود اما اقدامی عملی در این رابطه انجام نداده است.

تلاش شورای هماهنگی سران قوا برای پرداخت بخشی از بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی در آخرین روزهای سال به علت بحرانی است که این بدهی در ساختار درمانی و دارویی کشور ایجاد کرده است.

سازمان تأمین اجتماعی برای اجرای قانون همسان‌سازی بازنشستگان، و همچنین پرداخت بدهی خود به ساختار دارویی و درمانی کشور منابعی در دست ندارد و مسئولان این سازمان می‌گویند در صورتیکه دولت بدهی خود را

به علت تأخیر طولانی سازمان تأمین اجتماعی در پرداخت مطالبات داروسازان، داروخانه‌ها خرید دارو از شرکت‌های دارویی سهامدار بیمه تأمین اجتماعی را متوقف و سازمان تأمین اجتماعی را تحریم کردند.

بر اساس این تصمیم، انجمن داروسازان ایران به عنوان نماینده صنف داروخانه‌های سرپایی در بخش خصوصی، تصمیم به تحریم این سازمان توسط داروخانه‌ها گرفته است. روز گذشته نیز محمد جمالیان عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی مدعی شد که تأمین اجتماعی اعلام کرده است که ۵ تا ۱۰ اسفند مطالبات داروخانه‌ها را تا پایان مهر ماه پرداخت می‌کند. از ۱۰ تا ۱۵ اسفند مطالبات مراکز خصوصی، آزمایشگاه‌ها و مراکز دیالیزی‌ها را تا پایان شهریور پرداخت می‌کند.

او افزوده «از همه مراکز دیالیزی خواسته‌ایم که با توجه به اینکه تأمین اجتماعی متعهد به پرداخت شده است و در حال حاضر پرداخت مطالبات داروخانه‌ها را نیز شروع کرده است، این مراکز نیز همکاری داشته باشند.»

در آنسو اما فعالان بازنشستگان می‌گویند بدهی سازمان تأمین اجتماعی به بازنشستگان مانند بدهی به بانک یا بیمارستان است و نباید در اولویت کمتری قرار گیرد.

بازنشستگان و مستمیری‌گیران تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی سال‌هاست در انتظار اجرای طرح همسان‌سازی حقوق بازنشستگان هستند اما سازمان تأمین اجتماعی به علت نبود منابع این قانون را اجرایی نکرده است. در صورت اجرای قانون همسان‌سازی، رقم حقوق بازنشستگان و مستمیری‌گیران این سازمان افزایش می‌یابد.

احمد پنجکی، عضو هیئت مدیره کانون عالی بازنشستگان تأمین اجتماعی، با انتقاد از تأخیر در پرداخت معوقات بازنشستگان گفته که دولت موظف است بدهی‌های خود را در همان سال مالی تسویه کند. بازنشستگان و مستمیری‌گیران سازمان تأمین اجتماعی مدتهاست تجمعاتی اعتراضی را نیز برای اجرای هر چه زودتر قانون همسان‌سازی برگزار می‌کنند اما همچنان این قانون اجرایی نشده است.

به این سازمان پرداخت کند، این سازمان امکان پرداخت تعهدات خود را خواهد داشت. برای نمونه از فروردین سال جاری تا کنون مطالبات مراکز دیالیز از سوی بیمه‌ها پرداخت نشده و برخی مراکز دیالیز نیز هفته گذشته در نامه‌ای به وزیر بهداشت و درمان خواستار حل این مشکلات شدند.

در این نامه تأکید شده بود مراکز دیالیز «در حال حاضر قادر به خرید مواد و ملزومات مصرفی نمی‌باشند و علی‌رغم میل باطنی (که در این ۹ ماه اخیر نیز بدون دریافت مطالبات به ارائه خدمت به مددجویان عزیز دیالیزی ادامه داده‌اند)، از پانزدهم اسفندماه، ناگزیر به پذیرش بیماران دیالیزی به صورت آزاد هستند.»

با اینهمه خبرگزاری «ایلنا» هفته جاری گزارش داد که برخی از مراکز دیالیز در حال حاضر نیز بیمارانی را که تحت پوشش بیمه سازمان تأمین اجتماعی هستند، پذیرش نمی‌کنند.

هفته گذشته انجمن داروسازان ایران با ارسال نامه‌ای به دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به «بحران نقدینگی داروخانه‌ها» و «عدم پرداخت مطالبات بیمه‌ای» نسبت به احتمال «فروپاشی زنجیره تأمین دارو» هشدار داد.

بر اساس اطلاعات منتشر شده در این نامه داروخانه‌های خصوصی فقط از سازمان تأمین اجتماعی ۷۱۸ هزار میلیارد ریال و از سازمان هدفمندی یارانه‌ها ۸۵ هزار میلیارد ریال طلب دارند و هنوز پاسخی درباره زمان پرداخت این مطالبات ارائه نشده است. انجمن داروسازان ایران همچنین تأکید کرده بود که ۳۵ هزار میلیارد ریال مصوبه سران قوا که در اختیار وزارت بهداشت قرار گرفته، هنوز به داروخانه‌های خصوصی پرداخت نشده است.

این نامه افزوده بود که این تأخیرها باعث کمبود شدید نقدینگی در داروخانه‌ها، افزایش چک‌های برگشتی و اختلال در روابط مالی شرکت‌های دارویی شده است. در نتیجه بسیاری از شرکت‌های دارویی از تأمین دارو برای داروخانه‌های بدهکار خودداری کرده‌اند که این مسئله زنجیره تأمین دارو در کشور را با بحران جدی مواجه کرده است. اواخر بهمن‌ماه نیز انجمن داروسازان ایران خبر داد که



# هشدار یک اقتصاددان درباره دستمزدهای ناچیز همزمان با اعتراضات معیشتی در شهرهای مختلف

واقع‌بینانه به ماجرا نگاه کنیم، سرجمع هزینه‌های زندگی با در نظر گرفتن اجاره خانه و ملزومات زندگی، ۷۰ میلیون تومان است؛ یک زندگی آپرومندانه متناسب با شأن و منزلت مزدبگیران نیاز به ۷۰ میلیون حقوق دارد؛ کارزاری هم در این زمینه راه انداخته‌ایم که تا امروز بیش از ۴ هزار نفر آن را امضا کرده‌اند.

وی افزوده «ساختار غلط شورای عالی کار- هم در چیدمان نفرت و هم در نوع تصمیم‌گیری براساس اکثریت آرا- اجازه تعیین دستمزد شرافتمندانه نمی‌دهد مگر بدنه کاری به میدان بیایند و با قدرت حق و حقوق خود را مطالبه کنند؛ در این بین، یک نکته اهمیت بسیار دارد؛ اینکه منابع کشور به انحاء مختلف به دست خواص حیف و میل شده، گناه کارگران نیست.»

همانطور که فعالان کاری تأکید دارند، کارگران و بازنشستگان در وضعیت معیشتی دشواری قرار دارند و همین موضوع سبب افزایش اعتراضات کارگران و بازنشستگان شده است.

برای نمونه روز دوشنبه ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۳ دو هفته مانده به نوروز، بازنشستگان شرکت مخابرات در شهرهای مختلف ایران از جمله زنجان، اهواز، اصفهان، رشت، شوش، ایلام، بیجار، و کرمانشاه تجمعاتی سراسری و هماهنگ را برگزار کردند. «بازنشسته داد بزن، حقت رو فریاد بزن»، «مشکل ما را حل کنید»، و «فریاد فریاد از اینهمه بیداد» از جمله شعارهای بازنشستگان در تجمعات سراسری دوشنبه بود.

در همین روز همچنین تعدادی از کارگران پالایشگاه گاز پارسیان در لامرد، شماری از کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و جمعی از پرسنل شرکت فولاد سیرجان ایرانیان با برگزاری تجمعات اعتراضی خواستار رسیدگی به خواست‌ها و حقوق خود شدند.

دامنه اعتراضات صنفی در آخرین روزهای سال و به علت انباشت معوقات مزدی افزایش یافته است. روز یکشنبه ۱۲ اسفندماه، تعدادی از نیروهای پروژه آب شیرین‌کن در چابهار، شماری از بازنشستگان تأمین اجتماعی در تهران، اهواز، شوش، کرمانشاه و رشت، جمعی از بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان و «قائم‌شهر» (شاهی)، تعدادی از دانشجویان در ایرانشهر، شماری از کارگران پالایشگاه ایلام تجمعات اعتراضی برگزار کردند.

در روزهای گذشته همچنین نیروهای شرکت پترو پالایش مکران در شهرستان جاسک دست از کار کشیدند و با تجمع در محوطه پتروشیمی دست به اعتصاب زدند. پرستاران نیز از جمله اصنافی هستند که در روزهای گذشته تجمعات اعتراضی برگزار کرده‌اند. احمد نجابتیان رئیس کل سازمان نظام پرستاری با تأکید بر اینکه «معوقات پرستاران به بیش از ۷ ماه می‌رسد» گفته «اعتراض به شرایط معیشتی و کاری حق پرستاران است.»

وی همچنین گفته «ادامه روند کنونی به افزایش بحران‌ها در حوزه بهداشت و درمان دامن می‌زند... نجاتیان با اشاره به اینکه وزارت بهداشت دولت پزشکیان وعده‌های خود برای پرداخت معوقات پرستاران را عملی نکرده گفته «هیچ اتفاقی درباره مطالبات پرستاران بعد از ۵ ماه رخ نداده است» و «در سطح وزارت بهداشت و درمان تمایلی برای بهبود این وضعیت دیده نمی‌شود.»



طرف دیگر حاشیه‌های سود صنایع هم آسیب دیده است و بهترین کسب و کارها نیز مسئله‌مند شده‌اند اما از این طرفی هم شرایط را جوری نمی‌بینم که دستمزدها کمتر از تورم پرداخت شود چون مردم هم تاب‌آوری‌شان به شدت کاهش یافته است.»

هشدار حسین عبده تبریزی درباره کاهش تحمل مردم و لزوم افزایش دستمزدها در حالیست که مقامات دولت مسعود پزشکیان در برابر افزایش عادلانه دستمزدها به بهانه «تورم‌زا» بودن مقاومت می‌کند.

بر اساس لایحه بودجه سال ۱۴۰۴، قرار است دستمزد کارمندان و بازنشستگان دولت نسبت به امسال به ترتیب با افزایش ۳۰ و ۲۰ درصدی روبرو شود.

همچنین مذاکرات برای تعیین رقم حداقل دستمزد که مبنای پرداخت دستمزد کارگران، و بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی است اکنون در «کمیته دستمزد» وزارت کار در جریان است. نظر دولت بر افزایش ۳۵ درصدی رقم حداقل دستمزد است اما فعالان کاری خواستار افزایش عادلانه دستمزدها و معادل رقم سبد معیشت هستند.

برآورد کارشناسان درباره رقم سبد معیشت در نیمه زمستان امسال ۴۲ میلیون تومان برای یک خانواده سه تا چهار نفره بوده است. این در حالیست که در کمیته دستمزد رقم ۲۳ میلیون و ۴۴۰ هزار تومان را برای سبد معیشت در نظر گرفته است!

علیرضا خرمی فعال کاری در واکنش به مقاومت دولت در برابر افزایش عادلانه دستمزد گفته «مبلغ حداقل حقوق بسیار پایین است بنابراین نمی‌توانیم روی درصدهای افزایش مزد صحبت کنیم، ما نیاز به حداقل ۴۰۰ درصد افزایش روی پایه مزد ۷ میلیون تومانی داریم؛ برای یک زندگی خیلی ساده، کف پایه مزد باید ۲۷ و یا ۲۸ میلیون تومان باشد تا کارگران با مزایای مزدی و طرح طبقه‌بندی و پاداش بتوانند حقوق‌شان را به خط فقر برسانند.»

حسین حبیبی فعال کاری هم گفته «اگر بخواهیم

حسین عبده تبریزی اقتصاددان، کارشناس بازار سرمایه و بنیانگذار بانک «اقتصاد نوین» که در جریان انتخابات ریاست جمهوری امسال از جمله مشاوران اقتصادی مسعود پزشکیان بود، با اشاره به «کاهش شدید تاب‌آوری مردم» و تأکید بر لزوم افزایش دستمزدها گفته «اگر شرایط پیش رو به نحوی تغییر نکند، به مشکل اجتماعی برخورد خواهیم کرد. اما دست‌کم برای امسال، به نظرم دولت چاره‌ای ندارد که دستمزد را به اندازه تورم اصلاح کند.»

برآورد کارشناسان درباره رقم سبد معیشت در نیمه زمستان امسال ۴۲ میلیون تومان برای یک خانواده سه تا چهار نفره بوده است. این در حالیست که در کمیته دستمزد رقم ۲۳ میلیون و ۴۴۰ هزار تومان را برای سبد معیشت در نظر گرفته است!

علیرضا خرمی فعال کاری: مبلغ حداقل حقوق بسیار پایین است بنابراین نمی‌توانیم روی درصدهای افزایش مزد صحبت کنیم، ما نیاز به حداقل ۴۰۰ درصد افزایش روی پایه مزد ۷ میلیون تومانی داریم.

حسین حبیبی فعال کاری: اگر بخواهیم واقع‌بینانه به ماجرا نگاه کنیم، سرجمع هزینه‌های زندگی با در نظر گرفتن اجاره خانه و ملزومات زندگی، ۷۰ میلیون تومان است.

یک اقتصاددان با هشدار درباره اینکه «تاب‌آوری مردم به شدت کاهش یافته» گفته دولت پزشکیان باید به افزایش عادلانه دستمزدها اقدام کند وگرنه ممکن است «مشکلات اجتماعی جدی» رخ دهد. این هشدار در حالی مطرح شده که در روزهای گذشته اعتراضات معیشتی در شهرهای مختلف ایران از سوی شاغلان و بازنشستگان افزایش یافته است.

حسین عبده تبریزی اقتصاددان، کارشناس بازار سرمایه و بنیانگذار بانک «اقتصاد نوین» که در جریان انتخابات ریاست جمهوری امسال از جمله مشاوران اقتصادی مسعود پزشکیان بود در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» نسبت به عدم افزایش عادلانه دستمزدها هشدار داده است.

وی با اشاره به «کاهش شدید تاب‌آوری مردم» و تأکید بر لزوم افزایش دستمزدها گفته «اگر شرایط پیش رو به نحوی تغییر نکند، به مشکل اجتماعی برخورد خواهیم کرد. اما دست‌کم برای امسال، به نظرم دولت چاره‌ای ندارد که دستمزد را به اندازه تورم اصلاح کند.»

این تحلیلگر اقتصادی البته معتقد است که «معیشت بطور کلی راه حل‌های کوتاه‌مدت ندارد»؛ با اینهمه توضیح داده که «باید نرخ حداقل دستمزد تأمین شود و در وضعیت مطلوب‌تر باید حقوق‌ها را بالاتر ببریم. در حال حاضر بسیاری از دارایی‌ها در دسترس مردم نیست. مثلاً خرید مسکن برای بخش قابل ملاحظه‌ای از مردم ناممکن شده است چرا که قیمت مسکن و ساختمان خیلی از دستمزدها پیشی گرفته است. در عین حال پایین بودن دستمزدها نیز به قدرت خرید صدمه می‌زند و این نکته را نیز کسب و کارها باید درک کنند.»

او در توصیف وضعیت حقوق‌بگیران گفته «راه حل‌ها به دشواری می‌تواند همه جوانب موضوع را دربرگیرد. از یک طرف با توجه به آسیبی که معیشت خورده، حداقل در حد تورم، باید سعی کنیم که دستمزدها ترمیم پیدا کند اما از

## کیفیت آموزش قربانی بحران کمبود انرژی؛ دانش‌آموزان در تهران طی ۱۰۰ روز، ۵۰ مدرسه نرفتند



دانش‌آموزان ایران مواجه خواهیم شد؛ زیرا این میزان از تعطیلات و غیرحضوری شدن مدارس به خاطر آلودگی هوا، سرما و ناترازی انرژی نه فقط مربوط به تهران، بلکه مربوط به بسیاری از دیگر شهرهای کشور است.

این گزارش تأکید کرده که آموزش آنلاین که جایگزین آموزش حضوری دانش‌آموزان شده نیز به علت فراهم نبودن زیرساخت‌ها نتیجه‌بخش نبوده است: «آموزش مجازی که با سیستم شاد برگزار می‌شود، بعد از گذشت بیش از ۴ سال از شروع آن در دوره کرونا، هنوز گویات‌اش می‌لنگد؛ یا قطع است و یا امکان وصل شدن و ارتباط‌گیری با کیفیت بین دانش‌آموز و معلم در آن وجود ندارد.»

«دیده‌بان ایران» تأکید کرده که کاهش سطح سواد دانش‌آموزان در سال‌های اخیر را البته بسیاری از مسئولان آموزشی تأیید می‌کنند، اینکه ۴۰ درصد از دانش‌آموزان حتی به میزان سواد خواندن و نوشتن مورد قبول وزارت آموزش و پرورش هم نمی‌رسند.

رضوان حکیم‌زاده معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش آذرماه امسال اعلام کرد در کنار مفهوم بازمانده از تحصیل، نظام آموزشی کشور با مفهوم بازمانده از یادگیری نیز مواجه است؛ دانش‌آموزانی که در مدرسه حضور دارند، اما مهارت‌های پایه را با کیفیت مطلوب فرا نمی‌گیرند و در نهایت تفاوت ملموسی بین آنان و بازماندگان از تحصیل در مسئله یادگیری وجود ندارد.

معاون وزیر آموزش و پرورش افزوده بود که «فقر یادگیری مختص به ایران نیست و طبق گزارش بانک جهانی از ۸۰ درصد کودکانی که امکان حضور در مدرسه را پیدا می‌کنند، ۲۵ درصد با فقر یادگیری مواجه هستند. به عبارت بهتر،

خانه‌نشین شوند.

تعطیل کردن مدارس از جمله به اصطلاح راهکارهای دولت برای عبور از بحران عمیق کمبود انرژی در ایران است. علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش به تازگی گفته «تعطیلی‌ها تصمیم حاکمیتی است و فقط شامل ما نیست، صنایع و دستگاه‌های دولتی را هم تعطیل می‌کنند و همه باید تبعیت کنیم.»

در حالی که در اوایل سال جاری در روزهایی که مدارس تعطیل اعلام می‌شد، آموزش آنلاین در دستور کار قرار داشت اما در روزهای اخیر آموزش آنلاین نیز متوقف شده است.

وبسایت «دیده‌بان ایران» در گزارشی نوشته «این روزها، کار والدین درآمده است، آنها عصر هر روز باید چشم به اخبار باشند برای اینکه ببینند قرار است فرزندان خود را راهی مدرسه کنند یا نه؛ این روزها، مدارس یکی بود، یکی نبود، برقرار می‌شود، یک روز، سرما شدت می‌یابد و مدارس تعطیل یا مجازی می‌شود، روز دیگر، شاخص آلودگی هوا برای گروه‌های حساس خطرناک است و آموزش در مدارس را غیرحضوری می‌کند، روز دیگر، افت فشار گاز و ناترازی انرژی باعث می‌شود تا مدیران دولتی، تصمیم به تعطیلی و غیرحضوری شدن مدارس بگیرند. اتفاقی که بیش از هر چیز دیگری، دودش به نظام آموزشی و تعلیم و تربیت می‌رود.» این گزارش به آثار تعطیلات گسترده مدارس در شهرهای مختلف کشور و در پی بحران کمبود انرژی پرداخته و نوشته تعطیلات مدارس باعث شده است که نظام آموزشی کشور در سال تحصیلی جاری، فقط اسمی از آموزش را یدک بکشد و شکی نیست که امسال با افت تحصیلی محسوس

● تعطیل کردن مدارس از جمله به اصطلاح راهکارهای دولت برای عبور از بحران عمیق کمبود انرژی در ایران است.

● علیرضا کاظمی وزیر آموزش و پرورش به تازگی گفته «تعطیلی‌ها تصمیم حاکمیتی است و فقط شامل ما نیست، صنایع و دستگاه‌های دولتی را هم تعطیل می‌کنند و همه باید تبعیت کنیم.»

● تعطیلات پی در پی مدارس سبب شده طی حدود سه ماه، دانش‌آموزان در تهران نیمی از روزهای مدرسه را از دست بدهند و خانه‌نشین شوند.

● در حالی که در اوایل سال جاری در روزهایی که مدارس تعطیل اعلام می‌شد، آموزش آنلاین در دستور کار قرار داشت اما در روزهای اخیر آموزش آنلاین نیز متوقف شده است.

● آموزش مجازی که با سیستم شاد برگزار می‌شود، بعد از گذشت بیش از ۴ سال از شروع آن در دوره کرونا، هنوز مشکل دارد؛ یا قطع است و یا امکان وصل شدن و ارتباط‌گیری با کیفیت بین دانش‌آموز و معلم در آن وجود ندارد.

وبسایت «دیده‌بان ایران» گزارش داده در ۱۰۰ روز اخیر، یعنی از ابتدای آذرماه تا دهم اسفندماه، مدارس تهران حدود ۵۰ روز یا تعطیل بوده یا آموزش‌ها به صورت نیم‌بند و غیرحضوری برگزار شده است.

یکی از آثار بحران کمبود انرژی بر کاهش سطح کیفیت آموزشی در مدارس کشور بوده بطوری که تعطیلات پی در پی مدارس سبب شده طی حدود سه ماه، دانش‌آموزان در تهران نیمی از روزهای مدرسه را از دست بدهند و



➔ ۴۰ درصد کودکانی که وارد مدرسه می‌شوند، به فقر یادگیری دچار هستند.»

کارشناسان حوزه آموزش و فعالان صنفی آموزگاران معتقدند در ایران عواملی از جمله جذاب نبودن محتوای کتاب‌های درسی و جذاب نبودن فضای مدارس، تراکم تعداد بالای دانش‌آموزان در کلاس درس و همچنین بی‌انگیزه بودن آموزگاران از جمله عوامل موثر بر فقر آموزشی است.

در همین رابطه زهرا خماریان، آموزگار به وسایت «خبرآنلاین» گفته «یکی از علت‌های اصلی فقر یادگیری دانش‌آموزان، سیستم ضعیف آموزش و پرورش است؛ چرا که معلمان آموزش خوبی نمی‌بینند، تعداد دانش‌آموزان و تراکم در کلاس‌ها بالا است و به دلیل درگیری‌های بالای خانواده‌ها با مسائل مختلف، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، کمتر می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند. از طرف دیگر محتوای آموزشی کتاب‌ها زیاد است و معلم‌ها وقت کافی برای جا انداختن مطالب به همه دانش‌آموزان ندارد.»

او همچنین از «نامیدی» دانش‌آموزان گفته است: «تحولات اجتماعی سال‌های اخیر باعث شده دانش‌آموزان امیدشان را نسبت به آینده از دست بدهند. دانش‌آموزان امید و اعتماد به نفس برای ایجاد تغییر را از والدین می‌گیرند. از طرف دیگر محتوای کتاب‌های درسی هم مورد علاقه دانش‌آموزان نیست و این موضوع مقاومت ایجاد می‌کند و واکنش بچه‌ها هم این است که به مدرسه بی‌میل باشند و کمتر یاد بگیرند. در پایه‌های بالاتر که دانش‌آموزان در دوره بلوغ هستند و شاهد تضادهای موجود در جامعه، خانواده و مدرسه می‌شوند هم این وضعیت تشدید می‌شود.»

این آموزگار افزوده که در آموزش مجازی به دلیل کرونا یا آلودگی هوا، هیچ کس راهی برای جبران عقب‌ماندگی آموزشی دانش‌آموزان نداشت و در مواردی شاهد هستیم دانش‌آموزان حتی در دوره دبیرستان اطلاعات اولیه درست را هم ندارند یا پایه ریاضی آنها بسیار ضعیف است.

وسایت «دیده‌بان ایران» نوشته جدا از کیفیت آموزش که سال‌هاست روندی نزولی را طی کرده، کمیت هم با مشکل روبرو است: «طبق مصوبه آموزشی کشور، دانش‌آموزان باید روز برای آموزش و تعلیم و تربیت، در مدارس حضور داشته باشند، این در حالی است که طبق تقویم کشورمان، حتی اگر هیچ‌گونه تعطیلی مربوط به آلودگی هوا و ناترازی انرژی هم پیش نیاید، بازهم دانش‌آموزان تنها ۱۶۷ روز در مدارس حاضر می‌شوند؛ حالا در سالی که دانش‌آموزان در بسیاری از روزهای آن ناچار بوده‌اند که آموزش را به صورت غیرحضوری پیگیری کنند، طبیعی است که کیفیت و کمیت آموزش مدارس ایرانی، هر دو به‌سرعت در سراسری سقوط حرکت می‌کند.»

ابراهیم سرخیز معاون پیشین وزارت آموزش و پرورش به «دیده‌بان ایران» گفته که «کیفیت آموزشی در کشورمان پیش از این یعنی زمانی که تعطیلات مثل امروز آن قدر زیاد نبود و در بسیاری از روزها شاهد غیرحضور شدن آموزش مدارس نبودیم نیز خیلی مساعد نبود.»

همچنین رمضان رحیمی عضو کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی به «دیده‌بان ایران» گفته «با توجه به اینکه زیرساخت‌های آموزش مجازی در سطح کشور به صورت عادلانه توزیع نشده، کیفیت اینترنت در برخی نقاط اصلاً مطلوب نیست و سامانه شاد نیز همچنان با مشکلات زیرساختی مواجه است، افزایش روزهای تعطیل یا غیرحضوری شدن آموزش در مدارس می‌تواند به کاهش عدالت آموزشی دامن بزند.»

## مسعود وظیفه زندانی سابق سیاسی:

# در دادگاهی که خود شعبه‌ای از دستگاه جنایت و سرکوب است شرکت نمی‌کنم



مسعود (ارشا) وظیفه اواخر اسفندماه ۹۹ نیز به دلیل فعالیت سیاسی در شبکه‌های اجتماعی و پخش تراکت بازداشت شده بود

مرا به تبلیغ علیه نظام متهم کرده‌اید؟ باشد! به این اتهام افتخار می‌کنم. شما مرا متهم به اخلاق در نظم عمومی کرده‌اید؟ کدام نظم؟ نظمی که شما با گلوله، باتوم، و طناب دار برقرارش کردید؟ من اگر باعث اخلاق در این «نظم» شده باشم، به آن افتخار می‌کنم. شما مرا به نشر اکاذیب متهم کرده‌اید؟ باشد، این یکی را قبول ندارم! چون من فقط حقیقت را فریاد زده‌ام، همان حقیقتی که از زبان مادران دادگار، از گلوئی جوانانی که پای چوبه دار ایستاده‌اند، و از چشم‌های زخمی در خیابان‌های ایران شنیده می‌شود.

من، مسعود وظیفه، یک شهروند ساده‌ام. نه اسلحه دارم، نه پول دارم، نه رسانه دارم. اما یک چیز دارم که شما از آن وحشت دارید: وجدان بیدار و صدای مردم. من از دل همین مردم می‌آیم، از دل همان کوچه‌هایی که شبانه گاز اشک‌آور می‌زنید، از دل همان خیابان‌هایی که خون بی‌گناهان را شستید. اگر فکر می‌کنید با تهدید دادگاه و پرونده‌سازی می‌توانید مرا بترسانید، اشتباه می‌کنید. من در این نمایش مضحک شرکت نمی‌کنم چون این دادگاه، دادگاه نیست، شعبه‌ای از دستگاه جنایت و سرکوب است. من تنها به یک دادگاه ایمان دارم: دادگاه مردم. آنجا من حاضرم، با سر بلند. آنجا قاضی وجدان عمومی است و هیئت منصفه، نسل‌های آینده این سرزمین. بنویسید در پرونده‌ام: «متهم حاضر نشد در دادگاه شرکت کند.»

بنویسید: «متهم مشروعیت دادگاه را قبول نداشت.»  
بنویسید: «متهم گفت این دادگاه خود بخشی از جنایت است.»

من با افتخار پای تمام اینها امضا می‌کنم. شما می‌توانید حکم بدهید، زندانی کنید، شکنجه کنید، حتی بکشید. اما یک چیز را نمی‌توانید: نمی‌توانید حقیقت را دفن کنید. این خاک، این مردم، این تاریخ، هرگز فراموش نمی‌کند. و روزی خواهد رسید که خود شما باید در برابر همین مردم بایستید و پاسخ بدهید.

به نام ایران، به نام مردم، به نام حقیقت.

مسعود وظیفه

دوشنبه ۱۳ اسفند ۱۴۰۳

● مسعود وظیفه فعال و زندانی سابق سیاسی در بیانیه‌ای که در اختیار کیهان لندن قرار داده اعلام کرده است که مشروعیت دادگاه قوه قضاییه را قبول ندارد و در این دادگاه حاضر نخواهد شد.

● «من، مسعود وظیفه، یک شهروند ساده‌ام. نه اسلحه دارم، نه پول دارم، نه رسانه دارم. اما یک چیز دارم که شما از آن وحشت دارید: وجدان بیدار و صدای مردم. من از دل همین مردم می‌آیم، از دل همان کوچه‌هایی که شبانه گاز اشک‌آور می‌زنید، از دل همان خیابان‌هایی که خون بی‌گناهان را شستید.»

● «شما می‌توانید حکم بدهید، زندانی کنید، شکنجه کنید، حتی بکشید. اما یک چیز را نمی‌توانید: نمی‌توانید حقیقت را دفن کنید.»

مسعود وظیفه فعال و زندانی سابق سیاسی در بیانیه‌ای که در اختیار کیهان لندن قرار داده اعلام کرده است که مشروعیت دادگاه قوه قضاییه را قبول ندارد و در این دادگاه حاضر نخواهد شد.

مسعود وظیفه در آرمه به دلیل تحصن در اعتراض به صدور احکام اعدام متهمان پرونده «اکباتان» در مقابل ستاد حقوق بشر قوه قضاییه بازداشت شد و در مدت یک ماه انفرادی و ۳۳ روز در زندان اوین دست به اعتصاب غذا زده بود. وی در ۲۹ دی‌ماه در دادسرای اوین به اتهام تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب تفهیم اتهام و در ۲۷ بهمن‌ماه با گذاشتن وثیقه یک و نیم میلیارد تومانی، تا زمان تشکیل دادگاه به صورت موقت از زندان آزاد شد.

متن بیانیه مسعود وظیفه به شرح زیر است:

«به نام ایران، به نام مردم، به نام حقیقت

در آستانه دادگاه نمایشی ۲۰ اسفند

به تمام کسانی که در دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی نشست‌اند و خیال می‌کنند می‌توانند با پرونده‌سازی، تهدید و بازی‌های نخم‌ها شده مرا وادار به سکوت کنند، یک پیام روشن دارم: من در دادگاه شرکت نمی‌کنم.

چرا؟ چون این دادگاه، دادگاه نیست. این مضحکه، یک شوی بی‌ارزش است که نه قانون در آن معنا دارد و نه عدالت. شما

# گزینه‌های احتمالی مسعود پزشکیان برای وزارت اقتصاد؛ سرپرست موقت وزارتخانه کیست؟

علی طیب‌نیا از مدیران دولت حسن روحانی بود. او در ستاد انتخاباتی مسعود پزشکیان فعالیت می‌کرد و در حالی که عنوان شده بود گزینه‌های پست‌های اجرایی در دولت چهاردهم را رد کرده، در نهایت به عنوان مشاور عالی پزشکیان منصوب شد.

از محمدعلی دهقان دهنوی نیز توسط برخی اصلاح‌طلبان به عنوان فرد مورد پزشکیان برای وزارت اقتصاد و امور دارایی نام برده می‌شود. او پیشتر از ۷ بهمن ۱۳۹۹ تا ۲۱ مهر ۱۴۰۰ رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار بود که پس از استعفای حسن قالیباف اصل ریاست سازمان بورس را به عهده گرفت.

در هر حال مسعود پزشکیان برای انتخاب وزیری که توانایی مدیریت نسبی شرایط بهم ریخته اقتصاد کشور را داشته باشد و البته بتواند از مجلس شورای اسلامی که وزن نیروهای اصولگرای منتقد دولت در آن سنگین است رأی اعتماد بگیرد، با چالش روبرو خواهد بود.

با اینهمه همچنان اصلاح‌طلبان نزدیک به دولت پزشکیان تلاش دارند عملکرد عبدالناصر همتی را توجیه کرده و عزل او را سرآغاز تشدید مشکلات اقتصادی نشان دهند.

در همین رابطه وحید شقاقی شهری اقتصاددان نزدیک به اصلاح‌طلبان در گفتگو با روزنامه «ایران» گفته «تنها شانس که پزشکیان آورد این بود که چالش‌ها همین ابتدا خودش را نشان داد؛ در بحث ناترازی‌ها نمی‌توان دولت را مقصر دانست و تقریباً تمام چالش‌های کنونی اقتصادی کشور محصول تصمیمات اشتباه در دو یا سه دهه اخیر بوده است؛ می‌خواهم بگویم باید مسائل‌مان را مقداری عمیق تحلیل کنیم، اما بطور کلی باید گفت کشورمان یک فرمانده اقتصادی عالم، دانشمند، آگاه غیرشعاری و با تجربه می‌خواهد؛ ما نمی‌توانیم وزارت اقتصاد را به هر فرد معمولی بسپاریم؛ با رفتن همتی تأکید می‌کنم که کشور یکی از مهم‌ترین فرماندهان اقتصادی که جسارت داشت و حتی تجربه دوران فشار حداکثری اول را داشت؛ از دست داد.»

وحید شقاقی شهری در ادامه گفته «متوجهم که اکنون کشور در چه شرایط سختی قرار دارد و نمی‌دانم دولت قرار است چه تصمیمی بگیرد؛ ولی به نظر من این شرایط، هر کسی هم حاضر نمی‌شود مسئولیت سنگین وزارت اقتصاد را برعهده بگیرد.»

از سوی دیگر گمانه‌زنی‌های مطرح شده در رسانه‌های داخلی حاکی از آنست که عبدالناصر همتی از بدنه دولت چهاردهم حذف نخواهد شد. برخی معتقدند او قرار است جایگزین محمدرضا فرزین در بانک مرکزی شود و برای دومین بار ریاست بانک مرکزی را برعهده گیرد. همتی پیشتر در دولت حسن روحانی نیز ریاست کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی را به عهده داشت که البته در آن بخش هم کارنامه مردودی از خود بجا گذاشت.

علت اصلی استیضاح عبدالناصر همتی از سوی نمایندگان که غالباً در جریان رقیب دولت بودند «افزایش نرخ ارز» در کنار عملکرد نامطلوب او در مدیریت قیمت کالاها و تلاطم در بازارهایی چون بازار مواد غذایی و دارو عنوان شده بود. در این میان روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی استیضاح همتی را به موضوع خصوصی‌سازی «ایران خودرو» نیز مرتبط دانسته است.



ایران با چین و هند و بوسنی و هرزگوین» بوده است. فرید موسوی اقتصاددان و فعال اصلاح‌طلب است که در حال حاضر به عنوان نماینده مردم مراغه و عجیشیر، سراجو و قلعه چای در مجلس دوازدهم شورای اسلامی فعالیت می‌کند. او چند دوره پیشتر نیز نماینده مجلس بوده و همچنین عضویت در هیئت مدیره بانک ملی ایران، معاونت کل اعتباری بانک ملی، سرپرستی دبیرخانه بانکداری اسلامی مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران (وابسته به بانک مرکزی)، عضویت در هیئت امنای صندوق توسعه ملی و عضویت در هیئت امنای صندوق ذخیره کارکنان شهرداری تهران را در کارنامه دارد.

حجت میرزایی اقتصاددان است و در حال حاضر ریاست صندوق بازنشستگی کشوری را بر عهده دارد. او پیش از انتصاب به عنوان رئیس صندوق بازنشستگی کشوری، رئیس مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران بود.

معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهری شهرداری تهران، معاونت دانشگاه علامه طباطبایی، معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی استانداری سیستان و بلوچستان و ریاست مرکز پژوهش‌های اتاق بازرگانی ایران از دیگر سوابق کاری حجت میرزایی است.

کامل تقوی‌نژاد در مرداد ۱۴۰۳ طی حکم محمدرضا عارف، معاون اول مسعود پزشکیان به عنوان دبیر هیئت دولت معرفی شد، در حالی که مدتی قبل‌تر از او به عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی تصدی وزارت اقتصاد یاد می‌شد. در بهمن ۱۴۰۳ نیز شایعاتی مبنی بر انتصاب تقوی‌نژاد به عنوان رئیس کل بانک مرکزی منتشر شد که تقوی‌نژاد این شایعات را تکذیب کرد.

علی طیب‌نیا نیز از سوی برخی به عنوان گزینه احتمالی پزشکیان برای وزارت اقتصاد مطرح شده است که با توجه به بی‌میل بودن طیب‌نیا در پست‌های اجرایی احتمال معرفی او به عنوان وزیر پیشنهادی اقتصاد کم‌رنگ است.

● با استیضاح عبدالناصر همتی از سوی مجلس شورای اسلامی، رحمت‌الله اکرمی به عنوان سرپرست جدید وزارت امور اقتصادی و دارایی منصوب شد.

● علی طیب نیا، شمس‌الدین حسینی، کامل تقوی نژاد، حمید پورمحمدی، حجت‌الله صیدی، حجت میرزایی، فرید موسوی، محمد باقر نوبخت، محمدعلی دهقان دهنوی و رحمت‌الله اکرمی به عنوان گزینه‌های احتمالی وزارت اقتصاد مطرح هستند.

● در این میان روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی استیضاح همتی را به موضوع خصوصی‌سازی «ایران خودرو» نیز مرتبط دانسته است.

پس از عزل عبدالناصر همتی، با حکمی از سوی مسعود پزشکیان رحمت‌الله اکرمی برای دومین بار در شش سال اخیر سرپرست وزارت اقتصاد شد. طی شبانه‌روز گذشته نام هشت نفر از مدیران اقتصادی اصلاح‌طلب نزدیک به پزشکیان به عنوان گزینه‌های احتمالی دولت چهاردهم برای وزارت اقتصاد معرفی شده‌اند.

با استیضاح عبدالناصر همتی از سوی مجلس شورای اسلامی، رحمت‌الله اکرمی به عنوان سرپرست جدید وزارت امور اقتصادی و دارایی منصوب شد.

رحمت‌الله اکرمی پیشتر سوابقی چون معاون نظارت مالی و خزانه‌دار کل کشور در وزارت امور اقتصادی و دارایی، مشاور رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاون امور اداری، مالی و منابع انسانی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را در کارنامه داشته است.

او همچنین برای مدت دو ماه، از شهریور تا آبان ۱۳۹۷، و پس از عزل مسعود کرباسیان وزیر اقتصاد دولت روحانی، سرپرستی وزارت امور اقتصادی و دارایی را بر عهده داشت. با عزل عبدالناصر همتی و برکناری وی از دولت، مسعود پزشکیان بر اساس اصل ۱۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی موظف است یک سرپرست را برای مدت حداکثر سه ماه برای این وزارتخانه تعیین کند.

طی شبانه‌روز گذشته نام مدیرانی نزدیک به پزشکیان به عنوان گزینه‌های جایگزین عبدالناصر همتی در وزارت اقتصاد مطرح شده است؛ علی طیب نیا، شمس‌الدین حسینی، کامل تقوی نژاد، حمید پورمحمدی، حجت‌الله صیدی، حجت میرزایی، فرید موسوی، محمد باقر نوبخت، محمدعلی دهقان دهنوی و رحمت‌الله اکرمی.

وبسایت «اقتصادآنلاین» نام حجت‌الله میرزایی، کامل تقوی نژاد، شمس‌الدین حسینی و فرید موسوی را به عنوان چهار گزینه احتمالی برای معرفی به عنوان وزیر اقتصاد از سوی مسعود پزشکیان مطرح کرده است.

شمس‌الدین حسینی پیش از این در فاصله سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ وزیر امور اقتصادی و دارایی ایران بوده و در حال حاضر نماینده شهرستان‌های تنکابن، رامسر و عباس‌آباد در مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس است.

شمس‌الدین حسینی امسال نامزد چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری شد اما تأیید صلاحیت نشد. از دیگر سوابق اجرایی او «سخت‌گویی اقتصادی و رئیس کمیسیون اقتصادی دولت»، «عضو شورای حکام گروه بانک جهانی»، «بانک توسعه اسلامی»، «عضو و رئیس شورای وزیران صندوق اوپک و وزرای دارایی اکو»، «رئیس کمیسیون‌های مشترک



## بازداشت یک بلاگر خارجی در تهران به اتهام «توهین به زنان» و یک شهروند آلمانی با اتهام نامعلوم!



ساختمان مرکزی پلیس فتا در تهران

گزارش‌ها درباره بازداشت این شهروند آلمانی است و وزارت خارجه آلمان نیز اعلام کرده که «بسیار جدی» در حال مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی است.

منابع دولتی آلمان اعلام کرده‌اند «چندین شهروند آلمانی بازداشت شده در ایران را تحت حمایت خود دارد».

هنوز اطلاع دقیقی از تاریخ، محل و دلیل بازداشت این شهروند آلمانی در دسترس نیست. کانال‌های تلگرامی نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا می‌کنند هر دو نفر با اتهام امنیتی بازداشت شدند.

گروگانگیری شهروندان خارجی یا دوتابعیتی‌ها در ایران با اتهامات امنیتی از جمله «جاسوسی» یا «تصویب‌برداری از مناطق ممنوعه» روش جمهوری اسلامی برای باج‌خواهی و امتیازگیری از دولت‌های خارجی است.

کاظم غریب‌آبادی معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه جمهوری اسلامی چهارم اسفندماه خبر داد که با پیگیری‌های وزارت خارجه، قوه قضائیه و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس)، مهدی کیاستی که دولت آمریکا تقاضای استرداد او را از هلند کرده بود، به ایران بازگردانده شد. این فرد متهم به دور زدن تحریم‌های جمهوری اسلامی و ارسال قطعات ممنوعه به ایران بود.

در یکی از تازه‌ترین موارد گروگانگیری، دو شهروند بریتانیایی در کرمان بازداشت شدند. رسانه‌های حکومتی مدعی شدند جرم آنها «امنیتی» است! هوگو شورتر سفیر بریتانیا در ایران ۲۴ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ در دادسرای کرمان با آنها دیدار کرد.

پیشتر نیز چچلیا سالا خبرنگار ایتالیایی که در ایران بازداشت شده بود با محمد عابدینی نجف‌آبادی شهروند ایرانی زندانی در ایتالیا مبادله شد. او نیز با اتهامات مشابه دستگیر شده بود و آمریکا از دولت ایتالیا خواسته بود که او را استرداد کند اما مقامات ایتالیایی پس از مذاکره با دونالد ترامپ وی را متقاعد کردند که با دولت ایتالیا بتواند او را با عابدینی مبادله کند.

● رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات تهران از بازداشت یک زن خارجی در ایران به اتهام «توهین به بانوان ایرانی» خبر داد. برخی منابع غیررسمی می‌گویند این فرد شهروند افغانستانی است.

● داود معظمی گودرزی رئیس پلیس فتا تهران ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۳ عنوان کرد، این زن در فضای مجازی محتوایی ساخته که «باعث رنجیده شدن خاطر قشر زیادی از شهروندان به ویژه خانم‌ها شد».

● براساس توضیح این مقام انتظامی، «مشخص شد وی شاغل در یک سالن زیبایی غیرمجاز در تهران است و در این مرکز نیز فعالیت‌های غیرقانونی انجام می‌دهد که پس از تشریفات قضایی متهم به پلیس فتا احضار شد».

رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات تهران از بازداشت یک زن خارجی در ایران به اتهام «توهین به بانوان ایرانی» خبر داد. برخی منابع غیررسمی می‌گویند این فرد شهروند افغانستانی است.

داود معظمی گودرزی رئیس پلیس فتا تهران ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۳ عنوان کرد، این زن در فضای مجازی محتوایی ساخته که «باعث رنجیده شدن خاطر قشر زیادی از شهروندان به ویژه خانم‌ها شد».

بر اساس توضیح این مقام انتظامی، «مشخص شد وی شاغل در یک سالن زیبایی غیرمجاز در تهران است و در این مرکز نیز فعالیت‌های غیرقانونی انجام می‌دهد که پس از تشریفات قضایی متهم به پلیس فتا احضار شد».

اشاره‌ای به نام و نشان و کشوری که این تبعه خارجی اهل آن بوده نشده است.

تقریباً همزمان در ۱۱ اسفندماه ۱۴۰۳ گزارش داده شد که یک شهروند آلمانی در تهران بازداشت شده است. وزارت خارجه آلمان ضمن تأیید بازداشت این فرد اعلام کرد که در حال پیگیری وضعیت این تبعه خود است.

گفته می‌شود سفارت آلمان در تهران در حال بررسی

«دنیای اقتصاد» نوشته منابع موثقی که نخواستند نام‌شان فاش شود، چندی پیش، اصل مخالفت برخی نمایندگان با همتی را حمایت سفت‌وسخت وی از واگذاری مدیریت ایران خودرو به بخش خصوصی ذکر کردند. همتی مستقیم و غیرمستقیم نقش بسیار مهمی در به سرانجام رسیدن «ایران خودرو با مدیریت بخش خصوصی» داشت.

«ایران خودرو» بزرگ‌ترین مجموعه اتومبیل‌سازی در ایران با ۱۴۰ هزار میلیارد تومان بدهی انباشته و ساعتی ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان زیان، به عنوان زیانده‌ترین مجموعه صنعتی کشور شناخته می‌شود. بخشی از سهام این شرکت پیشتر در بورس ارائه شده و حالا دولت مسعود پزشکیان به دنبال واگذاری کل این شرکت است.

واگذاری «ایران خودرو» به یک مفسد اقتصادی با حمایت مسعود پزشکیان و عبدالناصر همتی یکی از اقدامات خرساز اقتصادی دولت پزشکیان در ماه‌های گذشته بوده است. هر چند رئیس دولت و وزیر وقت اقتصاد موافق این واگذاری بودند اما در نهایت پزشکیان توانست شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا را راضی کند که پشت این واگذاری بایستند و از آن حمایت کنند. این شورا در نامه‌ای خطاب به شورای رقابت اعلام کرد جمع‌بندی نهایی این شورا واگذاری مدیریت این مجموعه صنعتی ساخت وسایل نقلیه به بخش خصوصی‌سازی است.

یک روز پس از نامه سران هماهنگی اقتصادی سران قوا در موافقت با واگذاری رانتی شرکت «ایران خودرو»، معاون دادستان کل کشور با ارسال نامه‌ای به وزیر صمت خواستار توقف واگذاری شرکت «ایران خودرو» و هر اقدامی در اینباره شد. با اینهمه دولت کار خودش را کرد و با حمایت از برگزاری مجمع عمومی شرکت «ایران خودرو» در عمل مسیر واگذاری عمده سهام این شرکت به شرکت «کروز» را هموار کرد.

حمید کشاورز مالک شرکت تأمین قطعه «کروز» در بهمن‌ماه ۱۴۰۰ به اتهام «قاچاق سازمانیافته» محاکمه شد. بر اساس این پرونده در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹، جمعی از کارکنان شرکت «کروز» با همکاری کارمندان فرودگاه امام و گمرک، مرتکب قاچاق حرفه‌ای و سازمانیافته قطعات اتومبیل به ارزش ۳۴ هزار میلیارد تومان شده‌اند. قاضی صلواتی در شهریورماه ۱۴۰۳ درباره آخرین وضعیت پرونده «کروز» گفته بود که این پرونده شامل ۲۱۸ صفحه کیفرخواست و ۶۶ جلد پرونده است و ۱۸ متهم، از جمله ۷ کارمند گمرک فرودگاه «امام» در آن دخیل هستند.

این پرونده فساد اقتصادی دارای ابعادی گسترده بوده و یک هیئت سه نفره متشکل از کارشناسان رسمی در رشته‌های گمرکی، اقتصاد و بازرگانی، و حسابرسی و حسابداری برای بررسی این پرونده تشکیل شده است.

بر اساس کیفرخواست صادره، «حمید کشاورز توجایی متهم ردیف اول پرونده مشارکت عمده در اخلاص در نظام اقتصادی کشور از طریق سردستگی و رهبری گروه مجرمانه در زمینه قاچاق حرفه‌ای و سازمانیافته قطعات خودرو به میزان ۳۳ هزار و ۹۶۱ میلیارد و ۶۸۶ میلیون و ۴۱۹ هزار و ۱۰۰ تومان در فاصله سال‌های ۹۲/۱۰/۷ تا ۹۹/۱/۲۲ از مجرای مشارکت در پرداخت رشوه به کارکنان گمرک متهم است».

حمید کشاورز همچنین به مشارکت در اخلاص در توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی قطعات خودرو به عنوان نیازمندی‌های عمومی و تحصیل مال از طریق نامشروع به میزان ۲۲۰ میلیون و ۴۴۳ هزار و ۷۸ دلار آمریکا از شرکت‌های خودروسازی «سایپا» و «ایران خودرو» در حد فاصل سال‌های ۹۵ تا ۹۸ متهم است.

## رقابت سخت جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی در لبنان



دیدار شاهزاده فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان سعودی با نواف سلام نخست وزیر کنونی لبنان در خانه اش در بیروت / ۲۳ ژانویه ۲۰۲۵ / رویترز

و اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت می‌کنند. بر اساس این قطعنامه تنها ارتش و نیروهای پلیس و امنیت حق حمل سلاح را دارند و کلیه شبه‌نظامیان باید اسلحه‌های خود را به دولت تحویل دهند.

ژوزف عون فرمانده سابق ارتش لبنان که به کاخ ریاست جمهوری «بعبداء» رفته است، در سفر اخیرش به ریاض از شاهزاده محمد بن سلمان ولیعهد سعودی خواست که حداقل به وعده کمک سه میلیارد دلاری برای بازسازی ارتش که سال‌هاست خاک می‌خورد عمل کند، زیرا بدون تقویت ارتش امکان خلع سلاح حزب‌الله روایی بیش نخواهد بود. البته کم نیستند کسانی که در شرایط سیاسی کنونی خلع سلاح حزب‌الله را در هر صورت هدفی روایی می‌دانند. سمیر ال‌نظاری اقتصاددان لبنانی به کیهان لندن می‌گوید «پیش‌شرط هر اقدامی برای خلع سلاح شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی، انزوای سیاسی آنهاست و تنها زمانی این روند می‌تواند آغاز شود که ماشین اقتصاد دوباره به کار بیفتد و مردم دیگر خود را مجبور به گذران زندگی با کمک‌های دریافتی از تهران نبینند. تنها آن زمان است که مردم از حزب‌الله فاصله خواهند گرفت و این گروه نیز بدون مشروعیت مردمی قادر به مخالفت جدی با خلع سلاح نخواهد بود.»

سمیر ال‌نظاری در ادامه می‌افزاید «حزب‌الله را نمی‌توان بدون سر و سامان دادن به اقتصاد و بهبود وضعیت معیشتی مردم منزوی کرد. حزب‌الله در این سال‌ها با تکیه بر ضعف دولت، مشکلات اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی توانسته است نفوذ خود را در ابتدا گسترش داده و سپس حفظ کند. مردم گرسنه صدای اعتراض خود را بلند نخواهند کرد. اعتراضات اکتبر سال ۲۰۱۹ حرکتی علیه سلطه احزاب ناکارآمد بر کشور و به ویژه علیه حزب‌الله بود؛ اما با سرعت گرفتن بحران اقتصادی و سقوط آزاد پول ملی، مردم خیابان‌ها را ترک کردند. پدر از همه اینکه این شرایط مردم را وادار کرد برای دریافت حداقل کمک‌های معیشتی لب‌هایشان را بدوزند و دیگر اعتراض نکنند.»

دمشق، برگ را به نفع حزب‌الله و جمهوری اسلامی برگرداند. حالا پس از گذشت ۲۰ سال شاهد بازگشت پادشاهی سعودی با حمایت فرانسه و آمریکا به صحنه سیاسی لبنان هستیم. نقش دیپلماسی سعودی در انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل دولت جدید را نمی‌توان نادیده گرفت، اگرچه هنوز شیعیان و بخشی از نیروهای مسیحی که تحت حمایت جمهوری اسلامی قرار دارند، هرچند کم‌رنگ‌تر از پیش، در صحنه حضور دارند و توانستند در دولت نواف سلام نیز چند وزیر از جمله وزیر اقتصاد را داشته باشند.

اقتصاد لبنان دو سال است که در مرز ورشکستگی کامل قرار دارد. ارزش پوند لبنان در سال ۲۰۲۴ میلادی ۸۴ درصد کاهش یافت. سقوط آزاد پوند لبنان در سال ۲۰۲۳ آغاز شد و در حدی بود که در دوسال گذشته بانک‌ها قدرت پرداخت سپرده‌های مردم عادی را هم نداشتند. در اواخر دهه ۹۰ میلادی یک دلار آمریکایی برابر با ۱۵۰۰ پوند بود. در ماه ژانویه سال جاری برای خرید اسکناس یک دلاری صرافی‌های خیابان معروف «الحمرا» تقاضای ۱۰۰ هزار پوند می‌کردند، تازه اگر اصلاً دلاری برای فروش در اختیار می‌داشتند. در ۵ سال گذشته ۷۰ درصد از جمعیت این کشور که زمانی «عروس خاورمیانه» بود و از آن به عنوان مهم‌ترین مرکز مالی منطقه نام برده می‌شد به زیر خط فقر سقوط کرده‌اند.

البته در محلات شیعه‌نشین و روستاهای جنوب لبنان با پولپاشی‌های جمهوری اسلامی از طریق نهادهای خیریه حزب‌الله، وضعیت تا چندی پیش کمی بهتر بود. ولی امروز کمک‌های به اصطلاح خیرخواهانه جمهوری اسلامی نیز به حداقل رسیده است. وعده‌های پادشاهی سعودی نیز برای کمک به بازسازی اقتصاد لبنانی که یکی از دوستان در بیروت آن را «بیوه خاورمیانه» می‌خواند نیز هنوز روی کاغذ باقی مانده‌اند. سعودی‌ها هرگونه کمک به لبنان ویران را در پی حملات اخیر اسرائیل، و ورشکستگی اقتصادی آن را مشروط به خلع سلاح حزب‌الله

● جمهوری اسلامی که پس از ضربات اخیر اسرائیل به حزب‌الله و سقوط رژیم بشار اسد در سوریه بخش قابل توجهی از نفوذ خود را از دست داده، سخت در تلاش است که بتواند بخشی از نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در لبنان حفظ کند.

● پادشاهی سعودی نیز که پس از ترور رفیق حریری در سال ۲۰۰۵ میلادی و رشد پرسرعت حزب‌الله مجبور به ترک لبنان شده بود، با انتخاب ژنرال ژوزف عون به ریاست جمهوری و تشکیل دولت به ریاست نواف سلام در صدد است جایگاه از دست رفته را دوباره به دست آورد.

● سعودی‌ها هرگونه کمک به لبنان ویران را در پیامد حملات اخیر اسرائیل، و ورشکستگی اقتصادی آن را مشروط به خلع سلاح حزب‌الله و اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت می‌کنند. بر اساس این قطعنامه تنها ارتش و نیروهای پلیس و امنیت حق حمل سلاح دارند و کلیه شبه‌نظامیان باید اسلحه‌های خود را به دولت تحویل دهند.

● سمیر ال‌نظاری اقتصاددان لبنانی به کیهان لندن می‌گوید «پیش‌شرط هر اقدامی برای خلع سلاح شبه‌نظامیان وابسته به جمهوری اسلامی، انزوای سیاسی آنهاست و تنها زمانی این روند می‌تواند آغاز شود که ماشین اقتصاد دوباره به کار بیفتد و مردم دیگر خود را مجبور به گذران زندگی با کمک‌های دریافتی از تهران نبینند.»

احمد رأفت - در پی انتخاب رئیس جمهور در لبنان و تشکیل دولت جدید، رقابت بین جمهوری اسلامی و پادشاهی سعودی شدت گرفته است. جمهوری اسلامی که پس از ضربات اخیر اسرائیل به حزب‌الله و سقوط رژیم بشار اسد در سوریه بخش قابل توجهی از نفوذ خود را از دست داده، سخت در تلاش است که بتواند بخشی از نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در لبنان حفظ کند.

پادشاهی سعودی نیز که پس از ترور رفیق حریری در سال ۲۰۰۵ میلادی و رشد پرسرعت حزب‌الله مجبور به ترک لبنان شده بود، با انتخاب ژنرال ژوزف عون به ریاست جمهوری و تشکیل دولت به ریاست نواف سلام در صدد است جایگاه از دست رفته را دوباره به دست آورد.

تا قبل از ترور رفیق حریری، پادشاهی سعودی و دیگر کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس نقش عمده در سیاست و اقتصاد لبنان ایفا می‌کردند. نقشی که با تفاهم به دست آمده در «طائف» در سال ۱۹۸۹ میلادی توانسته بود نقطه پایانی بر جنگ داخلی در این کشور، که زمانی مهم‌ترین مرکز تجاری و مالی خاورمیانه بود، بگذارد. با بازگشت رفیق حریری به لبنان، جوانی از که از شهر بندری صیدا به پادشاهی سعودی مهاجرت کرده و به یکی از ثروتمندترین مردان این کشور تبدیل شده بود، دولتی در سال ۱۹۹۲ تشکیل شد که توانست ویرانی‌های سیاسی و اقتصادی ۱۵ سال جنگ داخلی را جبران کند. دولتی که می‌توانست روی سرمایه‌گذاری‌های پادشاهی سعودی و شرکایش حساب کند. بیروت در این دوران کاملاً بازسازی شد و بانک‌هایش مانند گذشته توانستند سرمایه‌های کشورهای عربی خلیج فارس را جذب کنند.

رفیق حریری مانعی برای رشد حزب‌الله و گسترش نفوذ جمهوری اسلامی و شرکای سوریش بود. ترور رفیق حریری در ۱۴ فوریه ۲۰۰۵ میلادی توسط عوامل وابسته به تهران و



## ارتباط مستقیم فقر و فلاکت و تورم با افزایش خشونت و بزهکاری



● افزایش خشونت و بزهکاری در حالیست که همزمان تورم روندی صعودی را طی کرده و فقر و فلاکت و محرومیت در جامعه افزایش یافته است.

● سعید معیدفر جامعه‌شناس: ضعف جامعه و ناکارآمدی دولت‌ها ریشه مشکلات متعددی از جمله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این وضعیت، یعنی تورم و بیکاری، متعاقباً موجب انواع آسیب‌های اجتماعی، بزهکاری و خشونت می‌شود.

● ارتباط مستقیم میان حاشیه‌نشینی و افزایش جرم و خشونت در حالیست که آمار جمعیت حاشیه‌نشین در ایران با سرعت رو به افزایش است. برای نمونه در برخی شهرها مانند مشهد، یک سوم جمعیت شهر حاشیه‌نشین هستند!

انواع خشونت و بزهکاری در جامعه ایران روند افزایشی دارد؛ از خشونت خانگی علیه زنان و کودکان تا خشونت در جامعه و افزایش زورگیری. کارشناسان معتقدند میان افزایش خشونت با گسترش فقر و بیکاری و نابرابری ارتباط مستقیم برقرار است.

در هفته‌های گذشته خبرهای تکانه‌دهنده‌ای از قتل زنان و کودکان به علت خشونت خانگی و افزایش آمار زورگیری و دیگر بزهکاری‌های اجتماعی منتشر شده است. افزایش خشونت و بزهکاری در حالیست که همزمان تورم روندی صعودی را طی کرده و فقر و فلاکت و محرومیت در جامعه افزایش یافته است.

رسانه‌های داخلی وز پنجشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۳ از قتل یک زن در فردیس کرج خبر دادند که با ضربات گویشتکوب توسط همسرش جان خود را از دست داد. چند روز پیش‌تر گزارش دیگری از قتل زنی به دست همسرش و به آتش کشیده شدن پیکر او در تهران منتشر شده بود.

اواخر بهمن‌ماه نیز اخباری تکانه‌دهنده از آزار و اذیت و شکنجه آنیلا، دختر بچه ۹ ساله ساکن سنجند، توسط مادرخوانده‌اش در رسانه‌ها منتشر شد.

سه روز پیش نیز خبر دیگری از شکنجه شدن امیرا توسط مادر بزرگش در ایرانشهر منتشر شد. این کودک ۱۰ ساله پس از جدا شدن پدر و مادرش، تحت سرپرستی مادر بزرگش قرار داشت.

کارشناسان یکی از ریشه‌های بروز خشونت‌های خانگی را افزایش تورم، فقر، بیکاری و نابرابری ارزیابی می‌کنند؛ همان عواملی که در افزایش بزهکاری‌های اجتماعی نیز نقش دارند.

در همین رابطه سعید معیدفر رئیس انجمن جامعه‌شناسی گفته ضعف جامعه و ناکارآمدی دولت‌ها ریشه مشکلات متعددی است، از جمله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. خود این وضعیت، یعنی تورم و بیکاری، متعاقباً موجب انواع آسیب‌های اجتماعی، بزهکاری و خشونت می‌شود.

این جامعه‌شناس با تأکید بر اینکه «به میزانی که مشکلات اقتصادی وجود داشته باشد، موجب ناهنجاری‌ها، آسیب‌ها و جرائم و بزهکاری‌ها می‌شود» گفته «بدون تردید، حرکت به سمت مشکلات بیشتر در عرصه اقتصادی، بهم خوردن تعادل‌های روحی، روانی، بی‌قانونی و بی‌هنجاری را به دنبال دارد. مجموع اینها موجب می‌شود افراد در شرایط عادی، امکان چرخاندن زندگی خود را نداشته باشند و طبیعی است در چنین شرایطی برخی افراد از راه‌های غیرقانونی، غیرهنجاری

بود استان‌های خراسان «رضوی»، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، خوزستان و تهران وضعیتی بحرانی در رابطه با حاشیه‌نشینی دارند. او خشکسالی و از بین رفتن کشاورزی را از مهمترین عوامل مهاجرت روستاییان به حاشیه‌شهرها عنوان کرده است.

معاون وزیر راه و شهرسازی توضیح داد که «در استان‌های شرقی کشور وجه مشترک علت گسترش حاشیه‌نشینی، خشکسالی‌های طولانی بوده که در ۳۰ الی ۴۰ سال گذشته رخ داده است. استان‌های خراسان، سیستان و بلوچستان و کرمان تحت تأثیر این خشکسالی قرار گرفتند. علاوه بر این، موضوع جنگ طولانی مدتی که همسایگی ایران در شرق کشورمان و در افغانستان برقرار بود، از عوامل تشدید حاشیه‌نشینی بوده است.»

سعید معیدفر جامعه‌شناس معتقد است که «این روزها شاهد هستیم که مشکلات اقتصادی به شدت بر خانواده‌ها تأثیر گذاشته است و طبیعی است که وقتی اولین سطح نیازهای افراد، مانند معیشت و امنیت مورد چالش قرار می‌گیرد، دچار تزلزل‌های روحی و روانی می‌شوند. این موضوع بسیار مهم است. وقتی افراد در شرایط عادی قرار دارند، تغییرات کوچک ممکن است به گونه‌ای باشد که آن‌ها بتوانند خود را به وضعیت عادی برگردانند، اما وقتی تغییرات بسیار زیاد می‌شود و افراد ارزیابی‌های خاص خود را از دست می‌دهند، عملاً دچار یک وضعیت استیصال می‌شوند.»

این جامعه‌شناس با تأکید بر این نکته که «برخی افراد در شرایط سخت اقتصادی، تصمیمات نادری می‌گیرند» افزوده است: «این وضعیت استیصال به این معناست که فرد هیچ راه حلی برای خروج از مشکل نمی‌بیند. در این شرایط افراد، تصمیمات نادری می‌گیرند که ممکن است منجر به خشونت‌های سهمگین علیه دیگران و حتی خشونت علیه خود فرد شود. این خشونت‌ها حتی ممکن است منجر به مرگ شود، چه مرگ دیگران و چه مرگ خود فرد.»

و غیرعرفی برای گذران زندگی خود استفاده کنند.» سعید معیدفر با اشاره به اینکه «فقر، چه فقر فرهنگی و چه فقر اقتصادی مهمترین عامل بازتولید گروه‌های بزهکار است» گفته «انسان‌ها به این دلیل به جامعه و قوانین تن می‌دهند که می‌دانند در چارچوب آن می‌توانند نیازهای اولیه خود را برطرف کنند. حال اگر نیازهای اولیه آنها از طریق قوانین، مقررات، هنجارها و عرف رایج تأمین نشود، طبیعی است که آنها به قول هابس، گرگ یکدیگر خواهند شد؛ یعنی بر سر منابع با هم خواهند جنگید، غارت خواهند کرد، سرقت و قتل انجام می‌شود و در کل هر کاری که نهایتاً فرد را برای بقای خود یاری کند، انجام خواهد شد.»

به عقیده این جامعه‌شناس، افزایش جمعیت حاشیه‌نشین نیز در افزایش بروز خشونت و بزهکاری نقش برجسته‌ای دارد: «حاشیه‌هایی که افراد در آن زندگی می‌کنند معمولاً به دلیل عدم وجود ثبات، افراد را از قواعد متن دور می‌کند. در متن، معمولاً افراد بر اساس عرف و هنجارها رفتار می‌کنند، اما در حاشیه‌ها، چون افراد انتفاعی از متن نمی‌برند، برای خود قواعد ویژه‌ای در نظر می‌گیرند. به قول جامعه‌شناسان، بجای فرهنگ اصلی، خرده‌فرهنگی با قواعد و عرف‌های جداگانه شکل می‌گیرد. اینجا بستر برای شکل‌گیری گروه‌های گانگستری آماده می‌شود.»

اشاره سعید معیدفر به ارتباط مستقیم حاشیه‌نشینی و افزایش جرم و خشونت در حالیست که آمار جمعیت حاشیه‌نشین در ایران با سرعت رو به افزایش است. برای نمونه در برخی شهرها مانند مشهد، یک سوم جمعیت شهر حاشیه‌نشین هستند!

فرشاد مومنی اقتصاددان نیز ماه گذشته اعلام کرد که ۲۵ درصد کل جمعیت کشور، حاشیه‌نشین هستند. بر اساس این آمار جمعیتی بیش از ۲۰ میلیون نفر در ایران در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند.

هفته گذشته نیز عبدالرضا گلپایگانی معاون وزیر راه و شهرسازی درباره جمعیت حاشیه‌نشین در ایران گفته

میرسلیم:

## نباید بنزین را مُفت به مردم بفروشیم!

مصطفی میرسلیم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در یک جلسه که زمان برگزاری آن مشخص نیست با انتقاد از ارزافروشی بنزین گفته «همش باید نفت بفروشیم بفروشیم، بنزین بخریم مفت بدیم، بسوزانند دود آن در حلق مردم کنند.» در این ویدیو که شامگاه سه شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۳ در شبکه‌های اجتماعی بازناب پیدا کرد، میرسلیم می‌گوید: «این به جایی نمی‌رسد؛ یک بن‌بست است؛ یک بن‌بست قاطع!» پس از چهل و شش سال به جامعه ایران ثابت شده که «بن‌بست قاطع» چیزی جز نظام جمهوری اسلامی و زمامداری مانند میرسلیم نیست!

## «رضاشاه، روحت شاد» در استادیوم آریامهر

هواداران تیم فوتبال «استقلال» (تاج) دوشنبه شب ۱۳ اسفندماه ۱۴۰۳ پس از پایان مسابقه با تیم النصر عربستان، هنگام خروج از استادیوم «آزادی» (آریامهر) شعار «رضاشاه، روحت شاد» سر دادند. این مسابقه در حالی برگزار شد که بیش از ۷۵ هزار تماشاگر به استادیوم رفته بودند. ویدیوهایی منتشر شده که نشان می‌دهند پیش از شروع مسابقه در بیرون از استادیوم، مردم و نیروی انتظامی درگیر شدند. مأموران برای متفرق کردن مردم از بانوم و گازاشک‌آور استفاده کردند.

## ابراز خرسندی شاهزاده رضا پهلوی از تصمیم دولت انگلیس مبنی بر رصد افراد مرتبط با جمهوری اسلامی در بریتانیا

پس از آنکه «اسکای نیوز» امروز سه‌شنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۳ اعلام کرد که بر اساس تصمیم دولت بریتانیا، در چارچوب رصد امنیتی «فعالیت‌های نفوذ سیاسی»، هر یک از اعضای حکومت جمهوری اسلامی ایران یا هر کسی که به نمایندگی از این حکومت در این کشور فعالیت می‌کند باید حضور خود را در بریتانیا ثبت کند وگرنه یک جرم کیفری محسوب شده و می‌تواند



ابراز خرسندی شاهزاده رضا پهلوی از تصمیم دولت انگلیس مبنی بر رصد افراد مرتبط با جمهوری اسلامی در بریتانیا

گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس:

## فرزند بیشتر، محرومیت فقرا را بیشتر می‌کند

به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی بر اساس محاسبات و یافته‌های مرکز آمار در سال ۱۴۰۲ تعداد فرزندان در خانوارهای محروم بر شدت محرومیت این خانواده‌ها افزوده است. به بیان دیگر خانوارهای محروم که فرزند ندارند کمتر از خانوارهایی که صاحب فرزند هستند، درگیر محرومیت شدید می‌شوند. روزنامه «اعتماد» ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۳ گزارش داد، در بررسی ارتباط تعداد فرزندان و محرومیت شدید خانوارهای محروم نشان داده شده که در خانوارهای بدون فرزند، فقط حدود ۳۰ درصد خانوارها دچار محرومیت شدیدند اما در عوض بیش از ۶۰ درصد خانوارهای دارای یک یا دو فرزند با محرومیت شدید روبرو هستند. بر اساس این بررسی که البته یک واقعیت بديهی است، تعداد فرزندان با میزان فقر و محرومیت خانوارها ارتباط مستقیم دارد. این در حالیست که یکی از اولویت‌های کلان علی‌خانه‌ای رهبر جمهوری اسلامی «فرزند بیشتر» و افزایش جمعیت کشور است. او می‌گوید «فرزندآوری یک جهاد بزرگ است!»

## شادباش شاهزاده رضا پهلوی به کارگردان‌های «سایه بلند سرو»

«سایه بلند سرو» به کارگردانی شیرین سوهانی و حسین ملایمی برنده جایزه بهترین انیمیشن کوتاه در نود و هفتمین مراسم اهدای جوایز اسکار شد. شاهزاده رضا پهلوی طی پیامی که در رسانه‌های اجتماعی وی منتشر شد، این موفقیت را به آنها شادباش گفت: «شادباش به هنرمندان افتخارآفرین ایران، شیرین سوهانی و حسین ملایمی، که ضمن کسب جایزه ارزشمند اسکار، صدای هم‌میهنان رنج‌دیده و شجاع خود در این آوردگاه جهانی شدند. این موفقیت بزرگ را به ملت ایران تبریک می‌گویم.» شیرین سوهانی و حسین ملایمی دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کارگردانی انیمیشن از دانشگاه هنر تهران هستند و



شادباش شاهزاده رضا پهلوی به کارگردان‌های «سایه بلند سرو»

زیباکلام:

## ترامپ «گت» استالین و هیتلر و صدام را از پشت بسته است!

صادق زیباکلام استاد پیشین دانشگاه‌های جمهوری اسلامی، در یک مصاحبه آنلاین، به انتقاد از فشار دولت آمریکا به اوکراین برای برقراری صلح پرداخته و گفته است که ترامپ از استالین و هیتلر و صدام حسین و موسولینی و همه دیکتاتورهای طول تاریخ بدتر و گت همه آنها را از پشت بسته است! وی که از سیاست اروپایی‌ها که «پشت اوکراین» ایستاده‌اند، دفاع می‌کند، توضیح نداد که پس چطور جمهوری اسلامی مورد دفاع وی، تسلیحات و انواع پهپاد برای روسیه ارسال می‌کند تا در جنگ علیه اوکراینی‌ها استفاده شود!

## اعتصاب کامیونداران در شرق اصفهان

تعدادی از رانندگان کامیون و تریلی‌های حمل بار در کمربندی شرق اصفهان چهارشنبه ۱۵ اسفندماه ۱۴۰۳ در اعتراض به شرایط کاری، مشکلات اقتصادی و گرانی لوازم یدکی و سوخت دست به اعتصاب زدند.

## اعتصاب غذا و وخامت حال ناهید شیرپیشه در زندان زنجان

ناهید شیرپیشه مادر دادخواه پویا بختیاری از جانب‌اختگان اعتراضات آبان ۹۸، که در زندان زنجان محبوس است، در اعتراض به شرایط نامناسب زندان و ادامه تبعید خود، دست به اعتصاب غذا زده است. این اقدام منجر به کاهش وزن شدید و وخامت حال عمومی او شده و خانواده وی را نگران کرده است. به گزارش خبرگزاری «هرانا»، ناهید شیرپیشه با دستور مقام‌های قضایی از حق برقراری تماس تلفنی با خانواده‌اش محروم شده است. مونا بختیاری، دختر او، ضمن اعلام این خبر، از وضعیت وخیم جسمانی مادرش ابراز نگرانی کرده و تأکید کرده است که مسئولان زندان زنجان با اینکه دوره تبعید وی به این زندان تمام شده اما از انتقال او



ناهید شیرپیشه در زندان زنجان

به زندان کرج خودداری می‌کند. ناهید شیرپیشه در تاریخ ۹ آبان ۱۴۰۱، در آستانه سومین سالگرد جان باختن فرزندش، به بهانه انتقال به بیمارستان از زندان کجویی کرج خارج و به زندان زنجان تبعید شد. وی در ۲۰ تیرماه همان سال، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود. در شهریور ۱۴۰۱، شعبه ۱ دادگاه انقلاب کرج او را به اتهام «اجتماع و تبانی و تبلیغ علیه نظام» به پنج سال حبس محکوم کرد.

در یک گفتگوی مشترک خاطرنشان کردند که «دهه پنجاه خورشیدی در ایران دهه‌ی طلایی تولید انیمیشن کوتاه بود و اگرچه شاید دیگر شبیه آن تکرار نشده اما طی یک دهه گذشته مجدداً انیمیشن‌های کوتاه ایرانی موفقیت‌های بین‌المللی بسیاری را به دست آورده‌اند.» آنها افزودند، اینکه این روند ادامه‌دار باشد و یا همچون پس از دهه پنجاه متوقف شود، بستگی مستقیم به شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران دارد.



## هشدار به جمهوری اسلامی در شورای حکام آژانس: «صبر ما بی پایان نیست!»

آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان هشدار داده‌اند در صورتی که جمهوری اسلامی همچنان از همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خودداری کند، شورای حکام باید برای گزارش تخلفات پادمانی تهران آماده باشد. این چهار کشور در بیانیه مشترک که پنج مارس ۲۰۲۵ (۱۵ اسفندماه) منتشر شد هشدار دادند که «صبرشان بی‌پایان نیست».

میخائیل اولیانوف نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی وین با انتقاد از اروپایی‌ها، فعال‌سازی احتمالی «مکانیسم ماشه» (اسنپ بک) را غیرمشروع دانست.

محسن نذیری اصل نماینده جمهوری اسلامی در سازمان‌های بین‌المللی در وین مدعی شد، «تروئیکای اروپا در جایگاه فعال‌کردن مکانیسم ماشه نیست».

## اعتراض حزب‌اللهی‌ها به بی‌حجابی در مراسم «شب معماران»

شماری از عوامل حکومت با بیش از یک ماه تأخیر نسبت به «بی‌حجابی» زنان در مراسم «شب معماران» اعتراض کرده‌اند. چهارمین مراسم «شب معماران» اول بهمن ۱۴۰۳ در بزرگداشت دکتر سیروس باور و دکتر سیاوش تیموری «پیشگامان معماری ایران نوین» در تهران برگزار شد.

در این مراسم به بهترین معماران و طراحان جوایزی اهدا شد اما حالا بی‌حجابی زنان و لباس آنها مورد انتقاد یک‌عده حزب‌اللهی قرار گرفته است!

## هیوا سیفی‌زاده بازداشت شد

هیوا سیفی‌زاده خواننده ایرانی شامگاه پنجشنبه نهم اسفندماه و در حین اجرا در «عمارت روبرو» در تهران بازداشت شد. گزارش‌ها حاکی از آنست که مأموران امنیتی اعضای گروه موسیقی را نیز به همراه هیوا سیفی‌زاده بازداشت کرده‌اند.



هنوز از اتهامات و نهاد بازداشت‌کننده این خواننده و بازیگر اطلاعاتی منتشر نشده است.

خبر تکمیلی: در پی اعلام خبر بازداشت هیوا سیفی‌زاده، عمارت روبرو با انتشار یک بیانیه در اینستاگرام خبر از تعطیلی این مجموعه فرهنگی تا «اطلاع ثانوی» داد.

همچنین این عمارت بدون اشاره به دلیل این تعطیلی از پس دادن هزینه بلیت‌ها به خریداران در اسرع وقت خبر داد.

## «سایه بلند سرو» بهترین انیمیشن اسکار ۲۰۲۵

«سایه بلند سرو» به کارگردانی شیرین سوهانی و حسین ملایمی برنده جایزه بهترین انیمیشن کوتاه در نود و هفتمین مراسم اهدای جوایز اسکار شد. شیرین سوهانی و حسین ملایمی دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کارگردانی انیمیشن از دانشگاه هنر تهران هستند و در یک گفتگوی مشترک خاطرنشان کردند که «دهه پنجاه خورشیدی در ایران دهه طلایی تولید انیمیشن کوتاه بود و اگرچه شاید دیگر شبیه آن تکرار نشده اما طی یک دهه گذشته مجدداً انیمیشن‌های کوتاه ایرانی موفقیت‌های بین‌المللی بسیاری را به دست آورده‌اند.» آنها افزودند، اینکه این روند ادامه‌دار باشد و یا همچون پس از دهه پنجاه متوقف شود، بستگی مستقیم به شرایط اقتصادی و اجتماعی ایران دارد.

## آمریکا حوثی‌های یمن را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد

مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا، سه‌شنبه ۴ مارس (۱۴ اسفندماه) اعلام کرد که حوثی‌ها در فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی ایالات متحده قرار گرفتند. او تأکید کرد این اقدام در جهت تأمین امنیت مردم و ایالات متحده اتخاذ شده است. جو بایدن در دوران ریاست جمهوری خود حوثی‌ها را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج کرد، اما دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در فرمانی نام حوثی‌های یمن را در ۲۲ ژانویه ۲۰۲۵ به فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی بازگرداند. حوثی‌های یمن با پشتیبانی سپاه پاسداران از سال ۲۰۲۳ ده‌ها بار به سوی کشتی‌های تجاری و ناوهای نیروی دریایی ایالات متحده موشک و پهپاد پرتاب کردند.

## پرواز پهپاد آمریکایی حوالی سایت‌های موشکی سپاه پاسداران

بر اساس اطلاعات وبسایت «فلایت رادار۲۴» پهپاد شناسایی MQ-4C متعلق به نیروهای آمریکایی مستقر



در خاورمیانه ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۳ هنگام گشت‌زنی بر فراز خلیج فارس وارد حریم هوایی ایران شد.

منابع غیررسمی می‌گویند این پهپاد در ۱۵ کیلومتری جزیره کیش حوالی مراکز موشکی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پرواز کرده است. سرعت این پهپاد حدود ۴۰۰ کیلومتر در ساعت است و سیستم‌های پدافندی جمهوری اسلامی در رهگیری آن موفق نبودند.

## گفتگوی روبریو و نتانیاهاو:

## «ضرورت هماهنگی برای مقابله با جمهوری اسلامی»

وزارت خارجه آمریکا ۴ مارس ۲۰۲۵ (۱۴ اسفند) اعلام کرد مارکو روبریو در گفتگو با بنیامین نتانیاهاو نخست‌وزیر اسرائیل بر لزوم «هماهنگی نزدیک میان آمریکا و اسرائیل برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی و ایجاد فرصت‌هایی برای ثبات منطقه» تأکید کرده است. وزیر خارجه آمریکا همچنین گفت که حمایت قاطع از اسرائیل اولویت اصلی دونالد ترامپ است.

## اخراج یک دانش‌آموز از مدرسه دولتی به دلیل ناتوانی پدر از پرداخت هزینه‌ای که طبق قانون اساسی نباید پردازد!

براساس ویدیوی تکان‌دهنده‌ای که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، مدیر یک مدرسه در شهرستان اشکاند اصفهان، یک دانش‌آموز را به دلیل عدم پرداخت یک میلیون و پانصد هزار تومان هزینه مدرسه، از اخراج کرده است. پدر دانش‌آموز بارها به مسئول مربوطه که طرف صحبت اوست می‌گوید که پول ندارد تا این هزینه را بپردازد. اما مسئول مدرسه بعداً «بی‌انضباطی» را به عنوان دلیل اخراج مطرح می‌کند و پدر به درستی می‌گوید مگر به خاطر بی‌انضباطی شاگرد را از مدرسه اخراج می‌کنند؟! جمهوری اسلامی بجای اجرای قانون اساسی خودش که آموزش در مدارس دولتی را تا پایان دوره متوسطه رایگان اعلام کرده، هزینه‌ها را به گردن مدیران مدرسه و خانواده‌ها انداخته که مرتب باعث درگیری بین اولیاء دانش‌آموزان و مسئولان مدارس می‌شود. قربانیان این وضعیت در درجه نخست کودکان و نوجوانانی هستند که به دلیل نداشتن امکانات مالی از تحصیل بازمی‌مانند.

سفیر ژاپن:

## حوزه علمیه قم به دنبال ارتباط با دنیای مدرن است!



تسوکادا تاماکی سفیر ژاپن در تهران در مصاحبه با خبرنگاری حوزه علمیه که ۱۴ اسفندماه ۱۴۰۳ منتشر شد گفت: «حوزه علمیه قم یکی از مهم‌ترین مراکز علمی و دینی جهان اسلام است.»

او افزود: «امروز متوجه شدم که حوزه علمیه قم هم‌زمان با فعالیت‌های علمی، به دنبال ارتباط با جامعه و دنیای مدرن است.»





### عکس هفته | درختی به یاد جانباختگان آزادی میهن

شماری از خانواده‌های دادخواه به مناسبت «روز درختکاری» (۱۵ اسفند) به یاد عزیزانشان و جانباختگان آزادی میهن، نهالی کاشتند. میثم پیرفلک نیز به یاد پسرش «کیان» و «پویا مولایی‌راد» درخت کاشت.